

وون

شنبه ۱۲ عقرب ۱۳۵۸

(۳) نوامبر ۱۹۷۹

سال سی و یکم

A-P

77-938031

شماره سی و سوم

قیمت کثیر ۱۳ افغانی



15521/0271yoo

Ketabton.com



کارکنان مجله رزوندون عید سعید اضحیٰ به پیشوا قومانده انقلاب شور رفیق حفیظ الله امین

منشی عمومی کمیته مرکزی د. خ. ا. ب. رئیس شورای انقلاب ولومیر وزیر، خلق زحمتکش

و اردو در شجاع تبریک گفته، سعادت و بهر و ز شانی خولا ستارند.

مختلف تصمیم اتخاذ و فیصله صادر کرد .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خیر میدهد از طرف حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر عنوانی چالانماب ساذلی بن جدید رئیس جمهوریت دموکراتیک خلق الجزایر به الجزیره مخابره گردیده است .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خیر میدهد از طرف حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر تلگرام تبریکه بمناسبت پنجاه و هشتمین سال تاسیس جمهوریت ترکیه عنوانی چالانماب فخری کوروتک رئیس جمهور آن کشور به انقره مخابره شده است .

بناسی از هدایت حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر مبلغ پنجاه میلیون افغانی را لوهوی وزارت به منظور اعمار منازل مسکونی برای فامیلیهای شهدای راه انقلاب از حساب مالی لوهوی وزارت در اختیار ریاست کورپراتیسف تهیه مسکن گذاشته شده است .

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان از ساعت سه و نیم الی پنج بعد از ظهر پنج غرق جمله فوق العاده بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در خانه خلق دایر گردید و در باره تجلیل از انقلاب کبیر اکتوبر مصوبه آنسی رابه تصویب رسانید :

مصوبه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مورخه شش غرق ۱۳۵۸ راجع به تجلیل شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر : بتاريخ هفت نوامبر سالجاری کشور های سوسیالیستی جنبش های بین المللی کارگری و آزادی بخش ملی و تمام محافل مترقی جهان جشنی را برگزار می نمایند که بهیچ نقطه عطف در سیر تکامل بشریت بشمار میرود



حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر هنگامیکه برای ادا نماز عید سعید اضحیٰ به مسجد جامع خانه خلق تشریف می آورند.

تمیز وزارت عدلیه، اعضای شورای عالی قضا، رئیس جمعیت العلمای اسلامی افغانستان، والی کابل و کابل شاروال اشتراک داشتند .

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر، شورای وزیران روزشش غرق از ساعت پنج بعد از ظهر تا ساعت هشت شب درخانه خلق جلسه نمود .

شورای وزیران ضمن غور و بحث روی پیشنهادات وزارت خانه ها در باره موضوعات

سعید اضحی را به ساعت ۹ صبح به امامت قاری محمدعمر درمسجد جامع خانه خلق ادا نمود و برای سعادت و رفاه خلق و شگوفانی افغانستان عزیز دعا کردند .

در ادا نماز با حفیظ الله امین اعضای بوروی سیاسی و کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اعضای شورای انقلابی و شورای وزیران، اعضای کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، جنرال ها و صاحب منصبان ارشد قوای مسلح خلق، مامورین عالیرتبه، رئیس مقام عالی

اختصاص و قایم مهم هفته

روز ۹ غرق مصادف با روز اول عید سعید اضحی بوده خلق زحمتکش مسلمان و متدین ماحلول ایام فرخنده عید را با سرور و شادمانی زاید الوصفی استقبال نمودند .

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر اولی الامر جامعه اسلامی افغانستان نماز عید



حفيظ الله امين منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلاب و ولوهری وزیر موفعیکه بیانیه شان را به مناسبت حلول عید سعید اضحیٰ ز طریق رادیو تلویزیون خلق افغانستان ایراد میکنند.

رفیق امین بعد از ادای نماز عید اضحیٰ برای سعادت خلق و شگوفانی مهین دعا کردند

متن بیانیه رئیس شورای انقلابی و ولوهری وزیر موفعیکه

عید سعید اضحیٰ

بسم الله الرحمن الرحيم
هوطنان عزیز و گرامی !

مسلمانان باشهامت و زحمتکش !
در کنار دریاهاى خروشان که از کوه های سر بفلک کشیده با میر سر چشمه می گیرد و به چنان خروشانى و شور که صدای احساسات آزادی و وطن پرستی پدران و نیاکان یا شهامت شمارا بختی می نماید و با خروشانى به جویب ها و بحار یکجا می گردد زندگی می کشد یا به امتداد هندوکش در دامنه های کوه ها و دره های سلسله کوه های سلیمان که در آن خون گلگون وطن پرستان دلاور کشور تاریخی ما افغانستان عزیز می درخشد نسیم قلعه های پامیر را احساس می نماید و با موج آب تلخ کنار بحر در گوهر راه خسار از محبت وطن پشتون هستید یا بلوچ ، تا چک هستید یا هزاره ، از یک هستید یا ترکمن ، نورستانی هستید یا مربوط بکدام قوم کشور بدری تان از صمیم قلب و با جذبات عالی به همه شما این عید سعید را تبریک می گویم و به نمایندگی همه شما حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام مندوبین دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان

به مسلمانان زحمتکش کشور های همسایه افغانستان عزیز و تمام جهان به مناسبت عید اضحیٰ همچون بریکات خویشرا تقدیم می داریم. هوطنان مسلمان زحمتکش عزیز !

عید اضحیٰ که در تاریخ اسلام نمایانگر قربانی راه عشق و صداقت می باشد مطابق تاریخ خلق با شهامت عامی درخشد زیرا امران بر افتخار پدران و نیاکان ما از همه پیشتر آن قربانی هاست که همه پشتونها ، بلوچها ، تاجک ها ، هزاره ها ، ازبکها ، ترکمن ها ، نورستانی ها و اقوام افغانستان عزیز برای صیانت کشور عزیز آبایی و مشترک شان و در راه استقلال و سر بلندی آن داده اند .

ازینجاست که غنچه و دستور هوطنان عزیز ما این است که در عید دست های خود را سرخ می کنند ، قربانی می کنند تا خون گلگون بریزد ، دوشیزگان با جادر های گلگون دستان سرخ و باهای سرخ گاز می خورند و جوانان با وامست های گلگون در حضیره های شهدا تحت بیرقهای گلگون سرخ به عیله ها و انبیا می پردازند .

عید بزرگ هوطنان ما آنست که انبیا و

عددهای دهل و دایره ها یکجا با خواندن ها و سرود های جوانان و دوشیزگان ، شهامت جوانمردی و پهرمانی پدران و نیاکان شیرصفت شان را بیاد می آورند که از هر طرف در فیر های تشنگ ها ، درخشش شمشیر ها کف زدنها ، امواج زلفها و به ارزه در آوردن زمین بر آن افتخار می شود .

در تاریخ خلق باشهامت ما روز های عید روز های خروسی و افتخار است روز های که نشانه های قربانی و آبادی می باشد روزهای یگانگی و برادری خلق است و روزهای آزادی و احترام . پس ازینجاست که این روز های خلق با شهامت و زحمتکش ما روز های عید شان است زیرا که این عید روز های انقلاب است و در این روزها ستمگران ، پاداران سرداران ، مفتخواران ، فریبکار و نیکه داران منافق عید وجود ندارند .

اکنون در افغانستان عزیز ما عید واقعی خلق مسلمان زحمتکش است شانمانی هاست و بیرقی گلگون بر افتخار ما به اهتزاز است . بخاطر حفظ وطن ، صیانت انقلاب و حفظ منافع خلق ، افسران ، خورد ضابطان و سر بازان

قهرمان دلاور ، باشهامت و با غیرت ما قربانی میدهند که امروز و فردا دشمنان انقلاب شکوهمند نور را رومیاه می سازند . در هر جا قوای مسلح قهرمان ما بیرقی های گلگون را به اهتزاز می آورند و سراداران پشتون و بلوچ ، تاجک و هزاره ، ازبک ، ترکمن و

نورستانی با شهامت ما بیرقهای سرخ در دست از قوای مسلح قهرمان و با شهامت خویش پشتیبانی می نمایند جوش و خروش ، این و خروسی می کنند .

اینک تمام خلق زحمتکش ما وطن خویشرا آباد می کنند و لبر کار خویش را خود می گیرند . پس می بینید که روزهای عید ازین جهت پرافتخار است که روز آزادی و وطن آنها نیز است این روز های عملی از افتخار عید است که روز برادری و اتحاد زحمتکشان تمام ملیت های کشور عزیز ما است . ازینرو

آنها دست بدست ، دوش بدوش با برادری و برادری کامل متحد و مانند یک مشت وطن خود را حفظ می کنند و کشور خود را آباد می سازند آنها با اطمینان و اعتماد کامل می بینند که این وطن از آنهاست ، آنها بروطن می نازند و وطن بر آنها ، این روز های استقلال کامل و آزادی وسیع است و برای تمام زحمتکشان روز های گایلا گرامی است . اینست که اکنون هر کس در برتو سرخ عضویت ، قانونیت و عدالت کامل زندگی می کند هر کس مطمئن و سرور می باشد و از اینرو این روز های عید سرخ پرافتخار است .

اینست کارگران و دهقانان مبارز انقلاب ما عدا می کنند و به آواز بلند می گویند که ای افسران قهرمان ، خورد ضابطان دلیر و سر بازان باشهامت !

لطفا ورق بزنید

عید قربان یا نمودی از خود گذری در راه ایمان و عقیده

و داخلی بعد از آنکه منافع شانرا در کشورها از دست داده اند. مانند گذشته ها بار دیگر فرنگی مشربان را همراهِ باقرنگی های تربیه شده به لباس اسلام و اسلامیت ملبوس ساخته اند تا به تخدیر افکار خلق ما بپردازند. قدسیت دین اسلام و ایمان قوی در راه اسلام تقاضا می نماید تا از نفوذ عناصر ضد دین و مذهب در آن جلوگیری شده و تمام دشمنان تاریخی اسلام و افغانستان به فرد فرد هوطن ما افتناء گردیده و در راه امحای شان از هیچگونه فداکاری دریغ نگردد.

ذبح حیوانات و ریختن خون سرخ آنها را همراه با خنای کف دست دوشیزگان افغان در ایام عید همه و همه مایه افتخارات و جانبازی های قهرمانانه نیاکان ما برای رسیدن به هدف است.

هدف کنونی تمام شهروندان در مرحله فعلی و شرایط بیکار برحق ما ایجاد چنان جامعه شگرفان در کشور ماست که تاریخ پنجپزار ساله ما هرگز چنین روزگاری نماند ندارد. خلق عاقل قرون متضاد و سالیان زیادی در برابر دشمنان گوناگون به مبارزه پرداختند، قربانی دادند و فداکاری نمودند ولی این باز فرزندان آن رادردان در جاده پر خم و پیچ دیگری برای افتناء اند که تاریخ مسیر تکاملی بشریت را از همین راه ژئوسیه مشخص ساخته است.

خلق با ایمان و باعزم افغانستان در حالیکه خاطرات گذشته را با ریختن خون حیوانات خویش زنده ساختند خود در برابر دشمنان رنگارنگ انقلاب و همین بر افتخار خویش در سنگر های نبرد طبقاتی، بدشمنان یورش می برند و سنگر به سنگر خصم خلق را به عقب زده و به پیروزی های نوین و تازه تری دست می یابند.

بگذار امپریالیسم بین المللی و ارتجاع جهانی با توطئه های شوم خویش نومیدانه مداخله نمایند. خلقهای سراسر جهان و از جمله خلق افغانستان در کار و بیکار عسدر امپریالیستی و ضد ارتجاعی خویش این توطئه هارا افتناء و خنثی می نمایند. ما باور کامل داریم که نیرو های عقب گرا در تمام نقاط جهان و منطقه مایه شکست دایمی مواجه بوده و نیرو های ترقیخواه به مقیاس سرتا سری جهان گام های مثبتی در راه پیروزی میگذارند و کامیابکاری حتمی نصیب همین نیرو ها میباشند. مادر حالیکه از جانبازی شهدای راه آزادی و حقانیت باقی گرانمایه می نماییم. از تمام هموطنان می طلبیم تا با آفرینش حماسه های نظیر نیاکان خویش راه را بسوی نبل به جامعه خواستنی هموار سازند.

زنده باد خاطره تابناک قربانیان راه خلق. برافراشته باد درفش گلگون انقلاب نور.

سیر تکامل تاریخ جهان مشحون از فدا کاری ها و جانبازی ها در راه عقیده، ایمان و ایدئولوژی بوده است که چنین کاری از همه ساخته نبوده و نیست فقط آنانی می توانند فدا کاری نمایند که ایدئولوژی را با تمام خصوصیات آن هضم کرده و به آن عادت کامل پیدا کرده باشند.

بردن فرزند و جگر گوشه خویش را در قربانگاه بخاطر یک عقیده راسخ در دست های سوزان عرب و سینه سیر ساختن ویتنامی قهرمان در برابر تشنگاران نجاوزگر نموداری از فدا کاری انسان در راه عقیده وی است. آن یکی با ایمان راسخ فرزند خویش را به قربانگاه برده و این دیگری با ایمان خسل تا پذیرفته شده ها بارهنمود های هوجوسن قهرمان در جنگل های ویتنام میا رزات چریکی را پیش برده است. چنین جانبازی ها در سراسر جهان و گران تا گران گیتی صورت گرفته است.

قهرمانان زیادی در راه خلق و ایمان قوی به عقیده خود چنان خود را فدا کرده اند. خلق کانگو هرگز فداکاری های بانویس لو مویسا را از یاد نبرده و توده های ملیونی جیلی فراموش نخواهند کرد که سلوادور آلنده فیصد تنها آخرین رقی حیات در صف ارتقا استاد و از بحولات و دگرگونی های انقلابی در کشور خویش دفاع نمود. سیاه بوستان امریکا هیچگاه مبارزات بر حق مابین لوزکینگ را برای رهائی سیاهان بیاد فراموشی ندهند و به همین ترتیب خلقهای سراسر جهان یاد این مبارزین راه بشریت و رهروان دیگر راه رهائی توده ها را از ستم و بیاد مستمران گرامی خواهند داشت و از قربانی های آنها می آموزند و خواهند آموخت.

مسلمانان تمام جهان و خلق مسلمان کشور ما نیز خاطره تابناک قربانی یکی از یثویان خویش را در راه عقیده و ایمان عمیق گرامی داشته و با الهام از آن در برابر دشمنان خلق و دولت خود به قربانی آماده می شوند خلق ما باید بدانند که آن فداکاری در دهان عصر لازمه شرایط زمانی آنوقت بود که ما با ذبح حیوانات باقی از آن می کنیم. ولی گرامی تر ازین یادان خواهد بود که در برابر دشمنان خلق و همین خویش به فداکاری و جانبازی حاضر شویم. نباید از خاطر بسرد که استعمار انگلیس چه ناسامانی هایی به ما بجا گذاشته است. آنها چگونه جنا سوسان خویش را در عبا و قبای یثویان مذهبی به کشورها فرستادند و ما را در مسجد آذان گفتند و مسلمانان ما را نماز دادند اما بالاخره افتناء شد که آنها از پدر و مادر انگلیس بوده اند.

استعمار گران و استثمار گران خارجی

دشمنان فریب خورده باشند با خیر سازند که در افغانستان فضای مملو از اطمینان و افتخار بوجود آمده است در اینجا خوشحالی و سعادت است. عجله کنید! در آبادی وطن خود به افتخار و اعتماد سهم بگیریید که ازین افتخار محروم نگردید.

در این خوشحالی با برادران و خویشاوندان خود یکجا شوید در دل های ما این تشویق است که شما برهنه نیاشید در گرسنگی به سر نبرید چشم نان بطرف دست های سیاه دیگران نیاندید در هوای سرد به تکلیف

زندگی نکنید. بیاید در وطن انقلابی شان افغانستان عزیز خروشی و خوشحالی است و بصورت قطع چیزی نیست که شما را رنج دهد و آزرده سازد و با تکلیفی برایتان ایجاد نماید. وطن از شما و شما از وطن هستید. هر چیز شما تعلق دارد عید امسال در افغانستان عزیز ما سیغه و کیفیت خاصی دارد زیرا قبل از عید یلان پنجگاله جمپوری دموکراتیک

افغانستان و سیاست اقتصادی ده ساله حزب دموکراتیک خلق افغانستان از طرف پلیتو م کمیته مرکزی حزب و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به اتفاق آراء و در امرای بر از شغف و سرور به تصویب رسید.

هر روز زندانیهای مشهور خرد و بسزرگ مانند مجس دهنرنگ دوران خاندان شاد نادر، داود می شکند و بسته می شود، زندانیان رهائی کردند و به خلق ما مطمئن کامل حاصل

می شود در بر تو شعار مصونیت، قانونیست و عدالت کار تدوین قانون اساسی به صورت جدی جریان دارد که در آن نظرات و خواسته های هزاران هموطن ما انعکاس می یابد. بعد از ایام حجه این عید بزرگه سالهاست علی دفاع از انقلاب نور به اشتراک نمایندگان همه اقشار خلق زحمتکش افغانستان با عدل بزرگی کشایش می یابد. اتحادیه نویسندگان تاسیس می شود، کنفرانس عالی سازمان خلقی جوانان دار می گردد و جرگه عظیم اتحادیه های کارگری کشور فرا خوانده می شود و با این همه اقدامات بر افتخار به منظور انکشاف تولید در کشور عزیز ما افغانستان گام های بزرگی برداشته میشود که اسباب خرسندی هر هموطن مبارز ما را فراهم می کند.

از اینجاست که افغانستان عزیز قلمس آسیا چنان در حرکت است که دلپای همه زحمتکشان مبارز تمام آسیا به افتخار آن می تابد.

در اخیر مشاهده عزیزان و هموطنان در کشور تاریخی مادر جوار هر دریا یا کنار رود بحر قرار دارید. در دست هستید یا در پیچ و خم دره ها و کوه های بدخشانی. در قتل کوه های هندوکش هستید یا در کوه های بابا سلیمان، سپین غر یا در اراضی هموار سر میگردید در سنگر هستید یا در کنت زار ها و فابریکه هر کجایی که هستید با قلب پر از محبت و احساسات گرم در عالم خیال همه شمارا در آغوش می کشیم روهای همه شمارا می بوسیم و به همه شما زندگی آبرومند نما داریم.

با احترام

ما شما افتخار می کنیم تاریخ مایه شما افتخار می نماید. مادر روشنی شمشیر شجاعت و شهنمات شما افتخار آبادی وطن را کمایی می کنیم.

پس ای برادران قهرمان، عیدتان مبارک! دوشیزگان انقلابی ما در نعره ها و صدا های شان می گویند که جادر های مسرخ مانده های غیرت، قهرمانی و دلآوری قسوی مسلح جوان قهرمان و با شهنمات ما می باشد. پس اینک ما با دست های مسرخ و لباس های گلگون به صدای بلند می گوئیم که ای

قهرمانان دلیر در سنگر های وطن، عیدتان مبارک عاقبتن داریم که زحمتکشان با شهنمات کشور های تجاوزگران و مداخله گران نیز بر شما افتخار می کنند بر شما صدا می کنند که ای شیران سنگر هر کسبیکه بر قصد استبداد و استثمار باشد بر شما افتخار دارد.

دشمنان ما می گویند و سر افکنده اند. اینک همه مردوزن صخره ها و تپه ها، دست و دهن کشور بزبان قال و حال می گویند کسه ای کارگران و دهقانان زحمتکش با شهنمات وطن افغان همه بر شما افتخار داریم که با هم متحد هستید و وطن خود را آباد می سازید. این تنها آبادی افغانستان نیست. این پیروزی انقلاب نور است. این پیروزی مرحله دیگر انقلاب کارگران است. مژده سرور زحمتکشان عظمه و جهان است.

اینک افغانستان عزیز چنان آزاد و شگرفان می شود که زود خواهد بود بر فراز آن بیرق گلگون چنان جامعه به اهتزاز آید که آنجا استثمار فرد توسط فرد نباشد، مفهوم فقر و غنا نخواهد بود ظلم و ستم وجود نخواهد داشت هر کس اقتدار کار خواهد کرد کسه قدرت آنرا دارد و مطابق کارش مزد خواهد گرفت. پروگرام سریع آبادی افغانستان عزیز مطابق به نخستین پلان پنجگاله جمپوری دموکراتیک افغانستان به پیش می رود اینست که تمام ملت های زحمتکش کشور عزیز ما با علاقه عمیق در آبادی کشور مشترک پدران و نیاکان شجاع خویش مصروف اند.

ازینرو اگر در کشور تاریخی ما امواج آبهای خت و شفاف دریا های بر افتخار در هوای گرم بلند می شود و با در هوای سرد به بحر میریزد یا در جهیل، به آبادی کشور عزیز خود مصروف می گردد به قوای مسلح خلق ما می بالد و با آن قهرمانان دلیر و با شهنمات و عاشق به وطن می نازد که با زمزمه التجار آمیز و با شهنمات شان در سنگر های خسود رنگ مسرخ انقلاب ما را مسرخ ساخته اند و افتخارات انقلاب و وطن خود را با نثار خون مسرخ خود حفظ نموده اند و یکجا با خسود افتخار آمیز قهرمان دلیر سید داود آتون که

با قربانی خود در نجات انقلاب ظرافرین نور نقش مهم بازی کرد و به دست دشمنان انقلاب کسو و شهید گردید هر روز انقلاب ما را به عید مسرخ مبدل نموده است. در این روز های آگنده از امواج انقلابی از تمام مادران، خواهران، برادران بزرگان و خردان و طن عزیز تقاضا دارم که هر چه زودتر آن عده از هموطنان ما را که به تحریک



«اکنون در افغانستان عزیز ما عید واقعی خلق مسلمان زحمتکش است شادمانی هاست و بیریق تلگون پراختخار مایه اهتزاز است.»
«از بیانیه رفیق حفیظ الله امین که بمناسبت عید سعید اضحی از طریق رادیو تلویزیون خلق افغانستان ایراد فرمودند.»

شنبه ۱۲ عقرب ۱۳۵۸ ، ۳ نومبر ۱۹۷۹

عید زحمتکشان



رفیق امین بعد از ادای نماز عید اضحی برای سعادت خلق وشگوفانی میهن دعا کردند .

قانون اساسی ماتضمن کننده تمام آزادی های دموکراتیک خواهد بود .

عید قربان یا نمودی از خود گذری در راه ایمان وعقیده .

خلق، نیروی پرتوان جامعه .

تضاد های عمده کتوری و مساله مبرم جنگ و صلح در جهان .

سه مرحله استثمار .

صنعت شیشه سازی وتاریخ چار هزار ساله آن .

هلال عید از پس پنجره .

هدف عمده دینتات .

قاعده و استثنای (جوالی) .

دکادگیری طبقی بین المللی انقلابی نهفت .

شرح پستی اول: دلچسپی خلق مارا به سواد آموزی نشان میدهد .

شرح پستی چارم: نمای از بالا حصار شهر تاریخی هرات .

«اینک تمام خلق زحمتکش ما وطن خویش را آباد می کنند ولرکار خویش را خود میگیرند پس می بینید که روز های عید ازین جهت پراختخار است که روز آبادی وطن آنها نیز است، این روزهای مملو از افتخارات عید است که روز برادری واتحاد زحمتکشان تمام ملیت های کشور عزیز ماست.»

از همینجاست که میتوان گفت همانطوریکه خلق مادست بدست هم داده وبا کار ویکار انقلابی در راه آبادی وشگوفانی وطن شان و اعمار جامعه بدون تناقضات دلیرانه و مجدانه به پیش میروند ودر قلع و قمع کردن دشمنان شجاعانه می رزمند ، طبقی ها وستمگران را دیگر توان آن نیست تا همه امتیازات جامعه را موروثی خود بدانند ودر انحصار داشته باشند.

اتحاد وهبستگی خلق ما وقرار داشتن شان در سنگر دفاع از انقلاب همه گسویای این حقیقت است که خلق ما بر سر نوشت خود حاکم اند، قربانی درراه دفاع از انقلاب ومیهن را از سنن وافتخارات دیرین شان دانسته واز عید شان در فرصتی تجلیل و بزرگداشت می نمایند که دنیای بیداد گری ونابرابری را خالنه بخشیده وستمگران را بگور نا بودی فرستاده اند .

پس این عیدرتجبران است، عید کارگران وهقانان است وعید کسانی است که پدران ولیاکان شان در راه ایمان وعقیده و عشق به میهن قربانی ها داده اند وکشورشانرا در قطار ملل جهان آزاد و سر بلند نگه داشته اند .

چاودان باد عید واقعی زحمتکشان .
فرخنده ومبارک باد آزادی کارگران و دهقانان .
سرتگون باد تیکه داران منافق و غاصبان آزادی انسان در سراسر جهان .

ارمان آنرا با خود بگورمی برد آیا عیدی هم داشت ؟ بحکم واقعیت میتوان گفت که نه هرگز نه !

ولی آنچه که این همه نابرابری ها ویسی - مبالانی ها را سر باطل گوید ودر پی ریشه کن کردن آنها بدیختی هاوسیه روزی های خلق زحمتکش برآمد، انقلاب زندگی بخش نور بادست آورد های ارزشمند وانسانی آنست زیرا این انقلاب نور است که دنیای بیداد و ستمگری را از بیخ و بن نابود کرد وبرویرانه های آن بنای عدالت، برادری وبرابری را اساس گذاشت . دیگر دهقان غلام فیودال و کارگر اسیر سرمایه دار نیست بدین مفهوم که بعد ازین نه سود خواری وجود دارد تا حاصل رنج دهقان را چپاول کند ونه استثمارگریکه خون کارگر را زیب وزینت جاه وچالش سازد .

خلق ما دیگر آزاد وآباداند وبخاطر عید واقعی که دارند بخودمی بالند . باید گفت که تاپیش از انقلاب نور زحمتکشان ما از عبدیجبت یک رسم وسنت تجلیل بعمل می آوردند واز امتیازات آن بهره می نداشتند ، زیرا هرچه بود از ستمگران وچپاولگران بود وآنها بودند که باخون خلق محافل عیاشی را گرم نگه میداشتند ولی اکنون چنان نیست، سر نوشت خلق بدست خلق است وهمه چیز در خدمت خلق زحمتکش مقرر دارد .

امروز خلق زحمتکش ما با سرفرازی تمام در آبادی وشگوفانی میهن عزیز شان میکوشند چنانچه رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومدی وزیر در بیابانه ارزشمند شان بمناسبت عید سعید اضحی از طریق رادیو تلویزیون خلق افغانستان فرمودند :

گذشته های المناک ویرانراخلق ستمکشیده مانمایانگر این واقعیت است که دولت های ستمبد ووابسته به اتجاع ، امپریالیزم

و خان سالاری آل یحیی نه تنها در فکر رفاه وآسایش خلق ما نبودند بلکه عمداتلاش داشتند تا به سیه روزی خلق وعیاشی و تن پروری خود ووابستگان شان بینمایند که این امر حتی سرور ایام فرخنده وافتخار آمیز خلق مارانیز خدشه دار ساخته وشادمانی را از آنها ربوده بود . بناء امر ایجاد بود و یا

چنین روزهای شادی آفرین دیگر محض با محافل عیاشی وباده گساری در باریان وآستان بوسان شان رنگ و روتق میگرفت و آنچه که در چنین روز ها بازمه نصیب زحمتکشان مسا میگردد همانا خدمات شاقه و طاقت فرمای بود که باید برای ارضای خاطر صاحبان زرو زور انجام می شد .

دهقانیکه در روز های مقدس عید ویا چنین ایام فرخنده وافتخار آمیز، در بزما و محافل خوشگذرانی بدار مصروف عرقریزی ویادست به سینه آماده اشاره سر بدار می بود تا خوبتر به او لبیک گفته وناسزا نشنودویازن دهقانیکه در تشویش ونگرانی آن به سر می برد نادر امور طبخ غذا های لذیذ بدار مباداغذتی از آن سرزند وسبب مسلال خاطر مهمانان نالیقدر ارباب که از یک گریبان سرمیکشیدند بشود، شب رابه بیخوابی سپری میکرد ویا کارگریکه بخاطر بدست آوردن لقمه می «بخورو

نابیر» چنین روز های فرخنده را از بام تا شام پشت ماشین میگنراند تا برانداخته مفتخواری می افزود ویا طفلی یتیمی که با سروپای برهنه بادیدن دستان رنگین ولباسهای پر زرق وبرق نودچشمی ها ونازپروردگان استثمارگران،

تضاد

تضادهای عمده کنونی و مسأله مبرم جنگ و صلح در جهان

مشخصه دوران کنونی جهان را تضاد وحدت پیکار تاریخی نیروهای بالنده و انقلابی و نیروهای میزبان و ارتجاعی تعیین می نماید. جامعه شناسان مرفقی عصر کنونی را، عصر زوال امپریالیسم و گذار از جامعه پושالی سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی دانسته و تمام تحولات و تغییرات را در پرتو همین دید علمی می سنجدند و ارزیابی ها نیز در روشنی ذوق علمی فوق برجسته می گردد.

مقدمه فشرده فوق بخودی خود نمی تواند تمام مسائل مربوط به جامعه انسانی بخصوص عصر کنونی را توضیح نماید بناء باید مختصراً در باره آرایش نیروهای اجتماعی و بخصوص تضاد های که در مقابل هم قرار گرفته و آینده جهان را بشارت می دهد به توضیح و تشریح گرفت.

پس باید با نظر انقلابی و علمی در پرتو ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر، دیدوضع و موقف نیروهای اجتماعی را با فهم تضادهای اجتماعی و طبقاتی روشن ساخت.

واقعیت های عصر و نیروهای اجتماعی که روپروی هم قرار گرفته و گرم پیکار و جدل اند میرساند که در جهان کنونی سه رشته تضاد اصلی گرم تأثیر است.

«اول تضاد بین کار و سرمایه که خود بدو شکل بروز می کند. شکل تضاد، بین کشور های سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی و نیز شکل تضاد بین جنبشهای انقلابی کارگری کشور های سرمایه داری و بورژوازی این کشور ها.

دوم تضاد بین کشورهای امپریالیستی و جنبش های رهایی بخش و ضد امپریالیستی جهان سوم، که آن نیز درین دوران اشکال مشخص و گوناگونی را بخود گرفته است. سوم - تضاد بین خود کشورهای و انحصار های امپریالیستی.

در میان تضاد های که برشمردیم به ترتیب آغاز کلام درین مقال تضاد عمده، تضاد کار و سرمایه است که به ویژه بصورت تضاد میان سوسیالیسم جهانی و امپریالیسم جهانی بروز می کند.

دانشمندان و علمای سوسیالوژی مرفقی معتقد اند که تضاد ها در میان خود تأثیر متقابل دیالکتیکی دارند و بشارت دهندگان فرداهای سعادت مند جامعه علما روابط و تأثیرات متقابل تضاد های عمده عصر کنونی را مطالعه نموده حکم می نمایند و واقعیات نیز به اثبات

رسانیده است که درین روند، رهایی کاراز سرمایه و رهایی خلق مستبدانه از بنداستعمار نو و استعمار و فرو ریختن سیستم مستعمرانه امپریالیستی چهره مشخص جهان کنونی را ترسیم می نماید چنانچه حوادث و رویدادهای زنده جهان احکام و نظریات فوق را تأیید کرده است.

بهرتر خواهد بود در اینجا برای روشنی هر چه بیشتر در باره زوال امپریالیسم و در باره تضاد های اردوگاه امپریالیستی و در گیری های علاج ناپذیران تذکراتی ارائه گردد.

تاریخ میرساند که امپریالیسم مدتهاست دچار یک بحران عمومی است که سرا پای جامعه و نظام سرمایه داری را در بر گرفته که هم در عرصه سیاست بروز نموده و هم در امور سیاسی بحران راهش را با زنده نگه داشتن

بحران عمومی نظام سرمایه داری از جنگ اول جهانی شروع شده که یکی از نتایج مهم آن انقلاب کبیر اکتوبر ایجاد اولین دولت سوسیالیستی در جهان می باشد. و وصله کاری ها شکاف ها، دیگر گذشته است دوران زلزله های بزرگ فرا رسیده است.

خلاصه اینکه امپریالیسم که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر ضربهت در هم شکست بر تسلط جهانی آن وارد ساخت و سپس در نتیجه پیروزی های تاریخی سوسیالیسم توسط جنبش جهانی کارگری انقلاب های آزادی بخش علی انجمل سیستم جهانی استعمار و مستعمرات ملل از بند رسته مواضع خود را یکی پس از دیگری از دست داده و میدهد ولی با آنهم نمیخواهد بحکم قاطع تاریخ گردن نهی و بخیل خود از صحنه تاریخ بدر رود.

امپریالیسم هر چند پیکار به تلاش می آید تا شاید بتواند تسلط خود را هرچاست است استوار سازد و هر جا از دست رفته است احیا کند.

در نتیجه همین تلاش هاست که امپریالیسم کانون های تشنج را گرم نموده و بر آتش آن نفت می ریزد و واقعیات زنده روزگار و بخصوص فعالیت گرم شبکه های جاسوسی تخریبی امپریالیستی نشان میدهد امپریالیسم دست و پاچه شده ولی از میان نرفته و باید علیه آن علما و عملا مبارزه نمود.

برای اینکه درین مبارزه کامیاب و سرافراز برآمد باید حوادث را بصورت عینی تحلیل نموده و یاد رک تضاد های زنده و دیالکتیکی

برخورد هارا ارزیابی نمود و سمت گیری سیاسی دقیق تمام سر نشینان کنونی جنبش انقلابی را روشن ساخت.

به ارتباط مطالبی که گفته آمد عمده ترین مسأله وضع کنونی را مسأله جنگ و صلح تشکیل میدهد که باید در باره مخصوصاً اشاره نمود و بیشتر توجه را روا داشت.

از دیر زمانی است که مسأله جنگ و صلح حاد ترین و اساسی ترین مسأله دوران ما شناخته شده است. این مسأله قسلاً از دومین جنگ جهانی نیز اهمیت جهانی داشت چنانچه رهبر انقلاب کبیر اکتوبر میگفت:

جنگ جهانی با چنین کیفیتی علاوه بر آنکه بزرگترین آبهنگاری است ممکن کارا به «آبودی شرایط موجودیت جامعه بشری بکشاند».

همچنان وی ضمن پیش بینی عواقب مهیب جنگ جهانی آینده می گوید: «زمانی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب خواهد گشت که اقدام به آن بکلی غیر ممکن خواهد شد».

سخنان فوق را رهبر زحمتکشان جهان در سال ۱۹۱۸ گفته است از آن زمان تا کنون بیش از نیم قرن می گذرد از آن زمان تا کنون علم و تکنیک و بمب سوزان آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است. پیدایش سلاح های مخوف اتمی، هایدروجنی، هسته ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صد ها هزار بار شدیدتر کرده است.

چون جنگ و صلح نیز دو قطب مخالف و برضد یکدیگر قرار داشته و اهمیت شایانی در زندگی بشریت دارد بناء بحث در زمینه هرگز بیجا و بی مورد نمی نماید و اندرین موضوع حیاتی نیز مختصراً پرداخته می آید.

نیازی به اثبات ندارد که زحمتکشان هرگز جنگ را یگانه وسیله رسیدن به اهداف والای انسانی خویش ندانسته و با اینکه در روند پیکار های طبقاتی جنگ ها و مبارزاتی طبقاتی به اشکال و شیوه های متنوعی زمانی رد نمی کند درگیری جنگ جهانی را هرگز نمی پذیرد، برضد جنگ افروزان، بین المللی قاطعانه به نبرد می پردازد.

مرحله دوم با جنگ دوم جهانی آغاز یافته که منجر به شکست انضاح آمیز ارتجاعی ترین پدیده امپریالیسم یعنی فاشیسم انجام میدهد و از میان ویرانه ها و شعله های جنگ دوم جهان اردوگاه عظیم سوسیالیستی بعیان آمد. مرحله سوم این بحران در سالهای پنجاه قرن جاری بدون درگیری جنگ جهانی آغاز گردید و در گوشه های مختلفه جهان بخصوص در کشورهای آسیایی و افریقایی و امریکای لاتین فروریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی و پیدایش یک سلسله کشور های نو استقلال شروع گردید و کماکان با رشد همه جانبه و نیرومندی هرچه بیشتر ادامه می یابد.

در نتیجه فرو ریختن سیستم مستعمراتی امپریالیسم بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای آزاد شده تنهابه استقلال سیاسی خویش بسنده نکرده و در جهت استقلال سیاسی تمام های نیرومندی هم در راه آزادی اقتصادی گذاشته اند که خوانا خواه امپریالیسم برای دوام زندگی و تکمیل خون توده های از بند رسته با چهره دیگر در زیر نام کمک های

اقتصادی تلاش نموده که مختصراً در باره باید پرداخت و تکنیک های استعماری ساز برعلا ساخت.

در زیر شعار تبلیغاتی و فروغ یا فسر امپریالیستی در کشورهای جهان سرچ و در تمام گیتی ایدئولوژی های امپریالیستی از یک خطر موهوم و توپوایی هم زده و راه تناسلی کردن اقتصاد را نه تنها پیشنهاد نموده اند بلکه به ارتباط سنت و تجربه و بخصوص اجر نمودن زمامداران مرتجع و وابسته به شبکه های جاسوسی و تخریبی، بودجه های سرسایه آور برای تسلیحات را تحمیل نموده و سایه شوم و خامت واد هر گوشه و کنار با نیروی های امپریالیستی گسترده نموده و انحصارات غول پیکر اسلحه سازی از راه دیگر و شیوه دیگر حرص سیری ناپذیر شائرا تبارز دادند و در فضای تیره و تاری که بنام جنگهای منطوقی و خطر هجوم موهوم بعیان آوردند عازکت های فروش اسلحه و مهمات جنگی را افتتاح و بازارش را پر درآمد ساختند.

چنانچه ایجاد ایمان های تجاوز کارانه و دامن زدن جنگهای منطوقی در سر لوحه کار امپریالیسم بعد از جنگ جهانی دوم قرار داشته و چه جنایاتی که زیر همین نظر خائنه در آسیا، افریقا و امریکای لاتین صورت گرفت و تنها خلق قهرمان و پشیمان بیش از سی سال علیه امپریالیسم جنگید که با فرجام جنگ و پشیمان در کشور تجاوزگر امپریالیستی در فابریکات اسلحه سازی پیکاری و ج گرفت.

شیوه دیگر استعمار نو استفاده از دستاورد های علمی و فنی و زرق و برق خیره کننده مدرنیسم و انواع و اقسام فرآورده های انحرافی جهان سرمایه دار است که به اصطلاح «اننجار مصرف» و رواج و فروش کالا های جاسوسی کالاهای سکس، هیروئین و دیگر انحرافات پایه جامعه گذاشته و چه تباہی های که بعیان آورده است.

همچنان امپریالیسم بعد از جنگ دوم جهانی کوشید تا پیوند های اقتصادی را با جهان سوم از تو گره بزند و تمام جعلکاران و ماهران ماهر خویش را بکار انداخت تا جهان سوم را در حیطه اقتصادی خویش نگه دارد ولی شیادی و نیروی بازی های رنگارنگ امپریالیسم جایی را نگرفت چنانچه امروز توفان عظیمی سراپای جهان سوم را فرا گرفته و روز بروز نفوذ و دامن امپریالیسم برجسته میشود. روز نامه فرانسوی «اکو» که سخن گوی نزدیک و زبان جامعه بورژوازی است

می گوید: «دوران ماستمالی ها» درین میان سوالی مطرح می شود که بروایت تاریخ بعد از اولین جنگ جهانی نخستین انقلاب کارگری به پیروزی رسید و اولین دولت سوسیالیستی بعیان آمد و همچنان بعد از جنگ دوم جهان اردوگاه و سیستم سوسیالیستی با به عرصه وجود گذاشت که عمده تابه زبان امپریالیسم و به کسح خلق سرامر گیتی انجامید و به این ترتیب گام های جدی در راه آرامی و سعادت بشر برداشته شد. پس آیا تحریم و ضدیت با جنگ جهانی درست است و یا چطور؟

بقیه در صفحه ۵۱

انقلابیون و مترقیون پیوسته در این
کشور نشاندند تا در کشور قهرمان و حماسه-
آفرین ما جامعه‌ی نوین (معنی واقعی)
کلنه نوین) ایجاد نمایند برای برآورد
شدن این هدف تعالیم کلاسیکهای این
یالوژی دوران ساز عصر ما بحیث سر مشق
قرار دارد. ایجاد جامعه‌ی نوین عیسوی
از استعمار و استثمار، میری از فقر مادی
و معنوی، عاری از طبقات مناسف، بهره-
ور از استقلال سیاسی و اقتصادی و مبتنی
بر عدول و کرامت سیاسی و اقتصادی، کار-
سازده و چند صباحی نیست. این کار نیست
شریف و عالی ولی صعب و بفرنج.

ساده نسو خانه خواهد بود اگر کسی
تصور کند که احکام ممد رج در کتاب ها
و یا تقلید تجارب دیگران برای حل این
معضله کافی است.
آنگاه هر در دست و جامع از تو ری، مطلق
لعدی همه جانبه و دقیق تجارب دیگران
شرایط ضرورت داشتن دید درست در امر
ایجاد جامعه‌ی نوین بدون استثمار فرد
از فرد در کشور باستانی ماضی ضروری
است ولی باید دانست که اینست و شرط
از شرایط لازم و ضرورت است و لیس
کافی و بسنده نیست. با این دو شرط
لازم باید دو شرط دیگر را افزود. یکی
شناخت علمی تاریخ کشور و بزه‌جینیهای
اجتماعی و درک علل کامروائی و نا کامی
آنها و با زهم بخصوص تر شناخت
علمی جنبش‌های قرن اخیر در افغانستان
و جمع بست تجارب این جنبش.
دو دیگر اینکه باید جامعه معا صر
را درست شناخت و ارزیابی صحیح کرد.
نجر به نشان داده است که محیط عقب
مانده و بطور عمده خورده یوز و انسی
کشور ما، بطرز تکرر و عمل ذهنی، اندویدوالیستی
فوق العاده میدان میدهد، و باید درصدد
زدودن همه جایهای آن برآمد.

جامعه‌ی که امروز ما مورث تغییر
آن به عهده‌ی وطن پرستان و انقلابیون
افغانستان گذاشته شده، جامعه‌ی است
سخت عقب مانده و دارای ناری بود خرافاتی
و انکشاف نیافته، بر خورد تحول طلبانه با
این جامعه مستلزم حزم و تسامح
فراوان است چه طبقات حاکمه‌ی مستحار
و سلطنت قزو دالی و دست نشانده نه تسافر
صدد تکامل و انکشاف آن نبودند بلکه
بر جهات خرافی و عقب ماندگی آن تا کید
و فشار وارد می کردند و هر چه بیشتر
در صدد تعمق عقب ماندگی و تحمق خلقهای
ساکن این جامعه بودند.

اینک انقلاب کارگری و مترقی در این
کشور پیروز شده است و خلق درصدد تحول و
انکشاف انقلابی خود و کشور خود بر آمده
است. به از نیاز و موضوع در اینجا به
بررسی مسئله‌ی تحولان رو بنا می که
آهنگ اجرای آنرا دولت جمهوری دمو-
کراتیک و حزب دموکراتیک خلق افغان-
ستان، کرده است می بر دازیم.

باید بیاد داشت که رو بنا خود نیز
در تکامل اجتماع نقش بزرگی دارد و پس.

از آنکه بر اساس زیر بنای اقتصادی
معینی بدید آمد بر زیر بنا تا لیر متقابل
می گذارد. و اما رو بنا چیست؟
رونا عبادت است از نظر سیاست سیاسی:
حقوقی، فلسفی، اخلاقی، هنری و معنوی
جامعه و نهادها و عو مسات و ساز باد
نهای مر بو ط به آنها.
بعد از پیروزی انقلاب نور و بعد از
تحول زیر بنائی فاشد را ز تطبیق اصلاحات
دموکراتیک ارضی، اینک حزب و دولت
خلق در صدد تحول رو بنا می منطبق
بان بر آمده است و در صدد آندست نا
با ایجاد محیط دموکراتیک راه تحول
جامعه راه پیش بکشا بد، یعنی تسوید،
تدوین و انفاذ قانون اساسی جدید بدبر ای
بمیان آمدن حیات قانونی دموکراتیک
تیک برای خلق افغانستان.

برای اینکه همه افشار و طبقات جامعه‌ی
ما درین تعیین مر نوسنت سیاسی
سبیم شوند کمسیون برای اینکار توظیف
شده است که نما یستدگان همه خلقها
در آن اشتراک ورزیده اند. نما بند گان
کارگران، دهقانان، اردو ی خلقی،
روشنفکران مترقی و... چنانچه حفظ الله
امین منشی عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای

سخره

خلق، نیروی

پر توان جامعه

انقلابی و لومری وزیر جمهوری دموکراتیک
افغانستان در بیانیه‌ی افتتاحیه‌ی شان
درین مورد چنین گفته اند: «از همین
جاست که کمسیون طرح قانون اساسی
جمهوری دموکراتیک افغانستان نما بند گان
تمام طبقات و اقشار مربوط به زحمت
کشان کشور ما از قبیل کارگران، دهقانان،
روشنفکران مترقی، علمای دینی و مذهبی
جوانان، معلمان و استادان، سرما درباران
علمی و تجار علمی، ملیت‌های مختلف
کشور و امثال آنرا در بر دارد تا بصورت
دسته جمعی متافع تمام نیروها و عنا صر
مر بو ط به زحمتکشان افغانستان را بخوبی
متعکس سازند... حال این سوال پیش
می آید که این قانون اساسی که در تاریخ
کشور ما او این قانون واقعا دموکراتیک
خواهد بود چه روش و مطالبی را بنا مید
احوا کند و محور اصلی محتوای آن کدام
پر تسیب باشد؟

ما در اینجا به ناسی ازین فر بوده‌ی
حفظ الله امین که همه هموطنان را بر ای
اراز نظر در چگونگی متن قانون اساسی
جمهوری دموکراتیک افغانستان دعوت نموده

است. و هکذا بادرنظر داشت تا بر -
کتیف‌های طرح شده از جانب ایشان
همچنان بادرنظر داشت ماهیت انقلاب
خلق و دولت خلقی مطالبی چند را به شکل
موجز تذکر می دهیم:
سزو حیه‌ی قانون اساسی جمهوری دمو-
کراتیک افغانستان باید در قدم اول این
خواست خلق را که با همه وجود (جان
و مال) از تمامیت ارضی کشور دفاع
کرده و می کند، بسروشنی و وضوح کامل
انعکاس دهد.

اصل انکار نباید بر هر کز همه قوای
قوتی بدست خلق باشد در راس همه
مطالب قرار داشته باشد، چه این خلق
است که تاریخ را می سازد.
حاکمیت خلق و خدمت گذاری، در راه
خلق مطلبی مهم است که در اعانت آن از
طرف طراحان قانون اساسی جمهوری دمو-
کراتیک افغانستان ضروری می باشد.
انعکاس این روحیه که سورا های
خلق میم ترین اصل پیاده کردن آنها ل
و خواست‌های خلق در عمل می باشد
باید در قانون در نظر گرفته شود.
- بمیان آمدن قوه‌ی قضائیه واقعا خلقی
و دموکراتیک.
- تأمین آزادی‌های وسیع دموکراتیک

برای همه خلق.

این یک حقیقت مسلم است که کشور ما
هرکب از اقوام و ملیت‌های مختلف و متعدد
تشکیل گردیده است که این خلقها دارای
کلتورهای غنی و متنوع بوده است. البته
همه اقوام و ملیت‌های کشور در طول
تاریخ افغانستان عزیز را مشترکاد فاع
و آباد ساخته اند. لذا باید قانون
اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان
بصورت جدی و پیگیر از وحدت ملی و از
این بردن کامل مستم ملی اتم از حقوق
طنبی قوم، نژادی قبیلوی منطوقی، و
تمام ایلات محلی که نفاق ملی را بار می آورد
دفاع و پشتیبانی را و تلیفه‌ی همه خلق
و همه از گانهای دولت بداند.

- تعیین سر نوسنت خلقهای قهرمان
پشتون و بلوچ که یکی از خواستهای
تاریخی خلق افغانستان است در قانون
اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان
باید جای خاص خود را داشته باشد.
در مسأله‌ی سیاست خارجی باید
انضای طرح نخستین قانون اساسی واقعا
دموکراتیک کشور یعنی قانون اساسی

جمهوری دموکراتیک افغانستان را تب
آنی را در نظر داشته باشند.
- تعقیب سیاست آزاد و مستقل، فعال و
صلح جو یا نه و تأیید و تقویه نهضت عدم
السلطه و داشتن سهم فعال و انقلابی در آن
دفاع همه جانبه و پیگیر از صلح جهانی
دینا لت و همزیستی مسا لت آمیز.
- استمرار روابط دوستانه با تمام کشورهای
های صلح دوست جهان و در قدم اول
کشور شوروا (اتحاد شوروی سو میاد
لیستی) و بان محافل و کشورهای نیکه اثرات
سیاسی، اقتصادی و مفا صد استعماری
نداشته باشند؟

- تقویه‌ی مناسبات با جریان‌های
انقلابی و مترقی جهان.
مجاهده در راه خلع سلاح عام و نام
و برقراری مناسبات سالم بین الفللسی
که مدافع صلح، استقلال ملی، دموکراسی،
ترقی اجتماعی و ضد امپریالیزم می باشند
و هم چنان تأیید و پشتیبانی آن ملسلو
کشورها نیکه در آسیا افریقا و امریکای
لاتین در راه رسیدن به استقلال کامل سیاسی
و اقتصادی مبارز می کنند.

- مجادله علیه جنگ‌های غیر عادلانه
و تکیه بر بندهای و اتحادیه‌های
تجاوزگر نظامی.
- تقبیح آن کشورهای نیکه در امور داخلی
سایر کشورهای برخلاف اراده‌ی خلقهای این کشور
ها مداخله، تسویش و دست درازی
می کنند.

- تأیید سازمان جهانی یونو و طرفداری
از همه اقدامات برای خلع سلاح عام و نام
و انضای ما چرا جوئی و جنگ طلبی همه‌ی
محافل ماجراجو و جنگ طلب.

- مبارزه علیه کلو نیالیزم و نیوکلو نیالیزم
و امپریالیزم، و دفاع از جنبش‌های
آزادی بخش علمی و مترقی در جهان
دفاع از اصل حق کار برای همه افراد
مستعد بکار در کشور؟ و این موضوع.

- تقویه‌ی معارف خلقی و عمومی ساختن
هر چه زود تر مواء و...

البته باید تذکر بدیم که همه مطالب
فوق در بیانیه‌ی علمی و همه جانبه‌ی
حفظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس
شورای انقلابی و لومری وزیر جمهوری
دموکراتیک افغانستان شکل عالمانه و همه
جانبه انعکاس یافته است. چنانچه
در بیانیه‌ی افتتاحیه‌ی شان بنام سبت
انگساز کار کمسیون طرح قانون

اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان
گفته اند که: «قانون اساسی جمهوری دمو-
کراتیک افغانستان باید به احسان تمام
تسی منکی نبوده محتوای کاملاً راستین
و علمی داشته باشد» و قانون اساسی
جمهوری دموکراتیک افغانستان باید اراده
و مافع خلق زحمت کش افغانستان را متعکس
سازد...»

و اما قیودی که قانون اساسی جمهوری
دموکراتیک افغانستان وضع می کند باید
کدام ها باشد؟ قانون اساسی ما همد
تطوریکه رفیق حفیظ الله امین هم گفته اند

ج- در بافتن قالین، بیش از هر چیز دیگر به پشم خوب و اعلی نیاز داریم سابق این پشم مورد ضرورت را از دستگاه های شخصی بدست می آوردیم، که از لحاظ نوعیت و جنسیت قابل اطمینان نبود. و لسی بعد از انقلاب ثور، دولت خلقی ما متوجه این مشکل قالین بافتن کشور خویش شده و برای رفع این مشکل به فابریکه پشمینه بافی قنددار هدایت داد تا پشم مورد ضرورت قالین بافتن افغانی را تهیه و بدسترس ایشان بگذارد...

همانست که امروز ما بهترین پشم را بصفت نازل ازین فابریکه بدست می آوریم.
س- دستزدیکه به کارگران این دستگاه پرداخته می شود بچه ترتیب است؟
ج- برای نو آموزانیکه تازه به بافتن قالین شروع مینمایند... ماهانه جیب خرجی از یکصدو پنجاه تا سه صد افغانی پرداخته می شود. ولی برای کارگران فنی و تجربه کار خویش سه نوع اجوره به حساب مترانه قرارذیل میردازیم:

- ۱- اجوره برای قالین درجه اول - فی متر مربع دوازده هزارو پنجاه افغانی.
- ۲- اجوره برای قالین درجه دوم- فی متر مربع هشت هزار افغانی.
- ۳- اجوره برای قالین درجه سوم، فی متر مربع شش هزار افغانی.

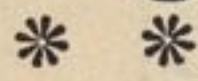
تا گفته نباید گذاشت که این دستمزد ها بعد از انقلاب ثور تعیین گردیده است. چه قیلا دستمزد کارگران قالین بافی بسیار کمتر از این بود.

س- خوب محمد عوس فساد نیسی، قسبیکه ما از قالین های شمادیدن بعمل آوردیم درحالیته هرقالین شما کلمه «کابل» به چشم میخورد، علت این کار چیست؟
ج- این اسم را ما بغلطی در حاشیه هر قالین می بافیم که در گذشته در اکثر بازار های جهان قالین افغانی بنام کشور های دیگر بفروش میرسد. بناء ما تجویز گرفتیم تا دیگر استباهی در این مورد رخ ندهد و همان است که در ختم هر حاشیه قالین اسم «کابل» را می بافیم.
س- درین دستگاه طور تخمینی روزانه چند متر قالین بافته خواهد شد؟



نمای از قالین های بافته شده درین دستگاه

مور، یابترین و خوبترین قالین افغانی



* برای جلوگیری از کس قالین چه باید کرد؟
* چرا بعضی قالین ها بعد از مدتی کیفیت و رنگ خود را میبازد؟

تاچاییکه اسناد مسو یا اسناد گنگ تاریخ ما را یاری میکند در سرزمین کهنسال هانقش قالی های ایریشمین و غیر ایریشمین در همه جایچشم میخورد.
در یاور دانشن این اتعا آثار مورخان بزرگ خارجی از استرابو و آریان گرفته تا هیوان تماگک و آنانیکه همین دیروز ها از سرزمین ما گذشته اند، دست کمک و یاری میدهند.
آری قالین... این فرش منقش و زیبا که فرش راه ستمگران بزرگ مثل چنگیز ها و شاهان مستبد بود با دست های نجیب زنان و مردان ستمکش کشور ما بافته و تولید می شد و میشود.
زن ارباب هرگز به چنین کار دشواری تن در نمیداد... قالین بافی سر انگشتان را می ساراند، قد را در جوانی کپ می سازد و گرد پشم بیماری سل بارمغان می آورد.
در تقسیم اجتماعی کار مثل همه جا این کار سخت بازهم نصیب خلق زحمتکش ما بود. در حالیکه شکوه و عظمت محصول این کار دشوار، زیبایی بخش محافل گناه آورد آدمخواران طبقاتی جهان بوده است.
کاروان ایریشمین این متاع بلشکوه کشور ما را بدورترین سرزمین های تاریخ باستان برد و آنها مشهور گردانیدند.

و مصروف آموختن صنعت قالین بافی میشوند.
س- بعقیده شما، برای آموختن صنعت قالین چند وقت لازم است؟
ج- بجواب شما باید گفته شود که آموختن صنعت قالین بسته به شوق و پشتکار یک شاگرد است ما در یسن دستگاه شاگردانی داریم که به مدت دو ماه توانسته اند یکقالین بافی خوب و ماهر شوند و خود ببحث استاد درباختن قالین سهم بگیرند، ولی هستند کسانی هم که حتی در مدت ششماه هم نتوانسته اند که از عهد بافتن یک قالین بدون رهنمایی استاد بدرشوند.
س- به مواد خامیکه برای بافتن قالین هانیاز دارید، از کجا و بچه طریق بدست می آورید؟



در بافتن قالین، بیش از هر چیز دیگر به پشم خوب و اعلی نیاز داریم

چه رنگ مصنوعی یعنی رنگهای خارجی و
 کمیاب است که بعضی از فالین با آن کشور
 مانند این رنگهای کمیاب به فالین
 دارند منتهی که البته رنگ نمودن
 به توسط این رنگهای خارجی کار است سهل
 و آسان، ولی رنگ آن به اصطلاح خلم بوده
 و به آسانی تغییر رنگ میدهد، ولی رنگ
 طبیعی رنگست که از نباتات تهیه میشود
 و این رنگ به اصطلاح ما مردم فالین بسا
 رنگ بخته بوده و هرگز و لوبعد از گذشت
 صد ها سال هم تغییر رنگ نمیدهد.

س - نباتاتیکه برای رنگ نمودن به
 فالین از آن استفاده مینمایند چه نام
 دارند ؟

ج - یکی از این نباتات دانه «رزشک» است.
 رزشک مثل گشش بوده و رنگ سرخ از آن
 بدست می آید .

دیگری بنام «اوردنگ» باد مسی شود .
 به اوردنگ هم بدست می شود و هم قسم به
 وحشی در ناک باشتهای انگور میروید . ازین
 نبات رنگهای سرخ، قهوه ای و شیر جایی
 بدست می آید .

سوم «اسیرک» است، ازین نبات رنگ
 های طلایی و زرد ساخته می شود .

چهارم به «آسیق اونی» است که رنگ آبی
 و سبز از آن ساخته میشود .

فانجم پوست جازغز است که بهترین
 و مهمترین رنگهای سنتی و قهوه ای از آن
 ساخته می شود .

س - محترم بادغیسی، بدست اگر طریق
 رنگ نمودن را برای خوانندگان محترم
 بگویند ؟

ج - حاصل نمودن رنگ به ها کار است
 مشکل، مثلا اول بدست آوردن این به های
 رنگی مشکلات فراوان دارد مرحله دوم، این
 به ها خشک میگردند ... و بعد از آن در
 دیگ های بزرگی که شما از آنها دیدن
 کردید برای ساعتها با آب جوشانده مسی
 شوند . و بعد پشم را در آن انداخته و
 چهل دقیقه دیگر آنرا میجوشانند آنگاه
 مرحله شستشو و خشک نمودن پشم فرامیرسد
 و بالاخره پشم آماده .

محترم محمد عسوف بادغیسی از
 توضیحات شما تشکر ... محترمه بیسم
 بادغیسی هم که اینجاست شرف دارند ... اکنون
 چند سوالی از ایشان مینمایم .

س - محترمه بیسم بادغیسی نقش شما درین
 دستگاه فالین باقی مانده میماند .

ج - درین دستگاه بحث معلم انبای وظیفه
 مینمایم و هم امروز سر برستی از آموزانیکه
 درین جا می آیند بعهده داریم .

س - چند سال می شود که شما بصروف
 بافتن فالین هستید ؟

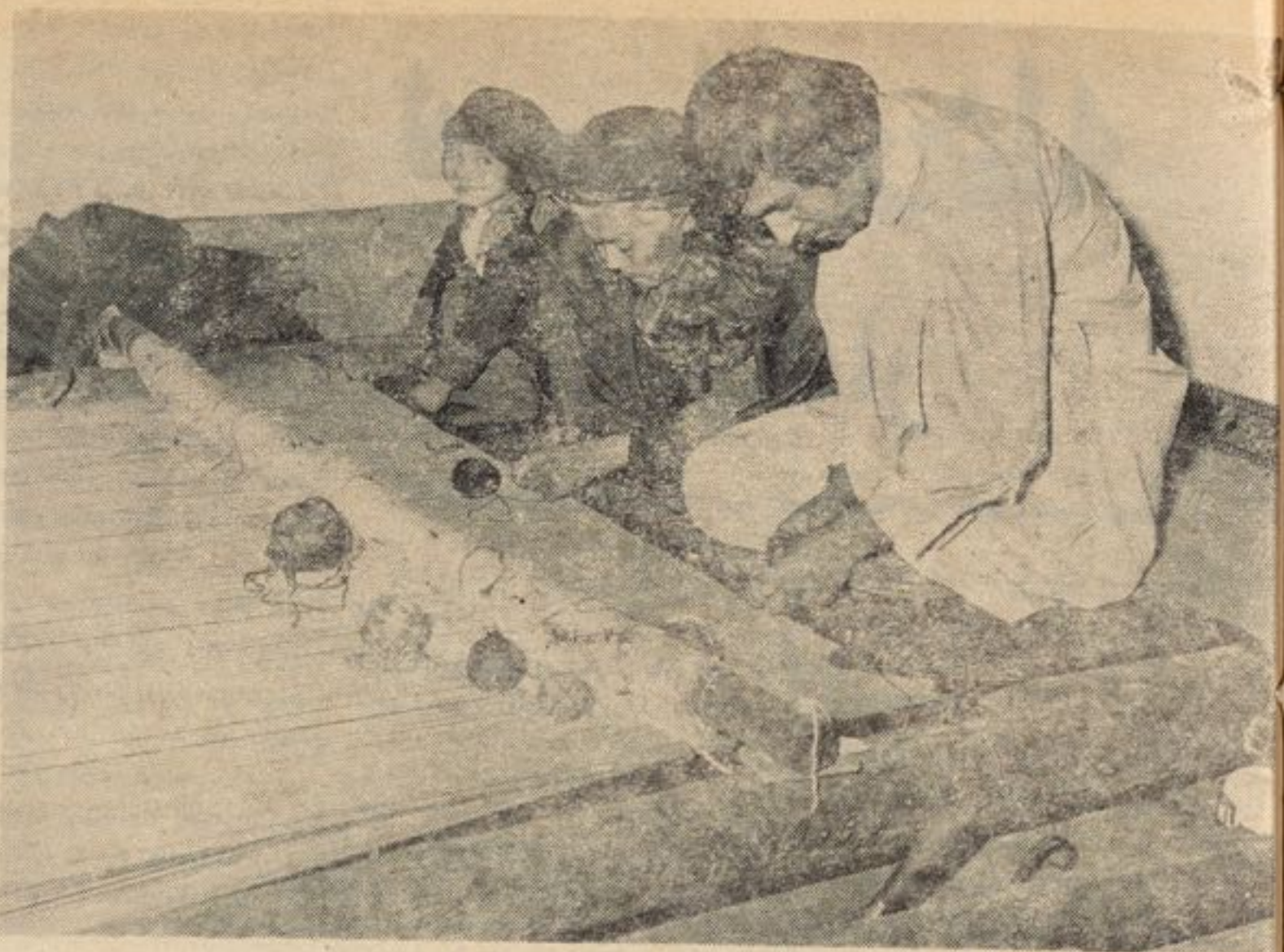
ج - در حدود بیست و پنج سال .

س - محترمه بیسم بادغیسی، چند طفل
 دارید ؟

ج - هفت فرزند دارم، پسران و دختران .

س - شما کسبه از صبح الی شام درین
 دستگاه بصروف کار هستید، آیا این
 ضرورتی شما قانع رسیدگی در امور منزل
 نمی شود ؟

ج - چه عرض کنم ؟ یکسوز و مخصوصا
 بقیه در صفحه ۵۷



هر فالین باف بزحمت میتواند، روزانه زیادتر از یک این فالین بیافد

ج - اگر مجموع کار تمام کارگران را در یک
 روز جمع کنیم فالین بافته شده درین دستگاه
 در حدود یک متر میباشد . زیرا هر فالین
 باف بزحمت میتواند روزانه زیادتر از یک این
 فالین بیافد ...

س - چرا شما فقط فالین مور میبافید ؟
 ج - برای آنکه فالین مور بهترین و خوبترین
 نوع فالین افغانی است ازینرو ما تلاش میکنیم
 که اعلی ترین و بهترین جنسیت فالین را تولید
 نمایم .

س - بعضا مشاهده میسر شد که یکفالین
 بعد از مدتی تغییر شکل میدهد یعنی به
 اصطلاح کس پیدا میکند و یا اینکه دورنگه
 می شود، علت آن چه میباشد ؟

ج - اینکه بعضی فالین ها کس پیدا میکنند
 بخاطر است که بود و تانسته فالین از پشم
 اعلی نمی باشد، یکفالین خوب باید بود
 تانسته آن یا ابر پشمی و یا اینکه از پشم
 بهاری باشد ... نه پشم تیره ای، چه
 پشم بهاری در موسم بهار چندین بار شسته
 و ترشده است، ولی پشم تیره ای که آب
 ندریده است بمجرد آنکه نم و رطوبت باورسد
 فوراً کس ایجاد مینماید . به جواب قسمت
 دوم سوال شما باید گفته شود که اگر فالین
 پس از مدتی تغییر رنگ میدهد یعنی در
 رنگ می شود بخاطر است که در رنگ نمودن
 پشم آن از رنگ های مصنوعی استفاده شده
 است . نه از رنگ طبیعی .

س - منظور شما از رنگ مصنوعی و رنگ
 طبیعی چیست ؟؟



فالین های موری افغانی در سراسر جهان
 از نظر جنسیت و بافت شهرت بسزایی دارد

سه مرحله

استثمار

چرا از بهره کمتی (استثمار) سخن زده شد؟
از لحاظ اینکه در جوامع غنی و فقیر و جود دارد.

این معنی استثمار را دارد؟ اگر مردم غریب با زوان توانا و فکر رسای خود را برای بدست آوردن اجوره و معاش یا برای تولید نعمات مادی بکار گیرند، همچنان که سرمایه دار سرمایه وزمین خود را برای سود و منفعت بکار می اندازد تمام این فعالیت ها استثمار است برای اینکه این سوال را جواب بدیم باید اولتر بدانیم که استثمار چه است؟ اگر بسا لای

یک شخصی فشار آورده شود که از قیمت حقیقی یک شیء چند زیاد به بر خازد فغان و ناله را بالا میکند. استثمار یعنی چی؟ مگر اینکه کمی عمیقتر جامعه را نگاه کنیم تا بدانیم که در جامعه استثمار انسان توسط انسان جریان دارد؟

بیش از اینکه استثمار را در جامعه نگاه کنیم، با بد نظر اندازیم کسی در کدام ادوار تاریخ استثمار موجود بود تمام علما با این نظر موافق خواهند بود که انسانها در مراحل ابتدائی مخلوق بی دفاع و تحت تاثیر طبیعت بود از نگاه وسیله بیاراکه انسان اولیه بکار می برد ابزار سنگی و دیگر وسایل سنگی بود. انسان نهی اولیه توسط وسایل دست داشته خود نمی توانستند به تنهایی خود شکار و میوه درختان را جمع کنند.

توسط این آلات ابتدائی انسانهای اولیه قدرت آنها نداشتند که حتی بسک آهروی خورد را شکار کنند پس برای اینکه از شکار دیگر حیوانات در آنها نداشتند بصورت دسته جمعی حیوانات را شکار و میوه درختان را جمع میکردند کسی که بعد از این خودها بصورت مساوی یا به تقسیم میکردند. و وسایل شکار هم مال شخصی کسی نه بلکه مال جمعیت شمرده می شد.

انسانهای اولیه که قادر به شکار و وسایل امنیت بودند، نمی توانستند که در آن مرحله بیکار بمانند شب و روز کار میکردند تا احتیاجات اولیه خود را بدست آورند. یعنی تولید اضافی نبود. ازاینکه تولید اضافی نبود استثمار هم وجود نداشت.

بنابراین در جامعه کمون اولیه تولید اضافی نبود لهذا فرق بین غریب و ثروتمند نبود. از نگاه جامعه همه مردم یکسان بود. مساوات که اساس کم یون نعمات مادی را در برداشت در تاریخ بشر بنام جامعه کمون اولیه یاد میشود. بعد از گذشت هزارها سال، انسان، اهلی ساختن حیوانات، ساختن ظروف گلی و بعدا زراعت را آموخت. در نتیجه زندگی انسان کمی اما اثر گر دید و برای پیشرفت موقع مسا شدند که تا اندازه ای تولید بیشتر بکنند، که با آمدن تولیدات اضافی استثمار فرد از فرد شروع شد. از اینجا فهمیده میشود که چطور تاریخ زندگی انسان تحول میکند. بعد از جامعه کمون اولیه به جامعه بردگسی رسید. فیودالی، جامعه سرمایه داری و بعدا به جامعه سرمایه داری متمدن تر می رسد جامعه کمون اولیه به جامعه بردگسی تبدیل شد. در حالیکه تلامها توسط تلام دارها استثمار میشدند. آنها مانند حیوانات و دیگر ابزار زراعتی مال با دار بودند عینا مثل اینکه مالک حیوان را بفرش برسانند یا بکشند یا بفروش برسانند مگر این متکوره بداند که اگر تلامها کشته شوند تلام استثمار شود؟ چون از تلامها مانند حیوانات کار گرفته می شدند، احتیاجات اولیه زندگی شان توسط میگردید. پس برای تلامها زمین، وسایل زراعت و مواد زراعتی تهیه می شد مگر تمام تولیدات که با زحمت و ترقی ریزی زیاد برده ها بدست می آمد همه حق مالک بود.

این حالت در مصر قدیم، یونان، روم و بعضی مناطقی دیگر جهان در تاریخ تلامی جریان داشت. استثمار در دوره تلامی بسیار شرم

یک فرماندهان متقاعد بحری امریکایی محاسبه نموده است که دو هزار سال قبل کشتن یک فرد دشمن برای ژولیسوس سزار هفتاد و پنج سنت خرج بر می داشت. برای ناپلیون چنین کاری سه هزار دالر تمام می شد. ایالات متحده برای عین هدف (کشتن یک نفر دشمن) در جنگ جهانی اول بیست و یک هزار دالر و در جنگ جهانی دوم دوصد هزار دالر مصرف نمود.

امروز، مسابقه تسلیحاتی جهانی سالانه مبلغ چارصد بلیون دالر (مجموعا به اندازه تولید ناخالص ملی تمام کشور های امریکای لاتین و دو چند عواید ناخالص ملی کشورهای افریقای) را می بلعد. علاوه بر آن مصارف نظامی در حال افزایش است. با حفظ اندازه موجود افزایش، مصارف روی اهداف نظامی به قول ساینس دانان، در سال ۲۰۰۰ به رقم انسانی هشت صد و بیست بلیون دالر خواهد رسید. و این وقتی است که در جهان از هر سه نفر یک نفر آن فاقد کمک طبی، از هر پنج نفر یک نفر آن بی سواد و از هفت نفر آن چیزی برای خوردن نخواهد داشت.

از مجله: سپوتنیک. ترجمه: خان محمد گوارا. نوشته: بابکوف.

مسابقه تسلیحاتی

از زمان لوئی دوازدهم تا به ناتو

بیست و پنج سال قبل، زمانیکه جهان یک سوم بوئی را که امروز برای اهداف نظامی مصرف می نماید، مصرف می نمود. دیوان آیزن

ها در رئیس جمهور آن وقت ایالات متحده اظهار نمود، هر تفنگی که ساخته میشود، هر گشتی ای که به آب انداخته می شود، هر کسی که بر تانک می گردد، در نهایت امر بیانگر دزدی از آنها می باشد که احساس سرما نمی نمایند و لباس ندارند. مسابقه تسلیحاتی خصوصا برای اقتصاد ضعیف کشور های روزه انکشاف زبان بار است. اگر چه برای آنکه از کشور های که بسیار خوشبینانه فکر می کنند که میتوانند هم مسکه و هم تفنگ داشته باشند نیز باریکی نیست. افزایش تانک ها و بیکاری، کسرات بودجه، انفلاسیون و کاهش ارزش پولی تماما محصول مستقیم مصارف زیاد نظامی می باشد.

دولت شوروی از آغاز موجودیت خود از صلح و خلع سلاح طرفداری نموده است. در کنفرانس جنوا در سال ۱۹۲۲، کنفرانس که برای اولین بار عیانت نمایندگسی شوروی استرال کرده بود، مسکو پیشنهادی را جهت

از یک دیوکی بررسی به عمل نیاوردند. آنها باید نامل می نمودند که چه وقت چنین جنگی ظهور خواهد کرد. دفتر خارجه بریتانیا اخیرا بشمول با لیه جرجیل استادسی ساله امرا اشاء نموده است که در آن به تقاضای بریتانیا و ایالات متحده در مورد اینکه اتحاد شوروی برلین و قسمت شرقی آلمان را ترک گوید و در غیر آن به تخریب اتمی تسیر های خود مواجه خواهد گردید تاکید ورزیده بود. واضعا در همان سال عابود که، باره امانت اختن غوغای بی بندوبار درباره تهدید کمونیسم. ناتو در منظره اروپا داخل گردید. پیمان اتلانتیک شمالی که توسط وزرای خارجه دوازده کشور غربی به تاریخ جایز بل ۱۹۴۹ دایر گردید هدف اولی خود را عقب زدن و در نتیجه ریشه کن ساختن سوسیالیسم اعلام داشت.

در همان ماهی که پیمان اتلانتیک شمالی عقد گردید اولین کانگره جهانی صلح برگزار گردید بیش از دو هزار هیات های نمایندگی از هفتاد و دو کشور تاکید ورزیدند که مساعی برای صلح بقیه در صفحه ۴۲

آور بود، زیرا که یک شخص بمانه مال و وسیله تولید شخص دیگری بکار برده می شد.

با پیشرفت افزار و آلات تولید و تولید انبساطی جای جای جا می بردگی جای جا می بردگی اولیه را گرفت.

با سرعت و ترقی افزار تولید جا می غلامی به جامعه فیودالی تبدیل گردید پس البته این تحولات به اشکال مختلف در جوامع مختلف بوجود آمد. مخصوصاً در آسیا فیودالیسم از نوع خاصیت و ماهیت با فیودالیسم اروپا فرق فاحشی داشت. استثمار جامعه فیودالی با تمام مشخصات آن ذیلاً شرح میگردد:

در جامعه برده گیری - برده و برده دار، در جامعه فیودالی سرف فیودالی وجود داشتند مگر طوریکه در جامعه بردگی برده مال برده دار بود در جامعه فیودالی سرف مال فیودال نبود، آنها بصورت اشکار در بازار خرید و فروش نمی شدند، آنها مربوط به زمین بودند و بدون اجازه صاحب زمین در جای دیگر رفته نمی توانستند. اگر زمین دار زمین خود را می فروخت یا کسی میداد، سرف نیز همراهی زمین

به شخص دیگر انتقال میکرد، سرف غلام زمین نامیده میشد.

چنان معمول بود که سرف برای زمین دار بدون در یافت اجوره کار نمیکرد چیزیکه تولید میکرد تماماً از زمین دار بود و حتی یک قسمت کمی از تولید هم با و کالده نمی شد. در جامعه غلامی برده دار مسئول تهیه مواد اولیه زندگی برده بود. مگر در جامعه فیودالی زمین دار این مسئولیت را مقابل سرف نداشت حالاً یک سوال پیدا میشود که سرف ها

چطور زندگی میکردند؟ آنها زندگی نمیکردند زیرا که یک زمین کو چک برای هر سرف از طرف فیودال داده میشد چند روز معین بالای زمین فیودال و چند روز معین بالای قطعه کو چک زمین خود کار میکردند که با این ترتیب زندگی بخور و نمیر خود را دوام میدادند.

اگر در جامعه سرمایه داری نظر اندازیم چه می بینیم؟ استثمار است مگر نه مثل استثمار جامعه بردگی و فیودالی. در این جامعه به یکطرف سرمایه دارها، صاحبان فابریکه، معدن، بانک و غیره که همه چیز را در اختیار دارند و دیگر طرف کارگرها که تمام نعمات مادری تولید

کرده جز بازوی توانا چیز دیگری ندارند، قرار دارد. آنها مال سرما به دار نیستند مثل آنکه در جامعه غلامی و فیودالی -

پس دانشت یعنی غلام مال برده دار و سرف هر بوطه به زمین بود. کارگرها آزاد هستند می توانند که هر جای خواسته باشند کار نمایند. به تمام این احوال

از آزادی نسبی برخوردار هستند. مگر این حقوق و آزادی شان محدود است. برای زیاد دارد. زیرا که بدون کار کردن برای سرمایه دارها نمی توانستند امرار حیات کنند. این است که برای امرار معیشت خود باید برای سرمایه داران کار کنند.

کارگر متکی به یک سرمایه دار مخصوص نیست، مگر زندگی او بطور عموم به گروه سرمایه داران بستگی دارد.

اگر او به یک سرمایه دار و یا شخصی دیگری کار نکند او نان بدست آورده نمی تواند. یا بعبارة دیگر او غلام یا سرف نبوده مگر در حقیقت برای تمام وقت یک غلام مزدور بوده است. سرمایه داران با لای صنعت و فابریکه ها قدرت و کنترل دارند تا کارگرها به تسبیح آنها کار و تولید کنند. اینست که کثرت خاصیت استثمار در جامعه سرمایه داری!

در حالیکه سرمایه دارها کارگرها را اجوره و مزد میدهند، استثمار از کجا بوجود می آید؟ از جمله تمام وقت که کارگر برای سرمایه دار کار میکند تنها قسمتی از آن اجوره کارش را تلف می کند، باقیمانده هر اندازه که کار می کند برای سرمایه دار است. مثلاً از ده ساعت کار پنج ساعت اجوره یا معاش آن بخودش باقی مانده ساعت کار دیگرش ارزش اضافی است که به جیب صاحبان فابریکه می رود. لهذا یک کارگر یا مأمور حاصل تمام مدت کار خود را که برای سرمایه دار انجام میدهد بدست نیاورده، بلکه یک قسمت حاصل کار خود را بنام مزد یا معاش گرفته باقی آن به جیب سرمایه دار می رود که آنرا ارزش اضافی میگویند.

این دلیل خنده آور نیست؟ اگر گفته شود که سرمایه دار پول خود را بکار می اندازد، ازمناد پول خود که سرمایه گذاری کرده چرا محروم شود؟ از کجا استثمار بوجود می آید؟ به همین ترتیب عین دلایل را صاحبان غلام ها و فیودالان برای رد کردن استثمار می آوردند. آنها برای خرید غلام پول نادیده نموده و برای سرف قسمتی از زمین را میدادند. علاوه بر آن برای غلام غذا و برای سرف قطعه زمین برای زندگی شان داده می

شد. پس وقتیکه حاصل زمین خود را می گرفتند چرا متهم به بهره برداری میشدند؟ امروز هیچ مشکلی در شناسایی استثمار

دوره قدیم و قرون وسطی نداریم، خاصیت و مرکز استثمار در آن دوره ها واضح و روشن است. لهذا حالا کارگر مانند غلام و سرف علنی استثمار نمیشود و لی اگر دقیق فکر شود استثمار کارگر آشکار است.

یک کارگر مانند غلام مال دیگر شخص نیست و نه او مثل سرف بسته به زمین است.

او در انتخاب کار حق دارد می تواند. طوریکه خواسته باشد کاری را بکند و دیگری کار نکند. کارگر به یک سرمایه دار مربوطه نبوده، او حق دارد هر جای و به هر کس که خواسته باشد کار کرده اجوره بگیرد. در حقیقت او غلام مزد است. از تمام ساعات کار که به سرمایه دار کار می کند یک قسمت ساعات کار خود را بنام اجوره یا مزد اخذ کرده و بقیه ساعات کارش به جیب سرمایه دار می رود.

نقطه که قابل ذکر است اینست که سرمایه از کجا بوجود می آید که سرمایه دار آنرا در جریان انداخته از آن سود میگیرد؟ همه مردم جواب این سوال را میدانند. وقتیکه کارگر در فابریکه کار میکند، نعمات مادی جدید تولید میکند که یک قسمت از زحمات کارگر صرف تولید مواد استهلاکی شده و قسمت دیگر که اشیای سرمایه داری یا تولیدی است بچشم مواد خام و ماشین بوجود آمده که از آن فابریکه جدید ساخته و فابریکه سابقه را به حالت عادی جاری نگاه میدارد. یا بعبارة دیگر قسمتی از تولید اجناس سرمایه داری تبدیل به سرمایه جدید شده و سرمایه ابتدایی توسط کار انسان خلق میشود. چطور سرمایه خلق روزه روز افزود شده می رود؟ تاریخ بصورت واضح میگوید که ابتدا جامعه سرمایه داری در انگلستان بوجود آمد. اینجا سوال پیدا میشود، که سرمایه در انگلستان چه طور و سرمایه اولی از کجا حاصل شد؟ تاریخ این سوال را چنین جواب میدهد: سرمایه از غارت و چپاول علنی ممالک ضعیف (بنام تجارت) بوجود آمد.

یا به عباره دیگر از غارت و چپاول مردمان داخل و خارج انگلستان سرمایه بوجود آمد تا باین وسیله جریخ ارباب فابریکه ها بدوران نگاه داشته شود. این دلفان ها و صنعتگران کوچک و ور شکسته دهات بود که برای امرار معیشت خود بچشم کارگر در فابریکه ها روی آوردند.

کشورهای که مستعمره انگلستان بود بطور واضح میدانند که استثمار سرمایه داری چه است. مشخصات عمده استثمار امپریالیستی این دوره پیشرفت سرمایه توسط انحصارات بزرگ امپریالیستی است که صنایع کوچک و تجارت را از بین برده و بالای جوامع ضعیف

این است که بگوئیم کارگرها استثمار می شوند. آخرین شکل استثمار سرمایه داری، استثمار امپریالیستی است.

حاکمیت خود را برقرار ساختند. دوم نمویل بولی این انحصارات از طرف بانک ها حمایت میگردید. سوم صاحبان انحصارات نه تنها

مردم کشور خود را استثمار کرد، بلکه برای مفاد بیشتر، سرمایه راندر کشور های ضعیف و کم رشد صافر میکردند این است که

چطور امپریالیسم در جهان پیداشده و مفکوره امپریالیستی بوجود آمد. صدور سرمایه به ممالک عقب مانده به منظور تنويع صنایع آنها، بلکه برای ورشکستی صنایع داخلی آنها، استفاده از ارزان بودن قوه بشری و مواد خام آن ممالک بود که حداکثر مفاد را به دست آوردند. هدف و مرام سرمایه دار های امپریالیستی آن بود که کشور های دیگر را عقب و متکی بخود نگاه داشته تا حد اعظم مفاد را گرفته و استثمار خود را بطور دائم نگاه

داشته بتوانند. چهارم، انحصار ممر های بزرگ ممالک مختلف بازار های ممالک جهان را در بین خود تقسیم میکردند، تجارت بین المللی را در قبضه خود قرار دادند تا باین وسیله استثمار خود را دوام داده تولیدات و کنترل بازار های جهان را در دست داشته باشند. مگر بعضی اوقات این حالت موفقانه پیش نمی رفت. بعضی اوقات اختلافات بین امپریالیست های ممالک مختلف راجع به استثمار یک مستعمره بوجود می آمد، که بوجود آمدن خطر جنگ را سبب می شد. مناقشات بین امپریالیست های ممالک جهان

پیدا میشد که در نهایت برای تقسیم مستعمرات بین شان جنگ در میگرفت. این است که بگوئیم جنگ خطرناک را استثمار امپریالیستی در عصر مابه عقب خود دارد.

خلاصه این قسمت: طوریکه فعلاً اجتماع بین ثروتمند و غریب تقسیم شده است و بطور دائم این تقسیم بندی دوام نخواهد داشت. در جامعه کمون اولیه همه مردم مساوی بود یا تمام مردم مساویانه غریب بود. در جامعه اولیه تولید اضافی نبود. از اینکه تولید اضافی نبود استثمار هم وجود نداشت. در نتیجه پیشرفت و وسایل تولید، تولید اضافی بوجود آمد، بعضی سعی کردند تا تولید اضافی را تصاحب شوند که این شروع دوره استثمار است. بعد از جامعه کمون اولیه یکی ی دیگری سه سیستم اجتماعی (غلامی، فیودالی و سرمایه داری) بوجود آمد.

استثمار مشترک در بین این سه سیستم اجتماعی دوام داشت، در حقیقت همه آنها با بالای استثمار استوار بود. گرچه استثمار جامعه کپیالستی مانند دو جامعه اولی (غلامی و فیودالی) آشکار نیست. مگر جامعه سرمایه داری است که قسمت بزرگ حاصل کار طبقه کارگر را می رباید.

این است که بگوئیم کارگرها استثمار می شوند. آخرین شکل استثمار سرمایه داری، استثمار امپریالیستی است.

آثار شیشه‌ی بی که مربوط قرن نهم و دهم است بیشتر آنها را گلدان های خرد بزرگ قاب های کوچک و بزرگ، عطر دانی های مختلف میسازد. که اغلب آنها بسودن تزیین است. اما در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازده تحولاتی در صنعت شیشه سازی بوجود آمد و بیشتر روی فرآورده های شیشه‌ی بی کار های تزیینی مانند کشیدن خطوط برجسته و قالبی و همچنین خطوط عربی دیده میشود. یک دسته دیگر از ظروف شیشه‌ی بی این دوره دارای تزیین مبری است که معمولاً شامل طرح های مدور و اشکال حیوانات و کنا بت بخت کوفی است. در بعضی از این ظروف طرح تزیین بوسیله دو بار مهر زدن با آلان فیچی شکلی ساخته شده و این طریقه که ظاهراً از اختراعات و ابتکارات این دوره است در ظروف مصری و سوری دیده میشود. طرح تزیینی معمولاً اشکال هندسی داشته بعضاً اشکال پرند هم دیده میشود.

تزیین ظروف شیشه‌ی بی بوسیله دایره ها یا خطوط باریک که به روی وسط ظروف اضافه میشد و در زمان رومیها زیاد رواج داشت امروز هم در آثار شیشه‌ی بی که در هرات ساخته میشود دیده میشود. بکتهاد جالب تو چه ظروف شیشه‌ی بی، مانند جاینگ، پیاله و جام های مختلف که



نمایی از کوره شیشه سازی در ولایت هرات از میان این کوره و از زیرستان این صنعت گران است که وسایل شیشه‌ی بی بیرون می‌آید

صنعت شیشه‌سازی و تاریخ ۴۰۰۰ ساله آن

شیشه‌ی بی این دوره توام باریک‌های سبز آبی و بنفش بوده. بعدها صنعت گران شیشه توانستند باقی و دم از شیشه مذاب و مایع، ظروف مختلف را بسازند. ولی تا قرن ها این صنعت گران راز ساختن صنعتشان را از مردمان دیگر مخفی داشتند. اما همانطوریکه هیچ بدیده و کشف محدود و در چار چوب باقی نمی ماند. صنعت شیشه سازی هم تنها به فنیقی ها و مصریها منحصر و محدود نماند و بسیاری از ملل دیگر توانستند به این صنعت دست یابند.

پس از ظهور اسلام مخصوصاً در قرن نهم تا دهم صنعت شیشه سازی در شرقی میانه، در مصر و سوریه رواج داشت. در اثر کتفیات و آثار بدست آمده، نشان میدهد که در هرات و سایر ولایات کشور ما صنعت شیشه سازی رواج داشته است. که میتوان تاریخ آنرا به قرن دهم میلادی نسبت داد.

چشم سر نشینان به جسم شفاف و پر درخشش افتاد که امروز بنام شیشه یاد میگردد. شاید این یک قصه بیش نباشد ولی هر حال از کشف این ماده شفاف و نسبتاً محکم چهار هزار سال میگذرد. در اثر کاوش های باستان شناسان گلوله های کوچک شیشه‌ی بی بدست آمده که تاریخ آن تا به سه هزار سال قبل از امروز میرسد. بعد ها صنعت شیشه سازی از محدوده خاص خود پا فراتر نهاده و بیشتر انکشاف نمود بدین معنی که از مقبره های مصریها و فنیقی ها آثار مانند بوتل های کوچک عطر و ظروف شیشه‌ی بی بدست آمده است. این شواهد نشان میدهد که در آن روزگار فنیقی ها و مصریها اولین کسانی بودند که به صنعت شیشه سازی دست داشتند و به تجارت آن می پرداختند.

ابتدا این صنعت خیلی ها محدود و ساده بود بدین معنی که تمام ظروف ساخته شده از شفافیت کمتری برخوردار بودند و بیشتر

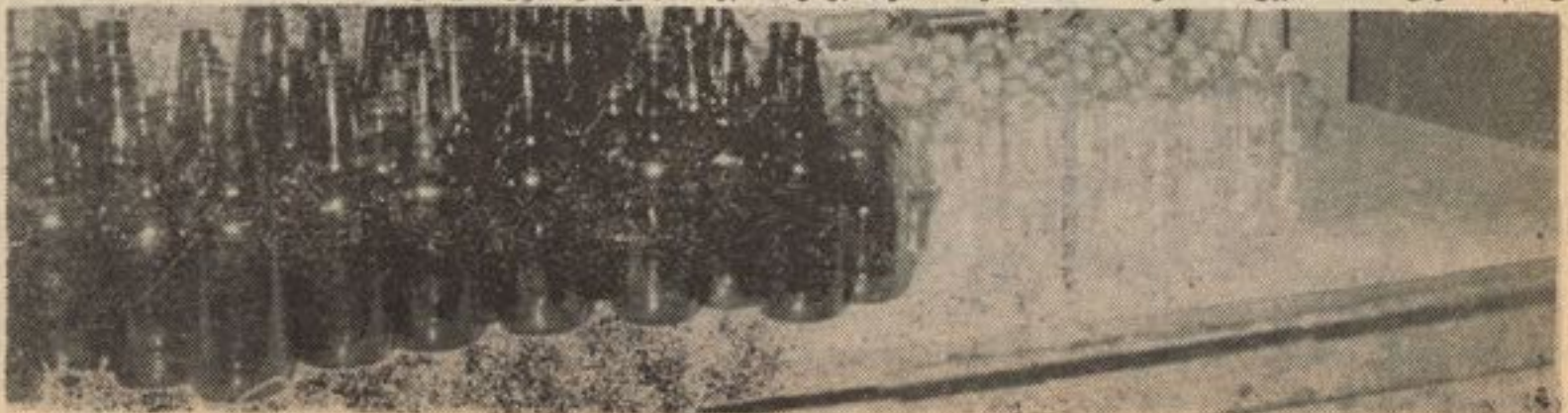
این یک حقیقت است که دست تصادفی همیشه در کشف اشیا و عناصر کمک کرده است. شاید در مورد شیشه این جسم شفاف و پر درخشش هم دست تصادفی کمک کرده باشد. تقریباً چهار هزار سال قبل از امروز شیشه در اثر تصادف کشف گردید.

میگویند در چهار هزار سال قبل در پای مدیترانه توفانی شد و این توفان بقدری شدید بود که کشتی های تجاری و مسافری آنوقت مجبور شدند به نزدیک ترین خشکه روی آورند در میان این کشتی ها که دچار توفان دهشتنا شده بود یک کشتی متعلق به تاجران ونیزی بود که مال التجاره خود را از یک شهر به شهر دیگر می بردند و قتیکه این کشتی به ساحل رسیده دیگر رمقی به سر نشینان آن نمانده بود، آتنی افروختند تا برای خودغذای بپزند و قتیکه غذا پخته شد و صرف گردید و آتنی هم خاموش شد در بین خاکستر ها



یک نمونه از بوتل های بزرگ شیشه‌ی بی

اغلب آن یا به رنگ آبی اند یا به رنگ ارغوانی که روی آنها تزییناتی مانند خطوط سفید موجدار به رنگ مرمر دیده می شود. این تزیینات بشکل نسخ بامیله باریک در موقعیکه این ظروف هنوز گرم بود با آله مانند شانه روی آن کشیده میشد و طرحهای شبیه استخوان ماهی یا شکل راه دار پاشویه بعضی گیاه ها روی ظروف ترسیم میگردد.



امروز بزرگترین رقم فرآورده های شیشه‌ی بی را بوتل های مختلف میسازد



در صنایع کیمیاوی از فرآورده های شیشه بی زیاد استفاده بعمل می آید

انکشاف می یابد علت این رکود بیشتر بخاطر انکشاف هنرهای دیگر است که هنر شیشه سازی را در بره فراموشی می سپارد ولی بعضی از مورخین علت این رکود را ناراحتی هاو جنگ های میدانند که هنر شیشه سازی در این مناطق رواج داشت .

بهر حال همانطوریکه قبلا تذکر دادیم بعد از قرن پانزده در هنر شیشه سازی در تمام کشور های که به این صنعت دست داشتند یک نوع رکود پدید آمد . اما در قرن هجدهم این هنر دو باره رونق تازه بخود میگیرد و



دو نمونه از گیلان شیشه بی و کرمستال

انکشاف قابل ملاحظه می یابد در همین آوان است که صنعت شیشه گری تحول فوق العاده می یابد و در این صنعت تازه آوری های بوجود آمد . و فرآورده تازه در صنعت شیشه سازی که بنام کرمستال است بوجود می آید .

کرمستال یا بلور در گذشته همیشه ماده افسونگر در نزد مردم بوده است و نرومندان و امیرای آن وقت معتقد به این بودند که بلور و کرمستال قادر خشنی که دارد آسیر کننده زهر را بر طرف میسازد به همین خاطر آنها ظروف غذا خوری و آب خوری خود را از کرمستال و بلور انتخاب میکردند .

ظروف بلوری که جز از شیشه است اما با خاصیت مقاومتر عموما به دو گروه تقسیم میشود :

دسته اول که روی آن ریزه کاری ها و تراش های ظریف بکار رفته از نگاه جنسیت و قیمت هم نظریه دسته دوم که کمتر کندن کاری و تراش داشته تفاوت دارد .

بلور به دو نوع ماده اطلاق میشود یکی را طبیعت میسازد و آن را از زیر خاک میان سنگ ها بیرون میکشند که بنام بلور کوهی یا صخره بی یاد میگردد که از قرن ها پیش صنعت گران از همین نوع بلور ظروف می ساختند . اما نوع دیگر آن توسط خود انسان تهیه میشود . بهتر است این نوع آنرا بلور مصنوعی بگوئیم . این کرمستال از شیشه های که درجه انکسار نور در آن به ۱۰۵۰۰۰ بالاتر باشد . این شیشه ها معمولا از مخلوط (سیلیس) (اکساید سرب) (بتاس) و توتنه های کوچک بلور یا کرمستال بوجود می آورند .

این مخلوط حرارتی تقریبا ۱۴۵۰ درجه بکار دارد تا ذوب و مذاب گردد . مدت که این مخلوط باید حرارت داده شود سی ساعت را رادر بر میگیرد تا به جوش آید . بعد صنعت گران از همین مایع جوشان با وسایلی که دارد ظروف بلوری و کرمستال را میسازند .
بقیه در صفحه ۵۱

یکی دیگر از فنون این دوره طرز حکاکی روی ظروف شیشه بی هست که شاید بوسیله جرج صورت میگرفته است .

کشف قالب در هرات و بعضی جا های دیگر نشان دهنده این امر است صنعت شیشه سازی در هرات رواج زیادی داشته .

تعداد زیادی از ظروف شیشه بی قرن هشتم و نهم شامل عطر دانی های خرد و ضخیم است که اکثرا منشوری شکل بوده و بوسیله مخلوط و شیار های افقی و عمودی بشکل دندان نایا در آورده شده است . این عطر دانی ها از شیشه ای برنگ آبی و سبز ساخته شده است . بعضی از ظروف عطر دانی های این عصر بشکل بلور بوده و این خود انکشاف این صنعت را می رساند .

صنعت شیشه سازی پس از قرن دهم تا قرن دوازدهم انکشاف قابل ملاحظه ی نمود . در ساختن ظروف شیشه بی این دوره اسلوب تازه بکار گرفته شد که دارای خصایص جالب توجه فنی است .

یکی از موفقیت های بزرگ شیشه سازان این دوره تزیین روی شیشه و نقاشی با جلا یا رنگهای میناشکل است .

بزرگترین عصر صنعت شیشه سازی از قرن دوازده تا قرن پانزده است . حلب و دمشق بزرگترین مراکز عمده صنعت شیشه سازی این دوره شمرده میشود .

در این دوره است که از شیشه شیشه های جراحی ساخته میشود که بعضی از آنها آن تاننوز درهوزه های معتبر جهان موجود است .

در اواخر قرن دوازده و اوایل قرن سیزدهم است که در صنعت شیشه سازی از آب طلا کار گرفته میشود .

ظروف شیشه مظلای این دوره را میتوان به دو دسته تقسیم کرد یکی مربوط به نیمه دوم قرن سیزدهم است و دیگری آن مربوط به قرن چهاردهم میشود .

در قرن پانزده صنعت شیشه سازی توانم با میناکاری روبه انحطاط میگذازد و کمتر



بلور یا کرمستال از فرآورده های تازه صنعت شیشه سازی در جهان محسوب میگردد

قانون اساسی ما تضمین کننده تمام آزادی های دموکراتیک خواهد بود

هم از پیش می‌بریم و همچنان کارهای
دا و طلبا که هر یک پوشتون نیز تحت نظر
من و رفقای ورزیده دیگر یک در پوشتون
وظیفه دارند صورت می‌گیرد .
به پاسخ سوالی به سخنان خود چنین
ادامه میدهد :

این یک حقیقت انکار ناپذیر و جای‌مسرت
تمام خلق شریف ماست که برای
اولین بار در تاریخ پنج‌هزار ساله افغانستان
عزیز نسوید او این قانون اساسی کارگران
دهقانان، روشنفکران و پیشه و ران
زحمتکش ما زیر کار است که در مان
درد ها و رنج های سالها ن متناهی خلق
رنجیده این سرزوبسوم خواهد بود
بدلیل اینکه برای نسوید این قانون
فرزندان صادق و راستین ما را اقتدار
زحمتکش جا معه ما گرد هم آمده اند به
یقین قانون اساسی ما قانونی خواهد بود
که تمام آزادی های دموکراتیک را
تضمین خواهد نمود و همه بقایای فئودالیزم
و امپریالیزم را به محو نابودی خواهد
کشید و با لایحه همین قانون اساسی
خواهد بود که جا معه افغانی را در مسیر
یک اجتماع رفاه و بدون هرگونه
استعمار سوق خواهد داد .

خوب محترم کشتیار به نظر شما خلق
افغانستان تحت شعار مصونیت ، قانونیت
و عدالت چه نوع زندگی خواهد داشت ؟
ساین یک حقیقت است که شعار مصونیت
قانونیت و عدالت صرف جنبه نظری
نداشته و روی عمل و واقعیت استوار است به
یقین با بد گفت که این شعار حیثیت‌بلی
را دارد که خلق زحمتکش و بلا کشیده
افغانستان عزیز را از پسمانی ها و سبیه
روزی نجات میدهد . بعد ازین خلق شریف
ما را بی موجب و به گفنه ی این و آن
آزاری نخواهد رسید و زندگی همه کسانیکه
واقعاً در اعمار افغانستان عزیز مسرکوب
شند مصون می باشد . عملی کردن همین
شعار است که همه را یک آینده سعود و
درخشان رهنمایی کرده و زمینه اعمار طبقات
متخاصم و فوارغ از هرگونه استعمار را مساعد
ساخته است .

در اخیر پیام من به کارگران، رو-
شنفکران و تمام اقشار و طبقات اینست تا
علیه هرگونه بی عدالتی مبارزه کنند ، زیرا
در شرایط کنونی و وطن و خلق ما وظایف
و مسوولیت های بس سنگینی را متوجه
مانموده اند و بیشتر از هر زمان دیگر به
کارگران، دهقانان و روشنفکران و تمام
خلق نجیب افغانستان است که از دست آورد
های انقلاب مترقی و شگوفان خویش دفاع
نمایند و همواره در نابودی دست نزنند .
گمان امیر یا لیزم و تمام گمان از نجات
و هم چنان در محو اخوان التیاس طین
مبارزات بیگرو و قهرمانان نه خویش را
شدت بخشند تا آیندگان به اعمال و
مبارزات ما بنازند و فخر کنند و همه
چنان سر مشق و نمونه برای زحمتکشان
منطقه باشند . در اخیر از شما تشکر می‌کنم
که به من اقتضای صحبت با هموطنانم
را از طریق این مجله وزین بخشیدید
به امید پیروزی حزب دموکراتیک خلق
در شگوفانی افغانستان عزیز به گفتم
خاتمه میدهم .

چون هیولای فتر و بد بختی گلوئی فامیل
ما را می فشرد در صفت‌هنگام بودم به غرض
اینکه به مکتب بروم اجباراً به شاگردی
یکتفر گلکار فرستاده شدم که روزها
در گرمی های سوزان و هم چنان در سر-



کشتیار می گوید : شعار مصونیت ، قانونیت و عدالت جنبه نظری نداشته و روی عمل و واقعیت استوار است .

زحمات چندین ساله ام بی نتیجه نمانده
کارگران مستعدیده و حق شناس ما
مانند ساکتر و وطنپرستان و آزاد بخوانان
این کشور واقعیت را تا دیده نگرفته سرا
در انتخابات عمومی اتحادیه کارگری
پوشتون کابل به اتفاق آرا بحیثیت
رئیس اتحادیه کارگران پوشتون انتخاب
نمودند ، اما نسبت مشکلات و وظیفه‌ای که
در پهلوی اتحادیه داریم از محمد طالب
کارگر یا رئیس ما در اوقات کشتش خوا-
هش نمودیم تا این سمت را بدوشش گیرد
و من به بحیثیت معاون اتحادیه به وظیفه‌ام
ادامه دادم .

فعلاً که معاون اتحادیه کارگران پو-
شتون کابل می‌باشید در پهلوی امسور
اتحادیه کدما و وظیفه دیگر هم بدوش
تان می‌باشد و یا خیر ؟
در پهلوی امور اتحادیه، وظیفه‌سابقه ام را
که سمت باغبانان عمومی پوشتون بود، حالا

مای جانفرمای زمستان تلاش می‌کردم
تا مبادا پدر و مادر رنجیده ام زیاد ازین
دستخوش تلاطم امواج بی رحم فقر و بد-
بختی گردند تا اینکه نیمه گلکار شدم
چون در آن وقت پولی را که از کار گلکاری
بدست می‌آوردم تکافوی جای و نمان
فامیل ما را نمیکرد ناچار به باغبانی رو آوردم
و در سال ۱۳۳۱ در موسسات صبحی پوشتون
بحیث باغبان پذیرفته شدم مدت هفت
سال باغبان (خدمت کار گلها و درختان)
موسسات صبحی پوشتون بودم که بعد از
هفت سال باغبانی نظریه تعلق و عشق که
به کار خود داشتم به صفت باغبانان-
شناخته شدم .

قسمیکه رنجها ، تکالیف و ناپسندی
های دوران آل یحیی به یادش آمده ، حالا که
دایماً بستم بر لبانش می‌باشد همین
لحظه از چشمانش علامات درد و تکالیفی
را که در گذشته‌ها سبب سیری نموده معلوم می

پیروزی انقلاب شکوهمند نور در کتانی
شده پیروزی ها و پیشرفت های اجتماعی
و اقتصادی در افغانستان عزیز می باشد که
با پیروزی این انقلاب نظر آفرین ، در جامعه ما گلم
همه بد بختی ها و ناپسامانی ها چیده شده
و خلق شریف و زحمتکش ما در راه اعمار یک
جامعه رفاه ، آرام و فوارغ از استعمار فر داز فرد
گام های متین و پیروزمندان برداشته و هر آن
حاضر و آماده هر گونه فداکاری می‌باشند
به کسانی که در گذشته با دیده حسارت نگاه
میشد امروز با حقین عالم و نام تحت شعار
مصونیت ، قانونیت و عدالت اعمار وطن بدست
ایشان قرار دارد . کارگر اینکه واقعاً در راه
اعمار کشور خود می‌کوشیدند و لقمه نان بخور
و نمیر برایشان داده می‌شد امروز زحمات

و جانفشانی شان به هدر رفته و مطابق به استعداد
شان به کار گماشته شده اند .
خبر نگار مجله زونون جهت معرفی
و ترویج هرچه بیشتر کارگران جوان و فعال
با معاون اتحادیه کارگران پوشتون کابل
مصاحبه نموده که اینک تقدیم خوانندگان
محترم زونون میگردد :

محترم محمد کاظم کشتیار اولتر از همه بگوئید
که تا کدام صنف درس خوانده‌اید ؟

با وجود آنکه تعلق و آفری به تحصیل
و دانش دا شتم نتوانستم بیشتر از صنف
هفتم به مکتب بروم . چرا که از یکطرف
مشکلات زیاد اقتصادی دامنگیر فامیل
ما بود و از جانبی هم فرزندان قتر یا این
جامعه آقدرها به ساحات علم و دانش
راه نداشتند این شوقلت عمده مسدود راه
تحصیلاتم گردیده و از تحصیل باز ماندم

دزیری وال بانک رئیس را برت مکتا ما را
به بلگراد کتبی دبا تک په کالنی غولپه کتبی
کله چه نرد پر مختیا د درسی لسیزی به
هکله دیوی ستر ا تیزی پیشنهاد کا وهی
وییل:

دجنوب او شمال خبری ا نری اد عاوی
او غو ینتی دو مره په فروغا تو کتبی
پوی دی چه نردی دی اصلی هد فو لسه
هیر کاندی .
مکتامارا وییل :

۱۹۸۰-کال په هکله دپرمختیایسی
ستر ا تیزی یوه طرح دزیری تو لئو لسه
دانکشافی نو یوه دوفونو د خیر نیو لسه
پاره یو ارز ینتا که فرصت او موقع
په لاس ورگوسی ، او هم د عفو ستو-
نرو دیر مختگ دسر ته رسو لو به لارکتی
لکه سدنفوسو زیاتوالی ، دغذا تولیدد
کار برابر ول ، دنیا رونو پرا ختیای
دفتر او لو زی کم والی دزیری الوی سود-
گری پر اختیا ، او همدا راز د بانگر اجولو
انکشاف او پر مختیا به هراړ خیزه تو که
دپرو سترو تنکیلا تی بدلو نونو لسه
او نیا لری .

او په پرمختیا تی رسمی مرستو کتبی به جدی
توکه او په زیاتنه پیماننه و لیسر ل
سی ، چی دغه کار دلرگتو هیوادو درنیتینی
شمیر حال بن سانلی دی ، اوهم عفو
کتبو او عوایدو چی په خینو خایو نو
کتبی هغو ته زیسته زیاته او نیا وه دپره
لره وده کړیده ، دغه راز په هغو نیستمنو
هیوادو نو کتبی چه دزیری نیماپی نفوس
په هغو کتبی ژوند لری او هم ددغو زیاترو
هیوادو نو اقتصاد چه او س تی په سلگونو
ملیو نو نفوس د مطلق فقر او لو پی سره
مخامخ تی په مشکل سره تی که پر مختیا
مو ند لری ده .

دزیری وال بانک رئیس وییل:
دانکشاف دریمه لسیزه باید دو دی
په حال کتبی هیوادو نو اختلافاتونه دائمی پیری
حالت ته زیاته پاملر نه ولری .
که چیری داسی وی چه اساسی هدفونه
بریا لیتوب ته ورسیری پر مختلی او دودی
به حال کتبی هیوادونه باید د هغو پالیسیو
تا کل چه د ۱۹۸۰- کال او یا د هغه لسه
وروسته لسیز و کتبی ورسره مخا مخ
کیری په تفصیل سره ددغو وپو گرزوی
د (۶۰۰) ملیونو و کسرو سره چی ددغی

رابطه مکتامارا دانکشاف داهدافو

نوی خیرنی کتنی دپرمختیا ددریمی لسیزی له پاره پیشنهاد کوی

مکتامارا زیاته کړه :
نری وال بانک شواپی چه د نری والی
پولنی سره به خورا تلونکو کلو نو کتبی
د ۱۹۸۰- کال د لسیزی د ستو نرو د خیرلو
په هکله دخپلو رنیتینو پر مختیا تی پرو-
گرامونو له مخی مرستی وکری .
په ۷۹ او ۸۳- کلو نو کتبی دبا لیک
دکار پلان په نامه سره خسر کند وی چی یو
شمیر نور پورونه به دبانک اودهغه دمربوطو
خاتگو له خوا چه یو له (۶۴ ملیا رده) دالره
کیری خینی هیواد و نو ته ورکری .
داویا یی لسیزی وروسته پاتی والی :
بنا غلی مکتا ما را دانکشاف ددو همی
لسیزی نا میو ته دشاری په ترخ کتبی
چی دهغه په اوږ دو کتبی دودی په حال
کتبی هیواد و مختی اقتصادی وده چه ددغی
لسیزی په پرتله په سلو کتبی شمیر نیسی
خاتگسری هدف خر گنداوه په سلو کتبی
(۵۰۲) وینو دل .
په فرعی هد فونو په تیره بیا د هغو هیوادو-
نو چه دیر مختیا تی او اقتا دی مر ستو
دسا زمان نری دی په زراعتی تو لیدا تسو

پیری تر پایه پوری به د مطلق فقر او لوپی
سره مخا مخ وی باید په خانگری تو که
په زره پوری مرستی او اقدامات وشی .
داو یایمی لسیزی پر غولونکو هد فو نو
با ندی تر اندازی زیات آینگا ر به
عوض کتبی باید د صنعتی او دودی په حال
کتبی هیوادو نو تر منخ دتو ایدو او گتو
واهن دیر کمسی اوهم دغه راز دنیستمنو
او شتمنو هیوادونو تر منخ فاصله او وا تی
باید دتغذی خسوراک ، خیناک ، سواد ،
عمر اوردوالی او پولنیز اوفیزیکی جا پیر-
بال له مخی له منخه یو وپل شری .
دنفوسو ستونزه کړکیخته ده :
دزیری وال بانک رئیس وییل:
چی دپولو کړ کیچو نو مسئلو خغه
زیات دنفوسو دورخ په ورخ زیاتیدو نکسو
مسئلو کړ کیچ دی ، چه دلر والی لسه
مغی ددغی موضوع چتک وایسی دودی په
حال کتبی هیواد نو د نفوسو دزیا تو الی
په اندهول چی دافریقا دلو پی وچی دسیمونه
پرتله لیدل شوی په نظر کتبی ندی نیول
شوی ، خو سره له هغی که چیری او سنی
حالت که خه هم دنه پور دی به هم دغه شکل
او بڼه دوام و لری تر (۲۰۲۰) کال پوری

به دزیری نفوس په اتم ولیزه یا منخنی
توکه په هره کورنی کتبی تر دوو ماشومانو
زیات نه وی .
خو دغه اندهول به تر را تسو نکسو
(۷۰) کلنو پوری هغه وخت به خای وی چه
دزیری ټوله نفوس (۴۰۳) ملیاردو په خای
لسو ملیاردونه ورسیری .
که دغه موضوع سل کاله مخ کتبی به
وجود راو لو دغه حالت به (۸) ملیا ردتوسو
ته چه تر پورتنی شمیر دوه ملیا رده کم
دی را کتبه او مستقر شی .
او که دغه اوسنی فرصت چه د نفوسو
دمسئلی له کبله تی په لاس کتبی لرو لسه
لاسه ور کړی و په راتلو تکی وخت کتبی به
دجبران وړ نه وی ، پر دغه باندی خبری ا نری
چه خه ټول علی خلی دزیریدلو د کمیت
او لیدوالی له پاره انجیز منی دی . ټولنیز او
اقتصادی پر مختگو نه یاد کو رینو دپرو-
گرام ۴ جوړو لو پرو گرامونه خود غه کارتر
زیاتی اندازی پوری پربطه او دمنلو وړندی
ریسر چ خر گنده کړیده چه شواپه مهم
پنکاری .

دزیری وال بانک رئیس وییل :
چه د نفوسو زیاتوالی او دیر نیتسه
داوسنی پیری تر وروستی وخته پوری په
نری کتبی (۷۵۰) ملیو نه ته دشری
قواو په کار کتبی زیاتوالی راو لی ، ددغه
زیاتوالی دوه در یه برخه به دودی په
حال کتبی هیوادو نو کتبی وی . په داسی
حال کتبی چه د نفوسو ددیر نیت فشار
به دودی په حال کتبی هیوادو نو به
سترو بیا رو نو کتبی زیات مو جو د وی
چه ددغو بیا رونو نفوس به دهره لسو او
پنخلسو کلونه به ترخ کتبی دوه برابر
شی .
دغذا یسی موادو په تولیدد
بیارونو په پرمختیا اودکار دپیدا کولو
او استخدام په پاره کتبی د ا تیا ییم کال
په لسیزه کتبی د نری وال بانک درو ل او
نقش په باب بناغلی مکتامارا وییل :

دودی په حال کتبی هیوادو نه هره و د خ
په زیات تیلونکی تو که سره دسری وال
بانک به لوړ د پوی پیری تر مرستی د منخ
په خیر سترگی په لاره دی . نو خکه زه
عقیده او باور لرم چه مور با بد ددووراندلو-
تکو کلو نو په ترخ کتبی دانکشاف دتغذی
په باب خپل رول به بشپړه تو که لسه
خیر نی لاندی ونیسو . ترخو دا خبره به
داگه خر گنده شی ، چه نری وال بانک
دخپلو غم یو دار تیا و په تحول او خرنگه
والی باندی غور کوی ، او هم باید و لیدل
شی چه ایا مور کو لای شوهغه خد متو نه
چی زموږ په وظایفو او دندو کتبی
پر ته دی په بڼه او بشپړه تو که
چمتو اوسرته ورسوو .

مکتامارا وییل :
نری وال بانک به دراتلونکی لسیزی په
اوږ دو کتبی خپل پرو گرام مو لسه
دکلیو دیر اختیا او د زراعتی چارو دپرمختیا
له پاره تقویه اومزی کوی .
نری وال بانک به دراتلونکی لسیزی په
پاتی په ۵۵ مخ کړ

حال کتبی هیوادو نو ذراعت او کرس
دجا رو دتسو یل له پاره یواختی او دنه پور
یوه ستره منبع ده ، اوپه اوسنی حال کتبی په
سلو کتبی تر (۴۰) نه زیات خپلی ټولی پیری
او رسمی مرستی ددغه هدف او مراد
سر ته رسو لو له پاره برابر وی شمیر و
پنخو کلو نو په اوږ دوکتبی نری وال بانک
د (۱۲) ملیا رده دالر و په اندازه دکر نیسی
او زراعت دیر مختیا له پاره په مستقیمه
تو که برابر کوی . چی ددغو پروژو په مربوطو
او اوږ ند و چارو کتبی ټول لگید لی پیسی
د (۳۰) ملیا رده دالرو په شاو خوا کتبی
وی چه ددغه بانکی اجول له خلووونه دریسو
پر خوز یات د غذائی موادو دزیات تولید
په منظور او مقصد اجول شوی او سر ته
رسید لی تی .

مکتامارا وییل :
هیله کیری چه د ۱۹۸۰- کال په لیری
لسیزه کتبی دعالی مرستو پروژی د نری -
وال بانک له خوا د غذائی موادو د کالنی
تولید دزیا تو الی په هکله دودی په
حال کتبی هیوادو نو له پاره د بانک غری
له یوه تر پنخو برخو پوری سهم و لری
او مرسته وکری .
او هغه بانگر اجول چه د تیر و پنخو
کلو نو په اوږ دوکتبی د کلیو دپراختیا
د نری وال بانک له خواپه عمل راغلی .
هیله کیری چه د نری وال بانک له خوا
د (۶۰) ملیو نو دالرو په شاو خوا کتبی
زیات او لو و کاندی .
بانک هیله لری چه د ۱۹۷۹ او ۱۹۸۳-
عالی کلو نو په اوږ دو کتبی د (۲۰) ملیارد
دالرو نه نیولی بیا د (۲۵) ملیاردو دا لرو
پوری دکر نی او زراعت په چارو کتبی
پانگه وا چوی دغه پیسی چه ددغو پروژو
په پروگرامو نسو کتبی دمرستی په
خیر لگول کیری تر (۵۰) ملیا رده دالرو
زیات ارز ینت به ولری .

داترزی دپروگرام پراختیا :
مکتامارا د نری وال بانک
داترزی پرو گرام ته دشاری په ترخ
کتبی وییل:
دودی په حال کتبی هیوادو نو د تیلو او
نفتی موادو دپیرودل لیک یا نه چه په
۱۹۷۲- کال کتبی خلور ملیارده دالره وه په
۱۹۷۶- کال کتبی (۲۶) ملیا رده دالرو ته
ور سیده او داسی اتمکل شویدی چه
په ۱۹۸۰- کال کتبی به دغه شمیر (۸۲) ملیارد
دالر و ته ورسیری .
چی دغی مسئلی داترزی وړ کو لو اقتصاد
په در اما تیکه تو که اغیز من او متا تر
کړ او دودی په حال کتبی هیوادو نو دکنف
شویو منابعو دپرسیره کول لاس لسه
واوړل پیره برداری او گته اخیستل یی
زیات کړ .

بانک په مو قتی تو که سره دتیلو په برخه
کتبی دخپلو یو رنو دور کیری دیر اختیارو-
گرام تر لاس لاندی لری چه دهغه سره
سم تر ۱۹۸۳- عالی کسال پوری (۱۲)
ملیا رده دالرو ته ورسوی دغه یو رونه به
دگار ز او تیلو در ابر سیر نی او دتو لیدی
پاتی په ۵۵ مخ کړ

سپری در جهان هنر

معروف تیاتر مالی تاریا یرمولوفا نام دارد که لقب ستاره تیاتر مالی را کسب نموده است .
امروز تیاتر مالی دارای اکتور هاو اکتورس های ممتازی هستند که در سندیوی میخائیل- یانی به ۵۵ مخ کن

کارکنان و هنرپیشگانش در جهان تیاتر موفق خوبی دارند . محصولات تیاتر مالی دارای جنبه های ریالیستیک بوده و موقعیت هنرپیشگان در رول های شان قابل تمجید میباشد .

ورزیده آن مانند یروف سادوسکی که از جمله اکتور های ممتاز این تیا تر به شمار میرود رول های خوبی در نمایشنامه های اوستروسکی بازی نموده است . یکی از اکتورس های



صحنه ی از نمایش ماموریت

ترجمه - راشد

از مسکوئیوز

ترجمه : داود (زهدی)

از : سویت ومن

ستاره قهرمان

این جهان کهنسال و غرق در تعصب ، چون انسانیت که همیشه از خشکالی، عراسان باشد و زندگی بر او ، در محوطه ای خلاصه شود . درین دنیا وقتی علاج بدبختی عساو مصیبت هانده میتواند که انسان دور از تعصب زندگی و در راه صلح و تفاهیم ، تلاش پیگیر نماید .

در فلم (آشیانه مردمان نجیب) ایرنسا کوچنکو ، احسان سر شار قهرمانی خویش را برای تماشایان نمایان ساخت و هنگامیکه

ماده سال قبل در فلمی بنام (آشیانه مردمان نجیب) که به اساس ناول معروف (سرگرنوف) تهیه شده بود چهره جدیدی را تکراریم .
دایر کترایسن فلم (میخائیل کوفاندوری کونچالوفسکی) هیرو های ناول ، را با چهره های واقعی شان در معرض نمایش قرار دادو دنیای پر تلاش انسانهارا، که مملو از گلبرگهای زیبا و موسیقی جذاب و باران های تابستانی است ، جلو دیدگان بینندگان ، مجسم گردانید .



ایرنا کوچنکو

تیاتر مالی

آنها با این کار نه تنها راه هنر را باز نمودند بلکه رول مهمی را در حیات فرهنگی و کلتوری کشور اتحاد شوروی نیز ایفا نمودند . این تیاتر نمایش های از نمایشنامه نویسان مانند: گریبایدوف، گوگول، ترچینوف و آثار سایر نویسندگان و نمایشنامه نویسان اتحاد شوروی را در روی ستنیز به نمایش گذاشتند .

نمایشات متعددی از کشور های مختلف جهان نیز در ستنیز مالی تیاتر اجرا شده است .

اضافه از سی سال بعد از تاسیس مالی تیاتر یعنی از ۱۸۵۸ تا این طرف دامستان - نویس معروف اتحاد شوروی ای. اوستروسکی همکاری نزدیک با مالی تیاتر داشته و این همکاری رول مهمی در تاریخ تیاتر مذکور بازی نموده است .

بنگاه اثر اوستروسکی که نمایانگر جنبه های مختلف زندگی آن زمان در اتحاد شوروی بود تحت نظارت مستقیم خود نویسنده و به همکاری سایر هنر پیشگان روی ستنیز اجرا و نمایش داده شده است .

نمایش نامه های اوستروسکی به مشا به مشعل فروزانی بود که در آغاز کار به مالی تیاتر رونق خوبی بخشیده و آنرا به سبک ریالیستیک و دموکراتیک مجهز نمود .

تیاتر مالی همیشه با استقبال گرم روبرو شده و این استقبال نیک بخاطر اکتور های

تیاتر مالی در قلب شهر مسکو واقع بوده در چهارراهی سفر دلوپ بطرف راست جاده بولشوی دو تیاتر کهن و مشهور اتحاد شوروی بصورت تصادفی در کنار هم واقع بوده بلکه این دو تیاتر بیوند ها و روابط عمیق هنری دارند .

وقتی که تیاتر امپریال در آغاز قرن نوزده شروع به فعالیت نمود شهر مسکو دارای یک کمپنی نمایش بود که نمایشات اوپرا ، باله و درامه را اجرا می نمود . بازیگران درام در اوپرا هاو باله ها حصه می گرفتند در حالیکه آواز خوان هاو رقاصه هادر رول های تراژیدی و درامه های کوچک بازی میکردند . نمایش نامه هادر بولشوی تیاتر و نمایشات موسیقی در مالی تیاتر اجرا میشد .

کلمه مالی معنی ((کوچک)) را میدهد و این بخاطری است که مالی تیاتر به مراتب کوچکتر از بولشوی تیاتر است . تیاتر مالی تاریخ تاسیس خود را از ۲۶ اکتوبر ۱۸۲۴ که اولین نمایش در آن برگزار شد تجلیل میکند . قبل از این عمارت تیاتر مالی به تاجار محلی تعلق داشت .

در طول سالهای متعدد ستنیز جلوی و عقبی تیاتر تغییر شکل نموده ولی ایدئوریم آن به شکل اصلی اش که ۱۵۵ سال قبل اعمار گردیده بود باقی مانده است . در شروع کار این تیاتر اکتور های معروف مانند پا ویسل- موشاروف و میخائیل شیکین اساس ایدئالوژی و پرلایسپ های هنری را بنیان آوردند .

فرهنگ شگوفان بلغاریا

موفقیت های چشم گیری را نصیب شده و توانسته است سی و شش درامه را که از آن جمله هشت آن اوپرا و کمیدی موزیکال و یازده آن نمایش پوپت شو بوده روی صحنه بیاورد و بیش از پنج میلیون نفر این نمایشات را تماشا کرده اند .

این بود ارقام و حقایق درین باره، لکن این ارقام وقتی يك شخص بداند که پایه هنر بلغاریا استوار به هنر عامیانه خلق آن کشور است و همیشه در بین خلق محبوبیت زیاد داشته و مورد پسند آنها قرار گرفته آ تقدیر تعجب آور نیست. این هنر از میان مردم بر خاسته و در خدمت آنها قرار میگیرد .

در تمام دوره نمر بخش اعمار جامعه سوسیالیستی دموکراتیک بودن هنر در تمام ساحه های هنری مهم و با ارزش تلقی شده و از اهمیت ویژه در قسمت حقوقی نوآوران و سر برآوردگان مشهور ادبیات تیاتر نقاشی موسیقی سینما و غیره بر خورد دار بوده است بقیه در صفحه ۴۳

سرعت و توسعه را که فرهنگ بلغاریا در سی و پنج سال اخیر بهسد از تأسیس جامعه سوسیالیستی نصیب شده در تاریخ آن کشور قبلا دیده نشده است برای اثبات این موضوع می بینیم که بعد از بدست گرفتن قدرت توسط خلق آن کشور تاکنون بیش از یک هزار میلیون جلد کتاب بچاپ رسیده. سینمای بلغاریا توانسته در مدت يك سال موفق به ساختن چهار صد و شصت فلم هنری اطلاعاتی مستند و کارتون شود در سال گذشته سیزده هزار و دویست و هشتاد و هشت کسان در آن کشور داده شده که بیش از سه میلیون شصت و هشت هزار نفر از آن تماشا کرده اند .

در پنج سال اخیر یک هزار و چهار صد و سی نمایشگاه هنری دایر گردیده که در آنها آثار نقاشی مجسمه سازی ، نجاری، رسامی به نمایش گذاشته شده این نمایشگاه ها مورد تماشای نه میلیون و شصت هزار نفر قرار گرفته است در پهلوی آن تیاتر بلغاریا نیز

نخواهد داشت .
میخائیل کوف ، کونچالوفسکی مینویسد:
«ایرانیا کویچینکو، در پنج حادثه کوتاه با سرگی آشنا و با او ازدواج نمود و از وی صاحب طفلی شد ، شوهرش به ایرنییا و دوستان او هنر او عشق و صمیمیت فراوان دارد .»

کویچینکوی قهرمان ، بعد از جدایی از شوهر اول و مراجعت سرگی شوهر دومش از خدمت عسکری وارد صحنه فلم گیری شد .

وی بعد از فلم (سر گذشت عاشقان) در فلم دیگر نقش يك معلم را بازی نمود و خلاصه در هر فلمی که حصه گرفت موفقیت های هر چه بیشتری بدست آورد و شهرت و محبوبیت زیاد تری کسب نمود .

کویچینکو ، در هر فلمی که نقش را ایفا میکند وقار زنانه اش را در نظر هاجلوه میدهد سناریوی آخرین فلمی که توسط (بولیوزمان) بنام (زن عجیب) تهیه گردیده ، طوری به رشته تحریر در آمده که مناسبت زیادی به گرکز، ایرنییا دارد .

در ایسن فلم ، ایرنییا ، در نقش سیویل یووا ، که يك زن با زیبایی خارق العاده است بازی نمود و از زیر ضربات ، از هم پاشیدن خانواده اش ، جدایی از پسرش ، اشتباه اش ، در مورد مرد قلب و دوست داشتنی اش، قهرمانانه و با احساسات سرشار از احترام و اتکا به شخصیت و نفس خود بدر شد .

ایرنییا کویچینکو ، این ستاره قهرمان میگوید :

«من در اکت و تمثیل نقش خود غرق میشوم و نقش من، بکلی مرا از خود م میبرد و حتی احساسات و شکل ظاهر ی ام را در گرو میسازد، راستی ایسن حقیقت را انسان در بازی های فلمی و تمثیل های تیاتری ایرنییا کویچینکو به روشنی مشاهده مینماید .»

ایرنییا کویچینکو که فارغ التحصیل مدرسه هنر تیاتر (شجرگن) میباشد شهرت زیادی در تیاتر (وختانگوف) دارد .

کویچینکو در مقابل هر چیز به خصوص در برابر کتاب خواندن کار و عمل و تربیه اطلاعات خیلی تند عمل میکند . همچنان وی به برقراری رابطه بین مردمان و کتاب و موسیقی و محیط ماحول شان ، خیلی حریص است و در مقابل هر واقعه ای که در اطراف وی روی بدهد جدی عمل میکند بنابر همین دلیل است که نقش زنان قرن نوزده رادر فلم هابه صورت خیلی طبیعی بازی مینماید .

این ستاره آسمان سینمای اتحاد شوروی در جریان ده سال کار هنری خویش ، نقش های زنده ای را که هنوز از خاطر حافظه فراموش نگردیده تمثیل کرده است ، و هنوز هم در تلاش در خشخش هر چه بیشتر و انجام کار های هر چه بهتر و موفقانه تر ، به سر می برد .

و چنانکه شاعر مورد علاقه او میگوید:
«در روح من صلح و آشتی وجود ندارد.»
ایرنییا نیز همان طور در جنگ بازند گسی زیست می نماید .

فلم مذکور روی پرده ظاهر گردید منتقدین یاد داشت های پیرامون قدرت اکت و تمثیل این اکت رس جوان که در آن روزگار هنرمند تازه کاری بیش نبود ، برداشتند و تحت تبصره قرار دادند .

پنج سال بعد ، کویچینکو ، در فلم دیگری نیز نقشش را پیروز مندانه انجام داد و شهرت فراوانی کسب نمود و از طرف مردم مسوود تحسین و تمجید فراوانی قرار گرفت .

ایرنییا این ستاره خوب میگوید :
«در وجود هر انسان خوب ، زشتی های نیز وجود دارد که باید مضموم شمرده شود و بر عکس در هر انسان بد ، چیز های خوبی نیز دیده میشود که باید از آنها تقدیر بعمل آید .»

آنچه که خیلی مهم است و باید بخاطر تبیت شود که همه ای ما، در وجود خویش آدمیای زیادی را داریم که در آشیانه قلب ما زندگی میکنند . بر علاوه در قلب ما، برخی از چیز های وجود دارد که در گوشه و کنار دنیای اطراف ما مخفی شده اند .»

آنچه که از اسرار مخفی قلب اکت رس محسوب میشود عبارت از ، آرزوها و تقاضا هایست که آواز خوش و از مردمانی که همراهی وی سروکار دارند، مینماید .

اکت رس هایکه به پیروزی هر چه بیشترشان عشق و علاقه دارند تا اندازه ای کار میکنند و در راه بسود کار های شان تلاش مینمایند که از خستگی گیج گردند . آنها از ایفای نقش های که احساسات شان را برانگیخته نتواند خوش شان نمی آید ، این نه تنها در قسمت پوز گرفتن بلکه در تمام فعالیت های فلمی صدق میکند هرگاه يك اکت رس در اکت نقش که باو سپرده میشود ناکام شود ، مدت های طولانی به تشویش میفتد ، اگر چه درین ناکامی وی حقیقتا مقصر نباشد .

ایرنییا در فلم (انگل و انیا) در نقش سونیا بازی کرد و خیلی بد لرزایی درخشید .

ایرنییا چون توانست که درین فلم با قدرت تمام آوازش را تغییر بدهد به حیث روح فلم شناخته شد .

ایرنییا در فلم موجود زیبایی بودو گاهی مطیعانه و زمانی سرکشانه ابراز شخصیت میکرد . این ستاره مقبول همه کار هایش را ، در فلم مذکور چون انسانی که منتظره چیزی باشد با آهستگی و متانت انجام داد .

متانت و شکیبایی ایرنییا ، زمانی در فلم به نبوت رسید که در مقابل (استروف) قرار گرفت و سر نوشت وی معلوم گردید .

در این صحنه استروف کم میزدو جملاتش را دنبال میکرد و ایرنییا ، بدون آنکه به سخنان او و لغی بگذارد سکوت اختیار نموده بود ، در حالیکه موسیقی اسرار انگیزی در روح او طنین میفکند و با دقت و توجه زیاد بوی می نگرست زیرا وی یقین داشت که این آخرین بار است که آنها همدیگر را می بینند و دیگر چیزی که آنان را به هم پیوند زند ، بین شان وجود شماره ۳۳



يك ممثل اماتور

وصاحبان ذوق فرار گرفتند ویر چنین فستیوال
 ها فرصت خوبی برای شرکت کنندگان جهت
 آگاهی شان از پیشرفت های علمی و هنری
 دول دارای سیستم مختلف محسوب میگردد
 و زمینه تبادل تجارب را فراهم میکند.
 بدون شك تدویر فستیوال های فیلم در مسکو
 اکنون جز تاریخ شده و شکل عنعنه را بخود
 گرفته است •

از بیست سال به این طرف علاقمندان فیلم
 و هنر بعد از هر دو سال در مسکو اجتماع میکنند
 تا همدیگر را بهتر شناخته ، آثار هنری یکدیگر
 را ارزیابی کنند و از هنر فیلم سازی در خدمت صلح و
 همکاری بین المللی استفاده نمایند و باینوسیله
 بر غنای تجارب خویش بیفزایند •

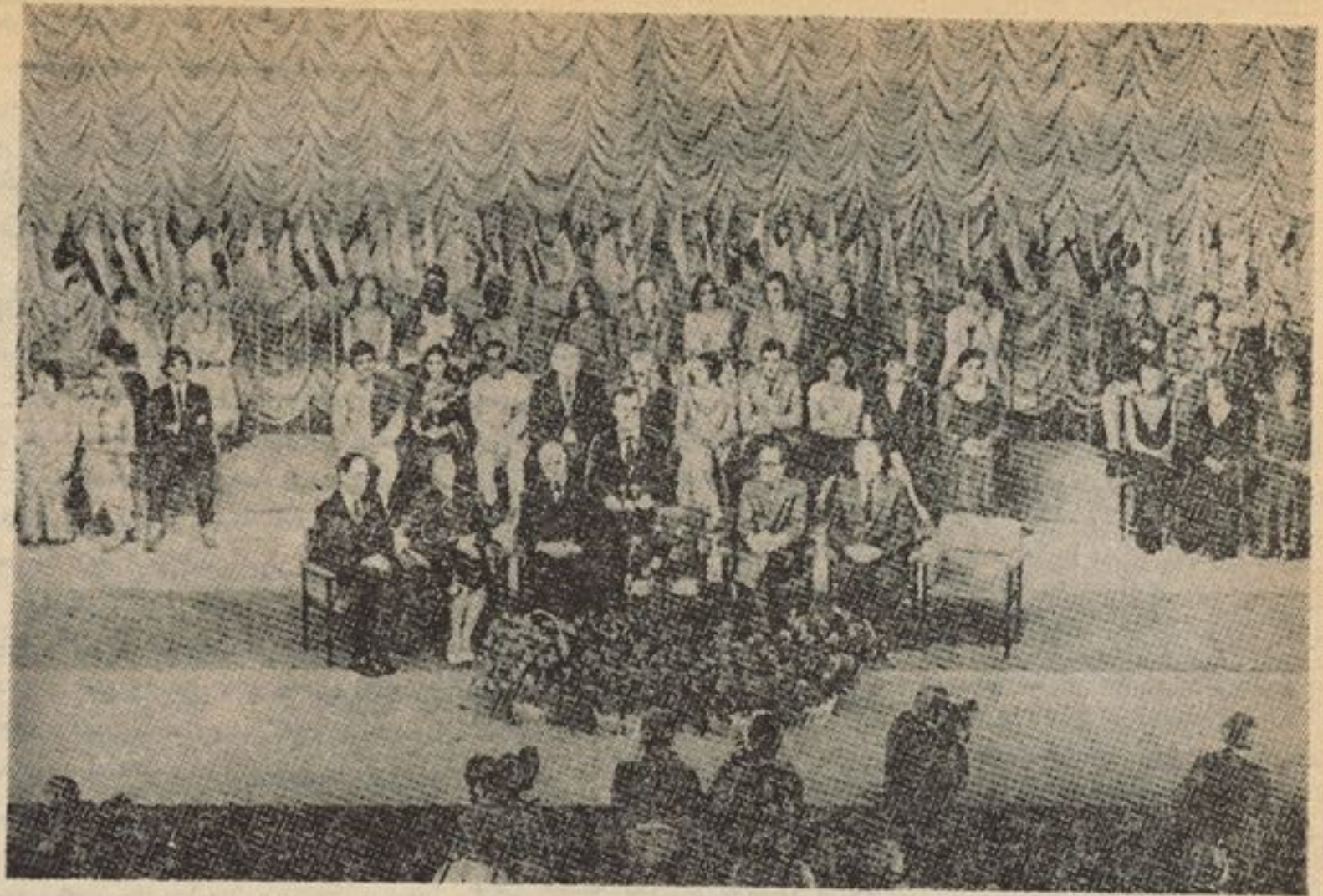
ماهیت دموکراتیک و بشری فستیوال های
 بین المللی فیلم مسکو و علاقه آن برای انکشاف
 صنعت فیلم سازی در کشور های در حال
 انکشاف در شهرت چنین فستیوال ها افزوده
 و طور روز افزون بر ستیز آن را بالا برده
 است •

در فستیوال بین المللی فیلم در مسکو که
 یازدهمین فستیوال نمایش فیلم در اتحاد شوروی
 میباشد (۵۰۰) فیلم مختلف شامل موضوعات
 فیزیکی ، فیلم های مستند و فیلم های مخصوص
 اطفال نمایش داده شد و طرف دلچسپی
 شرکت کنندگان و بینندگان واقع گردید •

بدون شك تدویر این فستیوال که در آن
 (۱۰۴) کشور مختلف به شمول موسسات بین المللی
 دیگر ، ملل متحد یونسکو ، نهضت های آزادی
 بخش چیلی و فلسطین شرکت کردند در تحکیم

دوستی بین کشور ها و همچنان گسترش دیتانت
 کمک خواهد کرد ، نکته قابل ملاحظه در مورد
 فستیوال اخیر فیلم در مسکو این بود که
 در این فستیوال فیلم های از کشورهای
 نمایش گذاشته شده بود که سابقه تولید

اتحاد شوروی چندین فستیوال بزرگ
 بین المللی را در مورد فیلم و کتب در مسکو
 دایر کرد که طرف علاقمندی اشتراک کنندگان عربی و افریقایی که درین فستیوال نمایش داده



نمایی از افتتاح فستیوال بین المللی فیلم در سال جاری در مسکو

ترجمه و نگارش •

یوسفزی

فستیوال های بین المللی نمایش فیلم

و کتب بحیث وسیله مؤثر در ایجاد تفاهم و تحکیم

دوستی بین خلقها و تقویه صلح در جهان



از فستیوال های بین المللی نمایش فیلم و کتب که اخیرا در مسکو دایر شد میلیون ها نفر
 دیدن کردند و بیش از (۱۰۰) کشور مختلف جهان در آن اشتراک ورزیدند •

درین شکی نیست که علاوه بر تبادل آثار
 مطبوع مترقی و هیات های فرهنگی و کلتوری
 بین ملل ، تدویر نمایشگاه های آثار هنری
 علمی و تخنیکی نیز در ایجاد تفاهم بین ملل
 بمنظور تقویه هر چه بیشتر صلح و امنیت بین-
 المللی کمک می نماید • در بر تو این انگیزه
 عالی بشری است که وقتا فوقتا چنین نمایشگاه
 های در کشور های مختلف جهان دایر میگردد
 تا زمینه تبادل بهتر تجارب بشری را فراهم
 سازد •

کشور اتحاد شوروی سوسیالیستی بر اساس
 پالیسی همزیستی مسالمت آمیز و توسعه
 دیتانت و تفاهم بین ملل دارای سیستم
 های مختلف اجتماعی و سیاسی از طریق
 مختلف عمل نموده و با بتکاراتی در زمینه



اولین آموزش در صنف



نمایندگان يك تعداد کشور هادر فستیوال فیلم با هم صحبت میکنند



شد در صحنه بین المللی جدید اند. شرکت کنندگان فستیوال از مشاهده فیلم های مختلف و آموزنده ابراز مسرت کردند. شرکت کنندگان فستیوال بین المللی فیلم در مورد پیشرفت های مزید و متمر هنر فلم سازی و استفاده از آن در خدمت خلق تبادل افکار کردند.

یکی از نقاط قابل تذکر این است که در بسیاری کشور ها، صنعت فلم سازی اکنون توسط کسانی انکشاف داده می شود که خود در موسسه سینما توگرافی تحصیل کرده و در زمینه تجارب خوبی آموخته اند.

در یازدهمین فستیوال بین المللی الفلم در مسکو که مصادف با شصتمین سالگرد سینمای اتحاد شوروی بود در مورد تاریخچه فلم سازی و نمایشات آن نیز روشنی انداخته شد و از مساعی هنرمندان بشر دوست در زمینه فدراتی بعمل آمد.

خلق اتحاد شوروی در بهلولی سا یسر مصروفیت های که برای انکشا ف جامعه بشری و استفاده از علم و هنر در خدمت صلح و بشریت بعمل میاورند به انکشاف هنر و سینما نیز عسلاقه زیاد دارند. طبق احصائیه های منتشره روزانه (۱۲۰۰۰۰۰) نفر در اتحاد شوروی سینما می بینند این چنین معنی دارد که سالانه در اتحاد شوروی (۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰) تماشاچی موجود است. فلم سازان اتحاد شوروی عقیده دارند که نباید وقت این میلیون ها تماشاچی بادیمن فلم های خراب ضایع شود. از این رهگذر بیوسته کوشش بعمل می آید تا فلم های آموزنده مطابق ایجابات عصر و زمان به خلق آن کشور نمایش داده شود. اتحاد شوروی امسال شصتمین سالگرد سینمای آن کشور را بجهت یک حادثه دلچسپ در آن کشور



این هنرمند راجع به انکشاف مزید صنعت فلم سازی در اتحاد شوروی و استفاده از آن در خدمت خلق خوشبین است.

تجلیل نمود.

در صنعت فلم سازی اتحاد شوروی علاوه بر هنر مندان مرد باید نقش زنان را نیز تاکید کرد. در زمان موجود بیش از (۱۰۰) زن فلمهای فیکری، مستند و علمی را تولید می نمایند.

در دهمین فستیوال بین المللی الفلم در مسکو جایزه بزرگ نیک زن تعلق گرفت. واقعا مشکل است تا تاریخ سینمای اتحاد شوروی را بدون سهیم زنان مورد مطالعه قرار دهیم و نقش آن هارا در زمینه پیشرفت و انکشاف هنر فلم سازی در اتحاد شوروی کم شماریم.

صلح جهانی و پیشرفت اجتماعی کمک خواهد کرد. و این کام بزرگی در راه تحقق ارمان های مقدس بشری مبنی بر کوشش جهت نیل بیک جامعه مرفه، آزاد و زیست در صلح خواهد بود که بیش از هر چیز دیگر در شرایط کنونی جهانیان به آن نیاز دارند.

دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب در مسکو در دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب که اخیرا در مسکو دایر شد قریب (۲۰۰) موسسه طبع و فروش کتب، بیش از (۷۰) کشور علاوه بر نمایندگان ملل متحد یونسکو، موسسه



شرکت کنندگان فستیوال فلم از تاسیسات مختلف در مسکو دیدن کردند.

کاربین المللی، کامیکان شوروی صلح جهانی و سایر موسسات بین المللی شرکت کردند. از آنجائیکه کتب و آثار مطبوع مترقی در شکل ذهنیت های انقلابی و مترقی افراد تأثیر بزرگ دارد، میلیون ها نفر از نمایشگاه کتب مسکو دیدن کردند.

تدویر دهمین نمایشگاه کتب در مسکو در واقع تبارز عملی از موافقاتی است که در هلستنگی در ساحه تبادل کلتوری بین کشور ها حاصل گردیده است. تدویر نمایشگاه کتب مسکو فرصت خوبی مبنی بر تبادل نظر- یات برای ناشران کشور های سوسیالیستی در حال انکشاف و سرمایه داری محسوب گردیده علاوه بر بهلولی تجارنی آن یک پیروزی در ساحه گسترش علم و فرهنگ بشمار میرود.

نمایشگاه کتب مسکو به اشتراک کنندگان موقع داد تا طور عمه جانبه مسیر کتب و نشریه هارا مورد مطالعه قرار دهند و بسر تولید کتب مفید تاکید ورزند کذا در نمایشگاه مذکور تاکید شد تا کتب مترقی و خواندنی زیاد تر جهت بلند بردن سطح دانش افراد ورشد شعور سیاسی آن هاتپیه و چاپ شود. تا از همین طریق نسل جوان کنونی بهتر بتوانند مسوولیت های بزرگی اجتماعی خویش را در برابر خلق کشور های شان انجام داده در تقویه صلح و همکاری بین المللی بیش از پیش سهیم گردند.

تدویر یازدهمین فستیوال بین المللی فلم در مسکو یکی از بهترین حوادث سینمایی در سال جاری بود که نمایندگان شرکت های مختلف در فستیوال مذکور شرکت کردند. شعار این فستیوال که عبارت از مفهوم انسانیت در هنر سینما، هنر برای صلح و همکاری بین کشور ها، بود در تقویه مفکوره های عالی بشری، محبت با خلصق و ایجاد آثار مزید کلتوری نقش به سزایی خواهد داشت. فستیوال فلم مسکو را میتوان از یک نقطه نظر، یک اجتماع حرفه وران دانست که شرکت کنندگان در ساحات مربوط تبادل معلومات کردند. بطور عموم فستیوال های مسکو در ایجاد تماس های نزدیک، دوستی بزرگتر بین ملل و تفاهم بین خلق ها کمک نموده و عسلاقه در تقویه و تحکیم صلح جهانی مسوتر بوده است.

فستیوال فلم مسکو علاوه بر ایجاد تفاهم یک مسابقه دلچسپ در زمینه فلم سازی بوده در انکشاف این هنر کمک شایانی خواهد کرد. از آنجائیکه وسایل مهم و موثر مخابراتی است بناء باید آنها کاملا در خدمت خلق و برای رفاه بشریت بکار رود و ایجاد آیدال های عالی بشری را میان جوامع بشری تشویق و تقویه نماید.

بدون شک یازدهمین فستیوال بین المللی فلم که در ماه اسد گذشته در مسکو دایر شد در ادامه غنچه و مبارزه برای آزادی، دموکراسی

کلبه نیمه تاریک باوضع ملال آور و دلگیری
درسکوت شب فرو رفته بود. نم تا کمر کش
دیوارها بالا رفته بود - دیوار های دو دزده نم
هارا می مکیدند .
بوی رطوبت از دردیوار بلند بود. فضای
کلبه دلنگ کننده به نظر می آمد . آواز
تفسس بسرک و مادرش که پهلوی هم خفته
بودند - درهم می آمیخت آرامش کلبه را
برهم می زد .
صدای شرسر خفیفی از گوشه بلند شد
حشره کوچکی بود که راه میرفت . حشره از
لانهای بیرون خزیده بود تا چیزی بیابد .
شاید دنبال چیزی می گشت تا بخورد . حشره
گرسته می نمود از طرز خزیدنش معلوم بود .
باستی و تنبلی راه میرفت .
شب همه جا را در آغوش سکوت خوابانده
بود . آرامش کلبه را تنها حشره گرسنه برهم
می زد . از پنجره شکسته کلبه - گوشه از
آسمان پرستاره به نظر می خورد .
آسمان صاف و روشن بود . هوای خنک
باییزی از پنجره شکسته بدرون می آمد .
سطح کلبه را بوی نم زده پوشانیده بود .
روی بود یا بسترنگ و روخته بهن بود .
بسرک و مادرش در زیر لحف چرکین و فرسوده
بابا گوهی

و با چنان وانمود می کرد که خواب است .
چون میدانست که اگر چشم بگشاید - حتما
بسرک از گرسنگی شکایت می کند - و از او
تقاضای خوردنی می نماید .
بسرک آهی بر آورد - و بعد سر خود را
زیر لحف پیچید - دستپایش را وسط هردو
دانش فرار داد و خود را کنجک کرد . بلکه پایش
را به هم فشرد و کوشید تا دوباره بخوابد . خواب
به سرانگش نرسید . سردی مسی آزدنش
شکمش فرقر می کرد و پاهایش سرد شده
بودند .
صدای شرسر حشره گرسنه - او را بپخود
منوجه گردانید . از صداتر سید . صدا که
تکرار شد - بیشتر ترسید . لطفانی گوش
فرا داد تا باز صدرا بشنود - ولی دیگر
صدایی بر نخاست . نفس اش زیر لحف
تنگی کرد - سرش را بیرون کشید . اولین
چیزی که در چشمش راه یافت . ماه بسود .
ماه نوجوان داس از کناره آسمان پیدا بود
تصویر ماه در سطل آب و انعکاس آن در دیوار
سیاه کلبه خود نهایی می کرد .
آسمان ستاره ریز بود و همه گنگ شب
با هوای سرد شبانگاهی بدخل می آمد . صدای
شرسر حشره لحظه آرام گرفت . شاید حشره

بخوردن شیرین نمود . دید که شیرین از لای
انگشتانش می ریزد ولی او بی پروا همچنان
می خورد . انگشت می خورد که پایش را بسج
می زند . انگشتانش از شدت سردی گسود
میشوند و تنش می لرزد . بالرش تنش از
خواب می برد . می بیند هیچکدام از آن چیز
های را که دیده بود - نیست . نه شیرین
و نه چیزی های دیگر .
لحف از بالایش بیک سورتفه بود . از سردی
می لرزید . رطوبت و نم مفاصلش را بدرد آورده
بود . یکبار دلش بر غصه شد . غم سردی
قلبش را بر ساخت و شروع نمود به گریه
کردن . گریست و گریست تا مادرش بیدار شد .
زن باخونسردی پرسید :
(چی ؟ چه کب شده بچیم؟ چرا گریه می کنی
عا ۲۰۰۰)
واو در حالیکه هق هق می گریست
گفت : (شیرین... شیرین... شیرین... می خواهم ...
شیرین... چه شد ؟)
زن در حالیکه لحف را بالای سرک می
کشید گفت : (خو کوبچیم ... شیرین... چه
میکنی خود ما گرم نمی ایم ... تو شیرین
می خواهی ...)
و بسرک باز هم گریست .

است؟ آیا مثل قطی های خالی است؟ آیا مانند
لحف فرسوده شان سرد است؟ یا مثل چیز
های دیگر که در کلبه داشتند سیاه و دود
زده است ؟
باز از مادرش پرسید : (چرا صبح عیدس
... چرا هر وقت عید نیست؟) مادر که بی حوصله
شده بود فی البداهه مثل معروف - بر ز بانس
جاری شد : (هر روز خو عید نیست که مردم حلوا
بخورن)
و بسرک یکبار فق زد و حلوا حلوا گویان
بنای گریه را نهاد - بشکل رفت انگیزی می
گریست و حلوا می خواست .
زن که از سخن گفته می اش پشیمان گردیده
بود - دلداریش داد و نوازشش کرد . ولی
او همچنان می گریست و عق می زد .
مادر که از گرسنگی بی حال و ناتوان بود -
حوصله نداشت که آرامش بسازد و نوازشش
کند . گذاشت تا بگیرد و هق بزند .
زن خود نیز گرسنه بود . معده اش مالش
میداد . وجودش دردمی کرد . گهرش شیخ مانده
بود و نم و رطوبت زن را از کار کشیده بسود .
بادختکی از پنجره بدرون می آمد . چشم زن
به پنجره شکسته افتاد . هلال عید را دید که
از پنجره کله کشک می کرد .
هلال در گوشه آسمان مثل پارچه نان پوینک
زده در نظرش بی رنگ جلوه کرد .
هلال بی ارزش تراز کار د شکسته بی که
از خاک ریزه های کوجه یافته بود . به نظرش
آمده چنین اندیشید که عید قربان با علائش
و باغرش تو بهایش چیزی بیسوده استند . چون
برای او عید وجود نداشت .
بسرک آرام نمی گرفت و همچنان بیسهم
می گریست .
زن مادر ماندگی گفت : (گریه نکو ... بس
اس دکه ... صبح عیدس ... برت حلوا
می خرم ... برت شیرین می خرم ... د گه
چیز ام می خرم ... گریه نکو آونه آسمانه سیل
کو ... ماه عیده بیی ... هلال عیده بیی که
چطور ده آسمان ناز گده میره ...)
و بسرک لحظه از پنجره شکسته ماه نور آید که
در گوشه با زینی آسمان ایستاده بود . بعدتر
حالیکه با انگشتش به ماه اشاره می کرد پرسید :
(مادر عید هموس؟)
و مادر جواب داد : (بلی . جان مادر آونه
اهو عیداس)
بسرک ماه را دید که مثل پارچه نان پوینک
زده - در کنار سفره آسمان قرار داشت .
ذوق زده گفت : (مادر آخی عید یک توته
نانس؟) و قلبش از این سوال درد گسرفت .
اشکپایش جاری گشت . بغض گلوش را فشرد
با گریه گفت : (ها . ها . عید نانس) و گریه مجالش
نداد . صدای شرسر حشره گرسنه دوباره بر -
خاست شاید او هم می گریست .

هلال عید از پس پنجره

پهلوی هم خوابیده بودند . در یسک
گوشه سطلی نیمه از آب قرار داشت . در کنج
دیگر کلبه قطی های خالی و مقدار هیزم بالای
هم انبار شده بودند .
دستک های سقف - سیاه و خمیده به
نظر می آمدند که در آن اشیای مختلفی را
آویزان کرده بودند . مانند طناب سید بور -
یایی - هریسکین دود زده و داس و تیر - از
پنجره شکسته نسیم خنک شبانگاهی به درون
می آمد و در لحف تنک و کم پخته نفوذ می نمود .
لحف ، سردی را کنستانده و به تن سرک و
مادرش انتقال میداد .
بسر و مادر خود را در زیر لحف کنجک
کرده بودند . سردی آزار شان میداد . بسرک
از آسرها سرما بیدار گشت . بسیار خنک
خورده بود . پنجه هایش گرخت شده بودند .
روده های خالیش فرقر میکرد . معده اش از
گرسنگی مالش می خورد - چون گرسنه
خفته بود . چیزی نداشتند که بخورند - چیزی
نیافته بودند که بخورند . حشره کو چک نیز
شرسر کتان اینسو و آنسو میرفت . او هم
چیزی برای خوردن نیافته بود . بسرک غلٹی
زد و خود را بمادرش فشرد . با چشمان نیمه
باز - مادرش را نگریست . مادر خوابیده بود

گرسنه به سوراخش بر گشته بود . بلکه پای
بسرک دو بازه گرم شدند . و دقایق بعد
خوابش برد .
آهسته آهسته خرخر می کرد . بلکه پایش
نیمه باز بودند - گویی در انتظار چیزی بود .
بسرک خواب می دید . خواب می دید که قطی
های کنج کلبه - بر از غدهای رنگارنگ شده
اند یک قطی بر از فرنی - یکی بر از حلوا و
دیگری بر از بلو . چند تا قطی را کله و کیک
بر ساخته بود .
باز دید که شاخه های باریک هیزم تل
شده در کنج کلبه - بشکل گرم های که در
جوی کنار سرک دیده بود . در آمده و بسوی
قطی ها هجوم می برند - تا کلهچه های او را
بخورند . ولی او نگذاشت تا کلهچه هایش را
گرم هابخورند - و مانع خوردن آنها شد .
گرمی را که از همه بزرگتر بود . بالگد
گوید - و دیگری را که به قطی فرنی سرفرو برده
بود بادست گرفت . اما نتوانست آنرا از
قطی جدا نسازد . گویی به قطی چسبیده بود .
هر چه زود زد - زودش نکشید . یکبار قطی
چپه شد و فرنی ها همه بزمین ریخت - خوابهای
شیرین بسرک ادامه یافت : باز دید که سطل
آب شان بر از شیرین شده است . با عجله شروع

درین آنا غرشی در آسمان پیچید و بعد
صدایی تر کید .
صدای توپ بود - صدای تویی که آمدن عید
را اعلام میدانست . بسرک از غرش صدای
توپ ترسید و از گریه کردن باز مانده . شیرین
یادش رفت . گرسنگی اش را فراموش گسرد .
سراسیمه خود را بمادرش چسباند .
زن در حالیکه او را در آغوش می فشرد -
گفت : (ترس بچیم ... چیزی نیس ... تو -
بهای عیدی ... صبح عید میشه ... عید قربان
مردم صبح قربانی می کنن ... صبح ...)
بسرک که کمی آرامش یافته بود - با صدای
لرزان پرسید : (عید چیست؟) زن چیزی نگفت
خود را بخواب زد ولی بسر دست بردار نبود
باز هم پرسید که مادر عید چیست؟ می خواست
بداند که عید چیست؟ و چرا بخاطر عید توپ
می زنند؟
عید در ذهن کودکان او نا آشنا بود . عید را نمی
شناخت . او عید را نمیدانست . گرسنگی را
خوبتر می شناخت . تا عید . سرما و خنک را می
شناخت . قطی های خالی و هیزم روی هم
ریخته کنج کلبه را می شناخت . ولی عید را
ناهنوز نشناخته بود .
بسرک می خواست بداند که عید چگونه چیز

پایان
زوتون

همانا انجام تحقیق بی‌امون کتله انرژی و تاثیرات

منظومه شمسی بالای گنبدیخ مانند بوده است*
 دانشمندان کوشیده اند تا اندازه تابش و
 انعکاس نور خورشید را در سطح گنبد معین
 و اندازه گیری نمایند و همچنان سرعت ذرات و
 شدن گنبد یخ را در روزهای آفتابی اندازه
 گیری نمایند. برحسب اطلاعات واصله معلوم
 گردیده که گنبد مذکور با داشتن مساحت (۱۸۰۰)
 کیلومتر مربع و ضخامت (۶۵۰) متر در حدود
 (۷۲۵) متر از سطح بحر ارتفاع داشته است.
 از آنجاییکه در اطراف و جوانب این یخ (گنبد)
 مانند پستی و بلندی دیده نمیشود برای
 دانشمندان و سیاحین خیلی دلچسپ بوده است.
 معمولاً پس از باریدن برف در اثر وزش باد
 های قطبی ذرات برف باهم تدریجاً رسوب نموده
 و در نتیجه همچو یخهای گنبد مانند را بوجود
 می‌آورد. ضایعات وارده اگر احياناً بسو قشوع
 بیسوزند همانا ذوب شدن یخ در روزهای
 آفتابی میباید جزیره «انقلاب اکتوبر» که
 قسمتی از نواحی مجموع الجزایر (زملیا) را
 تشکیل میدهد یک جزیره قطبی بوده و یک
 دشت رنگزار میباشد. سطح این جزیره توسط
 یخ پوشیده شده که از مسافت خیلی دور در
 برابر نور خورشید مانند شیشه‌ای برنگ آبی
 مایل به سبز جلب نظر مینماید. در برخی از
 قسمت های آفتابی این جزیره دیوارهای یخ
 به چشم میخورد که سطح شیشه مانند را از
 خطر وزش بادهای قطبی حمایت می کنند.
 در بعضی نواحی دیگران این منطقه بعضاً سبزه و گل
 نیز به چشم میخورد در یسن منطقه اندازه
 و رطوبت نسبتی در سطح بحر و همچنان بلندتر
 از آن در مدت یکسال معمولاً از (۵۰) تا
 (۲۰۰) ملی متر میرسد ولی باید گفت که طبق
 اندازه گیریهای اخیر معیار رطوبت نسبتی در
 گردونواحی مستقیم تحقیقاتی «واویلوف» بین
 (۴۰۰) الی (۴۵۰) ملی متر میرسد علاوه باید
 کرد که خصوصیات اقلیمی و شرایط جنس در
 سایر حصص مجموع الجزایر (زملیا) به مراتب
 سخت تر بوده است.



ترجمه بشیر احمدی

از منابع خارجی

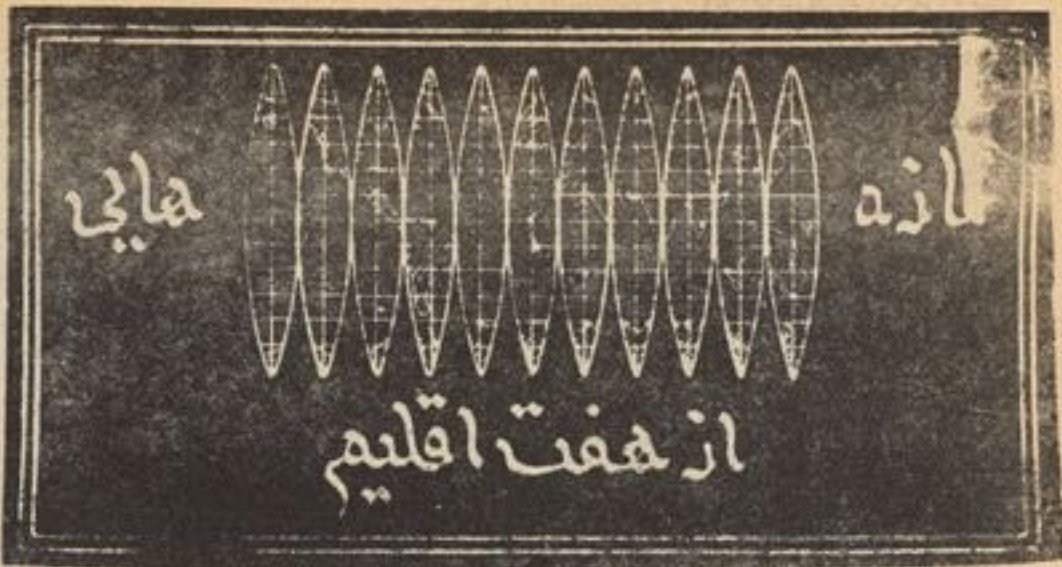
گنبدی به ضخامت (۶۵۰) متر در قطب شمال

موانس و حیوانات مشهور یکی در یسن
 مجموع الجزایر جلب نظر میکند همانا کوسفند
 های صخرایی و خرس های قطبی میباشد گذشته
 از آن در برخی حصص مرکزی این مجموع -
 الجزایر نمونه های از پرندگان نیز به سطح
 میخورد که تا حال (۱۵) نوع آن توسط دانشمندان
 ثبت گردیده است هکذا درین مجموع الجزایر
 چندین جیبیل نیز به نظر میخورد که در موقع
 ذوب شدن یخ، آب های آنها نسبت به حدادی
 چندین مرتبه بلند میروند، تا حال در حصص
 موجودیت اجسام بیالوژیکی درین مجموع الجزایر
 کدام خبری نیست ولی دانشمندان مدعی اند
 که امکان موجودیت این نوع اجسام در نواحی
 گنبد (زملیا) بیشتر متصور است حقیقت
 اینست که مجموع الجزایر (زملیا) در بدو -
 پیدایش بیابان نبوده است بلکه در اثر کمال
 و سرازیر شدن کتله های یخ و تابش نور
 خورشید (روزهای آفتابی) به شکل موجوده
 تکامل نموده است در سواحل این بیابان

گنبد یخ مانند که در اثر سرمای شدید
 به کنده یخی مبدل گشته کدام انستیتوت
 تحقیقاتی نداشت. در حالیکه اینک زیر نظر
 تیم تحقیقاتی لیتنگراد اخیراً یک مرکز ریسرچ
 در موضع مذکوره تاسیس و به کار انداخته
 شده است.
 سوال اینست که آیا در طی سه سال گذشته
 در مجموع الجزایر (زملیا) چه نوع کارهایی
 صورت گرفته است؟ در جواب باید گفت که
 مهمترین کار های انجام شده درین موضع

طیاره کار مشکلی نیست و روی عمر فته مردم
 میتوانند ذریعه یک پرواز مستقیم خوشتر را
 به مرکز گنبد (زملیا) برسانند. دانشمندان
 مدعی اند که در هنگام پرواز طیارات نوع
 (ان ۲) باد های خیلی شدیدی از طرف
 شمال بطرف جنوب میوزد که البته وقت پرواز
 طولانی تر میگردد. حقیقت اینست که محل
 مذکوره توسط دانشمندان شوروی به حیث یک
 مرکز ریسرچ تعیین گردیده و فعالیت های چند
 جانبه در آن ادامه دارد. تا چندی قبل نیز
 مرکز تحقیقات قطب شمال در مرکز ایسن

گنبدی که در مجموع الجزایر زملیا واقع
 بوده و بحیره لانتوف را از بحیره کارا جدا
 مسازد اکنون بحیث نمونه و مدل تحقیقاتی
 مورد استفاده دانشمندان قرار داشته است.
 یکی ازین گنبد ها که (واویلوف) نام دارد
 در فاصله یک هزار کیلومتری مرکز مجموع الجزایر
 (زملیا) موقعیت دارد. از سه سال به اینطرف
 دانشمندان شوروی درین محله مصروف انجام
 یکسلسله تحقیقات و تتبعات علمی میباشند.
 رفتن به مرکز مجموع الجزایر (زملیا) ذریعه



ترجمه و تنظیم: میرحسام الدین برومند

امروز در تمام جهان ۱۶۰۰۰۰۰۰۰ طفل زندگی و ۳۶ فیصد نفوس کره زمین را میسازد

از ۷ سپتمبر الی ۱۰ سپتمبر کنفرانس به سویه جهانی پیرامون يك آینده خوشبخت و يك فضای آکنده از صلح برای همه اطفال به اشتراك نمایندگان ملل زیادی دا سر گردید و ضمن اعلامی های در جریان سال بین المللی کودک تجاویز اتخاذ گردید. به ناسی ازین امر اینک گزارشی در زمینه ارائه میگردد:

بنزدگی خوشبخت و آینده کاملا سعادتبار برای همه اطفال جهان آریست که همه والدین آنرا خواهند با نظر داشت این اصل نمایندگان مختلف امور اجتماعی، دانشمندان و ارگانهای مذهب در کنفرانس، روی حقوق طفل تاکید بعمل وردند. رامن چندرا - رئیس سازمان صلح جهانی که وظیفه انعقاد جلسه را بعهده



مسئله حقوق اطفال در کنفرانس مسکو مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت. اطفال نیازمند صلح عام و نام اند.

داشت ضمن گفتارش علاوه کرد: اگر فرار باشد که کشوری کودک نداشته باشد، کشور مزبور آینده ندارد، مابزرگسالان در واقع کودکان دیروزی هستیم که بزرگ شده ایم تنها با این فرق که اطفال امروزی نسبت خوشبختی خود را کرده نمیتوانند و آن بجهت آنکه در بسیاری جوامع سیستم استثمار مسلط است، گذشته از همه نادرستی ها و سختی های فراوان ملل جهان مابه ناراحتی کودکان

بروینم های کودکان در کشور های جهان اشاره به وظیفه نوده و راه های را برای بهبود و فرسخ گسترده گمان پیشنها کرد. امروز و ز در تمام جهان (۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰) کودک زندگی میکند که این رقم ۳۶ فیصد نفوس کره زمین را میسازد که به (۳۰۰۰۰) لسان تکلم میکنند که اساس اینها اطفال بایستی وظایف پر نسب های حقوق بین المللی کودک بدون تعصب و مسلط را بسازیم. رنگ، جلد، جنسیت، اصلیت، نژاد و غیره از آن عوارضی به عمل آمده، خوراک پوشاک و ادویه لازم بر ایشان داده شود لکن پس از اعلامیه حقوق طفل در طول این بیست سال تغییراتی در زمینه رونما گردیده است. آنچه از کشور ها که بجز حقوق واقعی خود دست یافته و سر استثمار و بهره گسی پایان بخندیده است اطفال شان از حقوق اصلی خود مستند گردیده است که این مطابق پر نسب های اعلامیه حقوق طفل است. در بسیاری از کشور های آسیا، افریقا و امریکای لاتین معاشی شبه جانیه بخاطر حفظ الامتی، تربیت و غیره میزول گردیده است لکن تلاش های استعمار، ارتجاع، استعمار و نژاد پرستی عواقب مخرب و نیاه کن برای اطفال و موقعیت آنان بار آورده است که آنرا میتوان بس نژاد خواند. آنجا که جنگ مسلط است اطفال هم میگردند و این بخاطر است که پس از سال ۱۹۴۵ امپریالیزم مسوول (۱۱۵) جنگ خوانده شده بر مسیبل بحال از هر صد مرده و یا زخمی شدید در خاک و پستانم (۶۰) نگران اطفال بوده اند، این جنگ (۱۰۰۰۰۰۰) بنیم بجا گذاشت در اثر حمله چین برخاک و پستانم شمار قربانیان و یتیم های آن به هزاران تن رسید که بسیاری مکاتب و کودکستان ها نیز تخریب گردید. جنگ در لبنان (۵۰۰۰) طفل را بلعید، عده کثیری از اطفال معصوم عربی در اسارت نظامیان اسرائیل گرفته شدند که مجموعاً (۲۷۰۰۰۰) طفل در تحت شرایط غیر قابل تحمل در سر پناه های دشمن زندگی میکنند، بعنوان برده ها بزندگی فلاکتبار ادامه دادند که این همه و همه از جهت تدابیر دیکتاتورانه زور گویان و استثمار گران ناسی میشود. کنفرانس دهندگان در مورد وضع و رفتار کودکان جلی که اخیراً دست به اعتصاب خوردن غذا زدند و علت آن همان سر اوست شوم و گشنده و از دست دادن والدین شان میباشد. نظریه احصایه های دقیق سالانه یکصد میلیون طفل متولد میگردد که هشتاد میلیون بدون کمک های لازم در یافت دارو، رنج و درد، دست و پامیزند از هر پنج طفلی یکی آن قبل از رسیدن بسن پنج سالگی میمیرد. فعلاً (۶۰۰) میلیون طفل در منتهای گرسنگی نفس میکشند مگر مسوول این امر جز امپریالیزم دیگری میتواند باشد؟

موامل ناسی از ابرتاید يك دستور برای (۱۰۰۰) کودک عیبا هیوست میسند در حالیکه بخش برای (۱۰۰۰) نفر سفید پوست يك دستور خدمت میکند. (۶۰۰) نفر جگانه برای اطفال سفید پوست فقط (۴۰) نفر جگانه برای اطفال عیبا هیوست است تا خسته شده. به همین ترتیب معاش يك معلم سیاه پوست متعصب و یا يك چهارم حصه معاش يك معلم سفید پوست است و این بدین مفهوم که ازده پر نسب اعلامیه حقوق طفل اکثریتی آن نیز رعایت نمیکردند. در کشورهای سرمایه داری و خاصاً کشور هاییکه مسابقات تسلیحاتی در آنجاها مسلط است فرق فاحشی دیده میشود و این بدانجهت که هزینه های گزافی صرف تولید سلاح ها گردیده و فقر راسبب شده است. در شرایط موجوده در اضلاع متحد امریکا که نیمی ترین کشور های کاپیتالیستی است جبهل فیصد اطفال در مریضی و نا توانی مادی بسر میگردند. در جمهورییت فد را لسی آلمان (۱۰۰۰۰۰۰) طفل بسپترین زندگی را نصیب اند حالانکه (۷۵۰۰۰۰) طفل دیگر در آنجا حتی از داشتن بستر خواب محروم اند. (۶۰۰۰۰۰) کودک کمتر از بانزده ساله در ایتالیا (۲۰-۱۰) ساعت روزانه برای گرفتن مزد و رفع گرسنگی شاقه ترین کار ها را انجام میدهند و وجه دلخراش است که بخاطر رهایی از فقر و زندگی فلاکتبار از سال ۱۹۶۴-۱۹۷۴ شمار خود کشی بین اطفال پنج الی چهارده ساله دوچندان شده. در کنفرانس روی سلوک والدین اشاره بعمل آمد تا والدین سلوک خود را در برابر کودکان تغییر بدهند. شاملین کنفرانس خلع سلاح جهانی را کام موثری برای رهایی اطفال از رنج، فقر و مریضی وانمود کرده گفتند که هدف عمده کنفرانس شانرا خلع سلاح تشکیل میدهد. بدان منظور که سالانه در جهان (۴۰) ملیارد دلار برای تجهیزات و سلاح به مصرف میرسد فقط يك فیصد پول متذکره کافی است که هیچ طفل گرسنه نماند. يك زده بوسه تو می همانقدر قیمت دارد که با آن پول میشود يك موسسه کارگری برای جذب (۵۲۰) نفر دانشت و این تعداد اطفال را در آن بکار گماشت. با پول يك (اف ۱۵) میشود که مکتب ساخت. برای ساختن قایق های تحت الارضی انومی امریکا همانقدر پول مصرف گردید که میشود با آن برای شانزده میلیون طفل وسایل درسی و آموزشی فراهم آورد. پس خاتمه دادن به مسابقات تسلیحاتی خلال این بروینم میتواند بشمار آید یا اینهم اگر در زمینه مسابقات تسلیحاتی صرفه جویی بعمل آید (۲۰۰۰) میلادی بروینم کودکان جهان حل میگردد. در اثر فعالیت های امپریالیزم است که آثار آن مرگ اطفال فوس سعودی خود را بپوده از هر هزار کودک (۱۵۰) نفر نوزاد، ۱۱۳ تن شیر- خوار از جمله هزار کودک میمیرد. خدمتاری



۱- آفو بیکو روز در میان جمعیت
با شکل سواران حین مسابقه و تصویر تپایی
ش.

تر از سرودها نیکه از روی سمفونی های
معروف تهیه شده بود. میر قصید، بلون
تعصب هنری دیگران به هنر او خیره میشدند
(ایز و دورا) تکنیک های فراوان به هنر
رقص بخشید و رونق داد. رقص که وی
طراحی است بر رقاصه تسلط می بخشد
که بر همه حصص و نقاط وجودش خاصیت
یدا کند حتی بر قسمت های غیر ارادی
چون پلک ها و غیره. رقص های را که
ایزادو را ایجاد کرد بود همه را بسو جود
می آورد از بیروست که نقد نویسی متذکر
میگردد: رقص های (ایز و دورا) منبع
خوشی های بی با بانیست در چون ۱۹۲۱ بود
که در اتحاد شوروی ازین هنر بی بهره صاحب
نام از طرف مقامات هنری دعوت بعمل
آمد. وی در خاطرات زندگی گیت مینو پسند
به محض آنکه در خاک شوروی در محلی
بنام (ریفال) با گذاشتم قلبم تند ترازمیشه
میزد و بمن توید میداد: خوش باشی که
تو در سر زمینی آمده ای که اصلا دیگر
چیزی بنام استعمار وجود ندارد. پس من
در اصل در جهان نوینی پا گذاشته ام.
(ایزو دورا) همواره بدین اندیشه بود که
رقص در آینده چشکلی بخود خواهد گرفت
و تکامل آن چگونه خواهد بود؟ و بهمین
ملحوظه مبتکر مذکور واضح می شود های
بیشتر هنری در ساحت رقص میا شد
که به حلقه های هنری و برای رقاصه ها
به اثر گذاشت. امروز در مکاتب و مراکز
بیشماری از هنر وی استفاده میشود.
وی با ری در مورد هو لقب اجناسی
اطفال گفته بود: من برای همه کودکان
جهان سعادت معیشت و شادابی میخواهم
امروز در مکتب هنری که بنام (ایز و دورا)
مسماست و در یک ویلای قشنگ بنا یافته.
میتو د های رقص نامبرده به سایر بین
اند ریس میشود. رقاصه صاحب نام مذکور
چهل نفر را به عنوان شاگردان ممتاز بر
گزید که یکی از آن دختر خوانده اش بنام
(ایر ما) بود که از ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۱ تا
بنات اساسی را با وی آغاز نمود کتون
در پهلوی سایر پلان های آمو زشی

عرضه کنیم و احساسات انسانی را به
کاهش گیریم. الحق (نما یشنا به باغنده
های بر ف) نما یشنا به مدرنی بوده است
هنر چینی در نسما یشنا به «پیکر»
که یک پارچه «هجو نامه» بهتر است نام
مش کنیم در اصل رو ما نیست از «نوسیم»
نما نداده شده که چنان یکنفر باگرایش
به فلسفه «هویور تو نیزم» آد به بدی بار
آمده است.

در تیاتر بالشوی بار بار گوشه
های متعددی از زندگی مردمان انعکاس یافته
و از تحقیقات در مورد انسان های که در
خیمه ها با مشقت اطفال شان را بزرگ
میساختند گرفته تا انسان ها نیکه به
چشمگیر ترین کشفیات و ترقیات تا میل
آمدند و در نهایت تضاد میان نو و کهنه.
۰۰۰ و در تیاتر بالشوی بود که جبهه
فروز ان هنری دیگری با درخشش خاص
نور افشانی کرد (ایزادورا دولگراف)
وی را بنیانگذار رقص (دانس مدرن) می



۲- ایز و دورا (کودکانش را در آغوش
گشیدم.

خوانند و در واقع همین (ایزادورا) بود که
صنعت رقص های مدرن قرن بیست و طرح
ریزی کرد و هم او بود که ابتکار رات او
در زمینه رقص محافل (سازو رقص) را متاثر
ساخت وی از نخستین ایجادگران صنایع
هنری است که زادگاهش را بسوی اتحاد
شوروی ترک گفت و آنجا بطور دستجمعی
پس از پیوستن با سایر حلقه های هنر
رقص، واضح صنعت های بخصوص هنری
خاصا در زمینه رقص شد.

(اناتولی لونا تستاسکی) یکی از کمیسار
ها در شوروی مینو پسند: گر چه رقص
دانس وی زیاد دلچسب است لکن دلچسب
تراز همه اقامت او در روسیه انقلابی پس
قابل تمجید و تحسین است. و عموفا اصلا
به نژاد «دیرین» متعلق بوده که در امریکا
تولد یافته است، کودکی پیش نبود که
برقص علاقمند گشت نامبرده چون استعداد
شایانی در خود میدید دنباله او استعدادش
مردید و در فرجام استعدادش برای او افتخار
آورد. رقصی که (ایزادورا) آنرا بسو جود
آورد دو پهلو داشت رقص مدرن و کلاسیک
این رقص به گونه دیگری اجراء میشود غیر
از رقص های باله، ساز و پیرو و بیت
رقص کلاسیک متحرک که در یک آن همه اعضا
باز می خاص که از طرف رقاصه بدان
داده شده بود. به اطراف وجود بشکل معجزه
آسانی می چرخید. (ایزادورا) معمولا
با پای برهنه میرقصید. این رقاصه زیاد

بین المللی کودک. در واقع باید مستحکم
است برای تحقق اعلامیه و حقوق طفل که کشور
های عضو ملل متحد در زمینه تحقق بخشیدن
مرام این گونونیسون بایست بیشتر بکوشد.
بطور قطع کنفرانس مسکو آغاز
گردید. با توجه به اینکه اتحاد شوروی و تمام
کشور های سو سیالستی همه وقت به تمامی
حقوق بشری بالخاصه حقوق اطفال توجه جدی
داشته و زمینه را برای رشد کودکان در فضای
عاری از استثمار فراهم آورده اند.

سن در کشور های پیشرفته (۶۰ سالگی و در
سایر کشورها (۵۶) تثبیت گردیده که
معمولا به (۴۶) سالگی میرسند جهانیان بادرک
رسالت های عظیم انسان دوستی بایستی به
نژاد پرستی جنگ و غیره خاتمه داده و برای
تدارک دارو، لباس، غذا، هنر، سپورت و
غیره برای دطفال بکوشند. نامفکوره حقوق
طفل تحقق یافته باشد. سی و ششمین اجلاس
کمسیون حقوق بشر قرار است در فیروزی
ومارچ (۱۹۸۰) در ژنیو دایر گردد اما کنفرانس
منعده مسکو در مورد حقوق طفل به ارتباط سال

طراح رقص (دانس) مدرن و تیاتر بالشوی

خان نو (ن) بود که توسط هنر پیشگان
لینگرادی «نانالیا کاسا تکیا» و «ولادیمیر
واسیلوف» اجرا شد درین پارچه معسر
شد بود که هنر نمایشی را از طریق آتشی
دادن رقص با ساز تبارز دهند و کمی بعد تر
تیاتر بالشوی به مرحله سو می باگذشت
ایرایی (باغنده های برف) از نیگولا ی
ریسکی کو رزا کوف) در پلان نمایشات
تیاتر بالشوی پذیرفته شد سر دست
موزیک - الکسندر لازارف - ایرای مازکور
را چنین تعریف کرده بود: بنظر من این
یک قصه شعر گونه برای کودکان است
ما درین پارچه نمایش سعی ورزیدیم
که این پارچه را به شکل انسانی های
کودکانه بلکه بشکل انسانی که
با تکر خصلت های نیک انسانی با شد

در تیاتر بالشوی در مسکو نما یشنا به
توسط ایرای کمو نیست هنگری «یلا بار»
کوک تشکیل یافت که از روی خلاصه نما
یشنا به فرامه از «موریس میتر لنگ» که
اسرار یک قصر مرموز را از انسوی هفت
در واژه تا ریک نشان میداد. برای بار اول
تپیه و نقاشی داده شده و در آن از ذوق
میرش آبی و روح پر از در توالم او در نظر
نما شاگر برده برداشته شد که انبیا هر
بود در نما یشنا به پارچه هنری مذکور علاوه
هنر پیشگان هنگری از ریوسور ایرای بودا
پست اندراس میکو) رئیس سوریسک
«جانوس فر سیرک» نیز دعوت بعمل آمده
بود.
۰۰۰ و اما نخستین ایرای کومیک از فولکلک
نک اما دویس موزارت) بنام (کوسوی
نک اما دویس موزارت بنام کوزی



۳- (ایزو دورا) اینبار شوهر شاعر ش.

هدف عمده دیتانت

ترجمه: ضیاء

موافقه بین المللی در مورد عدم استعمال قوه در روابط بین المللی تکمیل گردد. نتایج چنین موافقه مسلما دست آنها نیرا که خواهان مسابقه تسلیحاتی و حتی خواهان بکاربردن آن میباشند میبندد.

همچنان سی و چهارمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد باید توجه خاص خود را به انکشاف و خیم در شرق میانه معطوف دارد. معامله جداگانه مصر و اسرائیل که علیه سعادت خلقهای عرب و درخفای آنها عقد گردیده است بطور خطرناک و وخیمی تشنج را در این منطقه تشدید نموده است. یکی از نتایج ناگوار این معامله تشدید عملیات تجاوز کارانه اسرائیل است. انتظار می رود این اجلاس فرصت خواهد یابد تا موافقه مشترک کشور های راکه از داعیه عادلانه خلقهای عرب حمایت می دارند بپذیرد و به حل مناسب و پایدار مساله شرق میانه بشرکت تمام احزاب (شمول سازمان آزادیبخش فلسطین به مثابه نماینده قانونی فلسطینی ها نایل آید. برای نایل به یک صلح پایدار در شرق میانه باید فیصله های شورای امنیت اساسیه عمومی در دست اجرا قرار گیرد. اتحاد شوروی بطور خلل ناپذیر خواهان صلح عادلانه و معصوم در این منطقه می باشد و انتظار دارد. اسرائیل از سرزمین های اشغالی شان ۱۹۶۷ رانده شوند و حقوق انکار ناپذیر فلسطینی ها به شمول حق تشکیل دولت مستقل اعاده گردد که مسلمانان امر امنیت کشورهای این منطقه را تضمین خواهد کرد.

از طرف حلفائ ملتاریستی امپریالیزم تلاش های مداوم بکار برده می شود تا ملل متحد را از موضع آن در مورد مساله حل ناسا شده سایبربوت خارج سازد. چنین مانورهای نامرئی چیزی جز مخالفت با خلق سایبربوت نمی باشد. ملل متحد تصامیمی را مبنی بر اصول اساسی اتخاذ کرده است که برای حل این مساله کمک می نماید.

سی و چهارمین اجلاس ملل متحد قادر است نقش مهمی را در حمایت از مبارزات آزادیبخش خلقها بر ضد استعمار نژاد پرستی و اپارتاید ایفاء نماید.

این سوال تاریخی باید در مورد افریقای جنوبی حل و فصل شود:

آیا زباجوی و نامیبیا استقلال واقعی خویش را کسب خواهد کرد و یا اینکه اسیران استعمار نو باقی خواهند ماند؟

نژاد پرستان و دوستان غربی آنها مانور های تازه را بکار می برند و صرف با تفسیرات شکلی میخوانند رژیم های دست نشانده و فادار خود را با خلق این سرزمین تحمیل نمایند. ملل متحد باید تدابیر مؤثری بکار برد تا به صورت فوری قدرت به نمایندگان اصیل خلقهای این کشور ها (نیرو های وطنپرست زباجوی و نامیبیا) انتقال یابد.

سیاست اپارتاید که بو سیله زمامداران افریقای جنوبی بر علیه سیاه پوستان بکار برده میشود باید به شدت محکوم گردد.

مصونیت میباید حمایت می گردد. طرح مسوده مواد عمده قرار داد منع سلاح های رادیو لوزیکی یکی از نتایج مذاکرات این شوروی و امریکا در کمیته خلع سلاح می باشد. دیتانت امر یک قدم مثبت در راه فراهم آوری امکانات جلوگیری از تولید باخیره و استعمال یکی از خطرناک ترین سلاحهای گسترده دسته جمعی به شمار می رود. اکنون ضرورت آن احساس می شود تا این مسوده هر چه به سرعت ممکنه مراحل نهایی خود را طی نماید تا در عرض خلع سلاح یک موافقه دیگر پذیرفته شود.

علی الرغم انکشاف مذاکرات شوروی - امریکا و بریتانیا درباره منع آزمایشات سلاح های هستوی. طرح مسوده قرار داد این مساله به صورت غیر عادلانه به تاخیر مواجه گردیده است. اتحاد شوروی بطور ثابت قدم در راه عقد موافقه های بین المللی پیرامون ایمن مسایل مساعی بخرچ می دهد و عقیده دارد که سی و چهارمین اسامبله عمومی توجه ویژه خود را درباره این مسایل معطوف خواهد داشت. توجه زیاد مجدد ا باید به مساله عدم انتشار سلاح هستوی معطوف گردد. گسترش (مجمع هستوی) به جامعه بین المللی خطرناک است.

این خطر بیش از همه در جاه طلبی هستوی افریقای جنوبی، اسرائیل و بعضی کشورهای دیگر بخوبی نمایان بدست آوردن سلاحهای هستوی بوسیله کشور های که پیوسته علیه همسایهگان خود مرتکب فعالیت های تجا و زکارانه می گردند. سرزمین های اجنبی را با استعمال قوه تصرف می نمایند و آزادی خلقها را حذف می دارند تا بسج و خیمی را برای صلح بار می آورد. همچنان درسی و چارمین اجلاس باید تدابیر جدی اتخاذ گردد تا کنترل شدید از جانب نمایندگی بین المللی انرژی اتومی بالای استعمال تکنالوژی و مواد هستوی توسط دول غیر هستوی وضع گردد و مساعی اعظمی بخرچ داده شود تا اعضای پیمان عدم انتشار سلاحهای هستوی افزایش یابند.

برعلاوه اخذ تدابیر جهت تقلیل مسابقه تسلیحاتی باید مساله تضمین سیاسی و قانون امنیت کشور ها مورد بحث قرار گیرد اکثریت اعضای ملل متحد خواهان اند، از استعمال قوای هستوی و سلاحهای قرار دادی اجتناب بعمل آید. و روابط بین المللی در چار چوب موازین ملل متحد بر قرار گردد. معذا نیاز مبرم است تا با سرعت هر چه ممکنه مسوده یک

زیاد اکنون منوط به توقف دادن مسابقه تسلیحاتی می باشد.

همچنان حل مساله خلع سلاح اهمیت مقدم کسب کرده است که حل بسیاری از مسایل دیگر جهانی مثلاً تهیه انرژی و غذا، امحای امراض، نافع ساختن منابع ابخار و فضای خارجی و رفع غناب ماندگی بسیاری از کشور ها را تسهیل می نماید.

اجندای سی و چهارمین اسامبله عمومی ملل متحد تقریباً شامل بیست موضوعی بوده که با خلع سلاح ارتباط می گرفت که بسیاری این موضوعات در ملل متحد به ابتکار اتحاد شوروی سوسیالیستی دیگر مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت.

سلاح های هستوی به صورت مشخصی برای بشریت و برای موجودیت هر چه بیشتر بودن خطرناک می باشد این امر جوابگوی این سوال می باشد که چرا برای خلع سلاح هستوی توجه درجه اول معطوف گردد؟

اتحاد شوروی به همراهی کشور های دیگر سوسیالیستی در کمیته خلع سلاح پیشنهادی را پیرامون پایان دادن تولید تمام انواع سلاح های هستوی و تقلیل تدریجی و امحای کامل ذخایر آن طرح نموده است. اتحاد شوروی و متحدین آن در سال جاری همواره مذاکراتی مناسبی را با دول دارای نیروهای هستوی و همچنان با دول غیر هستوی بر اه انداخته است. این ابتکار به صورت همه جانبه در کمیته خلع سلاح از جانب کشور های غیر منسلک و تعدادی از کشور های غربی حمایت گردید. بهر حال بحث روی این مطلب از بسبب مقاومت سردمداران امپریالیزم و متحدین آن به تاخیر افتاد.

به منظور پاسخ به خواست بسیاری از کشور های غیر هستوی، و به منظور تضمین امنیت آنها اتحاد شوروی از سال ۱۹۷۸ اعلام داشت که هیچگاه از سلاحهای هستوی دست نداشته خود بر ضد کشور های که تولید و بدست آوردن این سلاحها را تحریم می نمایند استفاده بعمل نخواهد آورد. ابتکار اتحاد شوروی درسی - وسومین اسامبله عمومی برای تشکیل مجلس تضمین امنیت به کشور های غیر هستوی و

مذاکرات مفیدی که پیرامون این مساله بعداً در کمیته خلع سلاح آغاز یافت تا حد انبساط این امر می باشد. بر گذاری چنین یک مجلس اکنون از جانب اکثریت کشور های عضو ملل متحد که از تشدید سلاح هستوی خواهان

سی و چهارمین اجلاس عمومی ملل متحد در ۱۸ سپتمبر در نیویارک گشایش یافت. این مجمع که از اشتراک نمایندگان ۱۵۱ کشور جهان تشکیل یافته است، جهانیان آنرا به مثابه یکی از بر قدرت ترین و باصلاحیت ترین سازمان های بین المللی می بیند. ملل متحد با اشتراک خلقهای دیگر جهان سهیم اساسی و عمده را در راه جلوگیری از جنگ، استحکام صلح، کاهش مسابقه تسلیحاتی ذیل به خلع سلاح ایفاء نموده است.

اجندای سی و چهارمین اجلاس این مجمع را تقریباً بیش از ۱۲۵ موضوع تشکیل میدهد ولی موضوع عمده راکه نمایندگان کشورهای مختلف بر آن تاکید می ورزند مساله دیتانت است.

دیدار اخیر برزئفد کارتر در وینا و امضای قرارداد سانت ۲ - فرصت مساعدی را برای مساعی هر چه بیشتر ملل متحد در راه استحکام صلح جهانی و دیتانت سیاسی و نظامی فراهم ساخت. ملل متحد بایست از چنین فرصتی به نفع بشریت استفاده بعمل آورد.

تحقق دیتانت مساعی مشترک تمام کشور ها را بدون در نظر داشت ملحوظات سیستم اجتماعی و سنت قلمرو، موقعیت جغرافیایی، انکشاف اقتصاد و صرف نظر از اینکه عضو بلاک های نظامی می باشند یا خیر نیازمند است. بناء مجمع عمومی ملل متحد میدان و فرصت مناسبی دارد تا تدابیر لازم جهت پیشبرد جریان دیتانت اتخاذ داشته و آنرا به تمام قاره ها و وسعت د هند انکشاف بین المللی نمایانگر آنست که در برابر امر دیتانت تا هنوز مخالفین بی شماری موجود است که فعالیت آنها را تقابل دول دوست ملل متحد دور نیست. سران پنتاگون،

ملیتاریست های نا تو و حلفائ نظامی صنعتی غرب پلان های را برای تسریع هر چه بیشتر وسایل تسلیحاتی گسترش میدهند و می گویند تولید سلاح های جدید بالیستیکی و غیره را تحت عنوان صف آراییی اروپای غربی توسعه دهند و آنرا علیه اتحاد شوروی بکار برند.

تبلیغات کهن و زهر آگین علیه اتحاد شوروی بکار دیگر برای کتمان این پلان های خطرناک بر اه انداخته شده است. از مدت ها به این طرف بدترین دشمنان صلح از جانب متحدین چپ نمای امپریالیزم حمایت می کردند تا نیروی هستوی خویش را با بالبرده و در جستجوی (تدارک یک جنگ جدید) می باشند.

ترجمه الف عبیدی
از مسکو نیوز

کتاب

در

خدمت

صلح



حال کورخ نامشر مشهور شوروی که بر فعالیت کتب تاکید میکند

بازی های اولمپیک در مسکو تابنده است
کتب تحت عناوین (اطفال و کتاب) و (سیورت
وادعیات از چندین کشور) در نمایشگاه سه
نمایش گذاشته شده است .
یک تعداد زیاد از موسسات شوروی غرض
مفاعمه با اشتراک کنندگان در زمینه نشر کتاب
آمادگی گرفته بودند و هم یک تعداد از
ناشرین کتب اتحاد شوروی که در آن کشور
به نشر ادبیات کشور های دیگر می پردازند
در بهلوی غرفه های کشور های خارجی برای
خود غرفه های باز نموده بودند همچنان در
نهمین جلسات درین نمایشگاه مذاکراتی در
باره خرید و فروش صورت گرفت و موضوع
اصلی بحث اشتراک کنندگان امسال نمایشگاه
نامسلح تابع و بیخس کتب برای کودکان و نو
جوانان تشکیل میداد .

نمایشگاه بین المللی کتاب در مسکو

برای اینکه اقامت اشتراک کنندگان نمایشگاه

در مسکو برای شان مفید و خوش گوار بوده
باشد یک پروگرام وسیعی غرض فراهمی
ساختن هرگونه تسهیلات برای شان در نظر
گرفته شده بود .

فعالیت غرض خریداری حسیق الامتياز چاپ
کتب ادبی علمی و هنری غرض ترجمه و نشر
دوباره آنها به کمک (موسسه حسیق الامتياز)
شوروی صورت گرفته است خریداری کتب
آماده شده همه بوسیله مرسسه سرتاسری
کتاب بنام (مترود نرو نایا کتیکا) صورت
میگیرد .

شعار نمایشگاه دوم بین المللی مسکو
(کتاب در خدمت صلح و ترقی) است و این
اولین نمایشگاه است که اشتراک کنندگان
آن با خود قبلا تصمیم گرفته اند تاجه نوع کتاب
را با در نظر داشت شرایط اشتراک و موافقت
شعار نمایشگاه با خود به مسکو بیاورند .
کتیکه مقابراین شعار و شرایط اشتراک در
نمایشگاه مسکو بوده است به نمایش گذاشته
نشده است .

در نمایشگاه امسال به تعداد موسسات
چاپ و فروش کتاب از ممالک سرمایه داری
بیش از چهل موسسه دیگر نسبت به نمایشگاه
اول افزایش بعمل آمده در این نمایشگاه
موسسات چاپ و فروش کتاب از کشور های
بلجیم ایتالیا ، ناروی ، ایالات متحده امریکا
سویدن و جاپان و هم انستیتوت ملی کتاب
از اسپانیا و مرکز فرهنگی بریتانیا اشتراک
نموده اند .

در اشتراک و سهم گیری کشورهای روسیه
انکشاف نیز افزایش بعمل آمده است آثار
ادبیات کشور های الجیریا انگولا ارجنتاین
بنگله دیش ، کانادا ، هند ، کانگو ، لبنان ، مکسیکو
کشور های آسیایی افریقای و امریکایی لاتین
به نمایش گذاشته شده است .

کشور های بولیویا ، مالیزیا ، تایلند فلپین
ولابریلا برای اولین مرتبه درین نمایشگاه
حصه گرفته بودند .
از جنبه اینکه این نمایشگاه در سال بین-
المللی طفل و در استانه شروع بیست دومین

دومین نمایشگاه بین المللی کتاب با شعار
(کتاب در خدمت صلح و ترقی) سه اشتراک
دو هزار موسسه و شرکت چاپ کننده کتاب
بیش از هفتاد کشور جهان ملل متحد،
یونسکو ، گوئیگان ، سازمان بین المللی
کار و دیگر موسسات بین المللی در مسکو
کنشایش یافته است درین نمایشگاه بیش
از یکصد و پنجاه هزار کتاب به نمایش گذاشته
شده است .

بمناسبت تدویر این نمایشگاه لیوند بریزنیف

پیام سادبانی عنوانی اشتراک کنندگان نمایشگاه
فرستاده است وی در پیامش اظهار امیدواری
کرده تا کتب به نمایش گذاشته شده تا اندازه
زیاد موافق به شعار این نمایشگاه (کتاب در
خدمت صلح و ترقی) باشد .

وی همچنان گفته است که عقیده دارد دومین
نمایشگاه بین المللی کتاب در مسکو زمینه
بهبود همکاری واقعی را بخاطر تبادل بهر کتب
درین ممالک اشتراک کننده ایجاد می نماید
و هم در انکشاف کشور و همکاری فرهنگی
و ترویج همسایگی نیک در بین این کشور ها
تسهیلاتی را فراهم خواهد ساخت .

در دومین نمایشگاه بین المللی کتاب در
مسکو تعداد اشتراک کننده گان نسبت به
نمایشگاه اول کتاب که در سال ۱۹۷۷ درین
شهر تابر شده بود بهتر است با اشتراک
که در نمایشگاه اول کتاب به تعداد یک هزار
و پنجاه موسسه نشر کتاب از ۶۷ کشور
جهان اشتراک نموده بود در حالیکه درین
نمایشگاه تنها در تعداد کشور ها موسسات
و سازمانها افزایش بعمل آمده بلکه ساحسه
نمایشگاه نیز توسعه یافته است .



سازمردان از ابتدای تحصیل به کتاب و کتابخانه
علاقه نشان میدهند





وظایف جوانان

امروز جامعه مادر مرحله گذار از کهنه به نو قرار دارد والیه ناگفته نباید گذشت که در این گذار جوانان ما نقش ارزنده و مسهم بزرگی دارند. برای سازندگی و اعمار یک افغانستان جدید و شگرفان کسی تمام افراد آن زندگی آرام و مسعودی داشته داشته باشند جوانان ما وظیفه دارند تا با کار و بیکار انقلابی این زمینه را مهیا سازند. این امر وقتی میسر میگردد که جوانان ما وظایف خویش را بدرستی بدانند و با بیکار انقلابی وظیفه اصلی و ایمانی خود را که عبارت از بسواد ساختن افراد بی سواد کشور است بصورت اعلی انجام دهند.

امروز کشور های مترقی که توانسته اند جامعه زود استعمار فرد را از فرد را بنیان گذارند همه از برکت تلاش جوانان مبارز و بر توان و بادرک آنان است که در راه محو بی سواد با دولت های خورش همکساری صمیمانه نموده اند. دست یافتن به یک زندگی ایده آل ناممکن است مگر اینکه انسان سواد و دانش مترقی داشته باشد.

امروز وظیفه هر جوان بادرک و با احساس است که این بالای خانمان سوز را از جامعه اش از مملکت اش و از میهنش بدور سازد. این یک حقیقت روشن و انکار ناپذیر است

هدایت الله و قی

ازدواج و جوانان

بخواسته بگوییم، به منظور وقتی گزیده شدن به احسان سببای انسانی و با در نظر داشتن خواص فطری و طبیعی و بالاخره جهت تحقق یابی تحول در زندگی بکنواخت، ازدواج لازمه طبیعت بشری بوده، بر علاوه آنکه انسان، چه زن و یا مرد از حیثات تجرد و عیبی می یابد، با رضای عواطف و افتخار غریز و انگیزه های روانی، به زندگی مشترک ادامه داده و یک بد بگر مشاور، همکار و در حالات مختلف زندگی همدیگر را کمک

این گونه گوییم، مسأله بفرنجی را در فاعل های دختران و پسران ایجاد می نماید. اگر از نحوه ابراز تو افق روحی دختران و پسران آنکه دارای علم و تحصیل هستند، بگذریم و صرف مآلی از طیفه مغز و رویه ششکر بد هم، به انواع مختلف خواستگاری و آن دهی به از دواج ها بر میسر خوریم، که بد نیست به سبب مآل از چند شکل آن یادآوری نموده و نقاط ضعیف آنرا بر شمیریم.

اسواقفه قبلی که بین دختر و پسر صورت میگیرد و مبنی بر آنست که در جوانی یکدیگر را به تمام معنا درک کرده، کردار و پندار یکی، برای دیگری خوش آیند بوده و در آخر، این تحلیل و نظر اندازی به دور نمای زندگی آینده، می خواهد به عدد هم آیند و زندگی ایده آل خود را شروع نماید.

البته خواستگاری در این گونه بیوند های معقول به اشکال مواجه نشده و در



جوانان و مسأله زندگی

وقتی که به زندگی فعلی خود متنگیم که بادیست آشنایه خوشبختی و سعادت خود را و ازگون ساختن و در این واژگونی هیچکسی مقصر نیست جز خودم، امروز در پیشمانی عجیبی قرار داریم، پیشمانی که به قیمت زندگی تمام شد.

بد نیست شما هم از زندگی، از اشتباهی که مرتکب شده باخبر شوید و پند بگیرید. من دختر عرزه ساله بودم که با پسر ما را ازدواج کردم، اگر چه این ازدواج روی علاقه و عشق استوار بود و همین عشق طسرفین بود که ما را با هم پیوند داد و زندگی خانوادگی را بر ایمان بنیان گذارد. سال اول زندگی بدون کدام مشکل و پروبلمی سپری شد تا اینکه ما صاحب طفلی شدیم، با تولد دخترم زندگی خانوادگی ما شیرین تر از گذشته شد و بیشتر بر کانون گرم خانوادگی ما تأثیر گذاشت روزها، هفته ها و ماه ها گذشت تا بالاخره اولین کودکمان دو ساله شد. شوهرم در طول این سه سال زندگی

اندیشه‌های جوانان

غلام نبی :

جوانان ویا جوانانیکه ميا رزه را در این راه و طیفه اصلی و ایمانی خود میداند به عقیده من جوان واقعی و فایسل ستایش است .

جوان حقیقی که موفقیت و سعادت کنورسش را در محو بی سوادی میداند برای از بین بردن این نقیصه اجتماعتی از هیچگونه تلاش خود داری نمیکند .

امروز فقر اجتماعتی که بیشتر در کشورهای فقیر شده است همه در آنسوی سواد است .



کشور ما افغانستان پس از انقلاب پیروز شد نور با پلان های انقلابی که همه اش نویددهنده يك زندگی مسعود و سعادت باری است میکوشد تا فقر و بی چاره‌گی را از دامان این کشور بکشد . در این جا وظیفه هر فرد وطن پرست است که بسا دولت خلقی شان از هیچگونه همکاری دریغ نه ورزند .



عنایت‌الله (کارون)

به عقیده من اصلاح يك جامعه بستگی و ارتباط مستقیم به اخلاق فردی آن جامعه دارد . وقتی يك جامعه میتواند به زندگی ایده آل خویش دست یابد که افراد آن جامعه وظایف خویش را بد رستی در آن نمایند . راه رستگاری هم در این است که هر فردی از اجتماع بسواری سگوفان ساختن جامعه اش و وظایف سپرده شده را بصورت احسن در کمال ایمان داری و امانت اجرا نماید و در رفع نقیصه های زندگی اجتماعتی بکوشد .

می ستاییم مادر وطن را



انجیلا «نثار»

حب تو خون به رگهای مای جو شاند و توان زندگی می بخشد . بشر پاداشتن لطف و موهبت تو نیرو میگردد و بمقابل هیسولای جانفرسای زندگی و پدیدده های سرکش طبیعت می رزمند و آنها را رام خودمیسازد .

مادر ! اگر حب تو در نهاد فرزندانست نمی بود امکان داشت که طبیعت اینقدر قشنگ و زیبا خود نمایی کند ؟ نه ، هرگز نه ! توهستی مایی ! تو! منبع الهام هائوسروش های ما هستی ... ترا ستایش میکنیم که مهرت حلوحصری ندارد، از مهر تو و آفتاب تو جهان ماروشن و مغز ما انباشته از امیدها است .

امید هائیکه به آرزوی آبادانی تو ای مادروطن که هیچگاه از مغیله زدوده نمیشوند، بلکه بطور مضاعف خلق میگرددند و آهسته آهسته تحقق می یابند .

ای مادر پاک سرشت!

ما از تو مرهون وثوق داریم، زیرامهرت درخون مانعین است .

بیاس شکران و حفظ نام نامیت ای مادر وطن . خون گرم نثار میکنیم و سرزادرتکف و جان را نثار خاکت میکنیم .

ای مادر وطن ! ای کانون آرزو ها که در فروغ مهر تو جهان را زیباتر از آنچه که هست می بینیم، زیبا می بینیم نه بخاطر آنکه ما زیبایبینیم بلکه خودش گرانبار و سرشار از زیبایست، و همه هستی را رنگ دیگری بخشیده است، رنگت زندگی و امید، کوشش و تلاش .

مشکلات جوانان

تأثیر معاصران نااهل ، نداشتن هدف، عدم مسئولیت و فقدان مهارت های فنی، ترک تحصیل خطرانی است که جوانان يك کشور را تهدید میکند .

بریشانی و بیماری و عدم تعادل روانی برای جوانان امروز مشکل به وجود می آورد اعتیاد و فروانی بی بندوباری بی اعتباری به خانواده برخاستگی وحشی دزدی مال مردم اینها همه آثار يك بیماری مزمن و روانی و اجتماعی هستند که باید اول علت هاوریشه های آن کشف و شناخته گردد آنگاه به معالجه و تداوی آن پرداخت ما از فرصتی که به دست ما آمده استفاده میکنیم ویا کشف بعضی از علت ها که جوانان با آن مواجه اند در معرض قضاوت و انتقاد قرار میدهم که البته علت ها به اشکال گوناگون بوده که ما صرف سهم از آن رایاد آور میشویم :

۱- سست شدن روابط خانوادگی در دوران های گذشته پدران چه باسواد و چه بیسواد صنعتگر و کارگر و چه مامور دولت در خانواده ها حاکم مطلق بدون چون و چرا بوده اند و رفتار و کردار و شخصیت فرزندان زیر نفوذ پدران درخانه و بازار شکل میگرفت . کودکان پس از تحصیل علم با شاگردی از پدر شغل شان از پیش معین آماده بود داماد و عروس میشدند و خانواده تشکیل میدادند تا می آمدند که خود را بشناسند و به اطراف خود نگاه کند در انبوه از مسولیت ها غوطه ور می گشتند اما امروز فرزندان غالباً از شعاع نفوذ و تسلط پدران دور شده اند و از نفوذ سنت ها و عادات و تمهیدات گذشته رسته اند و یافته اند .

بافروش لوازم خانه فروشی بر شمار آشنایان و دوستانش را پرداخت و دیگر در زندگی ما چیزی باقی نبود که بتوان روی آن حساب کرد .

برای ادامه زندگی مان مجبور شدیم که خودم کاری برای خویش دست و پا نمایم . پس از جستجوی زیاد بالاخره کاری برای خویش در یکی از موسسات پیدا نمودم و شامل کار شدیم با معاش ناچیزی که میگرفتیم زندگی خویش را به مشکل پیش می بردیم بانام این مشکلات بازهم شوهرم از شب زنده داری و رفیق بازی خویش دست برداشت و باز هم همینکه از کار به خانه برمیگشتم شوهرم از منزل بیرون می رفت و خدا میداند که چه وقت شب در حالیکه دست از پا نمی شناخت به خانه برمی گشت این وضع آهسته آهسته شوهرم را عصبانی، تندخو و گریزان از زندگی ساخت تا جایکه دیگر خانه به منزل زندان برایش شده بود .

پس از یکسال دیگر شوهرم آن احمد سابق نبود، او به مردی تبدیل شده بود که هرچیز را از عینک سیاه و بدبینی نگاه میکرد، به کوچکترین موضوعی بهانه میگرفت و این بهانه گیری ها آنقدر جدی میشد که صدای داد و فریاد ما بلند میشد و حتی بعضی اوقات هسابه هاءداخله میکردند . این وضع رفته رفته حوصله مرا نیز از بین برد و يك روز موقعیکه او سخت عصبانی بود و بی بهانه میگشت من بادرش هرچه بیشتر برایش گفتم : احمد دیگر زندگی با تو برایم غیر مقدور شده است، تو با این حال و وضعی که داری هم من و هم کودکان را به بدبختی میکشانی . تو نمیدانی که چه میکنی، صحت و سلامتی خود را که بزرگترین دارایی هر انسان است از دست دادی، کانون گرم خانوادگی را که هرکس در آرزوی داشتن به مانند زندگی ما بود همه را با عیاشی های بی مورد خود به باد فنا دادی اقتصاد ما میل را از بین بردی، کار و وظیفه خود را از دست دادی بالاخره به مردی تبدیل شدی که جز خودش هیچ چیز دیگر را نمی خواهد و لی ایگاش این خود خواهی توهم از روی عقل و منطق می بود . با چنین شرایط من دیگر نمیتوانم با تو زندگی کنم و البته سر نوشت کودکان نیز معلوم است او با من خواهد بود زیرا توحی قادر به نگهداری خود نیستی، بدین ترتیب از تو می خواهم که جدا شویم و تو میتوانی که در این مورد تصمیم خود را بگیری .

شوهرم با شنیدن این کلمات خشموش شد، دیگر چیزی نگفت، به نقطه دور دستی متوجه گشت و دفاعی چند به همین منوال باقی ماند . تا اینکه بخود آمد و با نگاهی بر تعجب به من نگریست . می خواست چیزی بگوید ولی سکوت کرد، این سکوت تا دو روز ادامه داشت تا اینکه بازمی برایش یاد آوری کردم که دیگر نمیتوانم با او زندگی کنم . بالاخره سکوتش را شکستاند و گفت : میدانم که در این مدت چقدر اشتباهی بزرگی را مرتکب شده ام، چقدر ترا رنج داده ام، زندگی خود را بر باد کردم ولی هرکس در زندگی اشتباه میکند و من هم این اشتباه را مرتکب شده ام . تو مرا ببخش و یکبار دیگر برایم موقع بده تا زندگی را دوباره از سر آغاز کنم تو قول میدهم همه چیز را بقیه در صفحه ده



ترجمه و تلخیص (لیلا حیرت)

تضادهای دموگرافیک در

تولیدمثل

عصر معاصر انتقال از تولیدمثل نیمه حیوانی و نیمه بیولوژیک به عصر تولیدمثل انسانی می باشد یعنی که انسان ها به همان تعداد اولاد میخواهند که از او دارند و از عهده تربیه آنها برآمده می توانند و برای این منظور موسسات (دوگانه خانوادگی) به میان آمده است - اما این انتقال در مناطق مختلف به شکل نامنظم جریان دارد مثلا ساکنین شهر تمایل زیاد به داشتن فرامیل های کوچکتر داشته و از کثرت اولاد حتی الامکان جلوگیری می نمایند .

ولی با اینهمه جلوگیری از تولید مثل بیشتر، نفع زیادی هم با خود دارد که از آن چشم پوشی شده نمی تواند . بنابراین بادر نظر داشت اینجاست عصر کنونی از مدتی است که با این مفکوره یعنی (تولید مثل بیشتر) مبارزه جریان دارد و با تکامل جوامع بشری این سیستم مناسبات جدیدی در بین زن و مرد بی ریزی می نماید و هر دو یعنی زن و شوهر میخواهند از یک یادو طفل بیشتر نداشته باشند . ایجاد تفسیرات (تولید مثل جزء انقلاب های مترقی اجتماعی بوده به سه

سویه پیش می رود:

- ۱- در صنایع
- ۲- در جامعه
- ۳- در فامیل

زن از موقف یک مولد خانگی قدم فراتر گذاشته و به یک مولد اجتماعی تبدیل می گردد و باین صورت با مرد در یک صف وردیف قرار گرفته از مزایای برابری و مساوات قانونی برخوردار می شود .

اگر طور ساده گفته شود زن همانند مرد برابر به او به فوه محرکه جامعه تبدیل می یابد . جامعه شناسان می گویند (وضع نامساعدتر) بعد از آوردن اولین طفل منظر می گردد که با تزاید تعداد اطفال از آن هم بدتر شده می رود .

اگر با معیار های مترقی سنجیده شود این تمایل دو جنبه متضاد دارد - تقایص اخلاقی و روانی آن روشن و عیان است چنانچه فامیل هایی که یک فرزند دارند موجب خود خواهی و خود پرستی در طفل شده و آن کودک را (نازدانه) تربیه می کنند که با اینصورت تمایزات و ارتباط طفل را نسبت بفامیل و روابط وی را با مردم دیگر و اجتماع و راجع بوظیفه او تحت تاثیر قرار می دهد .

نفس اقتصادی آن نیز هوید او ثابت است با پیشرفت جامعه و توسعه تولید ضرورت زیاد برای کار انسانی احساس میشود که نمی توان تنها به نفع شخصی بیشتر کار اتکا کرد . و با ضرورت روز افزون نیروی کار انسانی رانادیده گرفت .

داشتن اولاد کم به معنی تغییر اختلاف بیولوژیک زن و مرد هم می باشد - این حادثه وضع نام مساعد بیولوژیکی - اجتماعی زن را از میان برداشته آن را با مرد در حال تساوی قرار می دهد و نیز یک وسیله است برای تضعیف تضاد های جدید در وضع زن که از اثر این جریان تضاد بین موقف او در وظایف خانگی و صنیایع ضعیف شده . و فشار را بالای او کم نموده سختی بسیاری از خانم های شهری را از فشارهای روانی و ازدست دادن وضع صحیح محافظت می کند که این عمل آنها را یاری می نماید تا در حیات اجتماعی و اجرای کار های حیاتی مستقیما شرکت جویند .

پس داشتن (اطفال کم) یک پدیده دوگانه و متضاد بوده معلوم از سود و اضرار اجتماعی است - زن ها در عصر فعلی بعد از اینکه ۱۵ تا ۱۶ سال خود را در تولید مثل بخرچ دهند قوای خود را از سه تا ۴ سال مصرف می نمایند همین حادثه بزن ها کمک می نماید تا تساوی خود را با مردان حاصل دارند و با تغییر تقسیم کار اجتماعی بین زن و مرد بزن به یک اعتماد کننده فعال جامعه و یک عضو حسی و مهم اجتماع تبدیل شود .

با آنهم تقصیر مریعت تولید مثل در همه فامیل ها متجانس نبوده لذا بیل در زن ها با زحم متناوت است اینک در حدود هشتاد فیصد خانم ها علاقه دارند از ۲ الی سه طفل داشته باشند . دیموگرافرها نیز به همین عقیده اند که ۲ تا ۳ طفل برای یک فامیل تعداد آید یا ل اطفال می مانند بعبارت دیگر این یک کیفیت حتمی است که باید هر فامیل بهمین شما ره اولاد داشته باشند . زیرا این تعداد کیفیت تربیه را بهتر نگهداشته و از عدم د اجسیمی مافر به سود و زیان جامعه جلوگیری می نماید .

تغییر نوع فعالیت حیاتی تمام سیستم ضروریات زن ها و میزان ارزش های آنها را بشمول تمام بل آنها بسوی اطفال تحت تاثیر قرار داده در سیستم ارزش های گذشته معنی حیات یک زن عبارت بود از مادر بودن خانم بودن ، وزن خانه بودن و خدمت کردن به شوهر و اطفا لئ در خانه .

درین سیستم ها اطفال در ردیف نام لسی قرار داشتند - بر سبب زن با تعداد اطفال در فامیل تنا سبب مستقیم داشت یعنی بهمان اندازه ای که دارای تعداد بیشتر اطفال می بودند بهمان اندازه وظایف شان را در حیات بهتر انجام می دادند . اما در سیستم ارزش های جدید اجتماعی عمیق و حیات زن در ترکیب نقش های خانگی و اجتماعی او قرار دارد و امتیازات او بی را در او می بر ورنه که حصول استقلال مادی و اخلاقی در درجه اول قرار می گیرد که این ارزش های جدید بهیچوجه به پهلوی ارزش های کهن قرار گرفته یکدیگر را تحت تاثیر قرار می دهد .

باید گفت که سیستم ضرورت های زن ها بسیار مغلق و متضاد شده می رود و مشکل است تا با احتیاجات شان پوره شود - مادیاتی ضرورت های آنها در گذشته بشمول شوهر - اطفال و خانه تسدیر بجا خود را عقب کشیده - اطفال در قطار ارزش های جدید یک موفق و سلفی را اشغال می نمایند - از دنا د نقش های زن در جامعه یکی با لای دیگری تاثیر نموده و اجرای آنها را مشکلتر می سازد و به اثر بی روانی و جسمی بیشتری نیاز دارد .

همه میدانند که اکثر خانم ها (مخصوصا مادران جوان) دو بختی کار در روز دارند - کار در وظیفه و کار در خانه . کاری را که در دفتر انجام می دهند با کاری که در خانه اجرا می کنند ارتباط داشته و رسالت خانگی زن با مساعبات فراتر او از کار در خارج از خانه رفیق بوده بسیار خسته کن واقع می شود همه آنها بصورت مزمن بر قوای روانی و جسمی خانم ها سنگینی وارد می کند - احتیاج دارد که زن در برابر این فشار های دو گانه و این نقلهای غایبه از کار دفتر و کار های خانه با تقصیر تعداد اطفال عکس العمل نشان دهد همین بار سنگین عده زیادی از خانم ها را از پیشرفت فرست و شوهر و وظایف شان باز داشته است . این موضوع برعکس موجود برای ایجاد یک فامیل و جامعه سالم اهمیت بیشتری کسب نموده و سعی کوشند برای زن ها تسهیلات ممکنه و لازمه فراهم نمایند .

برانی تنوری باد نجان سیاه

باد نجان سیاه را یک شسته چوبک آرزور نموده سپس باد نجان هارا نصف کنید و آنرا در میان بطنوس داش جیده و در عمان داش بگذارید با حرارت عادی برای مدت نسیس ساعت باد نجان هایخته می شود آنگاه آنها را از داش کشیده بروی غوری بگذارید قروت تهیه شده با سیر را بالای آن انداخته بعد از انداختن روغن، نعناع خشک و کشنیز غذای مذکور آماده صرف می باشد .

همچنان در جاهاییکه داش موجود نیست باد نجان هارا در دیوار تور می زنند تا گفته نماند که بدین شکل نیز خوراک مذکور خیلی لذیذ و خوش مزه می باشد ، ازین جهت است که خوراک مذکور بنام برانی تنوری یاد می شود .

که غواری دخیل پوستکه بنکلا

وساتی بهی و خوری

زهود دهبواد دبی شماره او خو ندر ورو میو و خنجه بو هم بهی ده جی د هیراد په کوپ کوپ کسی پر یمانه لاسته را خی ددی میوی ونی زیاتره په خنگلی ډول موجودی دی او پیو ندولو نه بی زیاته پاملر نه نده شوی خو خر تگه چه لیدل شویدی یو ندی بهی ددی میوی د ډیرو پیو ډو لوڼو خنجه شمیر ل کیری جسی ډیری خوند وری او زیاتره په اومه ډول خوږول کیری چی ډیر لوڼو ندانی ارزښت لری. خنگلی او غیر پیوندی بهی که اومه استعمال شی کور ښت خو ند لری مگر دانی بی جی د بهی دانی په نامه مشهوری دی پریمانه لعاب لری چی ددوا په جوړولو او صنعت کیری لری گنه اخیستل کیری او همدا رنگه د بهی میوی خنجه که خه هم پیو ندی وی یاغیر پیو ندی بی با جوړی جی دگبری لباره مقوی او اسپال نه گنه رسوی او هغو کما نو نه جی د گیدی ناروغی او یا د گیدی زخم ولری دښو غذاگا نو خنجه شمیر ل کیری. هغو کما نو ته چی بر انست او یا د نری رنځ په ناروغسی اخته وی د بهی خو راگ گهور نما میوی تر خو کو لای شی دبهی دوا به او پیخ کړ ومیو و خنجه استناده وکړی. که د بهی دمیوی دواو خنجه جلی تیاره شی د کو چنیا او لباره ښه گهوره غذا شمیرل کیری جی هم نی ودی نه گنه رسوی او هم د هغوی د گیدی زهر جسن عواد له منځه وری. هغه کما ن جسی دنا رو غی خنجه نوی خلاصون مو ند لری او د نقا هت په دوره کوی د هغو لباره هم بهی ښه غذاده جی هم په اومه ډول او هم بیخ کړ شوی بهی خنجه گنه واخلي. بهی دار تگه میوه ده جی پر یما نوبند میتو نه او معدنی مالک لری. وینا مین (ای) په لرلو سره دکو چنیا نو ودی نه گنه رسوی اودلیدو قوه زیاتوی د (بی) وینامیتو به لر لو سره اعصاب تقوی کوی دوستانمین (بی) په لرلو سره د امید وارو ښخو دزده بد والی او کانگر خنجه مخنیوی کوی. لدی کبله ده جسی باید امید و اړو ښخونه نوصیه شی جسی دحا ملگی به وخت کوی د بهی د میوی او او بو خنجه گنه واخلي تر خو له پوی خو ا خپله رو غتیا و سانی او له بللی خوا به را لرونکی کوی ښکلی او روغ کسو چندان ولری د بهی دواو او سکجنین خو را که معدده کو چنی کوی او دهغه خو را که د غذاخه دفعه استیا زیاتوی او په بیخ ډول دپرخوری سبب تگرخی. که جیری میوی خلک دوووی د خو را که د مخه د بهی دواو خنجه استفاده وکړی او یا دا جی یوه دانه بهی و خوری سره لدی جی ښه استیا به ولری ډیر لری غذا داخیستلو خنجه وروسته مس پیوی او نو رنی پوی خو را که نه اووی

لر موی اوو ج بوخی اما نوی. که دبهی گنوبه نظر کوی نیو لو سره چه بهی نسی دانی لعاب بدی شیر ما جی خوږ ور سره لری گرانو و طنو او نه مشوره وړکووچی حساسیت ونلری پر مخ با ندی وپوستلی ددی گهوری میوی خو را که او استعمال شی داهر بواسطه دپوستگی د سو خو لو نه دی با ملر نه و کیری او هغو خلکو نه خنجه مخنیوی کوی او دهغ پوستکی لر م او جی ددی میوی د خصوصیا نو په باب که ښکلی سانی نو لدی کبله ددی بی شمیره معلومات لری لازم تو ضیحات ور کړی.

نوزاد و شیر مادر



شیر مادر مهمترین نعمتی است که ما در

باید برای فرزند خود بدهد و هرگز ازین وظیفه مقدس سر باز نراند. زیرا شیر مادر به اندازه ای مفید و مقوی است که میتواند جای انواع و اقسام وینامین ها و انزایم ها را بگیرد. و نوزادان را در مقابل امراض مختلف و قایه نماید. خلاصه شیر مادر حاوی چنان ترکیبی میباشد که نظیر آن در هیچ غذای دیگر پیدا نمی شود. در ماه های قبل از تولد جنین از طریق یک عضو فوق العاده مهم تغذیه میکند پس از تولد وظیفه تغذیه را از طریق شیر دادن مادر بعهده می گیرد و شیر همان مقاومتی را که لقاحه در داخل رحم دارد خواهد داشت. شیر مادر دارای مزیت دیگری که عبارت از مقاومت در مقابل امراض است هم میباشد یعنی زمانیکه سیستم مقاومت او تکمیل و آماده نشده است از مصونیت مادر برخوردار خواهد شد. نزد اغلب مردم این سوال پیش می آید که اگر مادر گندام الرزی یا الرزیهای داشته باشد آیا از طریق شیر بکودک سرایت نخواهد کرد؟ متخصصین و داکتران اطفال باین نتیجه رسیده اند که آلرژی از طریق شیر مسافر به طفل داده نخواهد شد آنها در مطالعات و نتیجهات خود دیده اند که اگر طفلی شیر بودری ترکیبی و یا شیر گاوی بخورد بیشتر به الرزی یا حساسیت مبتلا می شود. اطفالیکه از شیر مادر تغذیه میکنند اکثرا لارویه اصطلاح نموده و دارای گوشت و عضله قوی می باشند و این امتیاز بزرگی است. چون طفل دارای چربی کمتر خواهد بود زیرا سلولهای چربی عامل جانی و لائری میباشد. از عوامل قابل توجه در شیر مادر یکی هم اینست که شیر مادر روده های کودک را که در موقع تولد کاملاً خالی از باکتری و میکروب است هم برای هضم و هم برای مبارزه با باکتریها آماده میکند و ناگفته نماند که شیر مادر دارای پروتئینی است که برای مقاومت تمام بدن ضرورت میباشد. بقیه در صفحه ۵۲

گرا نه وطنه!

ای زما گرا نه وطنه
 ای زما روچه ، زمانه
 ستاله دینو میروچار شم
 یوخل نه شم ، به زر وارشم
 سنا سپیره خاوره کیمیا ده
 زندگی ده ، مسیحا ده
 سنا هر غرکان دی دزرو
 نک دی نک خاص له گوهره
 زموږ دلوهرمت مثال دی
 ینکارندوی زموږ دافبال دی
 موږ درس دسرلوی دی
 رهسما دلوږ فکری دی
 زموږ همت هرچاته نیسی
 زموږ عظمت دلایانه نیسی
 هس لوچه دی هرغری
 هومره لوږ دازموږنظردی
 سنا هر سیند نک له لالونو
 مالامال غونم له فیضونو

هریو هست روان شنیری
 خری، خری وهی ، غرهگیری
 آبادی له غونډو زری
 سر سیزی له دوی نه کیری

سنا له دینو میرو چار شم
 سنا له ینکلنو دروچار شم
 سنا لوگی شمه دغرونو
 سیلنی سنا د سیندونو
 نور به بیاهم ویران نه بی
 نوره یس تر جهان نه بی
 خنکه اوس سنا به درو کی
 ستا به دینو او بنارو کی
 دوحده ساه وی چلیری
 دبلان دزیار چلیری

سنا پیشرفت ن ورخ شعاری !
 سنا خدمت د غونډو کار دی !
 بسری



مشعل فرهنگ

عشق میخواهد که سازدشیشه هازسنگ ما
 در رنگ تاک است جاری باده بیرنگ ما
 چشم اگر باشد جهان علم و دانش روشن است
 تا بد از مشعل فرهنگ پیش آهنگ ما
 باکی احساس ما آینه داروحسدت است
 نیست جزمعناي ناب عشق در فرهنگ ما
 تا که فقر و جهل بر خلق وطن حاکم بود
 سنگهای دست بیداد است و پای سنگ ما
 از شکست خود جوزلف او بلند آوازه ایم
 هست دلهای پریشان مستند و اورنگ ما
 باهه پهنآوری چونسماه در آینه ها
 جای دارد مهر تو در سینه های تنگ ما
 حیدری پنجسیری

تو ای که در دل شهرت چنان تراکم جنگل
 تنها لهای بلند شعار میروید
 و کار خانه و مکتب
 جودایه های دونوزاد امتصاب و تقاضا
 و مرد مت در راه
 سرود عا صی فرین بورزوا بر لب
 زخانه تا در زندان
 و شا عیان دلیرت رسای بهره کشان را
 به سنگفرش سرکها
 توسط قلم دنده بلین نویسد

 تو، ای هجوم چشم نگا هسای شکایت
 تو، ای که در سخت امتناع
 و در نظرت امتناع
 و بر لب فریاد
 و در دلت فریاد
 فرو بند لب وزود تر همه مهر
 به شوق از لب سرد صلاحها بر دار
 که در سکوت دراز
 چه مزد ها که به ذهن تفنگ میبرد
 چه مزد ها ست که در مغز تا نک
 میو سد

تفنگ نعره زنان خوشتر است
 و مرد تلخ و خموش !
 کابل - چهارشنبه اول قوس ۱۳۵۷



دکتر اسد الله حبیب

بهر دی

از دنیای

سرما یه

من از دیار چا نه که امیبا یش رخس
 و درنگاه بلانش تواضع رستم

و شهر من آنجاست
 که خواب تا نک در آن
 ز نعره های خیابان عور مختل شد
 و زبر شمت سبا هر
 جوقلب شیفتگان میتید نفس تفنگ
 و در اما رت زراد خانه ی نمتاک
 به گو شهای مسلسل
 صدای پای نیردی زجاده می آمد

که روزی از همه روز
 هزار مرد اصیل
 نهاده بر لب فریاد کوچه مهر سکوت
 نهاده بر لب فریاد خویش مهر سکوت
 فترده بر لب دندان
 و مهر از لب سرد تفنگها کردند
 و مهر از لب تانک
 و از زبان مسلسل
 که گوی داشت به در
 مگر به شب یا روز
 کسی لبش خاموش
 و در دلت فریاد
 نفس نفس زده باری زکوچه هابرسد

من از دیار سکوت مصمانه مرد م
 و از دیار خروش تفنگها استم

من از دیار مجلات شکوه آکینم
 و از دیار گذر های خشم و عصیانم
 من از چنان شهرم
 که سرگذشت سرکپایش قهریک باور
 و کوچی های شیش را فروغ نک امید
 من از چنان شهرم
 که خاک باغچه اش
 رود به خواب جهنم زیر نصیبی آب
 مگر درخت در خشت
 شراب غیرت کار یگرانه نو شیده
 به بازوان کمانگیر چون مظاهر آرس
 و چون سپاه ظفر مند
 ز دختران گواکب
 دره و خود بهارینه هدیه میگیرند

منم ز اهل چنان ده
 که مرد ها وزنان
 در آن فصل حیات اند
 زیر نصیبی نان
 ولی زمین کهنسال ، این زمین قدیم
 ز شیر مادر دهقان اوبه هرسانی
 به باز گشت شباب
 به باز گشت شبابش امید میندد
 و گاو ها ش همه از «شمار گاو زمین»
 که سد های عریض
 زمان سنگ تراشیده
 سنگ ساییده
 نهاده بر سر شان
 و بوغ عصر فضا را پذیره میگردند

ستا هیواد مبارک شه

موج شکن

تو ای مظهر سخنی و با بداری
 ز آب سب دوران بسی لطمه دیدی
 و ل شاد و مغرور بر جا نشستی
 شگفت آمد زین همه استقامت
 که امواج دریا شگن را شکستی
 بسی دیده بی لطمه و فتنه اما
 چنان کوه بر جانی خود استواری
 بمان سخت در جایگاه بلندت
 بماند بی از کومه بی یا نینگی
 جو امواج دریا شکن را شکستی
 تو دیگر نه آن خاک نرمی که سنگی
 کند با تو دریا اگر شوخ چمنی
 زند باد و توفان ترا تا زبانه
 دل از تشنه باد حوادث ملز زان
 که هستی تو برجای خود جا ودانه
 ابراهیم صبا

تو ای سنگه سرسخت خاموش ساحل
 که آرام بر طرف دریا نشستی
 ترمیمی از موجهای خر و شان
 چنان کوه سنگین بیک جا نشستی
 اگر گشت دریا گرفتار تو فان
 تو در جای خود محکم و استواری
 اگر آفتاب و اگر ابرو بسازان
 تو بر آنچه پیش آیدت برد بساری
 ز دریا بسی سهمگین موج خیزد
 خروشان و جوشان و بی تاب و سرکت
 شتابنده سوی تو امواج و حسی
 ولی نیست ترسی تو را زین کناکت
 نه از انقلاب هوا در هر آنی
 نه از خشم دریا بو حشت دجاری
 حوادث ترا خشم به ابرو تا رد

ای دختکو افتخاره !
 اوس یو هیروی چی به نا کی
 دختلی دولت رفا کی
 پدی ن او به صبا کی
 دیو ستر شعار تر لاندی
 دروندون دیوه بلیری
 ستا هیواده مبارک شه !
 اساسی قانون جویری
 دا خواری واره قوهو نه
 پرگنی او ولسونه
 ستا دختیری زیار کینان نول
 خواری واره ملتو به
 دیو سور بیر غ تر لاندی
 به یوه بفر تولیری
 ستا هیواده مبارک شه !
 اساسی قانون جویری
 نور به ستا لونه بفر کینی
 ای هیواده مسئولیت وی
 نه یوهیری چی هیواده
 قانونیت وی عدالت وی
 دا مو دختکو نه شعار دی
 تولی جاری مو سمیری
 ستا هیواده مبارک شه
 اساسی قانون جویری

دامویری دروندون دی
 انقلاب به مخه درو می
 دازموو زبری دسمون دی
 دختلی فکر خبی به
 به هه و کی خیریری
 ستا هیواده مبارک شه !
 اساسی قانون جویری
 چی مرام مو شی تر سره
 نه به لوره وی نه تنده
 نه بی کوره نه بر بنده
 زوند به دکه وی له خونده
 هرو گری دهبودنه
 کور، دوی، کالی رسیری
 ستا هیواده مبارک شه !
 اساسی قانون جویری
 چی مو دا قانون جویری
 وچ داکو نه به سمور شی
 دختا یو گو داکو نو
 تور مخو نه به لاور شی
 دا دختلی ضد عناصر به
 له دی نور هم رسوا کیری
 ستا هیواده مبارک شه !
 اساسی قانون جویری

راتلونکی ستاده

خککه چی هغه مایوسی نه پک دی
 له حسرتو لو میدی نه پک دی
 چی سوچ کول بکینی فایده نه لوری
 بلسکی د دیرری بیزادی نه پک دی
 د مستقبل افق خیلانده بنکاری
 ستا هر کلیو ته و یا نداه بنکاری
 ور نه ور درومه به مینو گامو
 ستا کما میا بی هلته خیلانده بنکاری

هیر کیره اشنا ترخه دردونه هیر کیره
 دتیر مهال ویرجن شونه هیر کیره
 شم دیکرشی راتلونکی ن وخوره
 تیر سوی خوشی داستانونه هیر کیره
 برون خو تیر دی د ن غم و کسره
 نو و شوینتو سره سم و کسره
 زما نه شانه را مستیری بیانه
 و ا ندی گام و اخله اویا تم و کیره

چی به تاکی ای هیواده
 فو دالیم به ملا مات شو
 استعمار شوله نا بوده
 دامیر یا لیم مری قات شو
 به دختلی عدل وطنه !
 گو داکو به محکو میری
 ستا هیواده مبارک شه !
 اساسی قانون جویری
 چی قانون در کینی شی جویره
 ستا شی زره ور با لندی بناده
 ملاترلی درته ولاپرو
 خو دینمن دی شی بر باده
 ستادلاری نه به نه اوپرو
 که مو سر رانه موخیری
 ستا هیواده مبارک شه !
 اساسی قانون جویری
 فاروق (حریق)

دانشان نلم و هلی
 دردید لی انسا نانو
 وچی شو نلی سبیره مخی
 شم زیلی زیار کینا نو
 له سبیره دوپ نه پاکه
 خرو خا ورو نه جگیری
 ستا هیواده مبارک شه !
 اساسی قانون جویری
 دا دختکو انقلاب دی
 داد خوا رو او کار گردی !
 د مظلومو انقلاب دی
 دهر جا اودیز گردی
 دابی ساری انقلاب دی
 به بهر کینی هم خو خیری
 ستا هیواده مبارک شه !
 اساسی قانون جویری
 دا قانون خلقی قانون دی

جنگ ضد جنگ

بیادی به پر خه سر لو پی گورم
 مبارزه کی کما میا بی گورم
 داد قاریخ د نجر بو حکم دی
 مشره ستا فداکاری گورم

راتلونکی ستاده که بی شه تقدیر کیری
 د با لکتیکی بی که پوره تقدیر کیری
 د شر ابطو د خیر لو نل کیری
 به بیش بینی هره شبیه تقدیر کیری
 نو زبانی هیر کیره همول دردونه اشنا
 دا خور ونکی شان خیالونه اشنا
 خککه چی وخت تویر او مانسوده دی
 و ا ندی لا واخله قدمونه اشنا

به یک دست بیل و به دستی کفتنگ
 بد و ن سو قف ، بدون فرنگ
 بود جنگ ما جنگی بر ضد جنگ
 شده خاور از خون مسالاه رنگ
 نیرد دلیران ما با فرنگ
 به مشتو به داسو به چوپوبه سنگ
 همان صاحب توپ و تانک و تفنگ
 جهانخواه بلعده بود این وطن
 کشیدیم جو ماهر ز کلم نبتنگ
 آذرخش (حافظی)

به یک دست بیل و به دستی کفتنگ
 روانیم در راه عمران صلح
 تجا و زگر و فتنه جو نیستیم
 نیرد آزما ی و ستیزانده ایم
 به تاریخ بساری نظر کن ، بین
 که راندند بر آبرو خصم را
 همان خصم مغرور و بالنده را

دنیای اطفال

اسامبله بین المللی اطفال در بلغاریا

افغانستان اشتراك داشتیم . این اسامبله بعد از دعوتی که به تاریخ بیست و پنج اگست از طرف رئیس شورای دولتی جمهوری مردم بلغاریا برای تمام اطفال اشتراك کننده در عمارت ریاست جمهوری مردم بلغاریا ترتیب یافته بود به پایان رسید . از دکتور سونارام پرسیده شد که اطفال کشور ما فرصت اقامت خویش از کجا پیدا میکنند ؟

در جواب گفت : اطفال افغانستان در مدت اقامت خویش از يك دهكده كوهستانی كه بصورت موزیم در آورده شده و يك فابریكه نساجی و یکی از كودكستانهای شهر صوفیه و يك سفارخانه مركز اورتویدی اطفال دیدن نمودند و از طرف پرسونل فابریكه نساجی از اطفال افغانستان پذیرایی گرم بعمل آمده و تحفه های نیز برای اطفال بلغارستان اهداء نمودند .

پرسیده شد كه اطفال افغانستان چسه سوغاتی با خود به آن سرزمین برده بودند ؟ در جواب گفت : نمایشات هنری ، لباسهای فلكلوریک ، بازیورات محلی و اقن ملی زیباترین سوغاتی بود كه اطفال ما برای سایر اطفال پیشکش نمودند . كه در هر جا مورد استقبال بقیه در صفحه ۵۶

اهمیت صلح در جهان و ضرورت آن برای پیشبرد حیات اطفال دایر و از طرف اطفال بحث مفصل صورت گرفته و در اخیر جمله اطفال متذکره پیشنهاد به تحت عنوان «خطاب به والدین» را ترتیب نموده و بعد پیشنهاد به متذکره توسط نمایندگان اطفال در عمارت پارلمان تصویب گردید كه در جلسات مذکور يك طفل به اسم شكریه از افغانستان نیز اشتراك نموده بود .

همچنان ساختمان یادگاری كه به افتخار اسامبله بین المللی اطفال قیلا اعتبار گردیده بود توسط لودمیلاف كود رئیس كهسسه برگذاری اسامبله بین المللی اطفال در حضور دایر كتر یونسكو و اطفال ممالك اشتراك كننده افتتاح و يك كودك افغان نمایندگان از اطفال افغانستان يك عدد زنگ را كه در ساختمان یادگاری نصب گردیده بود به صدا در آورد .

دكتور سونارام رئیس موسسه صحت طفل و سكرتر سكرتريت سال بین المللی اطفال در افغانستان افزود :

يك سمپوزیم دیگر تحت عنوان اتحاد ، ابتكار و زیبایی در هتل ویتسا در صوفیه دایر گردید كه درین سمپوزیم آنچه از روسای هیت كه در مسائل اطفال زیاد تلاقفند بودند اشتراك نمودند كه اینجانب ببحث نماینده

هشتاد کشور جهان درین اسامبله شرکت نموده بودند . اسامبله واریق تودور ژیف كوف رئیس شورای دولتی جمهوری مردم بلغاریا بهداز يك مارش عظیم افتتاح و در ضمن پروگرامهای رسمی ، پیامهای روسای يك تعداد ممالك اشتراك كننده كه بمناسبت اسامبله بین المللی اطفال صادر شده بود قرائت گردید . وی افزود :

درین مدت پروگرامهای موسیقی و ادبیات فلكلوریک اطفال ممالك مختلف به معرض نمایش گذاشته شد و همچنان نمایشگاه رسامی اطفال بشمول رسامی اطفال افغانستان در مركز موسیقی و كارنیوال افتتاح گردید . درین اسامبله يك يك نفر بنما یند گسی از اطفال اشتراك كننده ، جلسه ای در مورد

در اسامبله عمومی اطفال تحت عنوان درفش صلح كه از طرف بلغاریا تنظیم گردیده بود هشتاد مملكت و يك هزار كودك اشتراك نموده بودند . درین اسامبله اطفال در ساحات موزیک ، آواز ، اشعار ، ترانه های رنگین ، رسامی ها و هنر های پلاستیک حصه گرفته بودند . نماینده مخصوص سكرتريت سال بین المللی طفل داکتر استیفن ال وایلم هم از تاریخ یازده تا بیست و پنج اگست اشتراك نموده بود .

در اخیر اسامبله اطفال اشتراك كننده يك درخواستی از پدران ، مادران ، خواهران و برادران خود نمودند و خواهش شان تحت عنوان درفش صلح و شعار اتحاد ، ابتكار و صلح این بود كه بکشید فضای بیسان بیاورید تا اطفال جامعه با خوشی زندگی نموده و اطفال پل سعادت را بین بدی و خوبی بوجود بیاورند ، تمام كودكها را از بین بردارند .

كودكها كه درین اسامبله اشتراك نموده بودند گفتند كه درین ده روز ما رسامی نمودیم ، آواز خواندیم ، شعر نوشتیم و دنیای كه در اطراف ما وجود داشت مثل از عمارت صمیمیت ، محبت و دوستی بود كه بشیرت علم ساینس و تكنالوجی این سعادت را بیشتر ساخته بود .

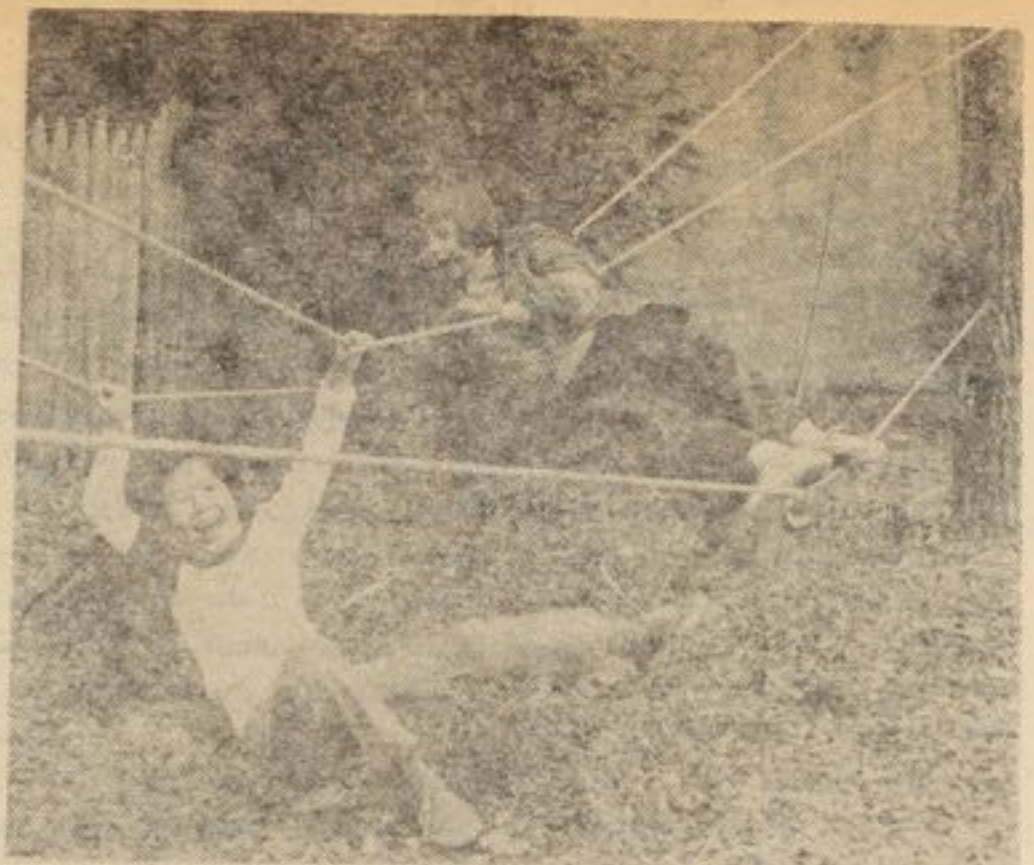
در اسامبله جهانی اطفال ، از کشور عزیز ما هم دعوت شده بود جهت آگاهی خواستگان مجله ز و ندون ما با دكتور سونارام رئیس موسسه صحت طفل و سكرتر سكرتريت سال بین المللی كودك بیرامون سرفران صاحبهای نمودیم كه اینك تقدیم می شود :

لطفا درباره اسامبله بین المللی طفل كه در صوفیه برگزار گردیده بود برای ما معلومات بدهید .

در جواب گفت : اسامبله بین المللی اطفال از تاریخ یازده الی بیست و پنج اگست ۱۹۷۹ در شهر صوفیه پایتخت بلغاریا تحت عنوان فرستگان صلح دایر گردید و درین اسامبله از کشور افغانستان بیست و چهار كودك از تمام كودكستانها ، مكاتب ابتدایی و مکتبب نرسنگ بامه مربی كه ریاست آنها را اینجانب عهده داشتیم اشتراك نمودیم . و همچنان يك هزار كودك از



در عكس بالا شارژ دافیر سفارت بلغاریا و نمایندگان یونسف با يكده اطفال دیده می شوند .



کارشناسان روانشناسان معتقدند که نقاشی و هنرهای زیبا آگاهی ذهنی اطفال را تحریک کرده و هماهنگی های جسمی و عقلی را کاهش میدهد

و ابتکار میدهد. بر اصول های بالا تفلسف دست، چشم روان و ذهن خود را هماهنگ میسازد و این مسئله قدرت برداشت ذهنی اطفال را وسعت می بخشد.

طرح و دیزاین و مناهیم سمبولیک آن چنان که معلم است برداشت ها و قدرت گرفت آنرا در پروسه حافظه پایدار بر میسازد و با گذشت زمان و با به سن گذاشتن این اصل محکم تر میگردد. این عقیده به بازگسی با گرفته است که برای تحریک سیستم های روان جسمی طفل بیک سلسله تکرر همه جانبه نیاز دارد.

بسر رسیدن این روند احتیاج بسه ذوق درست واقعت ها به اسلوب بچانه های نقاشی دارد. با شناخت ارتباط و پیوند نقاشی و سانس امروز این عقیده محکم شده است که با هم کام شدن ایندو روان پر شش ها درگیری های روحی در حقیقت سم زده ای شده و ذهن را از یک حالت یکنواختی و خمگی بدر میکند چنانچه یکی از معلمین روانشناسی عقیده دارد. «سایس و آرت را با سانسیت نمیتوان تفکیک کرد فقط از روی اساسات و متودها آرت بازگو کننده و سانسیت باز گو کننده عملی واقعت ها و انعکاس آنها میباشد»

برنارد شو نویسنده مشهور عقیده داشت: «هنرهای زیبا اساساً بر روح و عذاب معلم و رهنا است البته این عقیده شو واقعت همراه باطنز است. وی نقاشی را در تکامل شخصیت طفل مهم می پنداشت.

چنانچه ضمن نظرد واهی ها و همه پرسی ها نقاشی را مکمل دیگر دانستی ها خوانده اند. و امروز بازده این تاثیرات بر سلسله مانیتورها بدرستی ضعیف و شناخته شده است یابا عباره دیگر نقاشی همه هنر آموزشها است هنرهای زیبا (رقص، موزیک و نقاشی...) تسدیدگی است برای کودک همه واقعت ها... دریافت شده است که بیش از سانس شش مغز به افزایش (باده خاکستری) و حجم سلولی اش (نیورون ها) میگوشت با گذشت زمان این نیورون ها به پیوند های درولی اش ادایه داده و همراه با آن احساس نقاشی درک نیز افزایش می یابد بایک روندن شناخته (که بعدها سانس با عکسبرداری فکر آنرا حل خواهد کرد) این ادراکات به عنوان آموزش در مغز منعکس و ذخیره میشود. اگر این پیوند ها و مکانیزم هادر شروع طفولیت و نوجوانی شکل بگیرند و به فعالیت نیردازند خیلی دیر در جوانی تشکیل میشوند و این مسئله ایست که روان گاو ان آسرا نمیخواهند. زیرا تحقیقات علمی نشان میدهد که این پیشرفت مغزی، مغز را به یک حالت بحرانی قرار داده باعث خورد شدن و از کار افتیدن آن میگردد. از سوی دیگر چون این پیوند ها به تالی تشکیل شده اند و وقت کافی برای ایجاد این ارتباطات نبوده است، ظرفیت برداشت ذهن را کاهش میدهد.

چنانچه اینگونه بسرقت ها و تخریبسات نسجی و خورد شدن مغز به قوه برداشت ذهن دست برد زده و به قوای ذهنی و فکری طفل صدمه می زند.

گروه بندی مغز به دو نیم کره چپ و راست راهی است که عازایه شناخت مرکز آموزش بالاخص آموزش بوسیلله آرت و نقاشی توانایی میدهد. مطابق به نیوری های قبول بقیه در صفحه ۴۲

نقاشی اطفال و نسو جوانان را برای شناخت واقعت ها یاری میکند. و به آنها این توانایی را می دهد که واقعت ها و برداشت هارا زودتر درک کنند و آنرا به حافظه سپارند. نقاشی ها و مناهیم سمبولیک و مانند این و مغز را توانایی میدهد تا مسائل را آنچنان که است درک و تشخیص نماید. ازین جاست که امروز حلقه های روانشناسی کودک این موضوع را با شنیدید هر چه بیشتر بازگو میکند. و با درک این واقعت و مولریت آن میگو شد پروگرام های نقاشی را در کودکان ها و مکاتب تعمیم دهند.

بدین روال امروز به درستی ثابت شده است که نبودن چنین پروگرام ها مغز طفل را در یک حالت پیشرفت روحی و مغزی قرار میدهد و مغز طفل را از شناخت واقعت ها بدور میسازد. پس ازین جاست که پروگرام های وسیع نقاشی را در مکاتب و کودکان ها یک اصل مهم تلقی می نمایند. با بناده نقاشی سری پروگرام های نقاشی در اطفال کنجکاوی



استفاده از روشهای نقاشی میتوان بیشتر برمسائل مغلق ریاضی، مفاهیم ادبی و خواندن آشناند

طبیعی تحریک شده و آنها را وامیدارد که به کلمه نه، نمیدانم، آنتنا شوند زیرا بکار بری روش های گفته شده ظرفیت برداشت ذهن را گسترش میدهد.

امروز دانشمندان کوشش دارند که با عملی نبودن چنین پروگرام ها و نقاشی بهتر آنها به ارزش خویش بر برده و درخور اعتماد بنس احساس میکنند. به شخصیت خویش آگاهی یافته و خودش را بشناسد. حدوده مولریت آن بقدری است که کارشناسان حتی عملی نبودن این پروگرام هارا در خارج عسفی نیز توصیه می نمایند.

آمار نشان میدهد که نبودن پروگرام های گفته شده طفل را در یک حالت خمستی جسمی و روحی قرار میدهد. برعکس پروگرام های برته به فرد توانایی جسمی و عضلانی میدهد و طفل را همیشه در یک سطح خوب فزیولوژی و روحی قرار میدهد. امروز نقاشی در پهلوی سر گرمی ها برای آموزش مضامین ریاضی و اد بیسات بکار میرود و مغز اطفال را قدرت خلاقیت میدهد و به او اسلوب های نوآوری، نو آفرین

ترجمه از: نصیر ابوی

رول نقاشی در آموزش اطفال

چشم با شنیدن هنر های زیبا پیوند های عاطفی کودک را عمیق تر و استوارتر میسازد. اطفال در مکاتب با پروگرام های وسیع آرت و نقاشی با رموز خواندن و نوشتن و حل مسائل ریاضی بیشتر آشنایی شوند! آنچه اطلاعات و پژوهش ها نشان میدهد. پروگرام های وسیع با درونمایه هر گسترش



نقاشی بهتر ... خلاقیت، ابتکار و نوآوری! ...

در يك دشت وسيع و بيابان بايان ناپذيره، سوداگر معروف شهر - كارل لنگ مان - با جواني كه بار سفر او را بر پشت دارد ويكتفسر داباشي كه رهنماي راه وي بوده ووظيفه دارد بر علاوه حفاظت جان سوداگر، جواني را نيز سرعيا به پيش براند ، در حال پيودن راه دور و دراز ديده ميشوند. سوداگر رو به هر دو نفر نموده ميگويد : عجله كنيد، حيوان هاي تپيل ، نادر روز ديگر بايد به استيشن هان برسيم . در اينصورت يكروز بيشتر از ديگر سوداگران آنجا خواهيم بود .

بعد رويه تماشاچيان نموده و خود را معرفي مي دارد . بزرگترين سوداگر شهر هستم . كارل لنگ مان... بلي نام مه كارل لنگتند مان به همه گوشها آشناست . مي خواهيم كه به جورگابرم، در جورگا (كمي آهسته) مي خواهند كه حق استخراج تپيل را ليلام كنند... يك ليلام بزرگ ... رقباي زيادي بدنياي ما هستند . هر كس كه اول اونجه برسه ، فايده بزرگي ره كه ايي خواهد كد ... البته كه به اساس ابتكار، ارزي و هوشباري خدادادي كه به دارم ، توانستم كه اي حيوانهاي بيكاره ره مجبور كنم، كار يكروزه ره به نم روز انجام بدن، متاسفانه كه ديگر سوداگر ان هم در راه هستند و سريع حر كت ميكنند ...

آخرمه پف و بناه ميشم . خطاب به داباشي فكر ميكنم كه برادر ته بجاي جواني آوردي. اعتراف كو... اگه برادرت ايس، خوششاي تس ... ازي خاطر نمي زنيش... مه خوشماره ميشناسم .. دست تان يكس ... در حرامزادگي و جالاکي جوك و مانند ندارين ... بز ن ... ميگم بزنيش يامه موقوفت ميكنم... معاش تان نميتم .. توميتاني بازي بي وسره عرض كني، دستت تالندن آزاد (سراسيمه)... خدايا ... اونا حالي مياين، گير ما ميكنسن ازمايش ميشن ... اوه ...

جواني به داباشي : مره بز ن ... اما هوش كو كه جاي مره نشكنايي ... اگه چا سيم بشكته، مه نيمانه به جورگا برسم و او هم معاشمه نمته .
داباشي جواني را مي زند ... صدايي از عقب شنيده ميشود ... وي .. آهاي .. شماره ميگم ... همي راه به جورگاميره ... صبر كنين، مالم ميايم .. صبر كنين
سوداگر هرگز جواب نميدهد و به غصب هم نمي نگرد. اوفوق العاده دست و پاچه است و بعد با خود ميگويد: خدا ياي تانه بشكنايه كه هرگز آمده تانين ... (بعد با خود) سه روزه جورگا مانده، دوروز اوله خو بزورلت و كوب ميدوانمشان و روز سوم كه شد وعده

برولت برشت

ترجمه ي دكتور نجيب الله يوسفي

قاعده و استشنا جواني

اوبا دور بينش به عقب ميگرود ... آها ... هنوز مثل مورچه ها ديده ميشن، ولي عقرب خواهد رسيد ...
بعد رويه داباشي نموده ميگويد : چيرا جواني ره مجبور نيمسازي كه نيز تر راه بره؟ مه تره بري همي بسنه ميتم كه اوره بنواني، اما توقف كه همرايش هواخوري بسري ... گنايت ايس، مي فهمي كه بسنه ازجيب مه ميره، ازي خاطر جرئت هم خراب ايس ... بعده قهر به طرف داباشي رفته و فريادميزند: آيا مي فهمي كه اي سفر چند نعام ميشه؟... البته كه نمي فهمي ، اگه مي فهمي هم، شايد بگويي، بسه جي ؟ اما خوب هوشه نگي، اگه جالاکي كني و از اخلاق مه سؤاستفاده كني به مجرديكه در جورگا برسيم به اداره كار ميرم و ميگم كه تره ديگه هيج كار تن ، شايد جزاهای ديگه هم در انتظار باشه...
داباشي به جواني : كوشش كو كه يكروزه نيز تر بري ...

هاي جرب و جغت ميشن ان كه بدوند ... وقتيكه به جور گارسيدم (به عقب به هردو نگاه ميكنم) حق تانه ميتم ... كي ماندني تان هستم ... هميشه رقباي مه به تعقيب مه هستند ... امشو نيمانه كه كس خوكنه، تاصبح ميدوانمشان ، به اي ترتيب ميتانم از سر اونا پيش سوم و از جشمشان خوده كم كنم .. باز او نموست كه يكروز بيشتر از همه خوده به هان ميرسانم .. او از خوشي به غزلسرايي ميردازد :
توري خوايي هاي، بيشقدمي منست
تورلت و كوم - بيشقدمي منست
آتم ضعيف عقب ميماند و آتم قوي هميشه بيشقدم است .

استيشن هان، مانند يك قصبه روستايي كوچك است و بجز از چند خانه كه در دور و نزديك ديده ميشوند ، ديگر هيج درخت و آبادي به نظر نمي خورد . اصلا هه جيز تحت تاثير دشت و بيابان قرار گرفته كه اين ده يا قصبه روستايي را احاطه كرده است. در گوشه ازده رستورات كسوجكي ديده ميشود كه يك نفر منجبت گارسون در آن كار ميكند .

سوداگر : آه .. اي هم استيشن هان ... خدايا شكر، مايكروز بيشتر از همه رسيديم .. داباشي و جواني هم كه جانشان برآمد، فكر ميكنم كه دلشان خوب كوفت كده باشه و ازمه ناراضي باشن ... اصلا نه

تنها وجود اينها بلکه مغز اينها هم معني سرعت و سريع بودن درزندگي ره نمي فايده، همنظور س كه اينها درزندگي بس مانندن، انسانهاي كم جنس... فقط در زمين چسبيده باشن ... جرئت هم ندارند كه جيزي بگوين ... مي فامند كه اينجه مردمس ... برليس اس ... خويس كه پوليسس كه براي آرامش و رفاه مردم شو و روز كارميكنن ...
دونفر پوليس كه موظفين استيشن هان هستند آهسته به سوداگر نزديك شده و بعد از اداي احترام ميبرسنند : خيرتس صاحب؟ مانده نيائين ... انشالله كه درراه تكليف نديدين ... چطور همراي نوكر هايتان راضي هستين ؟

سوداگر : بلي . بلي ... (بطرف داباشي و جواني باكتابه نگاه ميكنند) و بعد ادامه ميدهد، خيرو خيرت است ... سفر چهار روزه ره به سه روز تمام كنم جاده ها بسار خراب بود ولي مه ده زندگي عادت كديم هميشه جيزيره كه تقسيم بگيرم ، حتما اوزه انجام ميتم . چطور است از اين بعد ، راه چطور است؟ راستي جي ميايه ؟
پوليس : حالا محترم ، فكر ميكنم كه دشت و بيابان اصلا شروع شوه، شما روز ها انساني ره ده راه نخواهين ديد . دشت و بيابان به معني واقعيشن ...

سوداگر : آيا همراه كدام ماموريت پوليس خواهد بود يا ني ؟
پوليس ها در حاليكه آهسته دور ميشوند ، جواب ميدهند . نخير صاحب ، مس آخرين پوليس هايي هستيم كه شما اينجا مي بينين. سوداگر بعد از شنيدن اين حرف ها ، متفكر ميشود . داباشي كه در گوشه نزديك جواني نشسته است خطاب به جواني ميگويد: از وقتيكه سوداگر شنيده كه ده راه ديگه پوليس ايس ، بللكل حيران شده .
سوداگر گارسون (بشخدمت): اوبچه، بري داباشي صاحب يك جاي بير ...

داباشي : (مي خندد و ميگويد)
صدائش كاملا فرق كده، جفدر لهجه دوستانه ره بخود گرفته ، فقط بگوني كه ازي كده آتم شريف و خوب ديگر اصلا پيدانشه ...

- بعد داباشي از جايش برخاسته و بسا خود ادامه ميدهد: اما فكر نمي كنم كه تغيير اخلاق سوداگر بظاطراي باشه كه ما فاصله چهار روزه ره به سه روز طي كديم. جواني بيجاره هنوز ماندگي خوده نگرفته ، نمي فامم كه چطور مه اي جواني ره با اي وضع و حالش به جورگا برسانم . زدن كه ده اي حالت فايده نداره، از همه كده هاي رفتار دوستانه ساختني سوداگر مره ناراحت ميسازه، مه فكر ميكنم كه او حتما كدام پلاني ده كليش داره، جرت ميزنه ... فكر نمي كنم كه جرت زدن او به نفع ما باشه، افكار تو او پلان هاي توشيطاني بر ضد ما خواهد بود. خير، هرچه كه او كنه، ميتانه، مامجور هستيم كه صبر و حوصله كنيم و اگه نكنيم طبعيست كه رخصت مامسكنه و مزد ماره هم نمي ته . ده اي دشت خدا، چه بخوريم ؟ باز جي كنيم ؟
سوداگر مثل اينكه فكري به مغز ش خطور كرده باشد از جايش مي خيزد و بطرف

داباشي ميرود و خطاب به ناشي ميگويد : نگي، سگرت ... مه مي فامم كه به خاطر يك سگرت خوده ده آتش مياندازي ، خدا را شكر كو كه مابه اندازه كافي سگرت داريم، فكر ميكنم كه اگر ماره دفعه هم به جورگا بريم و بس بيايم، باز هم سگرت ما خلاص نميشه .

داباشي سگرت را گرفته و با كتابه مي گويد : سگرت ما ...
سوداگر : بشنيم، دوست خوب، چرا نمي شنيني، بطور سفرها تو انسان ره بسه نزديك ميسازه، خوب اگه دلت نميشه، ميتاني استاده باشي ، هرچه كه دلت است . شما البته رسم و رواج ديگي دارين . در شرايط عادي، مه همراي تو، ده يك نخوري نان نمي خورم . البته كه براي تو هم كسر شان است كه همراي يك جواني يكجاي نان بخوري ، همنظور ايس ؟

خوب اي فر قها بيست كه زندگي روي او مي چرخه، اما ماميتانيم يكجاي سگرت بكنيم ، (داباشي سكوت ميكند) سوداگر ادامه ميدهد :
ني ؟ نيمائيم ؟

بعد سوداگر به بازوي داباشي زده خنده كرده ميگويد : ازت خوشم ميايه، اي هم يك نوع وقار است، خوب (به جواني اشاره ميكنه) برو و كالاره سرش جمع كو، كوشش كو كه او (آب) يادت نسه، شنيدم كه ده دشت هيج او پيدا نميشه ... راستي دوست خوب، مي خواستم يك موضوع ديگه ره برت بگويم ... (بطرف جواني ميبينه كه جواني بروي زمين نشسته و با سنگ ريزه كه در دست دارد بر زمين خط ميكند) بعد داباشي را بطرف خود نزديك ساخته به وي به آهستي مي گويد) : آيا متوجه شدي كه وقتي جواني ره ميزني و سرش بنگه ميكني او چطور جب طرفت سيل ميكنه موده چشمانش جيز هاي بدورا ميخوانم در روزهاي ايسته با سيد كه بسار عواظش باشي، آتم خطرناك است. كوشش كو ... ما بايد از ديگران بس بانيم، بدوايش ، اگه ندويد، بزنيش، يقينا فكر ميكنم كه او آتم بسار جالاک و خطرناك خواهد بود . ده دشت هم كه شنيدني، نه آتم است و نه پوليس ، ... شايد او وقتيكه ده بيابان برسه ، چيره اصلش ره نشان به، متوجيش باش . توانسان بهتر از اوستي، مزد تو زيادتر از اوس و مجبور هم نيسي كه جوال بيري . اي امتياز توحس كينه و نفرت اوره نسبت به تو بيدار ميكنه، مواظب خودن باش، (به دلسوزي) زياد نزديكش نزو ...

- داباشي بدون اينكه جواب بدهد داخل سراي عقبي، كه جواني در آنجا نشسته است، ميشود .
سوداگر در جايش نشسته با خود مي گويد:
عجيب مردمانی .

داباشي دوسراي عقبي از كار (بستره بستن) جواني مراقبت ميكند . بعد از آنجا نشسته و به كنيدين سگرت ميردازد . وقتيكه جواني از جمع بندي كالا خلاص ميشود بطرف داباشي رفته و به پهلوي او ميشيند . داباشي براي سگرتي را كه از سوداگر گيرفته است ، تعارف ميكنه .
جواني خطاب به داباشي : اي سوداگر همیشه ميگه كه ما خدمت بزرگت به انسانها

میکنیم. جای نل ره میگسه پیدا میکنیم
 وقتیکه نل از زمین برآمد میگه بعد میتا نل
 زندگی مردم ره بهتر بسازن. خط ریل آباد
 میکنن ... خط ریل ... خوب اگه رامتنی
 خط ریل آباد شود. بازه چی کنیم ؟ از چی
 زندگی کنیم ؟ دیگه جوالی نخواهد بود که
 مه بیرم ...
 داباشی خطاب به جوالی : آرام باش . به
 ای زودی که خط ریل نغوا اعدا آسد .
 جوالی : مه کب های تره نمی فهمم .
 داباشی : هیچکس ای مو ضوع ره
 نمی فهمه .
 جوالی : شنیدم که راه از ی بعبد خراب
 میشه. خداکنه که با های به از کارنامه .
 داباشی : خداکنه .
 جوالی : میگن که ده اینجه دردزدی
 زیاد است چطور ؟
 داباشی : امروز وقتیکه از شهر رفیم باز
 معلوم میشه که آبادزد است یا نیست . اما
 مه هم شنیدم که ده ای زدیکی ها هر نوع
 جانور پیدا میشه .
 جوالی : نوره ره بلد هستی ؟
 داباشی : آ. بلی ...
 - سوداگر که صدا را میشنود . آهسته
 آهسته به پشت دروازه می آید تا حرفهای
 آنها را خوب شنیده بتواند .
 جوالی خطاب به داباشی : شنیدم که یک
 دریای وسیع ده راه میانه. آینه از او دریا
 تیر شده میانه ؟
 داباشی : دری وقت سال معبرلا دریا
 طغیانست ویر شدن از او مشکل خواهد بود.
 اگر سیل آمده باشه خو بسیار خطرناک
 است .
 سوداگر به حسادت میگوید : او همای به
 گب نمیزنه اما بهلوی جوالی میشینه و همایش
 سنگرت میکنه .
 جوالی : خوب اگه سیل آمده بود بازه
 چه کنیم ؟
 داباشی : اگر سیل آمده بود باید هشت
 روز صبر کنی. البته بعد از هشت روز او دریا
 کم خواهد شد و بازمی خطر از دریا تیر شده
 خواهد نایستیم .
 سوداگر : خوب بین تو. او حشر به جوالی
 مشوره میده هشت روز صبر کنه که جان
 و سوادش به خطر نیافته . ای بسیار آدم
 دورویه است . آدم فیزی و خطرناک . او به
 هیچوجه به درد ای سفر نر خوره. اخلاق
 اینها یکس. آدمهای کم جنس ... به باید
 متوجه باشم . ده ای شنیدم که ماده یش روی
 داریم. دونه و یکتفر. که هیچوقت براسر
 نیست ... مه یقین دارم که ای جوالی اول ده
 گت او میکنه تا اینکه ده گت به کنه .
 بهتر است یش از اینکه به شدت و بیامان
 برسیم به خوره از سر بکش خلاص کنیم ...
 او طرف هردوی آنها میرود. هر خطاب به
 داباشی میگوید : مه پری تو گفتم که از کار
 های او مراقبت کو. بین که باره خوب بینه
 کنه. حالی می بینم که آبا تو کارهای خوره
 خوب انجام دانی یا نه ؟
 - بعد اوربسمان بستره را تا و قتی کش
 میکنه که ریمان بسکد ... و بعدا اینرا
 بهانه کرده و به داباشی میگوید : آبا بستره
 بستن همیس ؟ وقتیکه ریمان ده دست کنده

شود. یکروز باید صبر کنیم . البته که ای
 به نفع شماست. مقصد تو همیس که ما زیاد ده
 راه باشیم . استراحت . ای هدف توست ...
 داباشی : به هیچ استراحت نمی خواهم ...
 و اوربسمان هم کنده نمیشد. اگه شما همایش
 زود نمیزدین .
 سوداگر : چی ؟ چی گفتی ؟ حالی تو ایف
 شدی که ده روی به هم گب میزنی . (طرف
 داباشی به خشم می رود و میسرمد) : آبا ریمان
 کنده شد بانه قصدا کندم. زود باش. بگو.
 اگه جرئت داری خواهی. و ارزش اینهاره
 زاری. اصلا تو ارزش هیچ چیز را نداری.
 اشتباه از به بود که به تو زدیکی کنیم .
 تره مثل انسان دانستم و همایش عمل انسانی
 کنیم . شما اصلا عادت ندارین که همایشان
 خوبی شوه. به به داباشی که جوالی از او
 نترسه. ضرورت نداریم . تو بهتر میبود که
 جوالی مسی شدی از ی که دا باشی شدی
 مه دلایل زیاد دارم. فکر میکنم که تو مسی
 خواهی جوالی را برسد به تحریک کنی .
 داباشی : کدام دلایل ؟
 سوداگر : به تو مربوط نیس . از همین
 لحظه تو بر طرف هستی. برو گمشو .
 داباشی : اما شما نمیتاین که مره ده نیم
 راه بر طرف کنین .
 سوداگر : تو باید خوش هم باشی که به
 تره به پولس نشان نمیش و از تو شکایت
 نمیکنم . مخصوصا اگه مه به دفتر کارای
 موضوع ره اطلاع بتم. دیگه ده عمرت روی
 کاره نخواهی دید . اینه. اینهم یسه کارت.
 فقط ناهمین دقیقه به ساعت (خود نگاه نموده
 گارسون دستورات را صدا میزند) .
 سوداگر : اوبچه . اینجه بیا : تو شاهد
 هستی که به یسه ای آمده دتم. و بعد خطاب
 به داباشی . بهتر است در جورگا نزاره
 منحوسه به کس نشان تنی ..
 سوداگر : داباشی را از بالا به با نان
 و برعکس نگاه میکند و میگوید : از تو هیچ
 چیز ساخته نخواهد شد .
 بعد با گارسون داخل اتاق عقبی شده و به
 وی میگوید : ماهمین لحظه حرکت میکنم
 و میرم . و اگه ده راه صدمه به جانم برسه
 و یک تر فوی از سرم کم شوه. اینمی آدم
 (به جوالی اشاره میکند) مسئول نیس. تو شاهد
 هستی که به تنها همای اینمی آدم از آنچه
 رفتم .
 گارسون با حرکات وزمت خود نشان
 میدهد که چیزی نمی فهمد . سوداگر که
 از موضوع ناراحت میشود میگوید : خدا نا.
 ای هم نمی فهمه. پس هیچ کسی پیدا نخواهد
 شد که بگوید به کجا رفتم . خطرناکتر از
 همه این که اینها هم می فهمند که به
 شادری نداریم که از هر گه وزاد گیم شهادت
 به .
 - بعد 11 و مسی نشیند و به نوشتن نامه
 میپردازد ...
 - داباشی خطاب به جوالی : به اصلا
 اشتباه کردم که بهلوی تو شنیدم . فکر به
 بگی. و از ی آدم بسیار احتیاط کو. (بعد او
 یک آب خود را بیرون می آورد و برای جوالی
 میدهد و میگوید : ای یک اوه بگی. شاید
 روزی بدردت بخوره. پس کو که نمیشه. اگه

لی از پشت میگیره ... راه راهم که چندان
 بلد نیستی چی خواهد کردی ؟ خوب گوش
 کو. به بریت راه را نشان میشم (بمی خواهد
 بهلوی جوالی بنشیند) .
 جوالی : لی. نکو. اگه اوبینه که در همای
 به گب میزنی. مره هم جواب میده. بازه
 چیزی نداریم که بخوریم وزنده بنامیم . او
 میتانه حتی مزد مره هم تنه. به که نمیتانیم
 از خود دفاع کنیم. تومی فهمی که به هنوز
 غصه انجاده جوالی هاهم نیستیم که انجاده
 از به دفاع کنه . از ی خاطر به باید حوصله
 کنیم هرچه که بمره بیاره. جاره نداریم .
 خدا برده کنه .
 سوداگر به گارسون : ای مکتو به بگسی
 و صبا به مره های دیگه که به جورگا میرن .
 به ... به همای جوالی میرم .
 گارسون به علامت سر اشاره میکنه و
 مکتوب را میگیرد و میگوید : اما جوالی که
 راه ره بلد نیست .
 - سوداگر با خود میگوید : آها. او گبه
 خوب می فهمه ! حتما از ی موضوع ها زیاد
 دیده . دلش نمیشه که در چنین مسواری
 شهادت بده (بر می گردد و به گارسون
 آمرانه میگوید) : اوبچه . برو به جوالی راه
 جورگا ره خوب نشان بده .
 گارسون طرف جوالی به سرای عقبی
 میرود و به او راه را تشریح میکند . جوالی
 بعد از هر جمله گارسون زود زود به علامت
 سر اشاره میکند که موضوع را خوب فهمیده
 است .
 سوداگر با خود صحبت میکند : به میتانم
 یش یش کنم که ده راه حتما جنگی میان ما
 رخ خواهد داد . (تفکجه خود را بیرون می
 آورد و آنرا پک نموده به آواز خوانسی
 میپردازد) .
 - آدم ضعیف میسیرد و آدم فوی به یش
 میرود .
 - چرا زمین را بنگان نل را در اختیار ما
 بگذارد .
 - چرا جوالی اصلا بار ببرد .
 - جوالی ... وزمین .
 - و درین مجارزه .
 - آدم ضعیف میسیرد و آدم فوی به یش
 میرود .
 بعد به اتاق عقبی رفه و آمرانه از جوالی
 میپرسد . خوب. حال راه ره بلد شدی ؟
 جوالی : بلی صاحب .
 سوداگر : خوب پس حرکت .
 آنها به یش میروان . داباشی و گارسون
 باقی میمانند . داباشی به گارسون میگوید :
 فکر نمیکنم او راه ره خوب بلد شده باشه ...
 خوب . خدا همایش ...
 بیابان خطر :
 جوالی در انای رفتار آوازمی خواند :
 - من به جورگا میروم .
 - بدون خشگی . راه میروم .
 - فرزندان نمیتوانند مانع رفتن من به جورگا
 شوند .
 من بخاطر ناز و مزه کارم به جورگا میروم .
 سوداگر به حسادت : ای چطور آدم بی
 غم است . فرین بیا بانیکه بر از خطر است.
 فرزد. جن. پری هرچه پیدا میشه. او از بجایکه
 بترسه . وحشت داشته باشه. بیت می خوانه
 (و برای اینکه ترس خود را غب زده باشه

به جوالی میگوید: از ی باشی لغتی هیچوقت
 خوشم نآمده بود. آدم دورویه بود. گاهن
 اینطور و گاهن اینطور. آدم بی شرف. اصلا
 آبرو و حیثیت نداشت. اصلا ...
 جوالی حرف او را قطع میکند : بلی صاحب
 و به آواز خوانی ادامه میدهد .
 - راه تاجورگا دشوار خواهد بود .
 - خدا کند با های به کار از نماند .
 - درد و فغان من تاجورگا بی حد خواهد
 بود .
 - اما در جورگا . مزد کار. استراحت.
 استراحت .
 سوداگر که وحشتش زیاد شده است
 خطاب به جوالی میگوید : تو چرا ایقدر
 خوش هستی . جرات می خوانی . تو از فرزند
 ها نمیترسی ها؟ فکر میکنی که اگه آمدن.
 آمدن دیگه چیزی ره که از تو میگیرن مال
 تویس که جگرت خون شوه و دولت بسوزه.
 تومی فهمی که مال مره میبرند و با تره سبک
 میسازن .
 جوالی بدون رعیت باز هم آوازمی خواند:
 - خانم در جورگا منتظره است .
 - بچه گکم هم ده جورگا منتظره است .
 - سوداگر: آواز او را قطع کرده و میگوید:
 از بیت خواندات خوشم نیامه . دیگه حق
 نداری که بیت بخوانی ... ماکه دلیل نداریم
 که بیت بخوانیم. از بس که بلند می خوانی.
 کم است که صدایت. به جورگا برسه. وقتی
 که فرزندان صدایت بشوند. همه خواهد آمدن ...
 (برای آرامش خاطر جوالی) صبا که رسیدیم
 باز بخوان تا که عبتانی و تا که دلت است .
 اما امروز نمی خواهیم صدایت بشنوم .
 جوالی : خوب صاحب .
 سوداگر که چند قدم بیشتر از جوالی میرود
 با خود میگوید : وای اگر کس بیابه و همه
 چیزه بگیره . اگه جورتنس هم خراب شوه .
 او اگه شیر آمده خورده باشه . اگه انسان
 باشه. اصل ونسب داشته باشه. باید از مال
 به مثل مال خودش حفاظت کنه. اما می فهمم
 که او ای کاره هیچوقت نمیکه ... گب هم
 همای به نمیزنه. که بفهم ده دلش چس ؟
 دلم میشه که کلبه و از کم و بیشیم که
 چه گب هاده ما بنش است ...
 - جوالی که متفکرا نه به عقب سوداگر راه
 خود را دنبال میکند. سر خود را شور داده
 بدون ارتباط موضوع می خندد .
 - سوداگر ادامه میدهد چرا خنده میکنه؟
 اصلا کدام گب نموده که خنده داشته باشه.
 راجع به چه خنده میکنه؟ چرا اصلا مره
 میتانه که به یش یش برم در حالیکه راه ره
 او بلد است او باید یش یش بره ... چه
 مقصد داره ؟ مره کی میره ؟ ...
 سوداگر به پشت خود نگاه میکند و با
 تعجب میبیند که جوالی جاب های پای خود را
 که بر روی رنگ نقش میبندد. با دستمال
 پاک نموده و به جلو میرود .
 سوداگر از دیدن این صحنه به وحشت
 آمده با صدای بلند. مملو از ترس. میپرسد
 چی میکنی ؟
 جوالی : به صاحب جاب های پای مساره
 پاک میکنم .
 سوداگر : چرا ؟
 جوالی : بخاطر فرزندها صاحب. فرزا ...
 و باقی دارد .



د تعلیمی مرکز د فو لکو ریکونخا گانو یوه په زړه پوری صحنه

د «غیور» ژباړه

د بالټ دنخا گانو نوی تعلیمی مرکز و نه



د «الماتا» د آرت او هنر په تعلیمی مرکز کی دکارگری بنځی له پاره د بالټ دنخا دور خنیسوپرو گرا مو نو یوه منظره

ژوندون

مبلو نه په دغه جمهوریت کی جوړ اود هغو په ترڅ دکلا سیکو او عصری نخاگانو پرو گرا مو نه اجرا کیری . ددغو انسا مبلو غری زیار- باسی چی دکلا سیکو او عصری نخاگانو د تر سره کولو په ترڅ کی د فو لکور برخه هم تمثیله کاندی. لدی کیله چی دآلما تادآرت او هنر تر بیوی بنونځی چی ستر کمال د هغه دجو پیدو پنځه څلو یشتمه کالیزه ونما نځله شوه داو بسرا، بالټ او تیا تر په برخه کی زیاتې تجربی لری او شو روی ټولنی ته بی یو زیات شمیر روزل شوی ځوان استعداد ونه وپا ندی کړی نو ځکه د ۱۹۷۸ کال دشروع کید لو څخه راپه دیخوا بر یکره وشوه چی ددغه شوو نځی یو زیات شمیر بخوانی فارغان دقزا قستان دنوی تیا تر

د بالټ کلمه یوازی څو کاله د مخه دشو روی اتحاد دقزا قستان به جمهوریت کی مروجه شوه او دادی اوس دغه هنری پدیده عصری تیا تر او عصری او تر څنگ د هغه ځای دخوا نو هنر مندا نو دپاره په زړه پوری مشغو لیت تشکیلاوی دقزا قستان جمهوریت چی ددشو روی اتحاد په مرکز کی آسیا کی مو قعیت لری په څو وروستیو کلو نو کی دتیا تر او عصری او- پرا تر څنگ د بالټ دبیلا بیلو نخاگانو په برخه کی هم دلیدو وړ تحولات او بر یالیتو بو نه ترگوتو کړی بی . ددی له پاره چی د بالټ د عصری پارچو د اجرا کولو او په ضمن کی په دغه په زړه پوری هنری رشته کی دخوا نو هنر مندا تود پتو استعدادو نو دپاره غوره او په زړه پوری شرایط او امکانات تر- گوتوشوی دی یو زیات شمیر انسا-

بانی په ۴۷ مخ کی

امیر محمد یعقوب پسر امیر شیرعلی به فتون انگلیس تسلیم گردید و بانها پیمانت . معاهدهی تنگین گند مک (۱۸۷۹) را با انگلیس امضاء و طوقی ستم و سلسی را به گردن کشورها انداخت و هم چنان یک قسمت وسیع دیگر منا طوقی مملکت را بد دشمن دادند

اقامت فتون انگلیس را در افغانستان باحق مداخله ی نمانده ی سیاسی آن در امور داخلی کشور و تعدید بدین تلگراف انگلیس را تا کابل قبول نمود . این عمل انگلیس تا اندازه ی و حسیا نه و قالماته بود که حتی یکی از اعضای شورای اجرائیه لارڈ لیتن کورنر جنرال هندوستان (سرالکما ندر از بوت نات) به لندن نوشت که: «الحاق افغانستان به بریتانیا خلاف حقوق نوع بشر است و بکنبر حکمدار یعنی امیر محمد یعقوب نمسی

تابع رفتار ارتجاعی و وطن فرو شانه ی امرا و شهزادگان دشمن پرست نکرده است زیرا اگر چنین می بود شکی نیست که کشور مجبور بمانا نمایت خود از روی نقشه ی دنیا معدوم می شد . و فتی که حکومت دست نشاندۀ و ارتجاعی افغانستان برای حفظ منافع و دربار خود شمشیر دفاع از کشور را بر زمین می گذاشتند این خلق ما بود که با سر بازی های بظلمت از هو جو دیت خود کشور خود دفاع می کردند . از همین سبب هنگامیکه دولت انگلیس مستقیماً با خلق مواجه می شد با وجود داشتن قدرت فراوان مغلوب می گردید چنانچه در جنگ اول افغان و انگلیس خلق شجاع افغانستان از روی انگلیس را تباہ ، افسران شامرا مقتول ، شاه شجاع (حامی و همکاری انگلیس) را معدوم نموده ، زنان و مردان انگلیس را بگروگان گرفتند . عهدنامه ی را که

براه می انداختند که با ید از شاه و امیراطاعت عام و تمام صورت گیرد (البسته که اطاعت اولی لایحه هه واجب بودولی آن اولی لامری که خود نیز احکام شرعی و از همه مهم تر حب الوطن من الایمان را تا نهد و عملی می نمود در حالیکه شاهان و امیران آن دوره هه چیز و از جمله وطن را فدای منافع شخصی خود می کردند و با دشمن دین ، خلق و وطن دست دوستی و برادری می دادند که قطعاً حکم این قبیل امراض را منطبق نیست .

ولی به تحریک و تبلیغ فروغین دشمنان کشور و خلق ما اعتماد عام نام به شاهان و امرای دست نشانده و اطاعت می قید و شرط از آنها علت آن شد که هر پادشاهی

و حتی ؟! خود ندارد و قلمرو بر بنا نیا در فاصله ی یکروزه راه از بزرگترین قذله ی نظامی آن ، منطقه ی نامحوظا بوده و حیات انگلیس در فاصله ی یک میلی سرحد آن معروض به خطر است .

انگلیسها در مکانات و معا هذات سیاسی خود در برابر دولت های ضعیف افغانستان حتی در استعمال القاب و عنوان والفاظ برتری خود را حفظ کرده و امیرتو مست محمد ، امیرمحمد یعقوب و امیرعبدالرحمن را «هنرهای نسی» (والاحضرت) خطاب می کردند در حالیکه طرف مکاتبه ی این پادشاهان افغانستان مورتر جنرالهای هندوحتی در شکیبالی عالی تران سکراتر امور خارجه ی هند بود . نام و عنوان انگلیسها مقدم ذکر می شد و از القاب انگلیسها مقدم ذکر می شد و از القاب پادشاهان افغانستان تنها «جناب» نوشته می شد . این موضوع در پهلوی آنکه نمایانگر کبر و نخوت انگلیس بود در عین حال از آن عقد انی تا می می شد که در اثر شکست ها و ضربه های وارده از طرف خلق افغانستان در ذهن دربار و طبقات حاکمه ی انگلیس بیدار شده بود چنانچه برای لاف از یک استعمار ل تاریخی خود در افغانستان بعد از عبور چهل سال ، معاهده ی سابقه را در مقدمه کنونیام کند مکاتبه ی امیر محمد یعقوب خان تسلیم شده امضاء کرد .

ستراتژی سیاسی و نظامی انگلیس

در افغانستان

تواند مملکت را تحت دو متیون خارجی بگذارد .

امیر عبد الرحمن که سه صد هزار سپاهی داوطلب ملی در معیت خود داشت ، بدون جنگ فتون محصور ، هر اسان و شکست خورده ی انگلیس را از شمشیر قهر خلق افغانستان نجات داد و بر معا هذات مطلوبه ی انگلیس امضاء گذاشت . او نمایه ی بات عبه ی شرقی افغانستان را طبق معاهده ی تنگین دیورند ۱۸۹۳ بدشمن مغلوب سپرد و استقلال کشور را فدای دوستی با انگلیس نمود در حقیقت امیر عبد الرحمن برای اینکه سلطنت و حکمروائی ظالمانه ی خود را محفوظ و ادامه دهد به همه تعهدات تنگین و ساخت و بافت با انگلیس پرداخت ، امیر حبیب الله طبق معاهده ی ۱۹۰۵ تمام تعهدات پدر را با انگلیس صمیمانه رعایت نمود و از وضع پریشانی انگلیس در طول جنگ بین المللی اول برای استقلال افغانستان و برای اعاده ی سرزمین های غصب شده هیچ گونه اقدامی نکرد .

(این امیر دست نشانده نیز بگانه هذ فتی حوام سلطنت و حوام عیاشی های بی حد و حصرش بود) از همین رو انگلیسها در عبارات نظامی و سیاسی خود و هم چنان فعالیت های تبلیغاتی خود در افغانستان موفق شدند .

ولی با ید دانست که خلق آزاده ی افغانستان در مواقع خطیر مقدرات خود را

خود می خواستند (۱۸۴۲) نمود و بالای انگلیسها امضاء کردند . هم چنین در جنگ دوم خلق افغانستان سپاه انگلیس را در هم بستند . جنرال فریدرک رابرتس را در چار دیوار شیر پور کابل محاصره می کردند و قفس نگه داشتند . در جنگ مشهور و تاریخی میوند فتون انگلیس را مثل گو سفند ذبح نمودند و جنرال «بر روز» مانند قاصد پوسته فرار کرد . حامیان رسوای دولت انگلیس چون سر دارشیر علی و سردار ولی محمدلانی تا کراچی شتابان گریختند و سرکیو ناری کنترول دولت افغانستان را با قفسر مثل شمعی بسو خند با لایحه انگلیسها که رای اشغال جا و دانی و تجزیه ی ابدی ؟! و انداختن طوق و سلسی بگردن خلق افغانستان آمده بودند مثل بقایای یک گله ی تاز با به خورده ، نفس های آخرین خود را تا هند رسانیدند .

اما خلق شکست نا پذیر افغانستان با رشادت و غیرت بی نظیری که در جهان نشانداده چرا گذاشت حدود کشور او روز بروز کوچکتر و استقلال او معروض خطر واقع گردید و در هنگامیکه بدشمن غالب بود زیر بار معا هذات غاصبانه ی او رفت ؟! این موضوع از آن سبب است که خلق افغانستان از یکطرف مورد حمله ی فتون انگلیس و دیگر دشمنان واقع می شد و از طرف دیگر جاسوسان و دشمنان پرستان در افغانستان تبلیغات و سیعی را

بنوا نهاد شکل آزاده با دشمن دین و وطن و خلق دا خل زد و بز شود و آلتور بکه بخواد اجرا آت نماید . با وجود این همه آن عده خلق هوطن ما که خا رج سرحدات ما باقی مانده بودند و خود را تابع احکام ارتجاعی امرا و طبقات حاکمه ی ارتجاعی نمی دیدند و نمسی دانستند صد سال دیگر به جنگهای دفاعی و جنگ آزادی خود با انگلیسها مشغول و در طول یکقرن تقریباً نود جنگ خورد و بزرگ در مقابل انگلیسها انجام دادند و تنها در مدت سی سال انگلیسها سی و هفت سفر برای بر ضد سرحدات آزاد افغانی نمودند و با نهم نتوانستند آزادی و استقلال ایشان را سلب نمایند . از همینجا ست که حتی دشمن مجبور به اعتراف شد و کسفت ازین افغانی تند طبع و جنگ آور و متعصب و آزادی دوست جنگ جو با نی بهتری در جهان نیست . سر یف در یاد داشت های (۱۸۷۶) خود نوشت که : سفر بری های انگلیس در مقابل سرحدات آزاد افغانی از جهت مکرر صورت می گرفت تا هر قبیله بطور جداگانه اندازه ی قدرت انگلیس را معا ینه کند . لیکن که از ضربات مسلحی خلق افغانستان بسیار متزجر شده بود ، در مورد سرحدات آزاد افغانی چنین گفت : منظره ی سرحدات در جهان نظیر ندارد . زیرا یک قدرت بزرگ متحدان (انگلیس) پس از بیست و پنج سال اشغال مسامتت آمیز هنوز نفوذ مطلوبی بر همسا یگان لایحه

مکنان و بر نس آتش زدند .

برای اینکه بر خورد تو هین آمیسیز انگلیسها را در مقابل دولت افغانستان خورند دیده بتوانیم در اینجا ماده ی اول عهدنامه ی مورخ ۳۰ مارچ ۱۸۵۵ بین امیر دوست محمد خان و انگلیسها را بطور مثال ذکر می کنیم :

«ما بین آئر بیل ایست اندیا کمپنی و جناب امیر دوست محمد خان و اسی کابل اوآن ممالک افغانستان که در بعضی او می باشد و در نای امیر مذکور صلح و دوستی دائمی خواهد بود .» معاهده دیورند مورخ ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳ یا امیر عبدالرحمن اینطور شروع می شود: «معاهده . . . جناب امیر عبدالرحمن خان جری ، سر اس ای امیر افغانستان و حدود متعلقه ی آن در یکطرف و سرهتری مسانیه دیورند کسی ، سی ، ائی ، سی ، اس ، ای مارن سکرتوری دولت عالی هند و نائب وکیل از جانب دولت عالی هند دیگر . . .»

ادامه دارد

سرپرده‌ها

کتابخانه

تیه و تنظیم از - صالح محمد کبیر

جدول کلمات متقاطع مصونیت، قانونیت و عدالت

اول مصونیت :

- ۱- یکی از شعرهای خلق جهان - ۲- نصف اسم یکی از شعرای ادبیات فری - ۳- مرتجع ترین رادیوی جهان. پیام فرماندان دلیر انقلاب
- تور ماه سنبله ۱۳۵۸ مصادف به این روز از رادیو تلویزیون خلق افغانستان قرانت گردید - ۴- پرده - ۵- استعمار گر - ۶- صفت گلها - ۷- دشمنان خلق که در آن اخوان الشیاطین فرار دارد نابود سازید - ۸-
- بررسی مرئی - ۱۳- ضمیر اشاره - ۱۴- ... طوفان ... خلق دشمنان را به گورستان میسپارد
- ۱۵- ضد زیاد - ۱۶- با ستون هنده جدول قانونیت جای علم و هنر میگردد .
- دوم قانونیت :
- ۱- انقلاب نور را به آن صفت نسبت دهید
- ۲- یکی از کشور های که در آن جامعه بدون

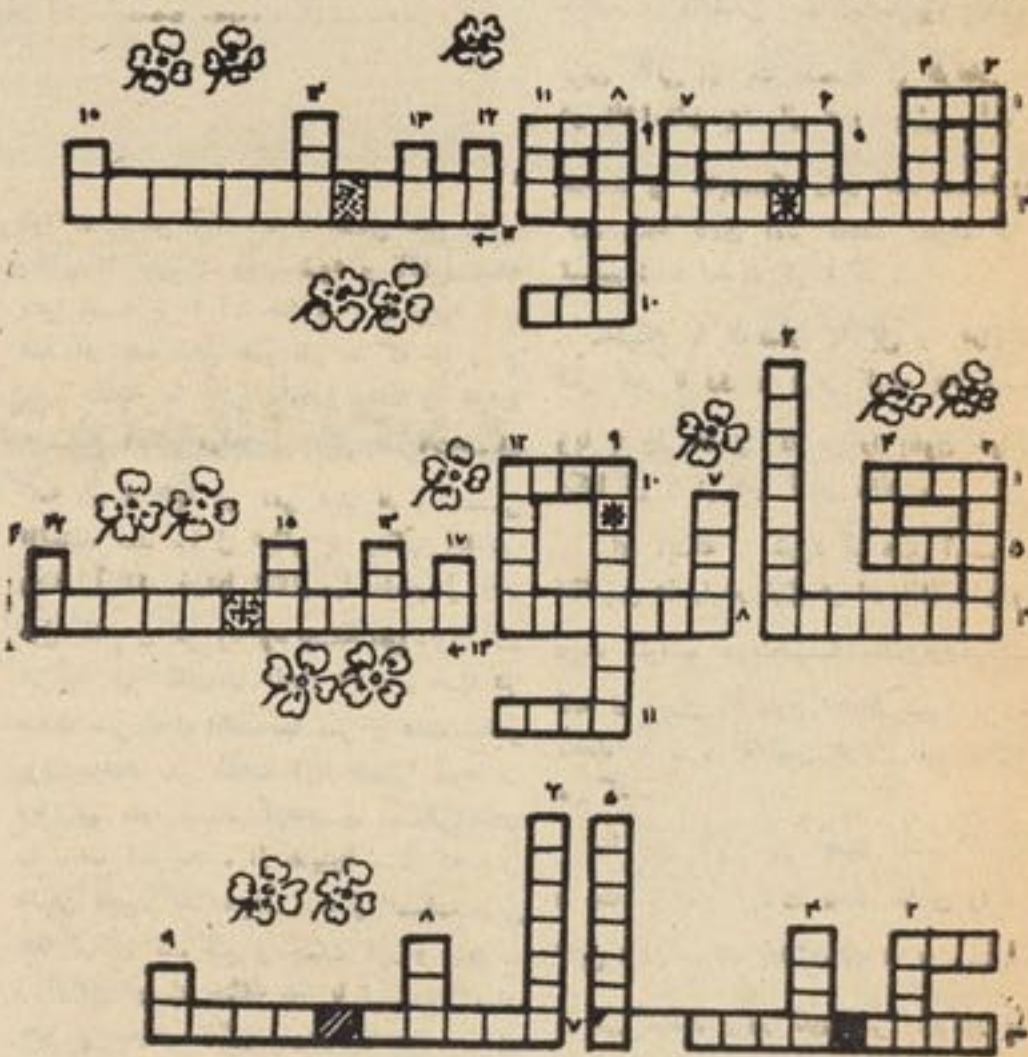
- ۱۰- عالم که علمش بر انتباهت - ۱۱- دموکراتیک افغانستان - ۱۲- یکی از کتابهای فلمپه اشتراک و جنبش - ۱۳- بکر از آوازه خوانهای محبوب رادیو تلویزیون خلق افغانستان
- ۱۴- مرکز یکی از کشور های سوسیالیستی
- ۱۳- یکی از روز نامه های کشور ما - اصطلاح اقتصادی در هر جامعه رول مهم دارد - ۱۴- از ولسوالی های کشور ما - ۱۵- مبین است
- ۱۶- خلق بر ... کا سه لیسان حلقه به گوش انگلیس نفرین میفرستد - ۱۷- مرخص دارد .
- صوم عدالت :
- ۱- ارکان نسرانی کمیته مرکزی جمهوری - ۲- جاویدان به پشتو .

این رسام، نقاش، مجسمه ساز و شاعر کیست؟



اگر دختری را دیدید که زیبا بود و معنی عشق را فهمید و ناز نکرد و روح مرد را شناخت ترا بخدا دست او را در دست شاعر و آرتیست بگذارد . زیرا دنیا ازین دختر هارا کم دیده است ولی برای ایجاد نبوغ در وجود این رسام و بیکر ترانس چنین دختری را تقدیر به اوداد . دختری بود که مظهر زیبایی ایتالیا بود .

عشق حقیقی را در دل نمیدود هرگز ناز نمیگردد و روح او را نیز میشناخت و میدانست که چه آتش فروزانی در نهاد این مرد شعله ور شده و عشق او چگونه نبوغ و پرا تحریک کرده متجلی ساخته است . این دختر (لویی جیادو مدیسی) بود . او شبهایی دراز بیدارنشسته در وصف زیبایی بیکر و قیافه او شعر میسرود و نبوغ خود را بر ورس میداد غزلیات که از قلم و فکر او در این هنگام بروی کاغذ میآمد بهترین نمودار چگونگی ایجاد نبوغ در وجود یک شاعر است . تنها در شعر و شاعری نا بغه نبود، بلکه در آرت، مجسمه سازی و معماری نیز استاد بشمار میرود ولی شهرت بیشتر او در رشته نقاشی و در همین هنر بود که آثار فنا ناپذیری از خود به یادگار گذاشت



طرح کنندگان فریبا و فرح سامع از مکتب توتیا سید نور محمد شاه مینه .

بیستان زن سنگتراش میکید وقتی بزرگ شد او نخواست کار دیگری به جز از مجسمه سازی استقبال ورزد او هنرا دوست داشت و با آنکه پدر و کاکا یش بزور نلاق میخواستند این علاقه را از او سلب کنند او بیش از پیش باین هنر متماثل میشد و بالاخره اصراری که درین راه بخرج داد پدر خود را مجبور ساخت که طبق مفکوره او رفتار کند او در سیزده سالگی نزد برادران گیرلا تدیو از نقاشان مشهور فلورانس مشغول فرا گرفتن اصول نقاشی شد او نسبت علاقه که به مجسمه سازی داشت در مکتب لور نتز دو مدیسی شامل شد او درین مکتب روزی از یک پارچه مرمریک مجسمه ساخت و هنگام پاککاری بود که لورنتز به او نزدیک شده و گفت ایسن مجسمه پیر مردی است اما دندانپشایش مکمل در صورت اشخاصیکه به این عمر برسد جز خوسه دندانانی زیاد تر نمیداشته باشند او بدون کدام مشکل

او در ششم ماه مارچ سال ۱۴۷۵ در شهر کاپری ز قدم بر عرصه وجود گذاشت پدرش بعد از تولد او به فلورانس موطن اصلی خود بازگشت و درین شهر پسرش را بیک زن مجسمه ساز سپرد او در آنخوش دایه اش بزرگ میشد و چنانکه خودش بعد ها میگفت عشق و علاقه به سنگتراشی و مجسمه سازی را توام بانسیر از

داود غدار حکومت فلابی خود را به این نام استعمار فرد از فرد بنیان گذاری شد و بنام یاد میگردد - ۹- ۰۰۰۰ تاریخ است که دشمنان رسوا میگردد - ۱۰- از دشمنان ۰۰۰۰ نداریم تا آخرین رستق حیات برای نابودی آنها میرزیم - ۱۱- درویش بی سر - ۱۲- یکی از مجلات خانوادگی - یکی از مکتب های ادبی که افکار خلق را واقعیتانه

این تابلو از کدام زمان وجه را تمثیل

میکنند ؟



تاریخ جهان از روی آثار تاریخی آینده را روشن سازد مثلا دوره کوشانی ها، سلطان سکندر، زمان مغول، جنگیز، سلطان محمود غزنوی و امثال آنها که آثار باستانی و غیره تاریخ آن زمان را زنده میسازد خیرین کلینیه هم با آنها چاپ کردیم از اسرار یک قوم است و یکداه نوح ظلم معروف میباشند اگر به حل آن موفق شدید برای ما نیز حل آنها ارسال دارید .

این مرد کیست ؟



این چهره یکی از نویسندگان مشهور جهان است این فوتوش زمانی گرفته شده است که او نویسنده گمانی بود تا اینکه قدرت نویسنده می او عالمگیر شد و در ضمن یک نزل دیگری هم برای تان داده میتوانیم که او دارای چهار زن بود و به سگاز زیاد علاقه داشت اگر اسم او را و بیوگرافی اش را میدانیید برای ما بنویسید .



محمد ظریف «خندان» یک تن از جل کنندگان جدول مسابقات

این انفجار مربوط به چیست ؟



در جهان انفجارات زیادی رخ داده است و هزاران انسان بر گناه، اطفال و زنان را در اعماق خود فرو برده است اما این انفجار با همه آنها تفاوت دارد انفجاری بود که تاریخ جهان آنرا فراموش نخواهد کرد حتی انسانهای که در مناطق دور دست آن انفجار زلزله گسی میگردند تحت تاثیر آن فرار گرفتند . فضا برای ما بنویسید که این کدام انفجار و در کدام کشور جهان صورت گرفته است ؟



صحنه کدام فلم ؟

این صحنه یکی از فیلمهای است که در آن اجتماع همه عوالم خرد را از افریقا داشت خانه ، پدر و مادر ، غذا ، تحصیل ، حمایت و قانون و عشق را و این غنچه نوشگنهای لطیف را تبدیل کرد به سنگ سخت و خشن . حالا شما به سوالات ذیل جواب بگویند .

- ۱- ستاره این فلم کی بود ؟
- ۲- اسم فلم را نیز برای ما بنویسید .
- ۳- کدام هنرمندترین فلم کار نموده است ؟
- ۴- آیا در کابل این فلم نمایش داده شده است ؟
- ۵- آخرین فلم ستاره همین فلم کدام

بعد از حل آن برای ما یک قطعه فوتوی خود بفرستید

را نیز ارسال داشته تا نام خودتان چاپ گردد .

پایم یکی از زندانیهای خورا کشید و این عمل را چنین انجام داد که از زندان خارج گشت و بعد از آن به بولنیا رفت چون او عاشق لویی جیرو دنیسی بود در آن شهر وقت نیاورد و دو باره به سور فلور این وقت او که در آن مرفسج که آغاز جوانی او بود آناری را ساخت که او را بنام بزرگترین نایفه آن زمان معرفی ساخت زمانی او به شهرت رسید از او دعوت بعمل آمد که به روم برود او در ساختن روم شهرت بزرگی را کسب نمود و در سال ۱۵۰۱ به فلورانس مراجعت کرد . تکمال به ماموریت یافت تا طاق کلیسای سیمستین را تزیین کند در سال ۱۵۳۴ باب پل - روم او را بنام معمار - آریست و مجسمه ساز مشهور و اتمکان انتخاب کرد زمانیکه طاق کلیسا را میساخت با ساعره که شوهرش مرده بود آشنا شد و ساعر فلورانس رابطه او را معنوی دانسته اند با این زن بیجا کرد او از اولین عشق خود تا این عشق زن علاقه مند شد و در این زمان درینده محبت این زن بسرودن غزلهای پرداخت و عشق را در هتکام بیری مرهمی برای التیام داغ قلب افروخته خویش یافت . وگی دوران این عشق کوتاه بود زیرا محبوب او در سال ۱۵۴۷ مرد و ضربتی بزرگی بروح او وارد ساخت او پس از مرگ معشوق خود سالهای دراز بزندگی ادامه داد شهرت فراوانی در ساعری - اوت - معماری و مجسمه سازی بدست آورد . او بخاطر محبوبش زن نگرمت و تا آخر زندگی در تنهایی و رنج بسر بسرود تا اینکه در سال ۱۵۶۴ بدرود حیات گشت . حالا اگر از بیوگرافی و پور تری او چیزی فهمیده باشید اسم او را برای ما بنویسید مطلب فوق را برای ما مملکه جان ازلیسه سید نور محمد شاه مینه ارسال نموده است .

راجع به زن چه میدانید ؟



زن موجودیت زیبا، گسه شاعران ، آریستان و همه هنرمندان در مدح و زیبایی زنان گفته و پرداخته اند همه زیبایی ها را به آنها شباهت داده اند حتی چشمان آهوان را ولی زنان مشهوری هم هستند که نامهای شان در تاریخ شجاعت ، کار، زیبایی عشق و بالاخره در فضا نوری و غیره ثبت تاریخ گردیده است . حالا شما هم راجع به زن بنویسید و بایک قطعه فوتوی خویش آنرا برای ما ارسال دارید تا بنام خودتان چاپ گردد .

سینمای ای انقلاب از هر

هنری مهمتر است

آیز نشین و فلم کشی پو تمکین



آیز نشین، نابغه جهان سینما

هنر سینما، هنر جوانی است. هنری که در آن علوم مختلف در حال هماهنگی و زایش های بوده و راه هنری شدن را در پیش گرفته است.

سالم است که تلاش می کنند تا نامی البته با اسماء برای قرن مایابند.

بودند گروهی که قرن عازا قرن امه تمام گذاری کردند و هستند هنوز هم کسانی که به این قرن بر آشوب نامهای چنین و یا چنان را بدلایلی بوج و کسم بها انتخاب می کنند و بر خط منقطع اندیشه های ره گم کن خویش باین و بالا می روند.

ترین رستاخیز آشفته فکری ها.. گروهی عظیم بر این عقیده اند که قرن ما قرن سیستماست.. قرن هنری که در زایش و فرسایش نوها و کهنه ها و در تعیین سر نوشت انسان نقش قابل ملاحظه داشته و یکی از نبردگاه های عظیمی در تسلسل منطقی مبارزات انقلابی بوده است.

از هنر سینما با آنکه تلاش های مسخره آیز اولی ها را هم بحساب آوریم در حدود نود سال می گذرد.

اما با وجود کوتاهی راه ۰۰۰ نوبخ این هنر زیاده...

یکی از برجسته ترین چهره های که در سینه دم این هنر چون آفتاب می درخشد سرگی آیز نشین نابغه بی مانند است. شوروی است که امروز نظرات او در سرنا سر دانشگاه های سینما توگرافی جهان تدریس میشود و سر منق تمام هنرمندان قرار می گیرد.

هنر سینما املا در اروپا و آمریکا با عرصه وجود گذاشت، استعداد های بورژوازی و خرده بورژوازی اروپایی و آمریکایی فنما ترین راه کشفیاتی کردند و راه را بشکل تقریباً غیر سیستماتیک اندکی روشن ساختند.

اولین یورتر- دیوید وارد گرفت و چارلی چاپلین نمونه های درخشان این کنگسوری هستند.

آنها که در جامعه امیرالیمتی زندگی می کردند مبنای فلم سازی شان را با وجود افکار قسما انسانی شان که از مضمون مترقی بودن عاری بوده، بازار و پول سازی تشکیل میداد تا از یکطرف باز بتوانند فلم بسازند و از جانب دیگر تاحدی صاحب آرگاه و بارگاه شخصی هم شوند.

در همین وقت در بسیاری از کشور های واز آن مثل توبره مداری ها برای خالی کردن

جهان هنوز سینما را تیار برقی می نامند.

جیب خلق آله استفاده می کردند. ظهور آیز نشین مصادف است با ظهور جنگ خاندانوز اول جهان و انقلاب کبیر اکتوبر.

جنگ در اروپا و آمریکا... مغز ها را به اصطلاح کجری قروت کرده بود.

خرده بوزوهای قلم بس دست و هنر مند نما های تر است ها و کار تل ها را رنگین می ساختند و مکتب هنری بیبو ده گرای مثل داد ایسم و ایسم های دیگر را سه نفع از با نشان یکی بی دیگر یسه بازار عرضه می نمودند.

اما انقلاب اکتوبر بر... بر خلاف غرب زمین راه شگو فانی استعداد ها ی واقعی خلقی را باز گذاشت و در نتیجه، فرهنگ انسانی خلقی را تنظیم و تدوین کرد و بر غنای آن افزود.

آیز نشین در بین جوش و خروشش هر- هنگی معناری و مهندسی را رهسا کرد و به تیار و نما شاخانه ها روی آورد.

علاوه هنری آیز نشین معاصر دوره ایست که در آن آخرین مرده دودهای جنگ اول جهانی از سراز با مپای اروپا وداع می کند.

ارو با از بوی گوشت انما نهای سوخته انباشته است و جناس است و آدم کشی حتی بر ساخت مقدس هنر هم حکومت می کند.

جامعه گریزی و بیبوده گری جنسی دامن پاک نیهت های انقلابی را هم گاه گاه می لکه دار می ساخت.

در آن روز گاران چنین پنداشتند می شد که افکار بیمار گو نه ضد ربا نیست های غربی بیکه تاز میدان هنر و ادبیات جها ت است.

کی با بد به این همه دن کیشوت بازی ها و پهلوان پنجه بازی های بی مغزانه پایان میداد. جهان منتظر هنر مندان واقعی بود.

و آیز نشین پاسخ می بود برای است چنین نیاز جامعه جها تی، او مثل همدوره های نابغه خود - پودوفکین و دواچنکو از باز بچه تیار بر قیکه در «هالی وود» این مرکز آدمکشان هنری - برای فریب انسان - بشکل دیو ظا هر می شد سینمای علمی و انقلابی جها تی را بوجود آورد.

این سینما - در همان آغاز پیدا بش خود یکی از موثر ترین سلاح های برنده بود

که بدست پر و لاریا افتاد و در راه خدمت با نشان بکار گرفته شد.

و میو زکو ریگی از معرو فتر یسن منتقدین سینما بی فرانسه می نو یسد. در فلم پو تمکین برای نخستین بار سینما نه تنها بعنوان هنر، بلکه بعنوان علم نیز شناخته شد.

بلی نام آیز نشین بانام فلم کشی پو تمکین یکی است اگر سخن از آیز نشین این باشد.. همه فکر می کنند که حری برسر فلم پو تمکین است و برعکس. آیز نشین بعد از روی صحنه آوردن آخرین نما یشنا مه اش که ما سکت ضد گاز نام داشت در سال ۱۳۲۴ وارد سینما شد.

فلم مشهور اعتصاب را که خود باطاف یسه فلم های معاصرش شاهکاری است بی نظیر - ساخت و به هنر دوستان تقدیم کرد.

انقلاب سو سیای لیستی اکتوبر در روسیه شو روی زمانی به پیروزی رسید که همه سا زمان ها و سا ختمان های مر بو ظاهر سینما تقریباً بطور کلی با و بران شده بود و یا کلا از کار افتاده بود.

وقتی در نخستین ساعات انقلاب رهبر خرد مند انقلاب اکتوبر اعلام داشت که سینما برای انقلاب از هر هنری مهمتر

است. بوج اند نشان کج بحث را بخندد واداشت.. چون در روسیه اما سامینما بی آباد نما نده بود واز جانب دیگر سینما هنوز مثل کودکی بود، که تازه خود را بسینه کتن می کند.

ولی همین اعلامیه کو تاه رهبر شو روی نشان داد که او جقدر هنر فهم بود و جقدر مسا یل روز را دقیق ارزیابی می کرد.

بعد از این اعلامیه در شوروی فلسف سازی کا ملا راه و رسم دیگر در پیش گرفت. حزب اعلام داشت که انقلاب اکتوبر بر باید در هنر ها هم ظهور خود را تکمیل کند و بر تری فرهنگ خود را بر فرهنگ یوسیده بورژوازی با ثبات برساند.

از گفتن اینکه نه برادر همین کتور عقب مانده و همین هنر عقب مانده شدت جلو گیری بعمل آمد و دست شیادانیکه با کج و کور کردن خود، بخود نام هنر مند داده بودند بکلی از دامن هنر کو تاه شد.. هنر متدان واقعی که تا آن

زمان کسی سلام شان را و علیک نمی گرفت بر کر سی های خود آیکه زدند و انقلاب هنری اکتوبر را در قلمرو هنر به پیروزی رساندند. سرگی آیز نشین یکی از یسن فر زندان واقعی طبقه کارگر بود که به حق او را می توان رهبر انقلاب سینمای شو روی نامید.

ایز نشانی معتقد بود که وسعت فهم
یاک هنر مند و وسعت هنر او ست .
او می گفت نه چطور امکان دارد از
انقلاب سو سیالستی با فرهنگ فیدالی
و یابور و وایی آمیخته با چند شعار حمایت
بمعل آورد .

او همیشه گفته های رهبر شوروی را سر
مشق خود قرار می داد . و حتی برای تاکید
بیشتر آنها را بر کاغذ ها می نوشت و در
اتاق خواب خود می او بخت ایز نشانی
می گوید .

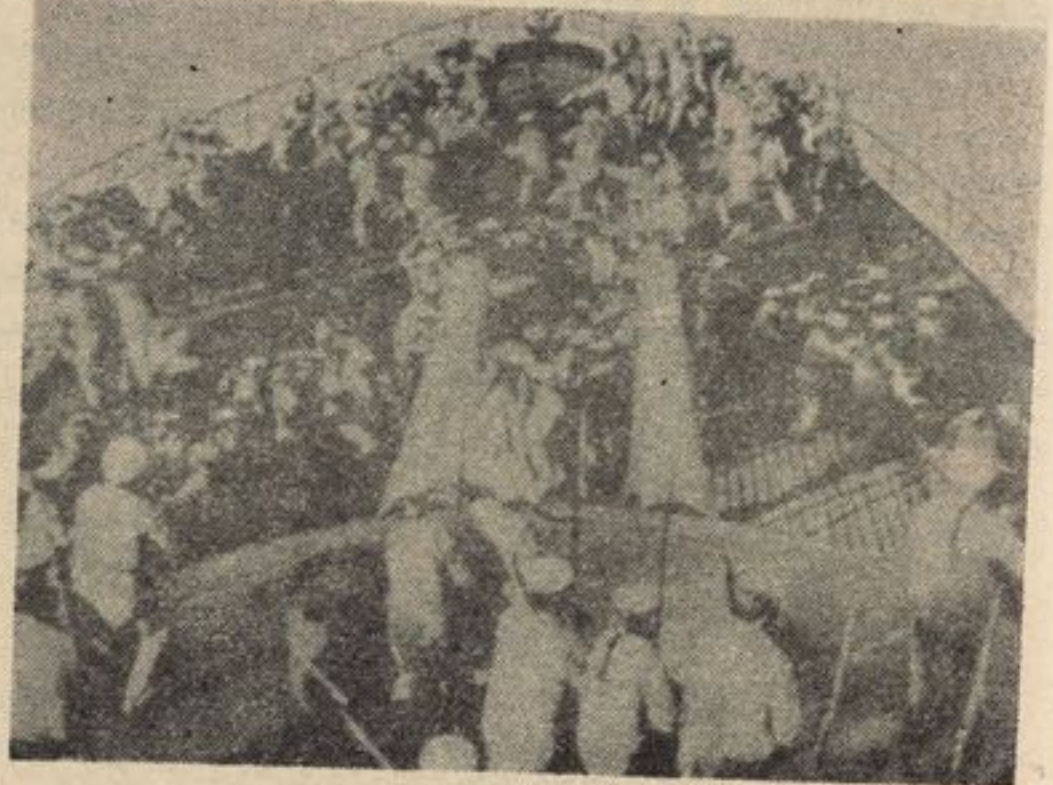
با چند شعار نمیتوان هنر های بورژوازی
و فیدالی را هنر نوین نامید و آن هارا
در خدمت طبقات زحمتکش قرار داده .
در مبارزه علیه امپریالیسم و فیدالیسم
یکی از مهمترین سنگرها سنگر فرهنگ
است .

و در ست از همینجا بود که ناگهان در
جهان فرهنگ کما ایلان نوین ظهور کرد .
ارتود نایت منتقد معروف امریکایی
می نویسد .
فقط هنگامی که سینمای اروپا با روبه

و بدست رهبران انقلابی کار ها داد .
استانیلافسکی می گوید :-
چطور می توان با روسی ها و انجانی
های که خلق ها از نام شان لنگه دارند
هنر خلقی ایجاد کرد . هنر خلقی را با بد
توسط فر زدن شعر افتند خلق می جود
آورد .

هنر فاسد - توسط مردمان فاسد ایجاد
اداره و پیش برده می شود .
ماباید لو مین ها را تجدید نظر بیت کنیم
که اراده داریم و می کنیم ولی بسرعست
لازم است علاوه شو ده که تجدید نظر بیت
آنها کما مایا طولانی و پروسه در د نا نخواهد
بود .

ایز نشانی ساخته کار خود را از هنر
مند نما ها ظاهرا بشکل بسیار بی
رحمانه خیشاوه کردو حتی به دشمنان
شخصی خود که مایه و اند و خسته داشتند
کارها را سپرد و آنها را در راه ایجاد
سینمای انقلابی با خود همدست ساخت .
و بدینسان بود که ایست نشانی معمار-
و بدینسان بود که ایست نشانی معمار-
و بدینسان بود که ایست نشانی معمار-
و بدینسان بود که ایست نشانی معمار-



یوستری از گشتی پوتمکین

انحطاط می رفت دنیا غرب از جنبش
سینمای نیرومندی که در شوروی بد بد
می آمد آگاه شد . انقلاب ۱۹۱۷ عملا
روسه را از سایر ممالک اروپای چه از
نظر اقتصادی و چه از نظر فرهنگ بکلی
جدا کرده بود .

این اعتراضات خود میتوانند سر مشق
جنبش های فرهنگ برای کشور های
نازه با استقلال رسیده جهان باشد .

کتاب تاریخ سینما می نویسد .
مما فرانی که از شوروی می آمدند
از تجربیات جسورانه در زمینه های
هنری خیر می آوردند در موسیقی از صدای
ماشین ها و چکش ها الهام می گرفتند
تا هنر خلقی رانه تنها از نظر شکل
بلکه از نگاه مضمون نیز بوجود آورد
باشد .

ایز نشانی پو دو فکین داو چنکو
واستانیلافسکی و دیگران رهبری هنر
را که در دست لو مین ها عناصری
طبقه و روسی ها و انجانی ها بود گرفت

ش همه به معنی واقعی کلمه هنر مند بود .
او فرق اثر هنری و مقاله های سیاسی
را می دانست ایز نشانی معتقد بود که-
مخلوط کردن هنر با مقاله سیاسی
خیانت به هنر و اندیشه های انقلابی
است او هنر طبقا تی خلق می کرد که
الزاما سرشت سیاسی دارد و آشکارا
در صف کارگران جهان ایستاده است .
باین صورت او هنر سیاسی خلق می
کردنه مقاله یا شعار سیاسی .

ایز نشانی ریالیسم را با جا جوی
رمانیسم انقلابی عجبین کردو مثل گورکسی
به کنایه واستعاره و سمبول عالی
سینما می روی آورد و توسط آن هسا
هنری بیان آورد که سو زو ما زان نامعز
استخوان آدمی نفوذ می کند و مغز ها را
با پیام های انقلابی خود با رور می سازد .
ایز نشانی در فیلم بی صدای پوتمکین
چند نو آوری کرده است .

۱- فیلم بی داستانی ساخته که در آن
هنر نما نشانی خود داستانی است بزرگ
و گویا .
۲- در فیلم پوتمکین او بر خلاف معمول
که باید قهرمانی باشیدا با اصطلاح
بچه ای و دختری و از این نوع رازا جف
از همه مرقم استفاده کرده و در آن نشانی
داده که واقعا تاریخ را توده ها می
سازند .

۳- در گشتی پوتمکین اکثریت فریب
به تمام چهره های مردمان عادی
شو روی است و از هنر پیشه ها کمتر
استفاده شده .

ایز نشانی به خلق واستعداد آنها
ایمان داشت و این ایمان خود را در طی
این فیلم با ثبات رسانید .
استعاره - کنایه و سمبول های سینما
بی بوجود آورد و در رنگین ریالیسم
بی از آن استفاده کردسمبولیزم سینمایی
در دست ایز نشانی کما مایا شکل و مضمون
نوی دارد و در راه های نوی بکار گرفته
شده است .

این روش ایز نشانی تا امروز هم سر-
مشق سینمای انقلابی جهان است .

پودو فکین کارگردان انقلابی سینمای
شو روی در فیلم عظیم «مادر» نیز از این
شیوه ریالیستیک کار گرفته .

منتقدان سینما بی را عقیده بر آنست که
در پیدایش این راه و روش فریو لوزست
معروف شوروی دکور باولف نیز دست داشته
و آن را انعکاسات مشر و طه سینما بی نام
گذاری کرده است .

۵- یکی از مهمترین کارهای ایز-
نشانی درین فیلم مسئله پیوندیابسا-
صطلاح خارجی آن (ادب) یا مونتاژ
است . چیزیکه تا پایان عمر بشری در
سینما به همان شیوه ایز نشانی مورد
استفاده قرار خواهد گرفت تا سال ۱۳۲۵
اصلا کسی بفکر پیوند فیلم آنها بعنوان
یکی از مهمترین عوامل فیلم سازی نبود .
ایز نشانی با مطالعه خط هیروغلیفی
جا پانی که برای نشانی دادن گریه از
چشم و آب یا مثلا برای افاده اندوه از قلب

کار می گیرند یا فت که از
گذشتن شو تصویری در کنار هم مرا حل
کمی افاده مطلب ، پروسه زایش مفهوم
یا کیفیت بمنصه ظهور میرسید .

او مخصوصا از پیوند شو تصویری
میخواست جا ذبه تکان با «شا کازکن»
بوجود آورد . و این اصطلاح جاذبه تکان
خود نیز از ساخته های ایز نشانی
است در پیناره بگفته فدا یکو فلیسی بزر-
گترین دایر کترا بتا لوی جهان گوش
میدهم که می گوید :

ایز نشانی فقط در فیلم در خسان پو-
تمکین کتاب کما مایا بر ای راهنا بیسی
کارگردانان فیلم بد آورده است .
شاید بزرگترین کشف ایز نشانی
کشف اختلاف بین زمان واقعی و زمان روی
برده است که در اصطلاح سینما بی که آن
رالفلمسک تایم) می نامند .

او از طریق پیوند یا ادبیت نشانی های
فلم در طی هر سیکونس ترتیبزمان واقعی
و زمان فلم را بهم زد .
او نسبت زمان را درک کرده می گفت :

یک لحظه بر درد به نظر ایستدی می آید
و ما لها خوشی چون د می می گذرد .

این خلافت در خسان هنری را مادر
صحنه زینه های ادسار فیلم پوتمکین
بخوبی مشاهده می کنیم زینه هسا
بسیار گوناگون هستند چنانکه شاید با قلم
عادی طی کردن آن زیاد تر از یک دقیقه
را در بر نگیرد و لی فیلم آن را چون
لحظت درد انگیز قتل عام طولانی تر
می کند . طوریکه گسترش سینمای بی
زمان به کما مایا بی پیچیده ترین و در
عین حال هنری ترین شکل خود می
او زینه های ادسا را سمبول انقلاب
۱۹۰۵ تشخیص داد و بر هر پله آن مبارزات
طبقاتی نفرت مردم از رژیم تزاری حسیان
و طغیان را ترسیم کرد .

پایان خوشی فیلم هم حرف های بیسی
دارد . هنگامیکه گشتی پوتمکین در حال
فرار به کشتی های لنگر انداخته تزار
ها نزد یک می شود هیجان به آسمان می
رود ولی وقتی آنها بسوی انقلابیون آتشی
نمی کنند . فیلم مفهوم دیگری افاده می
کند . مفهومی از ضعف تزار ها ناراضی
مردم و همدلی همه خلق ها با انقلاب...

سمبول های دقیق واز نو ساخته شده
انقلابی ایز نشانی درین فیلم بسیار
حیرت آورده بارتو از تصویرهاست .
او کلمه فرانسوی مو نتاز را که معنی
پیوند کردن را دارا است بمعنی پیوند
سر بیج بکار می برد که تا امروز زینهمین
مفهوم را افاده می کند .
ادبیت به هر نوع پیوند اطلاق می شود در
حالیکه مونتاژ در هنر سینما به پیوند
سر بیج و تکان دهنده اطلاق می گردد و
بی .

و این خود از اختراعات ایز نشانی
است .

۷- ایز نشانی با همین فیلم پوتمکین
برای اولین بار در جهان ثابت کرد
بقیمه درصفت ۴۳

مسابقه تسلیحاتی ...

به امر مشترک تمام خلق های جهان مبدل گردیده است . با ملاحظه افزایش خطر جنگ که با تشکیل ناتو بوجود آمده ، حامیان صلح مبارزه وسیعی را که هدف آن ایجاد یک سیستم امنیت جهانی ، ممنوعیت سلاح های تخریب کنونی و پایان مسابقه تسلیحاتی بود ، برآه انداختند .

اما جنگ طلبان به نمر رساندن نقشه های خود را دوام دادند . در همان سال ۱۹۴۹ (سال تاسیس ناتو) قوای نظامی امریکا ساختمان طیاره را بنام دراپ سات ، طیاره جنگی ضد اتحاد شوروی ، را انکشاف بخشید . این امر نشان داد که چرا امریکالیست ها سازمان های تجاوز گر نظیر ناتورا بوجود آوردند و مسابقه تسلیحاتی را دامن می زدند . طیاره

فوق الذکر جهت برتاب سه صدیم اتومی بالای اتحاد شوروی تنها طی اولین ماه جنگ ، تهیه شده بود .

طبیعتا با محاصره کامل شبکه از پایگاه های نظامی کشور های سوسیالیستی در سال ۱۹۵۵ پیمان وارسا راپایه گذاشتند ، که دارای خصوصیت دفاعی بوده ، برای الحاق هر یک از کشور ها باز می باشد .

این سازمان به دفعات پیشنهاد اتی جهت عقد یک معاهده عدم تجاوز بین این سازمان و دول عضو ناتو ، انحلال این پایگاه ها ، یا متحل ساختن سازمان های نظامی خود و پیمان ناتو نموده است .

در نیمه اخیر دهه ۱۹۵۰ اتحاد شوروی چندین قدم یکجانبه در جهت خلع سلاح برداشت طور مثال ، این کشور تعداد نفرات قوای مسلح خود را بیش از دو میلیون نفر کاهش داد و هزمان با آن کاهش های موثری در تجهیزات و مصارف نظامی خود بعمل آورد . در دسمبر ۱۹۶۳ دولت اتحاد شوروی باز هم تصمیم خود را جهت اتمام به تقلیل یکجانبه تجهیزات نظامی اعلام داشت . هر چه ، این اعلامیه حسین نیت در غرب مورد استقبال واقع نشد .

بعهدا ، اتحاد شوروی برای هشت سال مابعد مصارف دفاعی خود را افزایش نداد . شش سال قبل اتحاد شوروی پیشنهاد جدیدی به اسامبله عمومی ملل متحد تقدیم نموده که هدف آن تقلیل ده فیصد بودجه های نظامی کشور های عضو دائمی شورای امنیت و صرف قسمتی از این پول ذخیره شده را جهت کمک به کشور های روبه انکشاف مطالبه نمود .

مانند دفعات قبل ، پیشنهاد اتحاد شوروی به حمایت از جانب اعضای دائمی شورای امنیت ، مواجه نگردید .

بعنقور رهایی از مساله بودجه نظامی ،

اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۸ پیشنهاد جدیدی نمود و آن اینکه کشورهای دارای بیشترین ظرفیت اقتصادی و نظامی موافقه نمایند که بودجه های نظامی شان نه بر اساس یک فیصدی معین ، بلکه به مقدار زیاد طور مشابه کاهش یابد . این تقلیل از سال ۱۹۷۹ آغاز و تا سه سال ما بعد توسعه داده شود .

ده فیصد وجود ذخیره شده به از زیاد کمک به کشور های روبه انکشاف مصرف گردد . این پیشنهاد وسیعا از جانب کشور های روبه انکشاف در اسامبله عمومی ملل متحد حمایت گردید . کمیته مشورتی سیاسی پیمان وارسا طی اعلامیه که در نوامبر ۱۹۷۸ نشر گردید اعلام می کرد قلی خود را جهت انجام پیشنهاد فوق بیان نمود .

مفکوره کاهش بودجه های نظامی همچنان طرفداران روز افزونی در میان مردم عوام غرب حلقه های سیاسی و علمی آن کشور ها می یابد . در دهه گذشته کشورهای عضو ناتو یک هزار و سه صد میلیون دلار جهت اهداف نظامی به مصرف رسانده اند . در سال ۱۹۷۸ مصارف نظامی کشور های عضو ناتو تقریبا به یکصد و هشتاد بلیون دلار رسید . به قول متخصصین آنها در نظر دارند بین سال های ۱۹۷۸-۱۹۸۳ تقریبا تریلیون دلار دیگری وقف هویولای جنگ نمایند . در یکی از مصاحبه های اخیر خود رئیس جمهور کارتر گفت که هدف کشورش و سایر دول عضو ناتو این بوده تا سطح حقیقی مصارف دفاعی را بالا ببرند .

در حال حاضر ، نوعی توازن قوای بین ناتو و پیمان وارسا وجود دارد . در چنین اوضاعی افزایش بودجه های نظامی و از دیاد ذخایر سلاح ها به منزله آن است که جانب مقابل (ناتو) به حفظ اندازه موجود نیروها به مصالحه تن نمی دهد ، که در حقیقت به مفهوم تشدید فعالیت بخاطر تزئید مسابقه تسلیحاتی و حصول برتری بالای کشورهای سوسیالیستی میباشد .

اتحاد شوروی ، همراه با سایر کشور های سوسیالیستی ، پروگرام مهم عمیق و موثری را بمنظور کاهش مسابقه تسلیحاتی پیشنهاد نموده اند . این پروگرام و دیگر استاد در اعلامیه دول عضو پیمان وارسا گنجانیده شده است . لیونید برزنیف طی مصاحبه که در جنوری ۱۹۷۹ با مبصر مجله تایم بعمل آورد گفت که اتحاد شوروی به احراز برتری بالای غرب سعی نه نموده چیزی که اصلا به آن نیاز نداشته به غیر از یک امنیت قابل اعتماد ، آنچه لیونید برزنیف متذکر گردید دارای اهمیت بسیار است ، در صورتیکه مسابقه تسلیحاتی منع گردد ، نقشه های نظامی ای که طرح می گردند کاهش یابند و فضای سیاسی روابط بین المللی عادی گردد .

رول نقاشی ...

شده درین مورد نیم کره جب مسؤول تجزیه و تحلیل مسائل ، آموزش ، به معمول حمل مسائل پیچیده ریاضی میباشد .

داکتر هوستون و ماستر شای اگر چه از تئوری تحریک فزیک دماغ بوسیله آرت طرفه می روند اما به صراحت درین مورد میگویند : آرت با مؤثریت اش در پیشبرد قوای دماغی و بدنی رول ارزنده دارد .

آرت آگاهی وسیع بدنی را تحریک کرده و معانعت های رشدی عضلی را تقلیل و کاهش میدهد . تصعیف میکالیزم گفته شد معانعت های سیستمی را در قشر دماغ بیان آورده و ازین جاست که بی نظمی هادر تعیین و تغییر مسائل احساسات و حرکات بیان می آید . بصورت عموم حرکات و احساس در بدو امریکان و بیضا با همی ناگسستی داشته معانعت مقابل نکر در حقیقت دست رد گذاشتن مقابل دومی نداشته میشود .

کادر های روان شناسی کودک عمل کرد بالاراضین آزمایشات متعدد در نمایشگاه های نقاشی ضمن تحقیقات (بیوفیدیک) ، مد تیشن (خلسه روانی) تحقیق و بررسی کرده اند و به درستی این عقیده را در مورد رول نقاشی تأیید و تأکید کرده اند . این پروگرام در مکاتب باید بطوری تنظیم شود که برای اطفال و نوجوانان پروگرام های مختلفی در نظر گرفته شود ، بالاخص نوجوانان ساعات بیشتری از نقاشی در اختیار داشته باشند . پروگرام های

مکاتب هنری رقص دانش (ایزودورا) اجرا گرفته میشود از نگاه وی کودکان در پهلوی فراگیری اساسات و فاعده های رقص بایستی از زیبایی شناسی و تربیه جسمانی خوبسی برخوردار باشند در پروگرام های ایزودورا بیشتر از آثار کمپوزیتور و آهنگسازان مشهور کمپوزیتور و آهنگسازان مشهور و شناخته شده بین المللی (مارسایلا ، کارد ماکتولی ، بشو فن و جا یکوفسکی) استفاده بعمل می آید .

وی در همین تبار بانما یس خاص رقص ویا یکو بی ها نیکه با سرود های انقلابی بخاطر پیروزی انقلاب کبیر اکتو بر ابراه افئیده بود در نکا عمل پرو سه انقلاب شوروی سیم گرفت که تمام سرود ها را خود تهیه و تنظیم داشته بود (ایزودورا) هر چند که زیاد به لسان شوروی تسلط داشت با انهم اتحاد شوروی و مردمان آنرا دوست داشت که این ناسی از علاقه فراوان او به جهان سو میا لیزم و کشور های سوسیالیست

مطروحه در کودگستان ها نازیرسن سه به صورت آزاد ، و نازیر سن شش بصورت رسم های سمبولیک بایستی ادامه یابد تا به خدمت گیری شیوه طفل و نوجوانان محیط اش را به کمک شناخت وضع روحی و فزیک بهتر اش بشناسد . آئنده اطفالی که نمیتواند بر مسائل پیچیده ریاضی چیره شوند به مرور زمان علاقه شان به درس وصف کم میشود . برای جلوگیری ازین امر دو راهی باید انتخاب شود اول اینکه معلم باید وضع روحی و مشکلات شاگردانش را درک کند و دلایل بی تلاقی وی را با جروبحث های زیاد صمیمانه حل کند یا اینکه معلم بکوشد تا شیوه های نقاشی استعداد های نهفته شاگردش را به او بفهماند . و به اوج اعتماد بنفس ببخشد . تنها با روش بالا است که شاگرد میتواند بدرستی بر مسائل و فورمول های مغلق ریاضی و ضمیمه موفق بدر آید . زیرا گرفت و برداشت ذهنی درین سن زیاد است . به عنوان مثال روان شناسی گفته است : «امروز به درستی همناسگری های دوره ابتدایی بانام های شان زست ها و حرکات کودکانه شان یاد می آید اما باور کنند نام چهره همناسگری های دوره پوهنتون را ناچدی فراوش کرده ام . پس معلمین و فامیل ها بالاخص به این نکته توجه نمایند که استعداد های نقاشی اطفال را ارج گذاری نمایند و به پرورش آن بکوشند تا در آینده بتوانند استعداد سرشار آنها را در مطالعه ، سا ینس و تحلیل مسائل مغلق طبیعی به مشاهده گرفت آری ؛ تسل های آینده را فروهر ، دوران روان پریشی ها ، وسعت روان ، حس اعتماد به نفس و سرشار از انرژی باید تربیه کرد .

مکاتب هنری رقص دانش (ایزودورا) اجرا گرفته میشود از نگاه وی کودکان در پهلوی فراگیری اساسات و فاعده های رقص بایستی از زیبایی شناسی و تربیه جسمانی خوبسی برخوردار باشند در پروگرام های ایزودورا بیشتر از آثار کمپوزیتور و آهنگسازان مشهور کمپوزیتور و آهنگسازان مشهور و شناخته شده بین المللی (مارسایلا ، کارد ماکتولی ، بشو فن و جا یکوفسکی) استفاده بعمل می آید .

وی در همین تبار بانما یس خاص رقص ویا یکو بی ها نیکه با سرود های انقلابی بخاطر پیروزی انقلاب کبیر اکتو بر ابراه افئیده بود در نکا عمل پرو سه انقلاب شوروی سیم گرفت که تمام سرود ها را خود تهیه و تنظیم داشته بود (ایزودورا) هر چند که زیاد به لسان شوروی تسلط داشت با انهم اتحاد شوروی و مردمان آنرا دوست داشت که این ناسی از علاقه فراوان او به جهان سو میا لیزم و کشور های سوسیالیست

مکاتب هنری رقص دانش (ایزودورا) اجرا گرفته میشود از نگاه وی کودکان در پهلوی فراگیری اساسات و فاعده های رقص بایستی از زیبایی شناسی و تربیه جسمانی خوبسی برخوردار باشند در پروگرام های ایزودورا بیشتر از آثار کمپوزیتور و آهنگسازان مشهور کمپوزیتور و آهنگسازان مشهور و شناخته شده بین المللی (مارسایلا ، کارد ماکتولی ، بشو فن و جا یکوفسکی) استفاده بعمل می آید .

طرح رقص ...

لیستی بود بخاطر علاقمندی به ایست سیستم کزیده جهانی بوده که باشاعر توانای شوروی (زرگی لیسنین) از طریق از دواج یونان یافت لاکن بسا رزود هر گت سراب عش شتافت جهوی در سپتمبر ۱۹۲۷ با امرگ یوست پس از مرگش مستد یوی تیا تر ، مکتب و چند مرکز دیگر هنری بخاطر خد ما تارز شمند انه (ایزودورا) به امش مسما ء گردید «ایرما» دختر خوانده اش پس از مرگ او مشعلدار هنرش گردید بخاطر ارج گذاری به مقام هنری ایزودورا در معافل هنری که بتاز می ها در سا لروز مرگ او تجلیل گردید در حدود ۴۰ ملیون تماشاگر یکبار دیگر توسط رفاصه های دنباله رو او ، یکبار دیگر تماشا رقص های گونه گونه بودند ، صر فنپراز اینکه رقص مدرن او را گاه بیگاه بسازی مینما بند .

گنبدی با ضخامت

بعضا جبیل های مملو از آب گرم توسط دانشمندان شوروی کشف گردیده که از آب مذکور برای امراض جلدی استفاده شده میتواند در اثر تحقیقاتی که اخیرا توسط تیم تحقیقاتی لنینگراد صورت گرفته معلوم گردیده که در روز های آفتابی درجه رطوبت نسبتی در گرد و نواحی گنبد چندین درجه پایین می افتد و این نشان میدهد که گویا درجه حرارت تحت الارضی درین محل بیشتر از نواحی دیگر میباشد برای اینکه اکتشافات بیشتری در زمینه صورت گرفته باشد چندی قبل یک سیمینار دوهفته ای جهت معلوم نمودن و بوجود آمدن این گنبد بزرگ در لنینگراد برگزار گردید . اشتراك کنندگان درین سیمینار منجمله سایر مسایل در مورد طریقه برمه کردن در یخ مطالعاتی دستگا های رادار جریانات پروژه های هایدرومیترو لوزیکسی و تلسکوب های مطالعات اجرام سماوی بحث و مذاکره بعمل آمد .

همچنان توقع میرود تا در سیمینار های آینده پیرامون سوراخهاییکه در برخی از قسمت های این مجموع الجزایر به ظهور رسیده ز نظر افوار تاریخی (حالی و مانسی) روشنی انداخته شود سوراخهای مذکور اخیرا ازین لحاظ توجه سیاحان را جلب نموده که نظیر آنرا در مناطق مسکونی نمیتوان یافت برمه کنندگان کتله های یخ را از جا های عمیق با طرز مخصوصی بیرون میاورند برای ذخیره نمودن سمیل های یخ محل مخصوص بنام یخدان در جوار گنبد بزرگ ساخته شده است .

هنه یخهاییکه از جاهای برمه شده بیرون می آید خاصیت ضد ملوث شدن را داشته و هوای ملوث در طول تاریخ در آن نفوذ نکرده است .

از نظر دانشمندان این حادثه نیز یک حادثه شگفت انگیز و تعجب آور است زیرا مساله حفظ محیط زیست در سال های اخیر توجه همه دانشمندان را بخود معطوف نموده است در عین حال باید گفت اقلیم گنبد بزرگ در روز های آفتابی خیلی تغییرات و درین روز ها یعنی روز های آفتابی درجه حرارت سطح زمین و همچنان رطوبت نسبتی نسبت به روزهای غیر آفتابی چند مرتبه بلندتر است . در اثر کاوش برمه کاران بمشاهده رسیده است که در موسم بارندگی مخصوصا ماه های «دسمبر- فبروری» درجه حرارت آب های جبیل مذکره خیلی گرمتر میگردد و این خود نشانه دهنده آنست که در فاصله (۴۰) کیلو متری سطح زمین مراکز متعدد (ترموجیولوژیکی) موجود است . باید گفت که فشار زیاد در روزهای وزش باد قطرات یخ را مانند دانه های

بدور میراند و هیچ اثری از هیچ آلودگی ها در قرب وجوار این ستیشن به مشاهده نمیرسد و یک دلیل عمده آن اینست که مجموع الجزایر (زملیا) از ساحه اتومسفیر زمین خیلی هایدور افتاده است در صورتیکه دانشمندان بخواهند میتوانند در نقطه که جاذبه زمین درجه صفر باشد بدر نظر داشت فکتور «فاصله و وقت» تأثیرات اتومسفیر را اندازه گیری نماید .

نقطه تعجب اینستکه در ستیشن (واویلوف) نه تنها اجسام و وسایط مورد تجربه و آزمایش قرار میگیرد بلکه میتوان انسانها را نیز درین ستیشن مورد معاینات فزیک ، روحی و جسمی قرار داد .

در چندماه اخیر که آوازه تبعات علمی مربوط قطب شمال به هر طرف پخش گردیده بسیاری از دانشمندان امور عمرانی و خانه سازی به صوب قطب شمال رهسپار شدند و در طبق اطلاعات واصله در طی سه سال گذشته بیش از (۷۰) نفر مهندس و معمار درین ستیشن تحت تربیه و پرورش قرار گرفته است که البته درین جمله چندتن از دانشمندان شعبه (گلاسیولوژی) شهر ماسکو نیز سهم داشته است . در اخیر باید گفت که گنبد (واویلوف) را میتوان یک مودلی از تحولات طبیعی قطب شمال محسوب نمود که اینک امروز تحت کنترل بشر قرار گرفته و هر لحظه در مورد آن کاوشهای علمی صورت میگیرد .

سینما برای انقلاب

او در کنار فیلم سازی در دانشگاه های هنری جهان سخنرانی های زیادی کرده که تا امروز تند نو پس آن ها دست بدست می گردد .

بلی آیزنشتاین یک انقلابی و افسی بود و هرگز به بیرو کراسی هنری تسلیم نشد .. محرومیت ها را بخاطر ایجاد هنر خالص انقلابی قبول کرد .

سر انجام ایزنشتاین بعد از ساختن چندین فیلم با شکوه در سال ۱۹۴۸ بمسمر ۴۹ سالگی با دل پر درد چشم از جهان پو شید و هزار ها طرح بر شکوه سینمای

را با خود بگورستان برد .

پایان

که فیلم های مستند یا داستانی مثل فیلم های دیگر از صغری و کبری هنسری مملو و ناباشته است ، و در تبیین آرتمستیک با فیلم های داستانی فرقی ندارد . ولی آیا با همین چند شماره میتوان تمام نو آوری های ایزنشتاین را درین فیلم شمار کرد ؟ نه هرگز!

او درین فیلم نو آوری های زیادی کرده که بررسی دقیق و هنری آنها به ساعت هابحث ضرورت دارد .

آیزنشتاین کتاب های زیادی در باره سینما نوشته که امروزه در هر فاکولته سینمایی ، چه هنری باشد و یا انگلیسی یا امریکایی تدریس میشود .

او فیلم های زیادی ساخت و به اکثر کشورهای جهان مسافرت کرد ..

فر هنگ

وهم آشنا ساختن مردم با هنر های زیبا در جامعه سوسیالستی این کشور یک فکتور مهم تلقی میشود .

رویداد عمده دیگر در زندگی هنری مردم آنکشور تدویرفیستوالها و تجلیل های مخصوص هنری در تمام نقاط آنکشور است این فیستوالها و محافل هنر را در خدمت عامه قرار میدهد و زمینه نزد یکتا شدن هنرمندان و زحمت کشان را فراهم میسازد . اینها همچنان هنر را در میان ملت میبرند و باعث ازدیاد اکتشاف فرهنگی ملیونها نفر میگردد و هم سطح آگاهی خلق را در قسمت هنر های زیبا بلند میبرند .

قبل از پیروزی انقلاب سوسیالستی در بلغاریا آثار عمده به جاز آثار نوشته های ایوان و ژوف عمده ترین نویسنده و پدر ادبیات بلغاریا وجود نداشت مگر بعد از انقلاب سپتمبر بابیان آمدن آثار دیمتریوف دیمترتلیف، جورجی کراسلاووف، امل ستانیف و غیره بلغاریا در صحنه بین المللی با درخشش خاص ظاهر شد .

مشهور ترین کتابها درسی و پنج سال اخیر توسط جوانان و اشخاص دارای سنین متوسط تالیف شده .

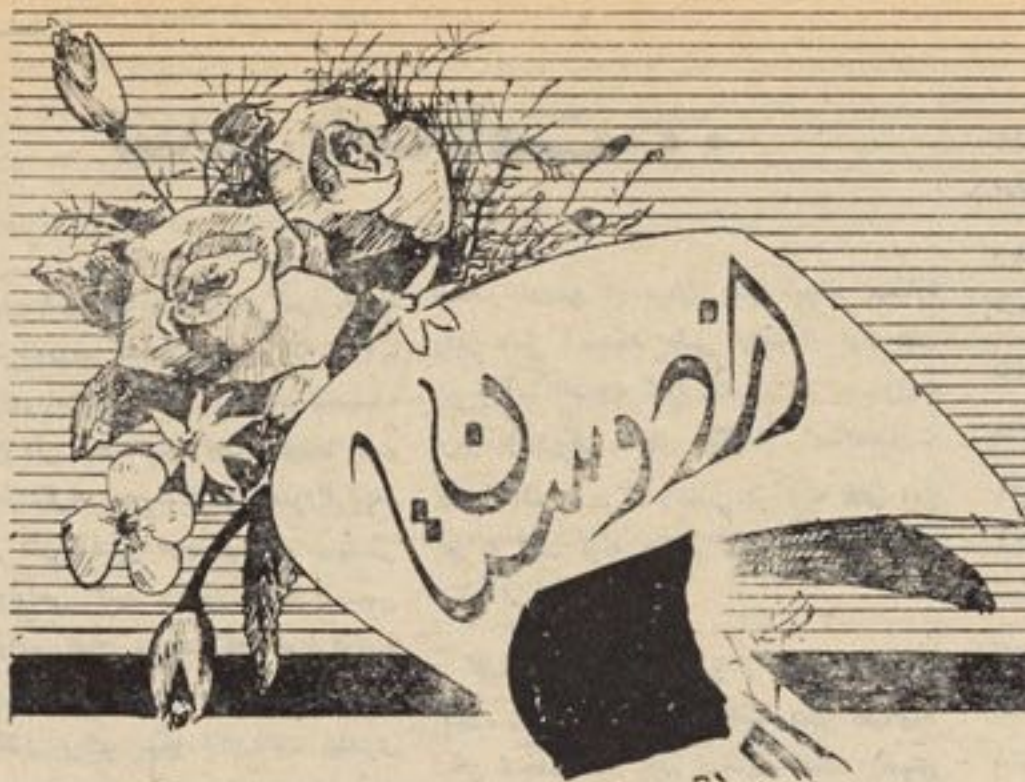
ایسن مولفین جوان عمیقتر در مشکلات زندگی معاصر نفوذ می کنند . از جمله ایشان میتوان از پاول و ژحینوف، اندری گلیاشکی ، بوگومیل اینوف ، اوپلوپتروف، دیمترووا نامبرد این ها مانند کپکشان روشن و نویسندگان با استعداد میخوانند چهره ادبیات امروز بلغاریا را روشن سازند .

شعر نیز به مدارج بلند ایدیا لوزیکسی دست یافته است . آثار ایلیساویتا، بگریانا،

ویسلین خانچیف لیوبو میرلیچیف ۰۰۰ درین زمینه قابل یاد آوری است در قسمت شرح انکشافاتیکه توسط فر هنگ سوسیالیستی در ساحه های مختلف صورت گرفته باید به پیشرفت های نقاشی رسامی موزیک ویتاثر اشاره نمود خوانندگان مشهور بین المللی چون نیکولا- جیواوف، الیابشکوف، الچیف، یوان فیونیف و غیره کمپوزرهای معروف مانند لیوبرومیرپا- پکوف ، ویسلین ستویانوف ، را در موسیقی نام برد .

دست آوردهای مدرن هنری در بلغاریا در خارج ازان کشور نیز شهرت زیاد پیدا کرده و جز کلتور جهان شده است کتب تالیف شده در بلغاریا در اتحاد شوروی در غرب و شرق در هر کجایکه خوانندگان مترقی و کنجکاو وجود دارد ترجمه و به شماره های متعدده چاپ رسیده است کانسرت ها و انسمبل های که توسط تک نوازان و هنرمندان بلغاریا در پاریس ، مسکو، لندن، روم ، نیویارک و دیگر شهرهای جهان اجرا شده با حرارت زیاد از طرف هزاران نفر مورد استقبال قرار گرفته است .

باتعمین یک آغاز مناسب وجهت معین و درست کلتور مدرن سوسیالیستی در بلغاریا راه خود را بطرف مدارج عالیتر خواهد پیمود .



روستا عزیز!
با محبت نامه
شعر، داستان و مطالب دلچسپ
و خواندنی بنویسید

نوشته: عزیز آسوده طهماس

از ماسکو نیوز

ترجمه محمدیوسف (شیرزاد)

روزبین المللی ناشنوایان

بیست و دو سال پیش در اولین فدراسیون جهانی ناشنوایان بیست و سه دسامبر روزبین-المللی ناشنوایان اعلان گردید.

به صورت مجموعی چهل میلیون نفر معیوب و ناشنوا از شصت و سه کشور جهان در یمن فدراسیون تنظیم شدند. کانگرس هشتم فدراسیون جهانی ناشنوایان که تابستان سال گذشته در بلغاریا برگزار شد یک رساله و یادداشت بزرگی در زندگی ناشنوایان بشمار می رود. درین کانگرس چار هزار و یکصد نفر نماینده از شصت و یک کشور جهان اشتراک کرده بودند. در ضمن اشتراک کنندگان این فدراسیون با اشخاص معیوب و ناشنوای کشور میهماندار (بلغاریا) از نزدیک باز دید بعمل آوردند.

علاوه بران برگذاری این کانگرس عملی بوده نفع و پیشرفت جهان که با عمل نمودن تصامیم آن امروز در بلغاریا طفلی ناشنوایی وجود ندارد که زمینه آموزش مخصوص در کودکانها وهم امکانات آموزش مخصوص به سویه متوسط و عالی برایش درین موسسات وجود نداشته باشد.

پیش از انقلاب سوسیالیستی در ۱۹۴۴ چارده فیصد از اطفال ناشنوا موفسقی به فراگرفتن آموزش شده بودند مگر در یمن او اخر مکتب و فرا گرفتن آموزش به یک بیمانه وسیعی بامیتود های جدید سمعی و بصری و میتودهای انکشافی در زمینه تدریس به مشاهده می رسد.

... و فردا روز عید بود!

سالیان دراز، پارلجی جانکاه و دیر پای بر چهره زن نشانه گذاشته بود. پسرک لخته یی به قیافه مادرش خیره ماند. او شبهای دیگر هم به این قیافه تکیده و خسته نگاه کرده بود، ولی حال مثل اینکه قیافه مادرش غمگین تر و شکسته تر شده بود. میخواست بیدارش کند. میخواست با او گپ بزند. و پیرسد که: چرا مادر؟ چرا غمگین هستی؟ آخر سباعتید اس، همه خوشحال هستن. تو چرا غمگین هستی؟ اما جرات اینکار را نداشت، زیرا میترسید که مادرش او را لت و کوب نکند. دیروز هم یکبار او رالت کرد و دستاش را سیاه و کبود ساخته بود با خودش در جدال بود: دیروز خومه سنگ بازی میکردم که مره زد، اما حالی خوش سنگ بازی نمی کنم، ازش برسان میکنیم که چرا غمگین اس، چرا خوشحالی نمیکه که سباعتید اس همسایه های ماهمه شان خوشحال هستن زن ها، بچه ها، همه خوش استن، بری خود کالای نو ساختن. جانو، قیام و حمیدک هم حمام میرفتن که سباعتید اس، عین حاجی فیض الدین دکاندار هم ریش خوده رنگت کنه، همگی تیاری مگر قشن اما نیمه چرا اینالی سوپ میشه تاحالی ازخو بیدار نشده...

باردیگر نفسهای مادرش گونه های پسرک را تندتر نوازش داد. وبعد اندکی بخود جنبید و دستش را که زیر پهلوش شده بود بیرون آورد و روی زنجش قرار داد. دستهای مادرش بر از چمלקی بود شفافی در پوستش دیده نمیشد، مثل اینکه بسوی صابون کالاشویی میداد از چند روز پیش کالای همسایه ها را شسته بود. از این بوی هیچ خوشش نمی آمد، این بو دیگر برایش نامطبوع شده بود و کسل کننده.

خورخور خواب هنوز هم خانه را ایستاد بود. بانوعی تگرانی اطرافش را تگریمت

روی دیوار کاهگلی کرتی نسواری رنگی آویزان بود، اندکی رنگ و رو رفته معلوم می شد، شاردگی هایی هم در دهان آستین و گردن آن دیده میشد گسویی کرتی در آن دیوار چیز اضافی بنظر می آمد. هیچ تناسبی نداشت. بیقواره و بد نما.

پسرگی کوچک باولع آنرا می تگریمت. و با نگاه آنرا می لیسید، و برق سروری در سیمایش می دوید، پسرک ده یازده ساله ای بود با چهره زرد و چشمانی فرو رفته. لحاف کهنه و چرکین رویش پهن بود. میخواست بر خیزد، بسوی کرتی روی دیوار از جا جنبید، اما احساس میکرد گنه دوباره بسوی زمین کشیده میشود، پایش در پارگی لحاف گیر مانده بود.

دوباره سر جا یش آرام گرفت. گویی تصمیمش را برای بر خامتن عوض کرده بود یکباردیگر دیوار خانه را از نظر گذشتاند فردا روز عید است، و او این کرتی را می پوشد، فردا برای او عیدی خواهند داد... دلش مالمال از نوق و شادی شد و آهسته آهسته پلک هایش سنگینی میکرد.

صدای زنی از بیرون شنیده شد، قاسم! بچیم! چراغه رخصت کوکه اینالی صا حب خانه باز غالمغال میکنه...

درصدای زن ناراحتی و مگر ختی محسوسی نمودار بود، پسرک باعجله برخاست و چراغ را خاموش کرد، خانه دیگر تاریک شده بود. پسرک دو باره در جایش آرام گرفت، و چشم از دیواری که کرتی بر آن آویخته شده بود، دور نمیکرد لخته یی بعد خواب در چشمانش خانه کرد.

گرمی نفسهایی را روی گونه اش احساس نمود. چشمانش را کشود، دید مادرش هنوز خواب است. چینها و خط هایی در چهره مادرش بنظر می آمد. خستگی و گذشت

مادر وطن

ای وطن نغمه سازت جهان گرفت کتون خصم ترا آتشی به دامان گرفت کتون بد خواهی تو که از درد مینا لسمدمام بهر تزویر دامن قرآن گرفت کتون اخوان که بیما رست در فکر تفرقه ما جمعی راه حيله کفر ایمان گرفت کتون شکست انقلاب خلقت امر محصال کاین نقد خون صد انسان گرفت کتون درس آزادی آموز از مادر وطن تادر عصر صه گیتی فکر جوان گرفت کتون میرسد تا کپکشان پرواز سفینه ما گلبا نک هستی راه آسمان گرفت کتون چراغ شوق سوزد در گلستان وجود که حاصل بازو خود دهقان گرفت کتون سرکش آردین سرودی در گلشن ادب نوای بلبل شو ریده فغان گرفت کتون

ناصر اربین

از - فرهاد «لیب»

صبح امید

سحردهید، نزدیک دگر گرانی و خواب بجنب زبستر تاریک روسوی آفتاب عذاب ظلمت شبهای پر زیاس بس است به قلب صامت ظلمت جو آفتاب بتاب یاران شب های پرستاره بپراز خاطر خود پاک از سر بنماگرد گلورت چوسحاب داغ ها از بدل دشمن ما همت ما خیز انداز تو غوغا در این دیر خراب هادی ماکه شد این نور جهانتاب (فرهاد) باز هم خواب چو زنبور نبود کار صواب

مادرش آرام خوابیده بود. او همیشه همینطور میخوابید. یک پهلوی کتک و با دست و پای جمع کرده.

خوشحالی پوشیدن کرمی دلتی را به پیش می انداخت. دلت میخواست بر خیزد و یکبار دیگر آنرا بپوشد. دیروز چند بار آنرا پوشید. مادرش تکه های نوری برایش دوخت و کاج های آنرا دوباره بخیه کرد.

خوشش هم نیدانست که چرا ازین کرمی خوشش می آید. اما همیشه می دانست و بیانش بود که از همان روزیکه بچه همسایه ایشان جمشید، تازه آنرا پوشیده بود او از این کرمی خیلی خوشش آمد.

جمشید هر روز که آنرا می پوشید. با موری سیاه رنگ با بدش به سپهر میرفت. بچه های کوچکی هم جمشید را دوست داشتند. مثل اینکه همه میخواستند با او بازی کنند. همه بچه ها.

باز هم احساس خوشحالی دلت را انباشته ساخت. حالا او همان کرمی را در اختیار داشت. فرست روبروش بردیوار آویخته بود.

دیروز جانش وقتی به خانه همسایه رفت خوشش را از ترس مادر جمشید پشت درخت چارو پنهان کرد. بوی غلغله های سرخ کرده، بوی گوشت و برنج دم کرده، فضا را پر ساخته بود. وزن همسایه را دید که نیم تنه اش را از ارسی مثل قوم بیرون کرده و کرمی را به حویلی انداخت و به مادرش گفت:

نه قاسم - چه شدی؟ بیگی که غیری میگفتی واق و سول میگدی. بیگی و از سر ما دست بردار... و مادرش با چشمان اشک آلود آنرا گرفت و بیکرامت بخانه آمد. او هم دنبالش آمد. در خانه که دید آتشش گل آلود بود.

چشم های مادرش هم سرخ بود و درم کرده. مادر با گوشه چادر چرک سیخه اش گونه هایش را پاک کرد.

وقتی آنرا پوشید بدت احساس خوشحالی میکرد. مادرش هم لیخند می زد. چقدر این لیخند برایش گوارا و لذت آور بود. هیچوقت لیخندی اینگونه دلپذیر در چهره مادرش رنگ نگرفته بود. و هیچگاهی او مادرش را بدانگونه شاد ندیده بود.

با آنهم چشمانش مرطوب و اشک آلود بود. دهانش را باز کرده که از مادرش پرسید: چرا گریه میکنی مادر؟ اما مادر تار های کرمی را با انگشتان کفشدارش می کند و گویی فکر های دور و درازی در ذهنش می لغزید.

قیافه اش را که زیر بار رنجی جانگناه مر لید، استوار نگه میداشت. مگر لب های ترک خورده و خشک زن، هسته جنید - صدای گنگی شنیده میشد. هسته گفت: «اگه پدر میدانستی... اگه... و گویی حرفهای دیگرش را با لعاب دهن فرست کرده.

بسرک اینطرف و آنطرف دوید، با خوشحالی دستانش را در جیب های شورتش کرمی فرو برده بود. بعد اینستاد چشمانش را به مادرش دوخت و گفت: اوه... نه باش جیب های بغلیته بهم که پیمه اس یانه؟

و مادر... مثل اینکه گلویش بندیده باشد جویده جویده گفت: نه! قاسم بچیم ده کرمی کپنه کسی پیمه خوده نمانه.

دستان کوچک و ریزه ریزه قاسم در جیب های که سوراخ سوراخ شده بود پایین و بالا میرفت. و خطوط چهره اش لحظه به لحظه تغییر می نمود.

مادرش بدیوار تکیه داده بود. خیره خیره حرکات پسرش را می نگریست. قاسم پس از بالیدن جیب ها کودکانه پرسید: نه! حالی سببا خوشید اس نی؟ مادر با حسرت جواب داد: هان عبد اس بچیم.

پسر متعلقانه ادامه داد: نه کسی که کالای تو پوشد اوره دیگساعتی مین؟ حالی به هم که ای کرمی ره پوشم مراسم عیدی مین؟

مادر سکوت کرده بود. و کودک دو باره سوالتش را تکرار کرد و مادر ناچار در جوابش گفت:

هان بچیم تره به عیدی مینم... تو بچه به هستی... هرکس بچه خوده عیدی مینه. و قاسم دنباله فکر های مادرش را گرفت... افنوکه بر آید وعید شوه همه عیدی می کنن. ده کوچکی بچه هاشم مینن. جانو، قیاسم. جمشید.

جمشید هم دهگه کالای تو خوده پوشیده مینایه. حالی خومره بچا مینان که کتیشان بازی کنم... مره نجات زدن... اگه بزین... اوتا پیمای عیدی خوده مینان واز بازار هر

از عبدالجید سیند

چیز میخورن... مکم مره خونمیشن، مره نمیم عیدی مینه... نیم پیمه از کجا کنسه؟ نیم... نیم... و دیگر پلکهایش سنگینی کرد چشمانش بسته شد و بخواب رفت.

روشنی در پهنه آسمان دویده بود. صدای آذان خروشان از دور دست ها دنبال هم به گوش می آمد. برندگان هم میخواندند بسرک ازین پهلوی به آن پهلوی میشد آرام و سراسیمه بود. خانه خاموش بود.

صدای جرق جرق شنیده شد. بسرک دندانهایش را میخایید. مادر چشمانش را کشود. از لای مژه هایه پسرش نگاه کرد. پسرش در خواب لیخند میزد. مادر دوباره چشمانش را بست.

نه... نه چه شدی؟ نه! مادر آشنه و خسته سرش را بلند کرد بسرک دستش را دراز کرده بود. مادر جوابش داد: چرا بچیم. چرا جان مادر؟

ولی چشمان بسرک بسته بود. مثل اینکه خواب می دید. مادر لختی به پسرش نگاه کرد. بعد دو باره رویش را پنهان کرد. صدای بسرک دوباره بلند شد: نه چه شدی؟

مره عیدی بتی نی. کل بچا از هرکس عیدی گرفتن، تو چرا مره عیدی نمینی؟ نه! نه! زن دو باره سراسیمه از خواب پرید. چرا قاسم جان! جان مادر؟

چشمان خواب آلود زن که سرخ و درم کرده بود. پر از اشک شد، اندوهش زری و گنگ برداشش نشست. گویی با ناخشن هاسینه اس خراسیده میشد. پنهان آسمان با سبیده شیری رنگ صبحگاهی آشنسه بود.

کرمی نسواری رنگ که در هوای نیمه روشن صبح سیاه نظر میامد بر گل مسخ روی دیوار آویخته بود.

مادر دستش را دراز کرد از زیر بسالت دستمال حرکین و کتیفی را بیرون کرده. مره را با انگشتان لاغر و استخوانی کشود. مسکه بی در روشنی صبح برق زد. آنرا در میان مشتش فشرد.

و باز هم جرق جرق جوییدن دندان شنیده شد و دنبال آن صدای بسرک که میگفت: نه چه شدی؟ مره عیدی بتی نی. کسل بچا عیدی گرفتن...

مادر دستش را دراز کرد پسرش را پیمه آتشش فشرد.

بانگ خروسی از خانه همسایه بلند شد. و نفسهای گرم مادر چهره پسر را نسوازش میداد و مسکه بی در مشت مره کرده زن قرار داشت و صدای بسرک همچنان شنیده میشد: نه... نه... نه...!

رازقی نریوال

دهیوادودانی

لکه خنکه بریا لی مو چی د لور انقلاب

تو وطنه! تابه هم داسی ودان کرو
لکه منا به بنو ریدلو چی نری و خوریدله
لاز دی به تی هم گورره لکه زبه دلول
چهان کرو

انقلاب سری پلو شی چی تی خیر یزی
هری خوا ته
لاز دینه منا هر گوب به خلیسوتکی
خرا شان کرو

به فلم، لور او ستک زموذ و پرو داسود
کسری
هره دینه او میره به تی آباد او
گلسنان کرو

هر عسکر دی ملا نرلی اووسله به لاس
تیار تی
له بوی مخی به محسوه ستا بسد ذانه
دینمان کرو

منا به سره خلقی سنگر کی انقلاب ته
دفاع کیری
تی سنگر کی خیره خا وری اخوا نمان
او انگلیسان کرو

لکه خنجه چی نری تی انقلاب ته پسه
تعجب شوه
ودانی جا رو کی هم به تی جهانخانه
حیران کرو

موز له سرو ما له تیرو خو چی ته به
امان او سی
داخل خان خویه له تانه سبیلنی شویدی
قر بان کرو

دغه هو پدی ستا د لولو کار گر اسو
برگرانو
ستا دسترو بر گنیو دسیخلو سر و
خلقا نو

محبوبی سوادى

ای خلفهای افغان
کوشید از دل و جان

روز وطن سیاه بود
در بین تو دمه و خلق
ای لسل قهرمانان

علم است راه بیت
در تاریکی و جهل است
در روشنی عرفان

ای آنکه مسنندی
تا کی در آتش باسی
فور انگید حرمان

در محو بی سوادى

داغ دیده

نه از رنج می هراسم نه ز داربک دارم
غم و التهاب قلبم بود از برای مردم
ز شکنجه هاودهنست، تنوم امیر و حنست
نه من آن شکنجه باله، که ز زندگی نمانم
وطن ای نوزاد گاهم، دهنست بود پناه
بدلم شکست گاهم، نکند نفوذ و راهی

اگر از شکنجه میرم، وانگیزند تیرم،
غم و فردی نوایان بود آخرین شعارم

امین الله همکاره

انرژی های اتمی در جهان امروز

چاه های عمیق حرارتی

آشفشانی در جهان امروز

جهت بشبرد این کار ضرورت بوده تا بتوان موفقیت های در زمینه رونما گردد و این تلاش ها در حلقه های علوم به شدت هر چه بیشتر جریان دارد.

در سال ۱۹۵۵ به اثر آتش فشان که در جزیره هاوایی بوقوع پیوست و مقدار زیاد لاوا از دهانه آتش فشان خارج گردید تاکنون پیوست دانشمندان معتقدند که در مدت ۲۰ سال آینده بتواند منابع انرژی حرارتی زیاد را در جهت استفاده عا لسم بشریت کشف نماید.

پترول یگانه موادی نیست که کاملاً متکی به آن بود بلکه منابع دیگری نیز در اعماق زمین وجود دارند که میتواند نیازمندی بشر را در مورد رفع نماید و منابع انرژی تنها و تنها متکی به منابع حرارتی اعماق زمین نبوده بلکه مواد دیگری نیز وجود دارد که این کار را انجام میدهد چنانچه در جزیره هاوایی رشته یکنوع نبات است که تا حدودی نیاز مندی انرژی حرارتی را مرفوع می سازد در جزیره هاوایی در شهر اوهایو که دارای ۸۰۰۰۰۰ نفوس بوده مواد صناعه طبیعی و نباتی را جهت تولید انرژی جمع واز آن استفاده بعمل میاورند که این استفاده تا حدودی نیازمندی و اتکای ما را به پترول کمتر ساخته است . در آنجاییکه تکنالوژی رشد کافی نموده و منابع انرژی حرارتی در اعماق زمین نیز مشهور است دانشمندان اظهار عقیده میکنند که در آینده تکالیف اجتماع بشری نسبت به انرژی تا حدودی رفع خواهد شد.

سانتی گرید در عمق ۱۹۶۰ متر حرارت قابل ملاحظه داشته است این چاه حرارتی هر روز مورد معاینه و مطالعه قرار داشته و بعد از ۴۲ روز تحقیق ثابت گردید که چاه حرارتی مذکور حرارت زیادی داشته که از آن میتوان سه میگاه وات دستگاه حرارتی را بدوران انداخت . یکی از پروفیسوران که مشغول تحقیق و مطالعه انرژی حرارتی اعماق زمین است به اثر کشف این حادثه چنین نظر میدهد که آبهای گرم در اعماق زمین وجود دارند که از مجراهای آتش فشانی در بحر در حدود ۶۵ کیلو متر جریان یافته و بعداً با آب مخلوط میگردد به نظر او این منابع تاکنون بیمانه و مقدار آن اندازه نشده و گفته میشود که در حدود هزار میگاوات انرژی برقی را میتواند تولید نمایند . به گفته محققین و دانشمندان مربوط چاه های حرارتی که تا حدودی به اثر تأثیرات آتش فشان ها بوجود می آیند سالانه میتوانند ۵۰۰ میگاه وات انرژی برقی را تولید نمایند که این انرژی برقی حرارتی را برای شهر یکه دارای نیم میلیون نفوس باشد در مدت یکسال تدارک نموده بتواند . به اثر حفاریات و تحقیقات گفته می شود که چاه های عمیق حرارتی در مجاورت سایر منابع آتش فشانی دیده میشود که در صورت امکان میتوان از منابع ذخیره وی حرارتی آن استفاده شایان بعمل آورد . برای اینکه از این منابع ذخیره وی استفاده شایان بعمل آوریم بودجه هنگفت



یک جیالوجست هنگامی که فعالیت آشفشان را مطالعه می نماید.

دبالت دنخاگانو



ندژدا، تیخو نووا) دلننگراد دیوی نیو نکی تر لار نیوو نی لاندی دنخا دیوی پار چی داجرا کو لو به حال کی .

به تر بیوی چارو کی ونه ووا خلی او خپل رول ولو بوی . په خو وروستیو کلو نو کی دقزا کستان عصری با لت تعلیمی او تر بیوی پرو گرا مو نو دغوره انسجام دپاره دفولکور یکنونخا گانو انسا مبل هم جوړ شویدی . دیوی وروستی احصا بیوی را پور له مخی اوس اوس دقزا کستان دآرت او هنری به صر نوی او تعلیمی مر کز کی دقزا کستان دجمهوریت دبیلابیلو سیمو څخه څه دپاسه دری سوه هلکان او نجو نی دبالت دډول ډول نخاگانو په زده کو لوبوخت دی . د جوړ شوی پرو گرام له مخی هغه هلکان او نجو نی چی د ۱۲- ۱۴ کلونو پوری عمر لری دکلا سیکو نخاگانو اساسات او علمی پرنسیپونه زده کوی . ۱۵- ۲۰ کلن نجو نی او هلکان ډیر مشکل او پیچلی درسو نه او کمیو زو نه زده کوی او لکه چی په دغه برخه کی وروستیو راپور ونو وښودل یوا زی ۱۹۷۹ میل په اوږدو کی ددغه رازشاگردانو بواسطه څلور ډوله شوی کمیو زونه دسنتیز ډگر ته وړا ندی شوی دی . باید وویل شی چی ددغه ډول پارچو او کمیو زونو دپوړاندی کو لو او نیو دلو په برخه کی دقزا کستان دجمهوریت ددو لسی اکا ډمی دتیا تر، بالت وپرا کار کوو نکی هم ونه اخلی ، څرنکه چی (بایی) دقزاکستان دجمهوریت دآرت او هنر دودی او پراختیا په برخه کی ستره ونه اخیستی ده نو ځکه ددغه دجمهوریت دلوړو مقاماتو ډیر پکړی له مخی دغه خای ددو لسی اکا ډمی تعلیمی او تر بیوی مر کز «ابایی» یا نامه نو مول شویدی ، دیو لپ مخصوصو درسو نو او لکچرو نو په مرسته ددغه تعلیمی مر کز شا گردان او زده کوونکی دآرت او هنر دلا نوی دوری تعلیمی پرو گرا مونه تعقیبوی . په داسی حال کی چی دقزا کستان دجمهوریت دنورو سیمو شا گردان او زده کوو نکی ددغه تعلیمی مر کز په لیلیه کی ژوند کوی دمسکو، لیننگراد ، اودغه راز دشو روی - اتحاد دیورو ښارو نو او سترو مر کزو نو نیوو نکی ، هنر مندان، کمیو زران او استادان په لای نوی او دهغی څخه به لوی و تعلیمی کدرونو

چی په دغه برخه کی دتعلیمی تلو - یزیون او تر بیوی گیسست ونه زیاته ده . دهغه دوه مهم تحولات او انکشا نو نه چی ۱۹۷۸ کال څخه را به دپخوا دقزا کستان دآرت او هنر په تعلیمی مر کز کی رامنځ ته شوی دی هغه ددغه مر کز به لیلیه کارو نو کی دیو لسی نوو تحولاتو او په هغه کی دڅینو سو سیمیا لیستی ورو نو هیوادود شا گردانو دشا ملید لو څخه عبارت دی . دپور تپی اصل له مخی ۱۹۷۸ کال دجنوری دمیا شپتی دشروع څخه را به پخوا دیو لندن، چکوسلوا - کیا، دآلمان ددمو کار تیک جمهوریت ، بلغار یا او هنگری یو زیات خوا نو هلکا نو او نجو نو ته ددغه تعلیمی اختصاصی مر کز په بیدلا

بیلو رشتو کی دزده کړی چا نس وړ کړ شوی . سر کال دلو مری ځل دپاره ددغه تعلیمی مر کز دثانوی دوری شا گردان نو او زه کوو ونکو ته بلنه وړ کړی شوه چی بلغار یا ته سفر وکړی او هلته دتوری سمندر کی په سوا حللو کی د هغه هیواد دتور سنتکی تا سیماتواو دیو نیو نکی تر لار نیوو نی لاندی ټاکل شو ده چی په ۱۹۸۰ کال کی دالماتا دآرت او هنر دتعلیمی مر کز ددواړو دورو شا گردان د آلمان ددمو گرا تیک جمهوریت او یو لنډ هیوادو نو په سفر وکړی .

پوره رقابت کو لای شی . د ۱۹۷۲ کال څخه تر اوسه پوشری دالماتا دآرت او هنر په تعلیمی مر کز کی پنځه ملی مسا بقی او دری نر - یوالی مسا بقی جوړی شوی او ټاکل شو یزه چی د ۱۹۷۲ کال ترورو - ستیو ورځو پوری په دغه مر کز کی دری نوری مسا بقی هم جوړی شی . دقزا کستان دتیا تر ، بالت او اوپرا به نیوو نکی کی دهلکانو او نجونو دپتو استعدادو نو دروز لود دپاره دسمعی او بصری وا حدونو څخه زیاته او څو اړ خیزی استفادی صورت نیسی او باید وویل شی

کی شا گردان ترته لار نیوو نه کوی او دهغوی دعلمی تطبیقا تو په برخه کی ونه اخلی . حقیقت دادی چی دالماتا دآرت او هنر دنیوو ونځی یو زیات شمیر دپخوا نیو مناز عا تو همدا اوس د دبالت، او پرا او تیا تر په بیلا بیلو برخو کی پوره شهرت گتلی او لانور هم ددوی خلاقه قدر تو نه اوبت استعدادو نه دغو ریدو په حال کی دی . دالماتا) د اوپرا ، بالت او تیا تر تعلیمی مر کز اوس دمسکو، کیف لیننگراد اودشوروی اتحادد نورو تیا تر نو او اوپرا گا نوسره

په صفحه ۲۴

هدف عمده دیتانت

اندکی بعد از سالروز چهلین سال آغاز جنگ جهانی دوم ، جنگی که خا طرات خرابکارانه و خونریزی های برای همه در اذهان بشریت باقی ماند منعقد گشت ؟

خاطره ملیون ها انسان که درین جنگ خالمانسوز جان های شریین خود را از دست دادند . نسل کتونی را مجبور می سازد تا برای جلوگیری از تکرار چنین تراژیدی تمام مساعی خویش را بخرج دهند . سازمان ملل متحد که در نتیجه پیروزی علیه فاشیسم اساس گذاشته شد می گوشت نسل های آینده را از خطر جنگ وارهاند . مبارزه برای این هدف در اجلاس جاری نیز ادامه خواهد یافت .

وظایف مهم ویر مسولیتی در برابر اسامبله عمومی ملل متحد قسرا ر دارد . توقع خلق سراسر جهان اینست تا فعالیت های این اسامبله در راه توسعه پیروسه دتانت ، تحکیم صلح، خلق سلاح واقعی ایشان از همکاری های همه جانبه بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز گسترش یابد .

وزند مغایرت مشهود به اساسات ملل متحد به شمار میرود . چنین نوع فعالیت ها برای کتوری که عضویت دایمی سازمان امنیت را دارد کاملا غیر مجاز بشمار میرود و دول عضو ملل متحد به چنین سیاسی اجازه فعالیت نخواهد داد در جهان بیحیث سیاست ملل متحد در عرصه اقتصادی، اتحاد شوروی که مافیسابق از مبارزه دول در حال رشد برای تا سیس مناسبات اقتصادی بین المللی مبنی بر اصول عادلانه ودیموکراتیک حمایت کرده است .

عدم انکشاف محسوس وقابل ملاحظه برای بهبود بخشیدن موفقیت اقتصادی کشورهای جهان سوم نتیجه مستقیم سیاست قدرت های سر مایه داری بسزرگنه بشمار میرود که میخواهند استعمار اقتصادی ر حفظ نمایند و به استثمار وغارت منابع طبیعی دول در حال رشد ادامه دهند .

سروچارمین اجلاس عمومی ملل متحد که

اتحاد شوروی بطور جدی علیه نژادپرستان افریقای جنوبی قد علم کرده است و می طلبد تا هر چه زودتر این سیاست غیر انسانی خاتمه یابد . به تمام خلقهای مستعمره باید فرصت ومجال داده شود تا به اساس حق خود ارادیت به استقلال خود نایل آیند .

ملل متحد روزتا روز به این غنیده میرسد خطری که از طرف متحدین چپ نمای امپریالیزم متوجه است هفتها دامنگیر کتور همجواری آن بوده بلکه صلح جهانی را به مخاطره می اندازد .

تهاجم همه جانبه متحدین چپ نمای امپریالیزم بر علیه ویتنام ولانسیهای مداوم آنها برای مداخله در امور ویتنام، کمبوچیا، لاوس ودول دیگر جنوب شرق آسیا واد عای حق «آموختن درس» عبرت به کشور های که در برابر قدرت بزرگ متحدین چپ نمای امپریالیزم مقاومت می

مغوی پی ژوندی دی

ژان کافایت

تیریسې

هغه مور ته کسه کو له پسرله هغه چی له عملیاتو څخه خلاصیده د خپلی بنځی سره هوا خو ری نه او خپل هغه ورو منی هر می یی د هیلرود یو صاحب منصب په زړه کی نشو له او او س دی خوا پی چی زمو د هغه نقشی په هکله و خبر ییری چی به تطبیق یی بریالی شوی نهو. پس له دی کسې نه سو داگر (سریر) د خپلو خبرو نه خوا شینی غوندی ښکاره میمون یی پر اوږه وروهي او وایی:

مور په حقیقت کی بداسی خای کی یوچی دن پر غر پد او غر صت نلرو دا څکه چی ډیری غر پدونه مونه پریری دی، دشیپه پدنیما یی کی یوه کاسه اش سو پدته را کول کییری هر یوه ته یواځی یسولیتر رسیری د سری نس پر سیری خو اوږه له منځه به خسر دشیپه له خوا یوه پوځه ډوډی او یوه پوځه (سو میسون) زمو پور څنی خوا په ښکلیوی دا هغه خوا په دی چی د کال په سری سوه پنځه شینو ور خو کی تکراریزی یواځی په اونی کی یوه شپه (دچار شینی په شپه) یوه اندازه دمار گرین غوری او یوه فا شو نه مرنا مور ته را کوی. پس له غری نه اندر سو د نه دپرونی میلمستیا په هکله غریده:

مور یی لاد اردو گا مغولی نه نه یو یولی یو څه لمر شنه چی سری خپل خان نو د کمری . گلده چی دبلو لا مشر مور پوښتی چی خوا پو بهر نه لار شو که نه یسول په یو غر وا یو چی مور خوا پو بهر نه لار شو خو داهو له یاده استلی دی چی په خانونو کی مو یواځی یو بنیان او یو لیکر دی او بس دارد و گا ه غولی د هغو تیر و څخه جو پ شوی دی چی شوی شوی ندی. سازه عجیبه سوز لری سر پدالگری، یزی مو سری شوی دی خو او س نشی کیدا ی چی بیر نه و گر خو زموږ کا ری کوی دی د کیر کی تر شا (اشوب) دبلوک رئیس مور باندی دملندی په تو گه خاندی

مور نه پوهیدلو چی څه نقشه یی زموږ په هکله جوړه کړی ده لږ وروسته هغه دلمسر ډیری لری وړانگی چی مور ته رسید لی د ورپخو د آو آو لاندی پتیری . یو مینو نکلی د خا رتی د برج له سر نه پد امس حال کی چی خپل پرستن یی پر اوږ و با دی اجولی مور ته کوری زموږ بنیسی تور بغونی شوی دی شیا یی چی کو م عکس العمل و نیسو او که نه نو نو د خو کسه به یره شی . دوه دوه کسه یو بل په مخا منځ دبرو او په ورزشی حر کاتو پیل کوو خو زر ستړی کیرو . او س اسما ن تور شوی دی با را ن وروورو او ری . د هغو پسونو په څیر چی په یوه نو فانی هوا کی گریز شوی وی یو خای سره یو لیرو هر یو هڅه کوی چی منځنی خای ته خان ورسوی نایو له سو یو له بله سره لگری .

دوه کسه یی حاله کییری په لنډی اونم ناکی منځکی بانندی لویری په همدی وخت کی د بلوک رئیس په خپله زړه پستره کی خپل غرضی خوب کوی . یعنی څه ؟ داسی خو نشی کیدا ی چی خپل خانونه مرگ ته تسلیم کړ و . یوبل په سوک و هو یوبل قیل و هو چی کسه تاوده سو . شارلو وایی :

ملگرو زموږ وارهم رارسیری؛ اندر ه چیغه کوی . زموږ وارهم رارسیری . فرا سو یا ن په یو غر وایی . زموږ وار به هم راور سیری . او یو بل آنگنگ په غیرو کی تیسو . دپخوانیو خلکو تجربه :

یو هیری مو د په کو په سینه کی یو سزه یو هیرم چی مور د غلیم په لای کی بند یا ن یو . زموږ دمرگ په یوه اردو گاه کی یو د نازی په یو اردو گاه کی . هغه اردو گاه چی کسه سری هلته مر نشی وژنی یی . پدغه اردو گاه کی غلایسی رژیم او دکار اندازه داسی منچول شوی ده چی که یو غنبتلی او روغ سری دلته را شی دشیرو میاشتی نه زیات مقاومت و نشی کرای لیری هغه کسان له منځه وړل کییری چی کلیمیان ، یسود بیان او کمو نیستان دی . تر او سه پوری به زر گو نه کلیمیان

یی د هغو سترو تیر و د با سه لاندی غور . خولی دی . خنی وختونه هغوی پدی مجبور و وی چی به هغو ځایونو کی چی سر تنک الوژول کییری پانی شی او پدی سو گه دا لسا نا نو غو نیی او هم و کی دتیر و له تر او سره یو خای هوا نه الوژی .

داسی . اس کار دانسان ښکار کسول دی . خنی وختو نه سا تو لکی یو د بله سره سر ط لری چی کو م یو به و کو لری سی دیوی ورخی په اوږدو کی تر ټولو نه زیات انسانان ښکار کسری . دو روسیو در یو کلو نو په اوږدو کی یوا ځی به انسان سو زو نکو کو رو کی پنځسه خلویښت زره کسه ژوندی سوځول شوی دی . البته هغه بند یا ن چی په لیری سر کی دگاز په کوټو کی وژل کییری او دجیل . خانی لیری ور با ندی لیکل شوی نه دی ددغو کسا نو څخه مستثنی دی . په ښکاره توگه پس له دی نه چی ستا لیکر د استغفال شوی دی دو زلو شمیر لږ شوی دی خوددغه اردو گاه څخه خان زغورل نا ممکنه بر ییسی .

دغه سیری چی له ما سره غر ییری یسو الهامی دفاشیزم ضد سیری دی چی ما هغه د جگری نه دمنځه په پا ریس کی اید لی و دغه سیری دزر گو نو تر ټولو شا هر دی ددی لپاره چی تل لی ز ما په غوږو کی و یل : (ته لار او سه دی نه بیژنی) کله چی یوسیری د فاشیستانو منگولو ته ولو سیری د زغورنی هیله باید و نلری . خو زه خپل ژوندی پا نه کید و ته حیران یم اوداسی عقیده لری چی هیکله یو لی شیلیسی له منځه ندی تللی . زه به خوا هم چی مر شم او داسی حس کو م چی دغه یو لی ستو لری به وز غم ، پدی سر ط چسی د لاری په نیما کی کی می ونه وژنی پد شی شرا بطو کی ز مو د لپاره یوا ختی لاره ژوند ته ادا په وړ کول دی او په همدغه وخت کی داسی احساس کو م چی زما ټول وطنوال له ما سره هم عقیده دی .

دا اته ورخی کییری چی مور پد غسه اردو گاه کی یو . مور یی داو لسم امر بلوک څخه اووم نمبر بلوک ته لیر شو لسی یو . پد غه بلوک کی مور له هغو بندیا نو سره چی د (رو منو بل) د بند یغا تر څخه

لوی را غلی دی مخا یخ کیرو . دوی یی له مو د څخه دلته پا ستانه شوی دی . (تاتاو) هم ددوی په دله کی دی . ما ونشو کسری ای جر هغه وگورم داڅکه چی هغه د ستیدو په وخت کی د ننه په کتارکی سگرو خکولی واوله همدی امله یی شپه و هلی او پکولی واددغه پپ له کبله چی په شو لپی کی یی پیدا شوی و رو غتو نه

یی بیولی وپه خای کی یی (رویس) و ینم هغه زموږ نه مخکی اردو گاه ته راغلی و او ز مو د په گاو لپی بلوک کی اوسیده هغه شپه دی رو حیه یی لکه د تل به شان غنبتلی ده له لیری نه ما ته خاندی د هغو وینتا نو څخه یی چی به رو منو بل کی ددغه بر مخ با ندی پرا به وو کو م نه نښه نښانه نشته . او همدا راز دیو ځوان لیکوال سره اشنا شوی یم . دی (بل) نو میزی مو د یوله بله سره مینه لرو .

مور یی نین سپار شیا رسم نمبر بلوک ته لیر دولی یودام یودفرانطین شو یسو بلوکونو څخه دی چی دنورویلو کو نو څخه دیو انژی لرو نکری یی به واسطه پیل شوی دی او هیکو حق نلری له دغه د یوا ل څخه تیر شی .

یکشنبته ده نن په جا با ندی کا رنگری ددغه دیوال له سر نه چی زمو د په خلوږو خواو کی را تا و شوی دی ، نور بند یا ن وینوچی داردگاه په پراخه غولی کی . دی خوا هغه خواگرخی اردوگاه دپسرلنی لمر دپو نگو لاندی دجشن اواخترا بنه لمر و ه کس پد د یو ار کستر څخه دستد ری غر اور پیل کییری . دلته هرشی دوی بپی لری . یسوه

یی غولونکی ظاهری بڼه چی ددی بپی تر شا ډیر ونکی او د و سری بڼه پڼه شوی ده . دغه ار دو گاه د هیلری یوخی اردوگاوو کوچنی بڼه ښکاره کوی . له یوی خوانه ستړی کارخانی اودنگی ما یی کلان اوکلاسیکی ستړی دامعانه ظاهری بڼه اوله بلی خوانه اردوگاوی اوجیل خانی . له یوی خوا نه ژوند د خپلی ټولی ښکاره سیکاری او له بلی خوا نه هر یتوب ، عبودیت فشار او غر گت ټول شیان ته پد وی یوه معنیو غی لری چی ددغه خاص شرایط ټول متضاد شیان ښکاروی داسی لری چی یوه مور هم شاعر او سر با ز زیروی اوهم څیرو نکلی حیوانات او وژونکی موجودات

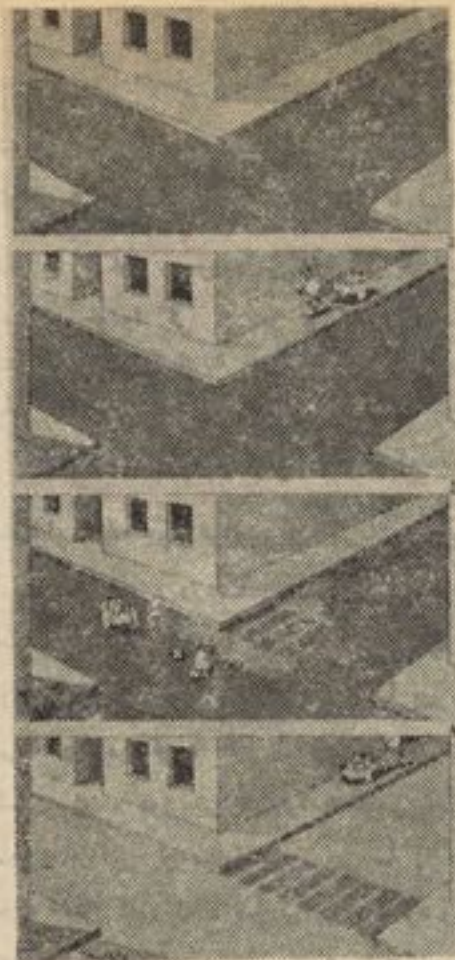
څوک کولی شی سو ج وکړی هغه سیری چی اوس د پسر لنی لمر په نو دو څه کی نامت دی او خاندی سیمیا به دیوا س ساس دنا معلوم قهر له امله به انسان سو څوونکی کوره کی و نه سو ځول شی ؟

دا رد گاه د بند يانو ژوند به همد شو
 دوو بڼو اومتصادو واقعيتو نو کسی نغښتی
 دی . خو مو ډ لار اوسه دغه حقيقت با ندی
 نه يو هين و او د هغه په اړخونو با ندی
 سوچ نه کوو . موږ اوس يواځي د یسوی
 خپا لي خپلوا کی په سوچ کی يو چی
 زموږ ډ نور ملگری د اردو گاه په سترمیدان
 کی د هغی نه بر خور داره دی .
 موږ دلته ټول دری سوه تنه دیبلو بیلو
 ملیتونو څخه یو ، فرانسویان ، بلژیکیان
 اسپا نو بان ، روسان یو گو سلاو یان ،
 چکان ، یو نایان ، لو کزامبور گیان ،
 رو ما نیا ن ، پولند یان او الما نیا ن ، موږ
 یی د جزا میا نو په څیر له نورو څخه بیل
 کیری یو ، موږ یی ظاهرا د علمی تجربی
 لپاره سا تلی یو ههما غسی چی ما را ناو
 سوی ددغه کار لپاره سا تی خو په هر صورت
 نه یو هین و چی کو م سر نو شت زموږ
 انتظار با سی .
 موږ پنځه دیرش کسه فرانسویان یو .
 شار لو ، ریمو ند ، اندره ، پسن لوی ، سمون
 زه او ځنی نو ر کسان چی ورو ورو له
 هغوی سره هم آشنا کیری و د مثال په تو گه
 دکانونو یو کارگر چی (فرانسوا) نومیری .
 دی د هغه کاروان جز و چی یو کال
 مخ کی یی دلته راوستی و دی زموږ ډ سر
 یو لو نه مخ کی دی ، دی او (باگوستا) چی
 دمنید و په وخت کی یی یو سلو پنځه
 دیر ش کیلو وزن در لوده او او س یواځی
 څلور شپيته کیلو وزن لری دهغی پنځه
 دیر ش کیلوی فرا نسوی ډلی څخه
 پاتی دی .
 فرانسوا موږ ته نصیحت کوی چی :
 - پرته د څو کسو څخه ټول الما نی بندیان
 چنا یتکا ران دی . دوی دهغو اردو گاوو
 څښتنان دی چی هلته الما نا ن دپخوا په
 څیروژل کیری . دوی خاص مسوو لیتو نه
 دلدی او امتیا زونه لری . او هغه رو سان
 چی دلته دی یاد هغو اوکرا ئیسی کرو ند
 گرو څخه دی چی دکار کو لو لپاره المان
 ته را غلی دی او یا هغه غله اوچنا یتکاران
 دی چی داله الما نو په واسطه د جیل خا نو
 څخه خوشی شوی اودلته راوستل شوی دی
 باید له هغو څخه هم ډډه و شی یو لنډ بان
 او کم تر کمه دالمانیانو په اندازه
 خطر نا ک دی یو گو سلاو یان ډیر زه و
 خلک دی او د پخوا نیو سر تیرو له ډلو
 څخه دی . چکان او هسپانیویان هم ښه
 خلک دی خود هوی اړ یکی موږ سره ښه
 نه دی . او بالاخره فرا نسو یان او بلژیکیان
 تر ټولو نه زیات تر ازار لاندی دی خو اوس
 ددی لپاره چی ددوی شمیر زیات شوی دی
 ښا ئی چی وضع بد لو ن ومومی .

(فرانسوا) زموږ له څخه
 قوت اخلی او سر له دی چی ډیر رنځو نه
 اوکړونه یی لیدلی دی خو زه وړ تیا یسی
 همدا سی خو ندی پا تی شوی د ، دی لی
 دتلیغا تی یا یو دخپرو لو په اور په
 ۱۹۴۱ کال کی بندی کوی دی .
 موږ هر یو خپل هغه سگر ټونه چهدنغدو
 یسو په بدل کی مو لاس ته راوی ووهغه
 ته وړاندی کوو . ما خپله په څلور سوو
 فرا نکو با ندی اتیا دالی سگر ت اخیستی
 و(فرا نسوا) په ډیر شوق سگر ت څکو ی ،
 پس له پوری مودی څخه سگر ت څکو لی
 دی له همدی کیله لکه د مستو کما نو
 غو ندی زنگیری .
 - خپل سگر ټونه یی خایه بصرف نکری
 څکه چی دلته سگر ت دسرو زرو ارزښت
 لری . په سگر ت کولی شی چی هر څه
 وا خلی لکه ښو روا ، ډوپی ، مریا ... او
 هر څه چی و غواړی خو نن شپه با یسد
 څا رنه و کوی چی څوک ئی ټلا نکری .
 رښتیا دغه بلژیکي ملگری چی زما خواته
 را ځی څوک دی . راته آشنا ښکاری ښا یی
 چی دی م کو م ځای کی لید لی وی .
 - مانه پیژنی؟ ښه سوچ وکړه ، موږ
 پخوا څو ځلی په با ریس کی سره لیدلسی
 دی هغه زما نو م اخلی خوزه نشم کو لسی
 چی هغه وپیژنم .
 - ژول و ...
 - ممکنه نه .
 سولی وروړه زه پخپله یم . دنوی کیلو
 پر ځای یوا ځی اوه څلو ښت کیلو وزن
 لرم خو څر تگه چی و ینی حال م دومره
 بد دی . څه خبری دی ، څه خبرونه؟
 سره غږ یرو . دهغو خا طرا نو په
 یانو لو سره چی د گلهی مبارزی په
 اور دو کی را ته پا تی دی د (ژول) سترگی
 د رڼالی څخه بر ینی . هغه هم له هغو
 کما نو څخه دی چی اراده یی له مینځه
 لده تللی له ټو لو ملگرو سره ټینگ لاس
 وړکوی . دا سی ښکاری چی د یوی کورنی
 په جا پیر یا ل کی یو .
 - آیا څوک دلته دتښتیدو په سوچ
 کی لوبی؟ (دغه پوښتنه د یسو ند
 کوی) .
 - تر او سه پوری هیڅ کوم تښتیدو نکری
 په تښته بر یا لی شوی ندی . لیر کال
 یو بندی خپل ځان په هغه صندوق کی
 چی په موټر باندی باریده پټ ، کس څو
 گیرشو . ټول ورځ دسپار نه تر بیگاه
 پوری دروازی سره پدا سی حال کس
 چی مخ یی ددیواله خوا ته وو درول شو داځای
 دهغو کما نو لپاره دی چی په مرگ محکو-
 میزی . په هماغه شپه اس ساس هغه په ډیرو
 تشر یفا نو سره د دار خواته بوته . دموژیک

یوه ډله چی دکارنیوال دلو بغاړو کالی
 یی آغو ستی و ددغه تشر یفا تی ډلی په
 سر کی روان و او یی له ختله تر دغه
 فرا نسوی سندره غږ و له (زه به منتظریم
 ... دتاد بیرته ستید لو لپاره ... شپسی
 او ورځی ...) په هغه گا ډی کی چی دغه
 بندی یکی سپور ودغه اعلا نونه ترستر-
 گو کیدل .
 (ماغوښته چی له یغنی نه وتښتم خو دادی
 اوس به په کور کی ښه تو دشیم...)
 هغه یی له دی نه چی یو ټکری و غږیری
 داردو گاه دټولو بندیانو اوپای ته دغه
 رسیدونکی سندر و په وړاندی ساه ورکړه
 دنازی دجیل ځانونه تښته اسانه نه ده .
 (سریو) وایی :
 - هو کی رښتیا ده . زه اوس یو هیږم چی
 موږ یو ډ یر ښه فرصت له لاسه وړ کوی
 دی . لازمه وه چی ددغه فرصت نه مو په
 اور گا ډی کی گټه اخیستی . دمثال په
 توگه داسی کیدای چی دیوه ساتو نکسی
 وسله مو وړ څخه اخیستی وای او یا مو
 دتښتی د پا ره اقدام کوی وای .
 ریمون خواب وړکوی :
 - ددغه کار خطری بیخی زیاتی وی . په
 لمړی سر کی معلوم نه وه چی ټو لو
 بند یا نو به له موږ سره لاس یو کا وه
 که نه ؟ په دوهم پړاو کی که څوک نیول کیده
 دهغه په واسطه به نور ملگری هم نیول
 کیدل او که فرضا هیڅ یونه نیول کیده
 کومه خایه معلوم چی ټول بند یان به
 تښته بر یا لی کیدل که څنگه ؟
 ژول وایی :
 - ښا ید دغه ټکی رښتیا وی خو سره له
 دی ددی ارز ښت یی در لوده هر څه چی
 کیده ددی ځای نه به ښه و .
 وروسته بیا ما څو ځلی پدی هکله سوچ
 وکړ . کله چی په اور گاډی کی (سیمون) دساتونکی
 وسلی ته څیردی په ناچاری سره م منله
 چی ځنی مخصوص و ختونه دلیو تسوب
 څخه ډک کارونه په حسامو شرا یطو کس
 ډیر عا قلانه بریسی .
 کله چی اوس گو رم دهغو پنځه پنځوسو
 کسانو څخه چی په اور گاډی کی و یواځی
 لس کما پا تی دی پدی با ور پیدا کو م
 چی که دنیمانی بر ځی ملگرو د سر په
 قیمت تما میده با ید په هغه اقدام چی
 (سریو) سنجو لی و لاس پوری کیدای .
 کله چی پدی هکله ډیر سوچ کو م دی
 نتیجی ته رسیدم چی که بیا داسی فرصت
 لاس ته راغی باید ور څخه گټه وا خستل
 شی . هو کی ددغه تدریجی اوورځنی مرگ
 څخه ددغه د سپکاوی څخه ډک مرگ څخه ،
 ددغه دڅاروی په څیر ژوند څخه اودچلادانو
 دسپک نظر لاندی مرگ څخه سل ځلسی
 هغه مرگ چی دغلیم سره په جگړه کی

چی په نا ځای ته گه منځ ته راځی ښه
 دی داسی مرگ چی د غلیم ما شمس
 گنو په وړا ندی سری ته پیښیری د هغه
 مرگ په پرتله چی دو حسی غلیم تر پښو
 لاندی منځ ته را ځی سل ځلی شرف لری .
 وروسته له دی نه به موږ سره څه
 وکړی ؟ فرا نسوا هم نه یو هیږی زو ل
 هم نه یو هیږی . خو حقیقت دادی چی موږ
 په جیل خانه کی دننه یسوی بلی جیل
 خانی کی لویدلی یو . په هیڅ توگه حق
 نلرو چی د قر نطین نه بهر جا سره تماس
 ونیسو . سر له سپا نه با ید یوا ځی دبلوک
 خوا ره و خو ډو .
 داسی و یل کیری چی کو م مخصوص
 غذای رژیم یی زموږ ډ لپاره ټا کلی دی او
 که دا رژیم دکارد حذفولو سره یو ځای
 وی ډ یر ښه رژیم به وی .
 په هغه کو چی غولی کی چی سر په
 سر لو ید لی یو دخلکو تگ رانگت نه
 گو رو . او س مو ډ هم راه داری جا م
 آغو ستی دی . ددی لپاره چی بند یان
 وپیژ ند ل شی یوه سور رنگه رښمه نسی
 په سینی با ندی او یو سور رنگه رښمه
 په پطلا نه کی تر لی ده او ددی لپاره چی
 دیبلو بیلو ملکو نو بند یان وپیژ ند ل شی
 برسیره پر ټاکلو نورو په یوه سور د نک
 مثلث کی دهر هیواد دنو م لمړی ټکی
 لیکل شوی او د فرا نسو یا نو دپیژ ند لی
 ټپه د (ف) ټکی دی .
 هلته ډیر لیری دغرونو په منځ کی
 لمر په ډیر بر م سره د ډو بیلو په حال
 کی دی . موږ نه مخا مخ له یوه روزان څخه
 سری شغلی پورته کیری هلته الما ن سو-
 زونکی کوری (کوما تود یوم) دی یو
 بلژیکي موږ ته لږدی کیری او دا سی
 ښکاری چی یو پټ رازمون ته وا یسی ، په
 ورو او په لږ زید لی غږ وا یی .
 زه همدا اوس په شوم چی موږ اوتاسی
 دهرگ په بلوک کی یو .
 زول خپلی اوږی پورته اچوی .
 زموږ د ډلی په څنگ کی اندره دیوه
 الما نی سره معا مله کوی غواړی چی د یو
 سگر ت په بدل کی ډوپی وا خلی موږ
 موږو چر دهغه دیوی قطی سگر ت په بدل
 کی یوا ځی یوه ټوټه توره ډ ډوپی ا خلی
 (فرانسوا) اندره ته گوری او وایی :
 - عقل دی با بللی دی دیوی ټوټی توری
 ډوپی په بدل کی دی یو قطی سگر ت
 وړ کړی ؟
 یو نفر اوس زما لستو لی کتی کا پی او
 یو پا کت پوره را ته ښیښی ښا یی چی
 پنځه فاشونی پوره ولری .
 (دیه سیاست پاپیروس) دوی سی کلمسی
 یعنی (لس دالی سگر ت)
 (توریا)



بدون شرح

در مغازه پیراهن فروش

خانم پس از مدتها تصمیم میگیرد که
برای شوهرش پیراهنی بخرد .
بدینجهت بمغازه پیراهن فروشی رفت و
گفت :
- لطفا یک پیراهن بسمی بدهید .
صاحب مغازه یخن پیراهن خودرا نشان
داد وگفت یخن اش اینطور باشد ؟
خانم جوابداد :
- نی . یخن اش پاک باشد !!



مادرچان: نمیدانم چه شده که دیگر تلویزیون تصویر را نشان نمیدهد .

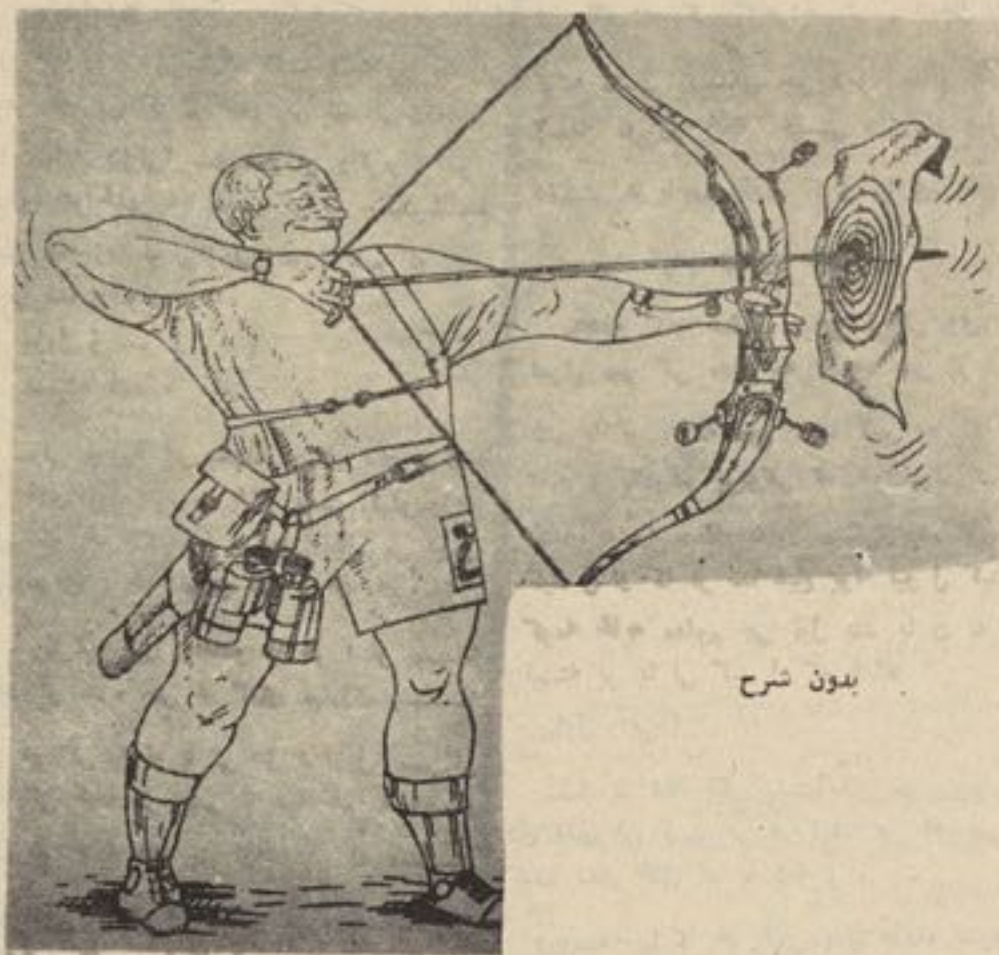
بدخشید حشره شناس نیستیم!

مشری - آقای پیشخدمت ... یا به این
این چه است که در بین شورها من دست و
پا میزند .
این چه است که در بین شوربای من دست و
پا میزند ... من درس «حشره شناسی» را
نخوانده ام .



علاقه به صنف!

معلم احمد زود از صنف برو بیرون .
شاگرد دیگر - معلم صاحب احمد چکار
کرد که از صنف بیرونش کردید ؟
معلم - خاموش باش میخواهی چکار
شاگرد - هیچ ... می خواهم منم همان
کار را بکنم .



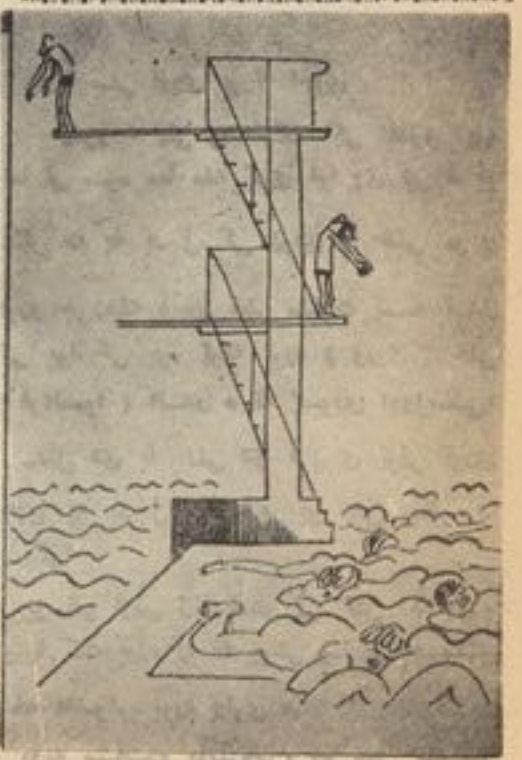
بدون شرح



خانم، من اینجا نمیدم که دعا کنیم . اگر
میخواستیم دعا کنیم میرفتیم خانه پیش زلم .

ناچار پول را بیشتر می گیریم

مردی برای صرف نان چاشت به رستورانی
رفت و سفارش غذا داد ۰۰۰ ولی گارسون
هنوز غذا را روی میز او نگذاشته بود که
یک پیشخدمت دیگر پیش آمد و صورت
حساب غذا را باو داد و مطالبه پول کرد ...
مشری که از صورت حساب عصبانی شده
بود گفت :
- بسیار عجیب است . من هنوز غذا را
نخورده ام آنوقت شما از من میخواهید
پول بگیرید .
در اینموقع گارسون به قیافه حق بجانبی
گفت :
- شما حق دارید قربان .
اما چون شما خوراک خرجتگ را میخورید
وهفته قبل در این رستوران یکتفر بر اثر
خوردن خرجتگ مسموم شد و مرد ماناچاریم
قبلا پیش بینی لازم را بکنیم !!



بدون شرح

من در آن خانه نارام بودم

خانم میخواست پیشخدمتی جدیدی که هم
جوان وهم زیبا بود استخدام کند . ولی
برای اینکه از سابقه او اطلاع داشته باشد
گفت :
- شما از خانه قبلی چرا بیرون آمدید ؟
پیشخدمت جوان در حالیکه خجالت می
کشید گفت :
آخرخانم . من در آنجا بسیار نارام بودم ...
چون آقا شبها در خواب مرتب خررویف می
کرد !!

صنعت شیشه سازی

پس از قرن هزده ساختن کرسیتال و بلور در تمام ممالک جهان رواج یافت ولی معروف ترین کرسیتال در جهان کرسیتال (باکارا) در فرانسه است که به نام شیشه مسی است.

امروز در شوروی و اروپای شرقی شیشه کرسیتال و بلور ساخته میشود که فرآورده های این صنعت شهرت جهانی دارد.

در قرن هفده که فرانسه با داشتن صنعت گران ماهر در این حرفه شهرت زیادی یافته بود انگلیسهایکنده از این صنعت گران را با خود به انگلستان بردند تا این صنعت را در مملکت خویش رواج بدهند.

پس از قرن هزده حکاکای روی فرآورده های بلوری آغاز می یابد. اگر چه این شیوه صدها سال قبل هم رواج داشت چنانچه در بالا از آن تذکر دادیم ولی بعد از قرن هزده تحولاتی در تراش و حکاکای روی فرآورده های بلوری و شیشه بی صورت گرفت که با حکاکای و تراش های قبلی تفاوت زیاد دارد. تاریخ کندن کاری و حکاکای روی کرسیتال و بلور را میتوان بصورت قطع نیمه دوم قرن هزده خواند و تا امروز این صنعت در تمام جهان رواج دارد.

در کشور عزیز ما افغانستان این صنعت از یکصد سال به این نظر ف رواج دارد. امر و ز در هر آن صنعت گران شیشه را می یابید که با همان وسایل ابتدایی ظروف شیشه بی رانیه میدارند.

این صنعت در پیشه کشور ما که تاریخ آن تا قرن هشتم می رسد نظریه تغییرات و تحولات آنوقت و هم نظریه بی تلافی و عدم تشویق هنرمندان از طرف امر و اهلان آن احوار کمتر انکشاف یافت و به حالت ابتدایی قرار داده شد.

قرن بیستم که دوره انکشاف هنر و تکنولوژی بشمار می آید در این صنعت در پیشه نانسری نکرد زیرا این صنعت از صد سال به این طرف هرگز تشویق و ترغیب نگردید. به همین صورت هنر شیشه سازی که در کشور



ماناریخ دیرینه و دیربای دارد و با وجود ضرورت و افری که به فرآورده آن احساس میشود کمتر انکشاف یافت. ولسی بعد از بیروزی انقلاب نور همانطوریکه در تمام ساحات زندگی خلق ما تحولاتی چشم گیر رونما گردید و میگردد در صنعت شیشه سازی هم این تحول دیده میشود.

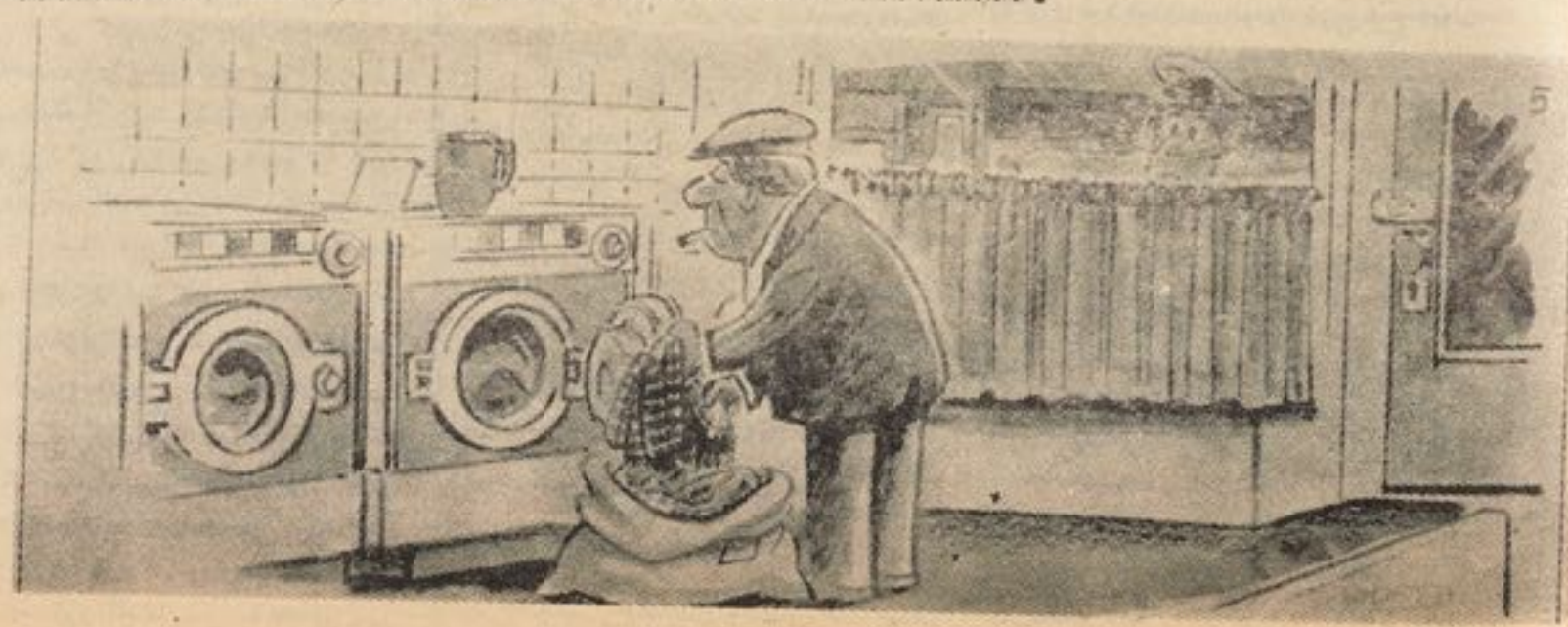
امروز صنعت گران رشته تشویق میگردد تا در ساخته های خویش تحولاتی مطابق نیاز زمان بوجود بیاورد. وسایل و لوازم که برای انکشاف این صنعت ضرورت است به صنعتگران داده میشود. از ساخته ها و فرآورده های این صنعت گران استفاده میگردد و این عمل باعث میشود که صنعت گران این رشته بیشتر تشویق گردد و یکبارگی دلبستگی بیشتری پیدا نماید.

ظروف شیشه ای که اکثر به رنگ آبی روشن است و بیشتر در دوکان های انکشاف فروشی به فروش می رسد کار صنعت گران هرات بوده. تقریباً میتوان گفت که این صنعت مختص به خود هرات و صنعتگران هرات است. زیرا مواد اولیه که در ساختن این فرآورده ها بکار می رود بیشتر در هرات یافت میشود از همین رو صنعت شیشه سازی در هرات باقی مانده و در دیگر جاها کمتر انتشار یافته است.

وقتیکه به این ساخته های هنرمندان ما توجه میکنید و آنرا با دقت ملاحظه مینمایید در آن زیبایی ها و ظرافت های مشاهده می نماید که در کمتر ظروف مشابه آن دیده میشود.

امروز بیشتر جهانگردان و مسافران کسه تالافند این فرآورده های صنعتگران ماهدند بخاطر اصالت و زیبایی این ساخته ها اند. از همین رو در جهان خارج مخصوصاً در اروپا خریداران زیادی وجود دارد که این فرآورده هنری را بخرند.

جندی قبل رادیو تلویزیون خلق افغانستان از برای برده تلویزیون شیوه تولید این صنعت را به نمایش گذاشت که سخت مورد توجه بینندگان قرار گرفت.



از بالا ۹. پایین بدون شرح

تضادهای عمده

در قبال این نحو برداشت باید گفت که نخست در دو جنگ جهانی اول و دوم به سبب خصلت سلاح های که در آنها بکار رفت هنوز مساله موجودیت سرمایه جامعه بشری مطرح نبود و تا آنجا اینکه با اینهمه ترقی خواهان و پیشگامان نهضت و ترقی می کوشیدند تا از درگیری جنگ جلوگیری به عمل آید که مبارزات صلح خواهان راستین در صفحات تاریخ درج است.

با وجود اینکه اگر سلاح های جنگی خصلت مخوف کنونی خود را نداشت مساله جنگ و صلح با این حدت امروزی مطرح نمی گردید با اینکه شعار خلق صلح از جمله شعار های اولین رهبران طبقه کارگر به حساب می آید در وضع کنونی سلاح های هسته ای از تکنیک جنگی، تغییرات کمی ایجاد کرده است بنا باینکه دقیق از سلاح های امروزی هیچ غفلت سلیم حکم نمی کند که چنین جنگی به انقلاب جهانی و جهانی از قید امپریالیزم کمک می کند. چنانچه لایوس پولینک دانشمند مترقی امریکا در کتاب خود بنام «ناپود باد جنگ» حساب کرده است که (صصت) روز پس از شروع جنگ هسته ای از یکصد و نود میلیون امریکایی یکصد و هفتاد میلیون نفر نابود خواهد شد و پانزده میلیون نفر از آن آسیب جدی خواهد دید و تنها پنج میلیون نفر ممکنست ببالسه سالم بماند. طبیعی است که در مناطق دیگر نیز چنین خواهد بود که با انکشافات بعدی سال های اخیر وضع ازین نیز بدتر میشی می شود.

البته اگر چنین جنگی در گیرد حساس امپریالیزم در آن خواهد سوخت و از آن جز نام نخواهد ماند ولی هیچ انسان ترقی خواه چنین آینده ای را برای بشریت نخواهد پسندید و راه ترقی و تعالی جامعه بشری را از وادی چنین جنگی تجویز نخواهد کرد.

بهر حال امروز نیرو های سازنده سوسیالیزم بشماره ناپوس مرگ امپریالیزم از صلح و آزادی در جهان دفاع نموده و ندای نامین صلح در گیتی در هر گوشه و کنار بلند است و خلق های سرمایه جهان شعار مرگ بر جنگ و بیروز باد صلح را قهرمانانه بلند نگه داشته و بدین طریق رسالت خویش را نیک درک نموده و مبارزه صلح خواهی یک مبارزه جهانی میدل گشته است چنانچه استکرات صلح در گیتی غریب نیرومندی را همراه دارد که دزهای یوشالی امپریالیزم را بلرزه در آورده و در پیکار طبقاتی و آرایش نیرو های خصم در گیتی بیروزی از آن صلح خواهان و تحول طلبانی است که بانرومندی تمام در زیر درفش دفاع از صلح جهانی روز بروز بهم میرسند و از صلح و آزادی رفیقانه و صمیمانه حراست و حفاظت می نمایند.

بیروز باد صلح در جهان سرنگون باد امپریالیزم مرده باد جنگ طلبان. برافراشته باد درفش صلح در سرمایه جهان.

دکار گرانو بین المللی انقلابی نهضت دپور لوی او تاریخی بریا لیتو یو نو تر لاسه کړې دي . ددی نهضت دپور لوی پر دد سو سیالستی لپروال سیستم د حصول څخه عبارت دی . دپوی پر استعمار پوښتو دپور لوی او پخال دپانگوالی هیوادو په کار گرانو او زیار کسانو زور او انقلابی اثر کړی او هغوی پر دامیر یا لیزیم سره مبارزی نه تشویق او ترغیب کړی او د استعمار گرو د قوت او زور په مقابل پخال کړی پر د معانات په هکله ورته الهام اخیستی دی . اجتماعي قوا چی دسو سیالیزم پر ی او فتح تضمین او تامینوی او پخپله دپانگوالی په گټه کړی پر وده کړی او قوا م نیسی ، ورځ په ورځ دپولادو په شان غښتلی کیری .

دافریقا ، اسیا او لاتیسی امر یکی په یو شمیر هیواد و نو کړی چی پخوا لاس استعمار لاندی وو دپروال پروتاریا خوښی او نوی طبقی مینځه راغلی او یو زیات شمیر مترقی گوډونه چی مینځه را وړل شته گوډ و نه ورځ په ورځ زیاتیدو نکی پښه دبین المللی قواوو په حیث پیژندل کیری او یو زیات شمیر کارگران او د خلکو بیلا بیلې ډلې هغو ته جلب کیری .

مترقی او وطن پالونکی کارگران له کارو نو څخه لرې کړی ، د صنا یو په رښتو او حکومت کی نور سو له لریجوی یو لاس دد موکراتیکو طبقو عا نو په ضد جا پرانه اقدامات سر ته رسوی ، اعتصاب بات منع کړی او په نظامی عملیا نو او اقداماتو لاس پوری کوی خودغه ټول اقدامات دقلمی او وروستی نتیجی دخر گند پدیعنی دکارگری طبقی دفتحی او دپرو لستار پسا دیکتا توری د پینگید و مخه نسی نیولی . لکه چی داکو بر ستر انقلاب اودسوسیال لیستی لپروال سیستم مینځه را تگ ددهغو شا هد دی .

نن دنوی رسول حالات او اوضاع دپخوا نه زیات نه د کار گری طبقی په گټه ده نشوروی اتحاد بری ، دنروال مترقی سیستم بریا لیتوبونه او دپانگوالی هیوادو نو دداخلی بحر اتو او کړ کچو نو شدت او پسه خلکو کی دپترقی گوډ و نو ورځ په ورځ زیاتیدو نکی نفوذ دانول پمدی د لاست کوی چی په نری کی دکار گری طبقی دزیاد نو بریالیو بونو دپاره حالات او شرایط لاساعد او مناسب کیری .

اوس دتاریخی نو یو شرا یطو لاندی د زیاترو هیواد و کارگران کو لای شسی

دعبدالحي را سخ زبانه

د کار گری طبقی بین المللی انقلابی نهضت

لپروال انقلابی نهضت دامیر یا لیزیم په ضد پخپله مبارزه کی زیاتې تجربی زده کیری ، دانهضت دایسوپالوژی له نظره پخیری او په مبارزه کی زیات روحی او جسمی قوت لاس ته راوړی . پانگوالی هیواد و نه پرله پسې د طبقانی اوسیاسی مبارزو له امله لا تشنج کیری کار گری طبقی او زیار کسانو نو په پانگوالی هیوادو کی د پروال طبقی جا کمت نه پرله پسې سختی تجربی واردی کیری دی ددی دپاره چی پانگوالی جا کمت و ساتل شوی نو رزوازی حکومتو نه او د پانگوالی انحصارگران د سختو ظلمونو په خنګ کړی نور ټول ټول و سبلی هم استخدا موی . د پخال په تو گه دکار گری طبقی څینو صنغو نو او سازمانونو کی موسسو تعرشوت وړ کوی ، د کار گری اتحاد پر نهضت په بین المللی او ملی سویه در شوت خوا نه بیایی . په صنایعو کی دکارگرانو په انجا دیو او کو پرا نیو نو کی متفدغناصر په اداری او دولتی پستونو کی متر روی او هغوی په دی توگه تطمیع کوی او په پای کی مترقی او کار گری ضد قوا نیسن تصویبوی . مترقی گوډ و نه غیر قانو انقلابی نو ی،

ددهو کراسی د حصول دپاره مبارزه د جگړی د سو سیالستی انقلابی نو د مینځه را تگ سبب شوی خو لازمه نه ده چی سو سیالستی مقصد ونه حتما دجگړی به نتیجی کی تر لاسه کړو . په تیره بیا ددی کار دپاره د پخوا په نسبت شرا یط دپروال مسا عد شوی دی .

دا چی حاکمه او استعمار گره طبقه هیڅکله راضی نه ده خپلو ناوړو استعماری عملیا نو نه خانیه ور کړی نو که دی دکار گرانو په مقابل کی په ضد د لاس پوری کړی په هغه صورت کی دسوسیالستی مقصد ونو د احراز دپاره سو له نه منونکی وسایل هم په کار یو ای شی .

دسولی او هماهنگی دساتنی او د لپروال مترقی نهضت دیو والی او پینگید دپاره هغی او اقدامات لازم دی ، او دافدا مسات تر زیاتی اندازی پوری سر ته رسیدلی دی باید پروتاریا پر نهضت په بین المللی سویه پینگ شراودهوسا اوبی استعمار و ټولنو په جوړولو کی د هینځ ټول مرستی او کمک نه خا تونه ونه غرو و .

نوزاد و شیر مادر ..

دایور های علمی کمدریاره هزاران نوزاد جمع آوری گردیده نشان میدهد که بیماری و مرگ در بین کودکانیکه از شیر جوشک تغذیه میکنند به مراتب زیاد بوده و تعداد زیاد آنها به امراض دستگاه هاضمه، نفس تنوعیت گوش مبتلا شده اند . شیر انسان دارای جربی بیشتر، قند بیشتر پروتین کمتر، کلسیم کمتر و فسفر کمتر، ویتامین ای بی سی بیشتر، ویتامین بی بی ک کمتر است و بصورت عمومی باید گفت که شیر مادر برای احتیاج کودک ساخته شده و مواد ترکیب دهنده شیر انسان مثل جربیها و انزایم های مختلف دارای خواص کیمیای کمالا متفاوت از شیر گاو میباشد .

جربیهایکه در شیر انسان وجود دارد از انواع جربی های است که مستقیما وارد سلولهای عصبی می شوند و هیچ ربطی به جربی ای که بصورت کولسترول برای بسدن خطرناک است ندارد . شیر مادر انزایم های دارد که نمی توان مشابه آنرا در شیر گاو و یا سایر شیرهای قوطی یافت، انزایم ها بصورت بهتر جذب سلولهای بدن می شوند و حتما تولید انرژی بیشتر را هم می نمایند .

نکته مهم دیگر اینست که شیر مادر برای خود مادر هم امتیازاتی دارد و برای مادریکه شیر داراست توصیه می گردد تا غذاهای مقوی و مغزی بخورد، غذایش باید در حدود پنجمد کالری داشته باشد تقویا بیست گرام پروتین را روزانه در طسول مدتیکه شیر میدهد در تقسیم اوقات غذای خود بگنجاند . وهمچنان ویتامین های دوران حاملگی باید ادامه یابد . درین دوران گاهی اشتها زیاد می گردد

واگر باندازه کافی ورزش کنید غذای اضافی بانث جافی نخواهد شد، غذا وارد سیستم شیر سازی بدن گردیده و بصرف خواهد رسید .

برای مادر های شیرده گاهی مشکلاتی هم پیش می آید که نباید آنرا نادیده گرفت مثلا بسته شدن وزخم شدن سرپستان که درد زیاد میداشته باشد ، مگر مادران نباید با بروز نا راحتی های کوچک فوراً دست از شیر دادن بکشند واز جوشک و شیر پودری استفاده نمایند، بلکه میتوانندهدایتی درینمورد از داکتر گرفته و یا سینه دردناک را که شیر کافی از آن بیرون نمی آید با پارچه ای که در آب شیر گرم تر شده است کپرس نمایند و آن اندازه ای که امکان دارد از آن شیر بدوشند تا به حالت عادی بر گردد .

امروز درممالک مترقی اکثرا خانمها از استعمال شیر پودری دست کشیده و خودشان نوزادان خویش را شیر میدهند زیرا بااطلاع ازنتایج مفید در قسمت شیر ما در به اهمیت آن بیشتر از گذشته بر برده اند و مادریکه طفل خود را شیر میدهد هم باید پروگرام شبانه روزی خود را طوری طرح نماید که هم خودش وهم کودکش راحت باشند . اکثر خانمها باین حودنگی کودک را برای چند دقیقه شیر میدهند وبعد بی کاری میروند که اینترتیب غلطاست و برای صحت واستراحت کودک مضر واقع می گردد کودک را باید به ترتیبی شیر بدهند که خوب سیر شود . نازده دقیقه یک پستان و پانزده دقیقه پستان دیگر را بسکد والبته در فاصله هر دو پانزده دقیقه کودک بلند گرفته شود تا هزای را که ضمن شیر خوردن بلعیده خارج نماید کودکیکه سیر باشد ونگه هائش خنک باشد برای چند ساعت دیگر آرام میخوابد و مادر باخاطر آسوده میتواند ونایف روزمره خود را تعقیب نماید .

سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک)

این سازمان در سال ۱۹۶۰ از کشورهای عمده و غنی صادر کننده نفت جهت دفاع از منافع مشترک اقتصادی شان بپیمان آمد. اعضای آن عبارتند از: ونزوئلا، عراق، ایران، کویت، عربستان سعودی که در این اواخر کشورهای الجزایر، کابون، اندونزی، قطر، لیبیا، نایجیریا و امارات عربی و اکوادور نیز بآن ها پیوستند. اجلاسهای عادی و وزاری نفت این کشورها معمولاً سال دو بار در مرکز یکی از کشورهای عضو صورت می گیرد که این کنفرانس ها به تصویب یک سلسله قطعنامه هاییکه اکثرآ جنبه توصیه ای دارند به انجام می رسند.

قرار احصاییه ذخایر نفت درین کشورها در سال ۱۹۷۹ (۶۰۳) میلیارد تن نفت ۸۱ فیصد نفت مجموعی در جهان سرمایه داری، تخمین زده شده است. در سال ۱۹۷۸ کشورهای عضو این سازمان ۱۴۶۲ میلیون تن طلای سیاه که ۶۲ فیصد مجموع نفت استخراج شده جهان سرمایه داری و ممالک روبه انکشاف را دربر می گیرد استخراج نموده اند که فیصدی قابل ملاحظه ای آن در کشور های پیشرفته صنعتی به مصرف رسیده است. نفت صادر شده از طرف کشورهای اوپک تا سال ۱۹۶۷ در حدود پنجاه فیصد و در سال ۱۹۷۳ تقریباً ۷۱ فیصد کل احتیاج انرژی کشورهای پیشرفته سرمایه داری را مرفوع نموده است. کسه در سال ۱۹۶۷ بین ۶۳ فیصد الی ۶۵ فیصد بود. در سال ۱۹۷۷ مجموع نفوس کشورهای عضو اوپک ۳۰۸ میلیون نفر (بازده فیصد کل نفوس جهان غیر سوسیالیستی، بازده فیصد کل نفوس ممالک روبه انکشاف) بود.

از اهداف اصلی وعده کشورهای عضو اوپک بدست آوردن حق کامل و حیثیت ملی شان در راه رهایی از بهره کشی های کمپنی های نفتی ممالک سرمایه داری است که از سالیان درازی باینطرف از منابع نفتی شان سود کامل در کام آنها بوده است می باشد.

دهه شصت سال های تجدید نظر برقرار دادهای استثمار گرانه کمپنی های نفتی با اعضای اوپک بوده است که در نتیجه آن از اکتوبر ۱۹۶۰ الی اکتوبر ۱۹۷۳ در آمد کشورهای عضو اوپک از درک نفت شان از شش دالر فی تن به هفده دالر فی تن بالا رفت. که بالارفتن این فیصدی هم تأییدی بر کمپنی های نفتی غربی وارد نیارود زیرا این کمپنی ها هم دست به احتکار و بلند بردن قیمت نفت در سایر نقاط جهان زدند چنانچه قرار احصاییه خود منابع اقتصادی جهان غرب یک تن نفت حاصله از کشورهای اوپک توسط کمپنی های مربوط به یکصد و پنج دالر فی تن در دلیای غرب به فروش رسیده است که از آن صرف هفده دالر آن به کشورهای

اصلی صادر کننده نفت برداشته شده است. این تقسیم غیر عادلانه درآمد و جپاول از درآمد ملی شان این ممالک را واداشت تا دست به عمل قاطع یعنی مبارزه در راه ملی ساختن منابع نفتی شان بزنند که تا حال کشورهای الجزایر عراق و لیبیا با تعیین مشی ضد امپریالیستی و مجادله علیه هرگونه استثمار خارجی شان در سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳ در راه ملی کردن این ثروت های طبیعی شان به موفقیت های نایل آمدند. که موفقیت این ممالک سبب تشویق سایر کشورهای عضو اوپک گردید در سال ۱۹۷۴ عربستان سعودی، کویت امارات عربی و نایجیریا تمام اسامی کمپنی های نفتی را در کشورهای شان خریداری و در حدود ۶۰ فیصد درآمد حاصله را مال خود ساختند در سال ۱۹۷۶ صد فیصد جایداد و اسامی کمپنی های فوق در کشور ونزوئلا ملی شد.

در نتیجه این مبارزات پیگیر اگر کشورهای عضو اوپک تا سال ۱۹۷۰ یک فیصد نفت را خود شان صادر می کردند تا اواخر ۱۹۷۸ مقدار این صدور بدست خود کشورهای عضو تا هشتاد فیصد می رسید. تصاحب دستگاه های استخراج و صدور نفت از طرف کشورهای عضو اوپک آنها را قادر ساخت تا خود در تعیین نرخ نفت سهم و حیثیت قابل ملاحظه ای پیدا کرده و در راه مبارزه بانوکولونیالیسم به موفقیت های بیشتری دست یابند. یعنی درآمد خالص ملی خود را از درک صدور نفت از سی و دو میلیارد دالر در سال ۱۹۷۳ به صد ۱۳۰ میلیارد دالر درین اواخر بالا ببرند.

انفلسیون اقتصادی لحام گسیخته جهان سرمایه داری و بلند رفتن قیمت مواد صنعتی و سایر اقلام مایحتاج این همه لاشی کشورهای عضو اوپک و سایر ممالک روبه انکشاف را در جهت بلند بردن نرخ نفت از طرف انحصارات سرمایه داری خنثی نموده است. قرار نوشته جریده «اکونومیست» انگلیسی بلند بردن نرخ مواد صنعتی و نیمه صنعتی در ممالک سرمایه داری قدرت خرید ممالک عضو اوپک را بین سال های ۱۹۷۴-۱۹۷۸ بیست و هفت فیصد تقلیل بخشیده است و این بدان معنی است که یکصد و سی میلیارد دالر حاصله از درک فروش نفت در ممالک عضو اوپک در سال گذشته عین ارزش مبلغ نود و پنج میلیارد دالر را در سال ۱۹۷۳ دارد. یعنی که کشورهای عضو اوپک بناچار ۳۵۰ میلیون تن نفت را ازین درک به رایگان از دست داده است و کشورهای عضو اوپک جهت تلافی این نقصان عظیم از سال ۱۹۷۵ به اینطرف چندین بار ضمن اجلاس ها و کنفرانس های مختلف ارزش نفت را بالاتر برده اند که در نتیجه آن در پنج سال اخیر نرخ یک

تن نفت در بنادر خلیج فارس از هشتاد و پنج دالر به یکصد و هفت دالر بالا رفته است که آخرین بار آن در جنوری ۱۹۷۹ بود که فی تن نفت از نود و هشت دالر به یکصد و هفت دالر رسید.

اما متأسفانه که با همه این لاشی ها هنوز هم در اکثر ممالک او یک رژیم های ارتجاعی و دست نشانده امپریالیسم تسلط کامل سیاسی دارند و جپاولگران با استفاده ازین دارایی ملی مردم آن سرزمین توانسته اند فرار احصاییه مجله «مورگان گرانتر تراست» در بانک های غرب در حدود یکصد و هشتاد میلیارد دالر عایدت به حسابات شخصی موجود است.

زیادوتکی، بریالی

تنها تشکیل صندوق وجهی کمک کشور های اوپک در سال ۱۹۷۵ برای کشور های روبه انکشاف جهان که با سرمایه ابتدایی هزده میلیارد دالر تأسیس یافت و سرمایه فعلی آن به ۱۶۶ میلیارد دالر میرسد مایه امیدواری است. احراز قدرت ممالک نازه به آزادی رسیده بر منابع و تولیدات نفتی شان نه تنها خود این ممالک را در راه انکشاف سالم اقتصادی شان آزادی کامل می بخشد. بلکه برای سایر کشورهای روبه انکشافی که از آن ها کمک های اقتصادی دریافت می دارند توید خوبی است.

په بدن گی دویتامینونو دزیا توالی اغیزی

ها پیر ویتا مینو رس، دیویا خو ویتا مینو دزیا ت مقدار استعمال خغه په یومه اوږده موده کی منخ تهر اخی چی داحالت دهیمو ستا رس میخا نیکت دی نه اړ دی تر خو دزیا تی اندازی په خار جولو او اطراح بیل وگری او دا عملیه ان تر هغه و خنه پوری دوام کوی که خو هم تویتا مینو استعمال د تشخیص یوسيله بس شوی هم وی. د مثال په ډول که یو ناروغ تویتامین سی ډیر قوی کورس واخلی دهغه په زرد تویتا مین سی د کویا لی ا عراضی د تویتا مین د زیاتوالی د اعراضو سره یو ځای پیدا کیږی. تخر یو دا خرگنده گری ده چی که په یوشمیر حیواناتو بانسی تویتا مین سی زیات مقدار و خوړل شی دا حیوانات به د هغو حیواناتو په مقایسه چی د نوموړی ویتامین طبیعی اندازی اخلی د سر زد دسکور دی په ناروغی اخته کیږی. عین همد ا حالت په انسانانو کی هم پیښیږی. همدا راز حالتونه دنورو ویتامینو دزیات مقدار دتجویز له کبله منخ ته را تلای شی. د مثال په توگه تویتامین بی دزیات مقدار استعمال به نتیجه کی د کلسمی ما لگی ددی په عوض چی په هم و کو کی ذخیره شی د هم و کو خغه دداخلی اعضا وو انسانانو چی نه تیر یږی (لکه چی در یکسین په ناروغی اخته ما شو ما نو کی لیدل شوی دی).

دشوروی او په نورو بهر نیو هیواتو نو کی یو ها نو دار قامو یوه مجموعی استخراج کوی ده چی دهغه بدلو نو نو خر گندوتکی دی کوم چی د ویتامینونو دزیات مقدار داخیستلو له کبله منخ ته راغلی دی. دهیمو ستاز س میخانیکیت یو اخیسه په قسمی ډول دا ضا فی مقدار ویتا مینونو اطراح تا مینو لای شی او که دا حالت دوام پیدا کوی ځنی مرضی بدلو نو نه په مشخصه توگه د فسوق (ا د ر نیل) د غندی په پالی په ۵۵ معگی

دویتامینونو کمی اوبه ښکاره ډول دهغو نازیانمند تو ب ددی سبب شوی دی چی مونږی له تشخیصه دویتامینونو خوړلو ته مینه پیدا کوی. په هر حال دا باید په یاد ولسو چی ددوا جوړولو د علم له نظره ویتامینونه هغه دواگانی دی چی باید په دقت او هو ښیاری سره استعمال شی. ویتا مینو له لکه ډیرو تینو، غوږ یو (شحمیاتو)، قند ونو او ځنی نور د موادو په شان هغه مغزی مواددی چی دا انسان بدن ته د غذا سره دا خلیږی او استلا بسی نورمال جریان پری تطبیق کیږی دکیما وی ترکیب له نظره مصنوعی ویتامینونه دطبیعی ویتامینونو سره یو شان دی او کوم تو ییر نلری مگر خر تگه چی د ویتامینو ځنی اندازی گتوری دی په عین حال کی د زیات مقدار استعمال یی په نه انکار یدونکی ډول زیانمند هم تما میږی.

دنورمال استقلاب یو حالت هم دبدن دداخلی محیط نسبی استقرار دی چی د هیمو ستازس په نوم یادیر ی. د ویتا مینونو ټاکلی او مخصوص اندازی دانسان دبدن دانسانو جو بواسطه اخیستل کیږی او زیات بر ځی شی د هیمو ستازس د میخانیکیت یو سیله اطراح کیږی چه د هغو محافظتوی وظیفی په بدن کی محدودی دی. دهر ډول مغزی موادو منظم زیات پکاروو ډلوله کبله که خه هم هم غوړی وی یافتونه، مالگی وی یا ویتا مینو نه، په لو مری پرا وکی وظیفوی اوبه پای کی عضو ی تشوشت او بی نظمی منخ ته راځی. تویتا مینو نو دزیا نو اندازو منظم استعمال په وجود کی یو غیر طبیعی حالت منخ ته راوړی چی دها ییرویتا مینو ز س دویتامینونو زیاتوالی په نامه یا د پیری له کو په ځایه چی د ځینو ناروغیو په وخت کی د ویتامینونو تجویز دیو دواپه څیر صورت مومی پدی بحث کی مو ږ دهغو استعمال دیو مقوی مادی په څیر هم څیرو.

په ژنيو كې دسولې او پياوړتيا لپاره د بشري پالونكو

ستر گډون

دسره صليب د بنسټ اېښودونكي او دنوبل دسولې دجايزې د لومړي گټونكي هنري دونانت (۱۵۰۰) كاليزي د زمانخلو په مناسبت و هغو نېو نړيوالو موسسو ته كوم چې هغوى هم دغه ډول جايزې اخستي دي ديوه گردى ميز غونډه يې په زينو جوړه كړه خو په كسبه سره داسې لياري ولټوي چې دنړيوالو موسسو په مرسته دسولې لپاره زياتې هلې ځلې وكړي د موضوع د څيړني په هكله پخپل ډول كسې لومړني گردى ميزوو چې په زينو كې غونډه وكړه .

دنوبل دسولې دجايزې لومړى گټونى:

دنوبل دسولې لومړى جايزه په ۱۹۰۱ كال وچين هنري دونانت ته چاچې دخپل ژوند په ټول عمر كې دانسانانو په منځ كې دبشري تودو اوسوځونكو احساساتو په پارو لوسره خپلو مسوليتونو نونه منوجه كړه وركړه شوه . په ۱۸۵۵ كې ده دخوښو ملگرو سره دنړي دعيسوي ځوانانو ټولنه په پاريس كې جوړه كړه په ۱۸۵۸ كې دده دكتاب يوه برخه دغلامې اوهر ټيټوب دمنځه وړلو په هكله په كنورو معلوماتو سره خبره كړه په ۱۸۶۲ كې دى (دسالفريټو د يادونو) په نامه يو كتاب خپور كړاوپه دغه كتاب كې هغه اصلي هدف كوم چې دسره صليب اساس تشكيلوى جوړاوپر طرح كړاوپه دغه طرح كې يې غوښتنې دي چې په هر هېواد كې دخپلې خوښې كميټې بايد دجگړې په ډگر- ونسو كسې له پياوړتيا سره لازمي مرستې برابرې كړي . اودهغو دساتلو دپاره بايد هېواد ونه دين المللي اوسپيڅلو اصولوپه اساس له دوى سره معامله وكړي .

په ۱۸۶۳ كال كې دونانت د لومړني كميټې چې وروسته بيا دسره صليب نړيواله كميټه شوي يوه فعال لمړى شو . په ۱۸۶۴ كال په دو لټونو باندې دژنيو او كټوانسيون په تصويب او منلو كې بريالى شو . په ۱۸۶۶ كې دونانت ديوه نړيوال كتابتون دبنسټ او تاسيس لپاره يوه پروژه چې په هغه كې بايد دادبياتو ډير لسو اثار نشر او ټول شي په كار واچوله . ولې زياتو جگړو دپروزي كارو څخه اوه اودغه مفكوره دپونسكوپواسطه واخستل شوه اوپه كارو لويده او هغه يې ژوندې او پياوړې كړه . دجگړې دبنده يانو حالت ديوې اوږدې مودې لپاره دونانت واړخا كړيد په ۱۹۶۱ كال دپاريس

په كټوانسو نو كې دموضوع په ارتباط ليكلسې باني وړاندې كړې . ده يوه نړيواله معتبره او مشهوره كميټه چې د(جگړې له بنده يانو سره څه ډول عمل وشي) جوړه كړه ده خپلې عقيدې او نظريې چې وروسته بيا دبروسلد ۱۸۷۴ كال په كټوانس كې وړاندې كړه په ۱۸۷۲ كال كې په هغو لكجرونو كې چې په لندن كې وركړه ده (دلمدن او نظم لپاره ديوې عمومي اتحاد يې) دتاسيسو لو څخه ملاتړ وكړ او دحكومت ديوې نړيوال محكمې دپكار اچو لو په فكر شو چې دملتونو ترمنځ سڅړې ستړې اودهغه په وسيله جگړه له منځه يوسي .

په ۱۸۶۷ كې دونانت په مالي زيان اخته شو . كله چې ده په نړي كې دنوبل دسولې لومړني جايزه تر لاسه كړه دى يو غر بست خپلې اودخلكو له نظره څخه هير او ليري شوي انسان وواوېه (هيډن) كې په يوه كور كې اوسېده ده خپلې دجايزې پيسې بېخپله خوښه دخبريه داروا وانساني خدمت لپاره په ميراث بريښودې دنړي څيښې بشريالي موسسې چې دنوبل دسولې جايزې تر لاسه كړې دي:

۱- دسره صليب نړيواله كميټه :

دنوبل دسولې جايزې ۱۹۱۷-۱۹۶۳: دسره صليب نړيواله كميټه چې دنېځه كسيري كميټې په نتيجه كې دونانت په ابتكار منځ ته راغله او خپلې غونډې يې ۱۸۶۳ كال په فيروري كې دونانت دغوښتنې په اساس چې ددى موسسې بنسټ اېښودونكي دي په ژنيو كې ايل كړې .

دغې كميټې دژنيو دكتوانسيون او دبشر دين المللي قانون ستره ساتلو په موسسه ده . برسیره پردې په ټولو جگړو كې ديوه بېطرفه اوميانځگړي په شان ددښمنو او جگړه وكونكو دولتونو ترمنځ عمل كوي او په جنگي عمليا تو كې دجگړې دصعبيت خپلو سره هر ډول لازمي مرستې اودهغوى ساتنه كوي اوددوى بدني او معنوي رنځونه او دردونه ارامه وي .

په حساسه توگه دجگړې دزيانونو اومصيبتونو څخه هر جبري خبر يري دكوم وخته څخه چې دهغوى په اصلاح او جبرانو لو كې كار كوي دغه دسره صليب نړيواله كميټه ځلك دجگړې په ويره اونفرت بهغوى او انسانان دى ته راټولي چې دجگړې مخالف شي دامسو سسه دهمدې لياري دبشري وروزي او ملگري اود بشر دښه والي لپاره ددوى دمسوليت فعاله احساساتو ته وده او پراختيا وركوي .

ددى موسسې بشري خدمتو نه او عمليات دبجړې په ډگرونو كې بوشكاره او څرگند دليل دى چې سوله اونړون ټينگ كړي دښت او اضطرار په وخت كې ددى موسسې مداخله دسولې لپاره يو حتمي كاروي .

۲- دنړيوال سره صليب او سري مياشتي اتحاديه (ليگ) :

دسره صليب داتحاديه ټولټي (ليگ) په ۱۹۱۹ كال تاسيس اود سره صليب سري مياشتي او سري خورشيد سرخ دملي ټولنو فدراسيون دي . دغه موسسه دملي ټولنوودى ته پراختيا وركوي ددغوملي ټولنو سره دسولې او ارامتيا په وختونو كې په فعاليتونو اود طبيعي ناوړو پېښو كې دوى دنړيوالو مرستوپه مواز نه او انډول ساتلو كې همكاري وكړي .

ليگ ددونانت دخبرويه اساس عمل كوي: (دساري ناروغيو لكه وبا، سيلانونو او نور ناڅاپي الفتونو او زياتونو اوبېښويه وختونو كې دبشر پالني روحيه چې دغه ملي ټولني په يه دغو ټولو سرايطو كې تركومه ځايه چې توان لري له دغو مصيبت خپلو سره مرسته خدمت او خواخوږي وكړي) .

پدې ډول ليگ دخلكو په منځ كې دمقابلې مرستې او وروزي دتفاهم يوه صميمي او توده فضا منځ ته راوړي او خپله دايمي اوهميشگي مرسته دسولې په برخه كې سرته رسوي .

۳- دنړيوالې سولې اداره :

دغه اداره په ۱۸۹۲ كال د ۱۸۹۱ كال دنړي دسولې ددريم كانگرس په دوام په روم كې تاسيسه شوه هدف يې دسولې لپاره ديپلوميټو موسسو په كارونو كې انډول اودنړيوال كړه- كېڅونو او جگړه ولياره دپوره امن اوسوكالي داستقرار او بايښت ته وده او پراختيا وركول دي .

دغه موسسه دحكومتي او بين الحكومتي بدلونونو ترمنځ دمفاهمي وسايل چمتو كوي . دغه اداره په سولې پورې تړلي كټوانسونه او سيمينار ونه په بيلو بيلو موضوع كانو پوري ترتيبوي اودهغو نتيجه نشر ته سپاري . دغې ادارې پدې وروستيو وختونو كې دخلسح سلاح، دملگرو ملتونو دسولسي دساتلو عمليات او په يوځي دفاع كې ختي جوړونې ديوه گټو نكي او وظيفه ييز نندو-نكي

معترض په توگه دمطالعي او څيښې نې لاندي نيسي .

دژنيو د سولې دگردى ميز دگډون كوونكو دغو بنسټونو متن :

دسولې لپاره دگردى ميز گډون كوونكو موسسو چې پورته ذكر شوي دنړيوالو كميټو څخه دغې غوښتنې وكړي: سوله يوازې ديوځي نښتو دمنځه وړل او نشته والي نه دي بلكي دخپلو موسسو او خلكو په مينځو كې دهمكاري او گډون يو لړ متر كې اړيكي دي چې دبشريا انسان دلوړ مقام داحترام او ارزښت وډگرځي . دبشر دتباه كوونكو وسلو دورخ په ورځ زياتيدو سره دلوړ اقتصاد او ټولنيزي نا انډولې كوم چې بشر په طبقو ويشي او هم دبشسر داصلي او اساسي حقوقو او فردى ارزښت ته په سپيکه سترگه كټلو سره هره ورځ سوله وړانوي اوتهديدوي .

سوله ډيرو زياتو هلو ځلو ته اړتيا لري چې پدغه ډول ويره، وحشت اوتهديد و لو باندې بريالى شي اودا په يوه نړي كې هغه وخت امکان لري چې دښمند او زور، بې عدالتي، نا انډولې ولى ، ويري او زور په عوض نړيوال قانون تطبيق اودهغه مراعات وشي او هم په هغه سره دولتونه بېخپله څرښه سره موافقه وكړي چې خپل ملي حاكميت ددهمو او ټولو په خوښه اودلچسپي سره دپاڼوود كړي او په هغه سره دولتونه دملتونو نو په منځ كې دپېاعتباري او رسوايي څخه وژغوري او پرځاى يې دارامې اوسولې دټينگولو او ځاى پسه ځاى كولو لاري جاري په كار يووړشي داسې يوه سوله منځ ته راوړي چې هر څوك ديوه مسوليت احساس درك كړي او حتى دانسان دمانومتوب له وخته چې فكر او شعوري په كار لويږي ضرور ورزده كړه شي چې سوله او ډډه څه شي ده او بشريت ته څه كسو كوي . دخلكو دښه نيت او رضامندي او هلوځلو برسیره د زيري بواسطه سولې ته زور پام اړولي دي

دنوبل دسولې دجايزې دگټونكو دگردى ميز برخه والو دحكومتونو څخه غوښتنې دي چې دنړيوالو غوښتلو هيلو او سپار بنسټونه په جدې ډول دوعدي دپراخي كولو سره پوره برخه واخلي په برجسته توگه دملگرو ملتونو دنمشور دبشر

په بدن کی د ویتامینونو...

هور مو لولو کی و ظیفوی پر کفا رسی را منځ ته کیری . د مثال پیلول په بدن کی د ویتامین (بی) د زیا توانی به صورت کی لیدل کیری چی د فوق الکلی غد مچی دایو او ما لگی په استلاب با ندی اغیزه اچوی تر هغه وروسته نشی کو لای دوی نی دپلا زما د سود یم پتا شیم او د سروکرویا نو نسبت نورمال وسای .

مو د لاندی دخیو ویتا مینو خواص اویه وجود کی دهغو د زیا توانی نتایج په لاندی ډول څیرو:

- ۱- ویتامین (ب) ددی ویتا مین زیات مقدار دوینی فشارلو وی ، دشحمی اسیدو جو پیدل تشدید وی او لازیات مقدارونه سی دایتر و سیکلر ووس(دشیریانوونو)کلکیدل او دوینی دفتار دلوو پیدلو (ها پیر نشن) دتحر یکو لو سبب گرځی . علاوه پر دی ویتا مین دهغو جر یانا تو د فعالیت مخه نیسی کوم چی د کو سترو ل جو پیدل نیسی کوی .
- ۲- ویتامین (ب) : په غذاکی دسبزیجاتو دغو د یو د نه موجودیت په صورت کی ددی ویتا مین دزیات مقدار ونه د څکر دشحمی کید و سبب گرځی . دا ناروغی د ځینو نورو ویتا مینو نو د غلط استعمال څخه هم منځ ته را تللی شی .
- ۳- ویتامین (ب) : هغه خلک چی د معدی دعصاری د اسیدو دزیات توانی څخه په عذاب وی ددی ویتامین د زیات مصرف په

- صورت کی داسید جوو پیدل لاز یا تیری .
- ۴- ویتامین (ب) : ددی ویتامین دزیات مقدار استعمال نا مناسبتی څخه یوا ځی ۸ ساعته وروسته ددی ویتامین له مصرف څخه (۸-۶) فیصده اطراح کیری . په هغه نارو غیو کی چی ددی ویتا مین تجویز نه اوتیا پیښیری لږ مقدار نی باید تجویز شی . مگر که چیری یوسری دایترسیکلر - ووس څخه په عذاب وی دایو ویتا مین په ډیر چټکیا سره دوینی د پرو ترو جیس سوپه لوپوی . دا ویتامین دتومورو نو د موجودیت په صورت کی نشی استعمالیدای .
 - ۵- فولیک اسید: ددی ویتامین د زیات مقدار استعمال د پلا د پتر د مغز یسوه ناروغی د فونیکو لو ما یلو زس په نامه منځ ته راووی .
 - ۶- ویتامین (بی) : تجربو دا څر گنده کړیده که چیری ددی ویتا مین زیات دوز په حیوانو کی پیچکا ری شی د قندونو استلاب چټکیا مو می او په نتیجه کی به څکر ، پښتو رمو، دوینی دد سو نو په جدارو نو کی مالا یکو جن هیگوخیره کیری همدا رنگه دوینی دسینو کرو یا تو اساسی تعداد لوو ځی په قلبی گراف کی بسی نظمی او تشویش لیدل کیری . د پښتو رمو بی کفا رسی منځ ته را ځی او په ادرار کی د قند لوو غیر نورمال مقدار لیدل کیری .
 - ۷- ویتامین (ای) : ددی ویتامین کموالی څو ښه لبنیات سبزیجات او میوی پکی

او زیاتوالی دواپه د شخص په تکرر ی وظایفو کی انحطاط منځ ته راووی د ویتامین زیات مقدار دجنسی او عصبی سیستم په وظایفو باندی بر عکس تاثیرا چوی .

ویتامینو نه هغه دوامگناسی دی چی استعمال نه نی په ډیر و نارو غیو کی اوتیا پیښیری مگر د ویتامین دداوی په لوو مقدار باید په روغتو ن کی سر ته ورسیری پداسی حال کی چی د نو موری ویتا مین استلاب په منظم ډول په وجود کی وځیرل شی اود فوق الکلی د غدی و ظایف نه یا علرنه وشی .

په ما شو ما نو کی په خاص ډول ددی څیری یو هیدل د اهمیت وندی چی د ویتامین (بی) د زیا توانی نتایج او اعراض ددی ویتا مین زیات استعمال څخه (۷-۵) کلوونو وروسته منځ ته را تللی شی .

پنا پر دی ایا د یو معین ویتا مین ورځنی مقدار یو کاهل او ما شوم په څومره تجویز کیری ؟

هغه غذا چی یو روغ سری تری گټه اخلی په معمولی ډول دپیل ویتامینو نو کافی مقدار لری په هر حال که چیری ځنی خواپه وکه نظر نو ورته ترجیح ورکړی شی دخیو ویتا مینو کموالی به را منځ تمشی دمثال په ډول یواځی د سبزی پوپی خورا ک ویتا مین (ب) کموا لی منځ ته راووی د هگیو او لبنیاتو داستعمال د ډډه کولو څخه د ویتا مین ای کموا لی منځ ته راځی د سبزیجاتو څخه گټه نه اخیستل .

ویتا مین (بی) کموا لی منځ ته راووی روغ ماشومان خپل دایوتیاو: ویتا مینو نه دیو متوازن غذا چی جو با ت ، هگی، باندی یو څه تاثیراچوی .

کاپون ولری اخلی . دزمی په مو سم کی یو روغ هلاک یا لچلی دویتا مین (بی) پنځه سوه واحد ته په ورځ کی اوتیا لری دکیاتو څکر د غو یو استعمال د ویتامین دی په مقا یمه گټوره تما میری مگر ددی ویتامین علاوه کول د یو کاهل شخصی په غذا کی نا مناسبتی .

ویتامینو نه د ډیر شی په وقایه کی حیاتی ارز ښت لری دداسی یو یو لی ویتامین قابلیت استعمال چی ویتامین (ای ، ب ، ۲ ، سی ، پ ، او ب) دیو کاهل دور ځی اوتیا ویتا مین اندازه و لری دوجسود د فعالیت په لوو والسو کی گټور تما میری د ویتامین سی استعمال خاص اهمیت لری یوکاهل شخص باید د ورځی په متوسط ډول (۸) ملی گرام ویتا مین سی وا خلی چی ډیر شی په وقایه کی د ډیر اهمیت لرو لکی دی .

ویتا مینو لو جستان دا نظر لری کله چی د سستی لری اعراض په وجود کی ولیدل شی سمدا لاسه یو گرام اسکوریک اسید (ویتا مین سی) دی ددی پر لاسه یسی ور ځی لپاره استعمال شی څرنگه چی ددی ویتامین زیاد مقدار خطر نلری او په سرعت سره اطراح کیری . دا با ډیبه یا دو لرو چی د کتلوی دوز استعمال پس نظر کسری دوزو ته د بدن نو ظیفوی محافظوی میخانیکیت په تقویه کی زیا ته اغیزه کوی یواځی داباید ذکرشی چی ناروغ دی دوی ویتامین به اخیستلو کی ځنښ را نو لسی څکه چی که څو ساعته هم په استعمال کی نی تا څیر راشی نو د ناروغی کم کول به گران وی مگر ییا هم دنا روغی به سیر باندی یو څه تاثیراچوی .

جوانان و مساله زندگی

بقیه صفحه ۲۷

اشتباه خود بی بردم و این اشتباه برای من خیلی گران تمام شد . دخترم که تازه سه ساله شده پدر خود را می خواهد ، و حق دارد که از محبت پدری برخوردار باشد و کسی انموس که دیگر آن نزاکت سابق بین ما وجود ندارد . و من در آتش پشیمانی و ندامت میوزم .

این بود اشتباه من که زندگی را سخت گرفتم و به حرف های همسرم گوش ندادم ، اگر چه مقصر اصلی او ست و لی هر کس شاید در زندگی اشتباه کند او هم ایسن اشتباه را کرد که با دوست نا اهل گرم گرفت و بالاخره همین دشمن به ظاهر دوست زندگی او و مرا از هم پاشید .

این چند سطر را به این خاطر نوشتم تا جوانان ماکه زندگی آرام و سعادت باز خانوادگی دارند یا در آینده خواهند داشت بیشتر متوجه این نکته باشند که اگر در زندگی گذشت نباشد به هیچصورت نمیتوان خوشبخت زیست و این برای هر خانواده امر ضروری است که در مورد روابط خویش با دوستان و آشنایان تا آن اندازه مراوده داشته باشند که زندگیشان دستخوش هوا و هوس و بازیچه انسان قرار نگیرد . در انتخاب دوست باید زیاد دقت کرد تا خانا خواسته به سر نوشت من گرفتار نگردند .

از سر بسازم اما من این خواست ا حسد شوهرم را نپذیرفتم و این بزرگترین اشتباه من در زندگی بود .

بسی ، من خواست شوهرم را نپذیرفتم بالاخره از هم جدا شدیم ، اما این جدایی برایمان خیلی گران تمام شد بدین معنی که شوهرم پس از چندی توانست زندگی از دست رفته خود را دو باره بسازد و پس از یکسال با زنی دیگر ازدواج نمود با ازدواج احمد به مختیا نی تو لئو سره یو ځای دلی د هغه نوی نظام په لور چه په یوبل باندی تکیه او وپسا لری . په ۱۹۸۰ کال او وروسته لمبزه کبی په هراړ خیزه توگه په یو ره جرات ، شپامت ، او بصیرت سره چی تا ریخ نی په څر گنده توگه زموږ څخه غو ښتنه کوی ، په غرانلو ستر گو ووینی او هم ددغو سترو مسلو په مقابل کبی معظلی ځنښ او دناکافی هلو ځلو خوندی جز - اوی به دهغو کسانو په غاړه وی چه نه را لئو لکی پیوی کبی مجبوره او مکلف دی دهغو تصمیمو نو د نتیجه په غین کبی چه موږ نی با ید نن ورځ وینسو ژوند و کوی .

او دغه تصمیمونه باید ډیر ژرو نیسول شوی .

په ژینو کی دسولی

بقیه صفحه ۱۵

د ابروت مکنامارا .

پروژو د تلو یل او ما لی مر ستو له پاره په مجموعی او تلو ل ارزښت سره (۴) ملیارد ډالره وی . چه دغه کار د پانک دغریو خودی په حال کبی هیوادو د پانک اچولو دیوی حصی دریمه پر څه اوتیا دتیلو په سکتور کبی څر گند وی او په مسلو کبی شپته په دیو رونو دغه پرو گرام د گام او تیلو په برخه کبی فزیا تو لیستمنوهیوادو له پاره وی .

پنا غلی مکنامارا په پای کبی لنډه توگه سره وویل .

نری وال بانک به دپولو نری و لو پسر شی .

حقوقو دجهانی اعلامی او دژینو کنوانسیون ته په ډیر څیرسره احترام وکړی او پخپل پینگ او ثابت عزم سره دعوومی خلع سلاح او دذرویی وسلو دتهدید او ویری مخه وناوودو .

لولوری ته پراختیا و رکړی او دخلکو په منځ کی دیسوه پیاوړی اقتصاد او ټولنیز عدالت په تامینولو کی زیاتی لداکاری وکړی .

دگر دی میز برخه والو حکومتی موسس دی ته چی پخپلو هلوځلو کی چی دوی پخپله طرح کړی دی دهغو په تامینولو او څارنه او تطبیق کی اودو سایلو راغونم ولوته رابولی دغه میز غیر حکومتی موسسی دهغو هلوځلو پرمخ بیولوته رابولی او دبشر سیاسی ټولنیز او اقتصادی حقوقو ته احترام وکړی او وځپیل کوښښو نه دبی وسلی گولو له پاره ډیر پیاوړی او زیات کړی .

په پای کی دگر دی میز دجمعی ارتباطه وسایلو څخه غوښتدی چی پخپلو هنرونو او مهارتونو کی دسولی دپینگښت ملاتړ ، ساتنی

ازدواج و جوانان

نکرده اند که ، با تبادل افکار يك را به روالی بین آنها قایل گردیده و در تالیف روشهای شان موثر واقع شده یا شد. علت دیگر آنکه ، بسیاری از فامیل ها با وجود داشتن افراد روشنفکر در خانواده خویش ، به پاره ای از واقعیت ها پشت بازده و احساس جگر گوشه های شانرا نادیده میگیرند و کوشش می نمایند که بصورت حتم نظر خود را بالای دختران فامیل بپوشانند نحوه ایکه حیلہ آنها کارگر واقع شود بقبولانند .

هنگامیکه پسری با تمام وجود خود احساس میکند ، دختری را بر ای همسری انتخاب کند اما قسماً شرایط برای این اجازه نمیدهد که بصورت مستقیم همراه او بآب مذاکره باز نماید .

در این صورت ، نظر به عرف و عتقنه به فامیل مراجعه نموده و والدین خود را به خواستگاری می فرستد . در همین مواقع صحنه های دیدنی و در نتیجه اثباتی هستی چشمگیر میشود که ، بسیاری از جوانان وفامیل ها با این روشهای مردج آگاهی کامل دارند .

هستند عده ای از زنان و مردانیکه در پیمان فامیل ، خود را به اصطلاح ، پس و پیش و اختیار دار دانسته ، بجزر دیکه از ورود خواستگاران در فامیل آگاهی حاصل مینمایند .

شعله های خود خواهی در آنها اوج گرفته و بگفته عوام «میر غضبی» شان شروع میگردد بدون سنجش معقول و بررسی آگاهانه ، فضل فروشی نموده و مجرب ترین افراد فامیل خود را معرفی میکنند و موضوع اصلی که عبارت از کشور دن با ب مذاکره و جستجوی طرق طرح دوستی جدید می باشد بکلی فراموش گردید و آفتاب احساسات منفی و خود خواهی بر آنها چیره میگردد که ، هیچ گاه حاضر نمیشوند ، خواسته و احساس دختر مورد نظر را ارزیابی نموده و بعد بر عزم خویش از بزرگواری کار گرفته و بیک نتیجه قطعی و مثبت برسند .

اصلاً در چنین مواقع حق مسلم دختران که عبارت از ابراز نظر در مورد انتخاب همسر آینده شان است ، سلب گردیده و آرزوهای رو یایی آنها تماماً و یا قسماً نقش بر آب میشود .

زیرا چنین «کلان کار» ها با مهارتسی که دارند ، اعضای فامیل را زیر تالیف افکار و راهی قرار داده و هرگونه انتقاد و نظر مثبت آنها را نادیده گرفته با اطمینان رویی دوسدند میشوند که بصورت حتمی نظر خود آنها قبول شود .

بعضی دختران با وجود بر خورداری از حقوق مسلم و مساوی در اجتماع ، به اصرار و پافشاری چنین اشخاص و قعی گذشته و حاضر میشوند که ، این عقل های کل « سر نوشت آینده شانرا تعیین نمایند و در نتیجه بار گران این عقد بزرگ روالی را تا زنده اند متحمل گردند .

اما در مقابل ، دختران درك و آنها بیکه از جرات اخلاقی بصورت مثبت استفاده مینمایند در چنین مواقع با دلایل منطقی از حق مسلم خویش دفاع نموده و نمیگذاردند ، آرمانهای حیات نوین شان باز بپوشانند و هشانت اشخاص احساساً سستی قرار گرفته و نازده اند ندامت بکنند .

زیرا مقابلهای داریم که ، در امر ازدواج دختران و پسران ، نسبت کو تا ه نظری عده اشخاص و علم توجه فامیل ها بسیار از دختران نوازسته اند از چانس های در قسمت انتخاب همسر آینده خود استفاده نمائند ، تا آنکه سن شان از سن

بقیه صفحه ۳۳

اسامبله بین المللی ...

برسانند ، و آنگاه خود با در نظر داشت ذوق گرم مردم و مهمانان قرار میگیرند .

رئیس موسسه صحت طفل در جواب سوال که تصویر چنین سمپوزیم را برای اطفال تاجه اندازه مفید و دلچسپ می باشد گفت : تصویر چنین سمپوزیم ها برای اطفال نهایت دلچسپ و مفید میباشد زیرا اطفال معالک مختلف که دارای کلتور ، عادات ، لباس ، رقص و زبان مختلف میباشد دور هم جمع شده و با وجود ندانستن زبان با همدیگر مفاهمه می نمایند و با کلتور همدیگر آشنایی پیدا میکنند . طوریکه در اسامبله بین المللی اطفال منعقد صوفیه دیده شد که اطفال با وجود ندانستن زبان مشترک با یکدیگر دوست شدند آدرس ها تبادل نمودند ، عکسهای یادگاری گرفتند ، بعضی چیز های کوچک را بطور یادگار بیکدیگر دادند ، در رقص ها و بازیهای دستجمعی اشتراک نمودند . از سکرتر سکرتریت سال بین المللی طفل پرسیدم : اطفال از کشور دوست بلغاریا چه ارمغان معنوی با خود بکشور آوردند ؟

چنین پاسخ داد : گروه اطفالیکه به کشور بلغاریا سفر نمودند پیشرفت های یک کشور سوسیالیستی را بچشم دیده و امیدواری پیدا نمودند که دولت جمهوری ما هم می تواند سویه حیات مردم و اطفال را در مدت کوتاه بهتر بسازد .

مدت سی و پنج سال از انقلاب سوسیالیستی کشور بلغاریا می گذرد و کودکان ما از نزدیک شاهد آن شدند که تاجه حد مساحت مختلف حیات از نگاه غذا ، تحصیل ، هنر ، کلتور و آمادگی همه جانبه برای اطفال آن سرزمین مهیا گردیده است . و اطفال ما آرزو دارند که تحصیلات عالی را به بلغاریا بپایان برسانند و البته این آرزوی خود را اظهار نمودند که به خوشی استقبال شد .

در آینده بازم چنین پروگرامی برای اطفال مدنظر خواهد بود ؟

البته مقامات بین المللی تصمیم گرفتند که در سال ۱۹۸۲ و یا ۸۳ یک سمپوزیم جهانی دیگر نیز دایر نمایند که نتایج این سمپوزیم که تحت شعار صلح ، ابتکار و اتحاد

معباری از دواج ، ما لها فاصله گرفته است و با عده ای از دختران به چنان از دواجها بی تن داده اند که عاقبت ناگوار داشته و نتوانسته اند يك زندگی با سعادت را دنبال نمایند . پس بهتر است که در چنین عصر علم و دانش ، فامیلها تا حد توان زمینه های مثبت پویاندهای جگر گوشه ها یا نشانرا بصورت دقیق مطالعه نموده و زندگی آینده دختران را برسر ان خود را نسبت اعصاب و کورتاه نظری ها به خاطر فرار نداده و بگذارند ، آنها نظر به خواش و میل خویش در سازماندهای حیات نوین خود قدم های مثبت بردارند . و خوشبختانه با پیروزی انقلاب ثور و فرمان شماره هفتم شورای انقلاب امروز جوانان ما خود مالک سر نوشت خود شده اند و میتوانند زندگی با طبق دلخواه خویش بسازند .



دایر شده بود در آن بررسی خواهد شد ، در اخیر بحیث نمایندنده افغانستان از مهمان نوازی دولت جمهوری بلغاریا که بمناسبت اسامبله سال بین المللی اطفال ترتیب گردیده بود اظهار شکران مینمایم .

همچنین تشکرات عمیق خود را بدینوسیله به اداره یونسف که مصارف مالی این سفر را عهده دار گردیده بودند تقدیم مینمایم .

بقیه صفحه ۷

خلق نیروی پر توان جامعه

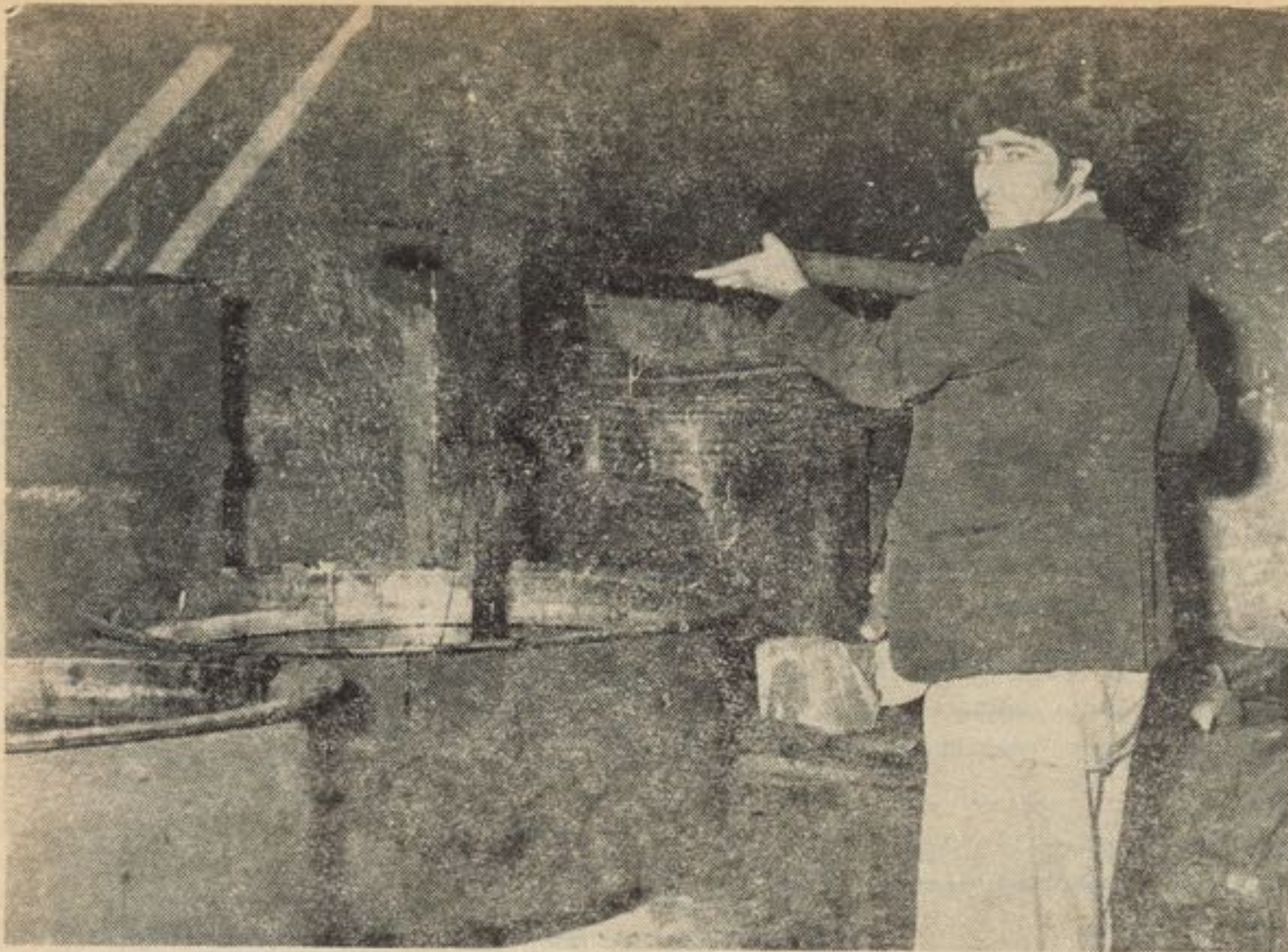
باید زمینه های استثمار فرد از فرد را روز بروز بسزاید و خوردن نمره کارگسی دیگر را ننگ تلقی کند . تبلیغ برای جنگ ، تبلیغ برای نابرابری ملی و نژادی باید جرم شمرده شود . هیچ کس حق نداشته باشد که تساوی حقوق زن و مرد را در نظر و عمل نقض نماید . فحاشی و انواع از حرافات باید از ریشه محو شود . آری همه ی این قیود و امثال آن ، قیودی است انسانی و عادلانه .

روحیه ی انتقاد و انتقاد از خود بحیث يك بر نسب عام پذیرفته می شود بدون این روحیه ایجاد جامعه ی بدون بهره کشانان از انسان کاری است غیر عملی . خلق افغانستان باید خود را مالک کشور خود بداند و با همین روحیه در صدد آبادی و عمران آن بر آید . قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید به بهتر یس روشن ترین وجه این اصل را انعکاس دهد .

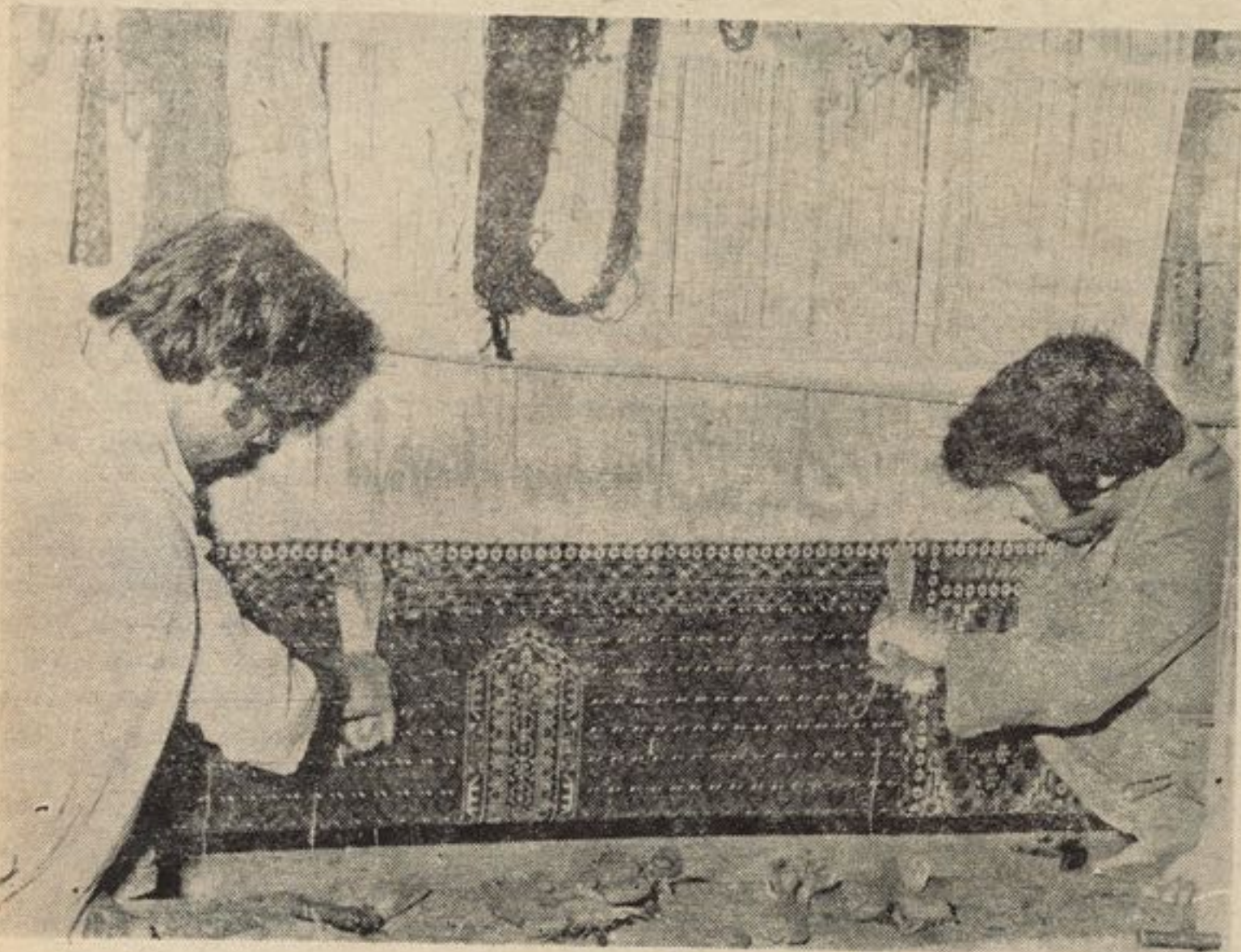
و در اخیر مو جز اینکه محور و محتوای اصلی قانون اساسی ما باید این بر نسب (چنانچه رفیق حفیظ الله امین به وضوح آنرا بیان داشته اند) باشد که بالا ترین ، عالی ترین و نافذ ترین قدرت خلق است ، این خلق است که تاریخ را می سازد ، قانون می آفریند و نعمات مادی را ایجاد می کند .

خلق ما عقیده ای را سخ و خلیل ناپذیر دارد که هما نظور بیکه حزب دموکراتیک خلق افغانستان با تأکید با الفعل و با القوهی خلق کاخ مستگری قرن های مستگران را بابرآه انداختن انقلاب کارگری و ظفر مند ثور از بیخ و بن ویران کرد . جهت تنظیم حیات آسرو مند و مرفه و خوشبخت خلق نیز با قدم های استوار علمی ، عملی و مترقی و انقلابی به پیش خواهد رفت و در بر تو ارزش های این قانون واصل مصونیت ، قانونیت و عدالت ، خلق از همه نعمات مادی و معنوی جامعه بر خورد دار خواهد بود . زنده باد خلق ، آینده از آن ماست از آن خلق افغانستان است .

موریا بهترین



زمانیکه رنگ بته عا برای ساعتها دردیگ جوشانده شه، آنگاه بشمیرا می اندازند و مرحله سستشو و خنک نمودن فرا میرسد.



دو فالین باف ماهر که با دقت تمام به بافتن فالین می پردازند.

يك مادر بهر تربیكه باشد به تربیت فرزندان و دیگر امور خانوادگی خویش رسیدگی مینماید . ولی نباید متکرر آن شد که پدر شدن از عهده این هردو و طلبه کاریست مشکل و حوصله و انرژی بسیار بکار دارد .

س- خوب میرمن یادگیری . در مورد آینده فرزندان نان چه آرزو دارید، یعنی میخواهید که فرزندان شما هم مثل شما فالین باف شوند و یا کدام شغل دیگری را انتخاب کنند ؟

ج- آرزو دارم که فرزندانم بدرجه اول درس بخوانند و تحصیلات خود را تا حد نهایی برسانند و آنگاه خود بادر نظر داشت ذوق

و استعداد خویش شغل آینده خود را انتخاب کنند . و ضمنا در پهلوی تحصیل و مطالعه باید صنعت فالین بافی را نیز بیاموزند .

س- در مورد ازدواج بکدختر در منطقه خود چیزی بگویند ؟

ج- منطقه ما که ماهر و جاق (بالامرغاب) است در سابق یعنی قبل از انقلاب تصور ازدواج بکدختر کاهلا به خرید و فروش يك مساع مینامند . مثلا دختری که در فالین بافی

مهارت زیاد داشته . ماهر او خیلی زیادتر بود . حتی به لك ها امانی میداد . ولی بکدختر بايك پدر در انتخاب همسر هیچ ملاحظتی نداشتند . مسائل به اصطلاح زت گرفتن و شوهر گرفتن از طرف بزرگان قابل صورت می پذیرفت .

س- در مورد مسالی ها و شریکی های امروزی چه عقیده دارید ؟

ج- مسالی ها و شریکی ها امیلا بدره برده بیکار میخورد .

انسان کارگر و هدفمند اصلا فرصت آنرا ندارد که وقت خود را صرف این موضوعات اضافی بنماید . ما مردم فالین باف باید مسالی مادر آن باشد که چگونه بتوانیم فالین بهتر و اعلی تر نسبت بدیگری بیابیم و با اینکه بطور و یکدکام طریق میتوانیم فرزند صالح و مسالی برای جامعه ای خویش تربیت کنیم . نماییم که البته این کار يك مسالی بسیار سالم و انسانی است ...

س- بنظر شما بکنامیل خوشبخت، چطور باید باشد ؟

ج- فالین خوشبخت همان فالیلی را باید گفت که پدر و مادر آن فالیل کسانی باشند که آرزو های انسانی داشته و فرزندان خویش را برای آینده وطن تربیت نمایند . و هردو یعنی پدر و مادر درین راه کمال

دقت و صداقت را مراعات نمایند نه آنکه وسعادتند خانه را بمیدان های نزاع و جنگ مادر و پدر وقت خود را به جنگ وجدال و تبدیل مینمایند . درینصورت شما خود منا فشان بیپوده صرف نمائید . من شخصا مادر و پدر های را می شناسم که به اندک موضوعی باهم مناقشه مینمایند و فضای آرام و سعادتند خانه را بمیدان های نزاع و جنگ تبدیل مینمایند . درینصورت شما خود منا فشان بیپوده صرف نمائید . من شخصا مادر و پدر های را می شناسم که به اندک موضوعی باهم مناقشه مینمایند و فضای آرام

و اجتماعی

روابط انسان ها بین هم و - نیرو های مولده و منا سبات تولید:

پدیده های اجتماعی نیز مانند پدیده های طبیعی قرن ها است فکر دانشمندان را بخود مشغول می دازد.

اما تا پیش از پیدایش علم مرفعی، علوم اجتماعی، علم به معنی واقعی کلمه نبودند و پیش از آنچه واقعیت خارج را منعکس کرده و قوانین تکامل آنرا کشف و بررسی کنند مجموعه ای از حسد سیاه، نظریات شخصی و تصورات ذهنی بدست میدادند و نکته ی رهبر انقلاب کبیرا کتب: «جامعه شناسی و تاریخ نویسی قبل از رهبر کبیر کار گران جهان فاکت های خاتم از هم گسیخته را روی هم می آید است و تصویب ری از برخی جوانب روند تاریخ بدست می داد ...»

تنها پس از پیدایش علوم و ادبیات و زی کار گری است که علوم اجتماعی، نظریه علوم طبیعی بر پایه استوار علمی قرار گرفته و با عنوان ها و قوانین روشن و مشخص علمی سروکار یافته اند، رهبر کبیر پروتاریسای جهان با کشف درک ماتریالیستی تاریخ، ادامه و گسترش ماتریالیسم بر عرصه ی پدیده های اجتماعی، بررسی این پدیده ها را از ذهن گرایی رها کرده و نشان داد که سیستم مناسبات اجتماعی نیز، نظیر پدیده های طبیعی دارای قانونمندی عینی تکامل است و می توان شرایط اقتصادی تولید را «بافت علوم طبیعی» مورد بررسی قرار داد.

کشف رهبر کار گران جهان ما اند هر کشف دوران سازی نیوخ آمیز و قدر عین حال ساده است. رهبر کار گران جهان این فاکت کا بلا ساده و بدیهی را بیان می کند که: انسان ها نخست بسا پند بخوانند، بیوشند، بنوشند، مسکنی داشته باشند تا بتوانند به سیاست علم، هنر، مذهب و غیره بپردازند، بنا بر این تولید و سایر مادی ابتدائی زیست و اذا درجه ی تکامل اقتصادی هر خلق با هر دوران پایه ای را تشکیل میدهد که بر روی آن نهاد های دولتی، نظریات فضاپی هنر و حتی اندیشه های مذهبی انسان های مربوطه فرامی رود. پس از روی آن بسایه است که تا بد اینها را توضیح داد و نه برعکس. آنگاه که تا کنون معمول بود ...»

در واقع کشف رهبر کار گران جهان آنقدر ساده است که ابتدا جزو بدیهیات نظر می آید. روشن است که انسانها برای اینکه اصولا موجود باشند تا بیانشند و هنری آفریننده و دولتی بسا زندگی باید بخورند، بنوشند، بیوشند، مسکن زیاده ای داشته باشند.

اما همین نکته ی ساده و بدیهی قرنها

و فلسفیانها از دید توده ای انسانها و دانشمندان و محققین جامعه انسانی دور بودو هر گاه که کار به بررسی پدیده های اجتماعی و تو صبح حوادث تاریخی می رسید، دانشمندان از درک این امر بدیهی و رابطه ی آن با پدیده های اجتماعی نیاز می ماندند چرا که زیرا سخن تنها بر سر این نیست که انسانها نخست باید بخورند و بنوشند ...

تا بتوانند بیاندیشند و نهاد های دولتی اجتماعی، هنری و مذهبی را بوجود آورند بلکه سخن بر سر این است که انسانها برای اینکه بخورند، بنوشند، بیوشند و غیره نیازمند بهای خود را تولید کنند. (شکار کنند، ماهی بگیرند، گندم بکارند، آرد کنند، نان بپزند، مصالح ساختمانی تهیه کنند، خانه بسازند، پارچه بپازند، لباس بدوزند و غیره و غیره ...)

به عبارت دیگر ساین مطلب بسیار بدیهی است که انسانها باید بخورند، بنوشند، بیوشند ... بدنیال خود این بررسی بسیار مهم و غیر بدیهی را می آورد که انسانها نیازمندی های خود را چگونگی تولید میکنند و در جریان روند مداوم و بدو نوقفه ی تولید چه مناسباتی میان انسان هار قرار می شود و نقش این مناسبات در مجبوعه ی مناسبات میان انسان ها و در بسازمان کلی جامعه ی انسانی چیست ؟

در آغاز قرن هجدهم یک نویسنده ی انگلیسی بنام دانیل دوفو داستانی خیال پر- دازانه ی نوشت بنام «روینسون کروزو» که در آن سرنوشت خیالی یک بازرگان انگلیسی را که برای غرق شدن گنجی در جزیره ی غیر مسکونی افتاد حکایت می کرد. بازرگان انگلیسی کروزو انسان تنها نسی است که راهی با هیچ انباند نگری ندارد و خود به تنهایی وجدان جامعه انسانی همه نیازمند بهای خود را تولید می کند. این داستان خیالی در دوازده هنوز هم در میان کتاب های تربیتی کودکان جای دارد چرا که کروزو نمونه ی بسر جسته ی است از انسان کوشا، کارآمد و خوشبین که در نبرد با طبیعت پیروز می شود و از نظر خصائص بیکار جویا نه می توانست سرمشتقی برای کودکان باشد.

اما جامعه شناسان ما با اقتصاد دانان جامعه یورژوازی به سرنوشت کروزو اهمیت و مقامی براتر از اینها دادند و در باره ی جامعه ی انسانی این تصور را بد آوردند که گویا انسان، تولید کننده ی است مجزا و منفرد و جامعه ی انسانی نسس ترکیبی است از تولید کنندگان منفرد و مجزا (روینسونی) هنوز هم پایه ای بسیاری از تئوری های بورژوازی جسامعه شناسی و اقتصاد سیاسی است و بعین در ستانه های دیو هتوتون هاتدریس می شود.

ناتمام

رژیم خونتالی جیلی برای دوام و دیکتاتوری واستقرار وحشت و اختناق از هیچ نوع جنایت شانه خالی نمی کند. سراسر کشور به انبار خانه سلاح تبدیل شده است. بودجه دولت سراسر تاراج گردیده است. در جامعه جیلی خطرناکترین شیوه فساد اداری و بسروکراسی و اختلاسی اشاعه یافته است. مدت شش سال می شود که سایه تاریک و مگدیری بر آسمان جامعه خلق جیلی توسط ارتجاع سیاه جیلی والیگاری محلی به سر کردگی دار و دسته جنرال بنوچت و کمک مستقیم امپریالیسم و ارتجاع بین المللی گسترده شده است. فرقه های خارجی در سال ۱۹۷۸ بالغ بر (۸۰۰) میلیون دلار گردیده است.

در مورد توری و سرازیر شدن انواع سلاح کشنده هیچ مانع وجود ندارد و اقتصاد کابالا بدست انحصارات امپریالیستی قرار گرفته است. انحصارات غارتگر امپریالیستی از طریق ادغام و بلعیدن شرکتها و موسسات ملی ثروت ها و منابع اقتصادی خلق جیلی را می رباید و به تشبثات خود تحت برده ایجاد

از نیو تایمز ترجمه احسان

سازش های خونتای جیلی با امپریالیسم

اعمال خیانت آمیز بنوچت به منافع اکثریت مردمان جیلی رو بسا روی ضدیت دارد و هیچگاه نخواهد توانست نا خلق جیلی را پیش ازین بفریبد. خلق جیلی امروز بسو بسی دانسته اند که دیکتاتوری فاشیستی مسلط هر روز بدبختی و موانع تازه ای را برای ملت جیلی بیار می آورد. اساسات حقوق بشرمورد اهانت قرار می گیرد. و کرامت انسانی به شیوه های نیو فاشیستی از طرف زمامداران مرتجع جیلی زیر پا می گردد. رژیم دیکتاتوری حسی می خواهد تا ترور وحشت و اختناق را به کشور های مجاور نیز صادر نماید. اتخاذ این سیاست ضد ملی رژیم دارای دوجبهت مشخص می باشد نخست اینکه دایره نفوذ انحصارات

امپریالیستی را وسعت دهد و به نحوی از انحاء منابع آزمندانه این انحصارات را تضمین نماید. ثانیا اینکه از گسترش و تعمیق مبارزات طبقاتی جلوگیری نماید. خلق جیلی از سازش های رژیم دیکتاتوری آگاهی کامل دارند و بانگ اعتراض خود راهواره بر ضد رژیم رساتر می سازند و علی الرغم اعمال بولسرو

دستگاه های آزاد افزایش میدهند وزیر خارجه جیلی در لندن به استقبال گرمی مواجه شد و طی مسافرت او قرار داد های زیادی در زمینه های اقتصادی و نظامی عقد گردید و بعدا اوبه بسن مسافرت خواهد نمود.

درین اواخر در زدوبند های بیشماری بین انحصارات غارتگر غربی و جیلی بر قرار گردیده است که به طور مستقیم و آشکارا بر ضد آزادی و حق حاکمیت خلق بشمار می رود. رژیم دست نشانده بنوچت برای اینکه گریبان خود را از دست خلق آزاده جیلی رها نکرده باشد وعده کاذب انتخابات را الی سال (۱۹۹۱) وعده داده است. ازین وعده رژیم در غرب استقبال زیادی بعمل آمد و آنرا حتی (آزادی) خوبی برای ملت جیلی قلمداد کردند.

وحشت و گرفتاری های سیاسی بی موجب عدم قانونیت، بی مسئولیتی و ترس شعارنهایی و در عین زمان شعار اصلی رژیم بشمار می آید. بارگران تمام این بحرانات و ناموزونی اقتصادی و سیاسی بدوین طبقات زحمتکش کارگران، دهقانان و روشنفکران متر قسی قرار دارد در حالیکه طبقات ارتجاعی استثمارگر از بسن وضع نفع می برند.

جواب نامه های شه

سلام خوانندگان و همکاران عزیز!

به امید سلامتی شما می آغازیم به پاسخ نامه های همکاران عزیزیکه لطف نموده اند، نامه فرستاده اند و مطلب روانه داشته اند: دوست مهربان، رفیق بی نام و نشان! در نوشته بی تان چنین گفته اید که داستان بی ریشه نوشته نیکلای هایتوف که به یمن قلم پرکار محمد قاضی به فارسی برگردانده شده است، آنرا به ناحق به نام عاقل بیرنگ کوهدانی، که گویا ترجمه کرده است، درج کرده اید.

به من بگویید که آقای عاقل بیرنگ کوهدانی به غیر از زبان مادری خود، که آنرا هم از مادر فرا گرفته است، دیگر کدام یک از زبانهای زنده دنیا را میفهمد که به برگردانی داستانی دست یازد و خود را در جرگه مترجمان مطالب سنگین جازند. اگر اینگونه که آقای عاقل بیرنگ کوهدانی فعالیت ادبی میکند چه بهتر که حرمت قلم و کاغذ را پاس بگذارد و شریفانه قلم را بجایش بگذارند و از نشخوارکاری دیگران پرهیز کنند... داستان بی ریشه ترجمه نام نهاد عاقل بیرنگ کوهدانی که بپس و پیش ساختن چند کلمه و برگردانی چند اصطلاح ایرانی به مجله وزین و محبوب ژوندون بچاپ رسیده است... کاریست قصابگونه و قلم بیرنگ کوهدانی هم چون ساطوری که گوشه استخوان ندیده، فقط گوشت جدا کرده و دندان خود را دیده است...

داستان بی ریشه ترجمه محمد قاضی از اینجا شروع میشود: «الان درست یکسال است که در شهر زندگی می کنم و تقریباً هر روز می آیم و روی همین نمیکش می نشینم، اما هیچوقت نشد که کسی اسم مرا بپرسد، بلی هیچکس! تو اول کسی هستی که اسم مرا می پرسد و من از این بابت از تو تشکر می کنم. خدا تو را به حال روز من نیندازد!»

داستان بی ریشه عاقل بیرنگ کوهدانی که ریشه یابی را از ترجمه محمد قاضی کرده است، اینگونه آغاز میشود: «از من می پرسد نام چیست؟ ... از محبت تو سپاسگزارم، اکنون مدت یکسال است که در شهر زندگی می کنم و تقریباً هر روز می آیم و روی همین دراز چوکی می نشینم، اما هیچوقت پیش نیامده که کسی نام مرا بپرسد. بلی هیچکس! تو اولین کسی هستی که نام مرا می پرسد و من از این رهگذر از تو تشکر می کنم. خدا تو را به حال روز من نیندازد!»

در ترجمه محمد قاضی میخوانیم... تا وقتی بچه در خانه بود باز چیزی بود. من قدری با او بازی می کردم، سرش را گرم می کردم و در نتیجه سرخودم هم گرم میشد... پس از آن عروسم تصمیم گرفت بچه را به

پرورشگاه بفرستد، و حالا او فقط هفته ای یک بار بیشتر به خانه نمی آید.

می خواهی بدانی چرا عروسم این کار را کرده است؟ برای اینکه مبادا بچه طرز صحبت کردن دهاتیها را از من یاد بگیرد، بلی، بلی. می ترسد از اینکه بچه مثل دهاتیها حرف بزند با این وصف، من هیچوقت حرفهای بدو بیرام، مثلاً فحش، به بچه یاد نمی دادم. نه، نه، هیچوقت! یک بار هم که من از «چماق» با او حرف زدم داشتیم اسب بازی سوار بازی می کردیم. ولی مادرش از کوره در رفت و گفت:

«بلی، بلی، چماق دیگر چه صیغه ای است؟ چه لغت زشت و زمختی بجای «تعلیمی» به بچه یاد میدی!»

گفتم: دخترم، این هم وژه ای است مثل واژه های دیگر. وقتی تعلیمی یا چوبدستی درشت تر و زمخت تر شد می شود چماق. چرا نباید این لغت را به بچه یاد داد؟ گفت: او که گاوچران نخواهد شد تا به این لغت احتیاج پیدا کند. او به مدرسه خواهد رفت و هر چه لازم باشد خواهد آموخت. به چماق تو احتیاج پیدا نخواهد کرد. و برای همین یک کلمه او را به پرورشگاه فرستاده اند. من این موضوع را برای پسر حکایت کردم و به او گفتم: سیریل عزیزم، به نظرتو بهتر نیست که من به ده برگردم؟ در آن صورت پسر تومی تواند درخانه بماند. اما او خشک و قاطع جواب داد...

در ترجمه مسخ شده بی عاقل بیرنگ کوهدانی میخوانیم... تا وقتی بچه شان نواسه ام درخانه بود باز یک چیزی بود. من قدری با او بازی می کردم، سر او را گرم می کردم و در نتیجه سرخودم هم گرم میشد. پس از آن عروسم تصمیم گرفت بچه را به کودکستان بفرستد و او حالا هفته ای یکبار زیادتر به خانه نمی آید. می خواهی بدانی چرا عروسم این کار را کرده است؟ برای اینکه مبادا بچه طرز گپ زدن دهاتی را از من یاد بگیرد. با این وصف، من هیچگاه حرف های ناو بالا به او یاد نمیدادم، نه، نه، هیچوقت هرگز. به پسر گفتم:

«سیریل عزیزم، به نظر تو بهتر نیست که به ده برگردم. اما او خشک و قاطع جواب داد... و اینست حفظ و رعایت امانت در ترجمه! زنده باد! آفرین!»

و به شباهت ترجمه در متن اصل و بدل دقت کنید که چه زیرکانه و عاقلانه (!) عاقل بیرنگ کوهدانی، سیب از درخت دیگران می چیند... توجه کنید، در اصل میخوانیم... «این چه بوی گندی است که از تومی آید؟ من نمی توانستم دروغ بگویم، لذا گفتم سیر خورده ام. گفت: سیر از کجا آمد؟

گفتم: ای! قدری زنده کردم و خوردم. او آنقدر صبانی شد که نکو. البته داموبنداد راه نینداخت ولی کلماتی که به زبان آورد از تیغ سلطانی برنده تر بود. گفت: خوب، خوب، چشم روشن! پسر تو من شیک ترین مبلهای مدروز را از گوشه و کنار دنیا تهیه می کنیم....

و حال بخوانید که بیرنگ کوهدانی چه ترفند و رنگی در ترجمه بکار برده است... دقت کنید... این چه بوی بدی است که از تومی آید؟ من نمی توانستم دروغ بگویم، گفتم سیر خوردم، گفت: سیر؟ سیر از کجا آمد؟ گفتم قدری کوفتم و خوردم. او آنقدر صبانی شد که نکو! البته چارو جنجال بر پا نکرد ولی کلماتی که بر زبان آورد از تیغ سلطانی برنده تر بود. خوب، خوب، چشم ما روشن، پسر تو من شیک ترین مبل ها را از گوشه و کنار دنیا تهیه می کنیم.... لازم به یادآوریست که داستان بی ریشه در نشریه الفبا و مجله شماره نهم سال سی و هشتم ۲۵۳۶ خوانندگیها به چاپ رسیده است و علاقمندان تحقیق و تتبع جهت مقابله این ریشه ها میتوانند به مآخذ ذکر شده رجوع کنند. (۱)

دوست گرامی، رفیق بی نام و نشان!

از لطف و محبت تان ممنونیم و چه بهتر بود که رخ می نمایانید و با بیرنگ کوهدانی به محکمه ادبی که همانا نقد ادبی گویندش می نشستید و هر که گویا آورد، طرف را یارای سخن گفتن نباشد و نباید کس برنجد زحرف حق، گرچه میگویند که کرو آنچنان دوستی که نرنجد زحرف حق...

حقانیت و سلامت نوشته شما را میگذاریم به قضاوت و داوری خوانندگان و علاوه میکنیم که انتقاد و بحث لازمه اجتناب ناپذیر هر کار خوب فکری (!) است که همیشه محل گفتگوها و اختلاف هاست. بیرنگ کوهدانی خود از دسته قلم بدستانی است که در هر فرصت و وقت از برخورد اندیشه و بازنتاب آن حرف گفته است و یکی از جهات احترام ما به ایشان همین آزاداندیشی و دشمنی احترام به اندیشه دیگران است که او را چنین است. ما تقاضا داریم که آقای م. عاقل بیرنگ کوهدانی پاسخ در خور قبول برای تان ارایه دارد و قناعت تانرا فراهم کند. و از سوی همچون شما مآخذ و منابع مورد ترجمه را برای مجله ژوندون روشن کند که از کدام منبع و زبان در ترجمه داستان بی ریشه استفاده برده است... آنگاه میگوییم که کی حق بظرف است و کی ملامت...

دوست گرامی محمد ناصر از اطلاعات و کلتور نگرهار!

شعر «دعوت سری چندی لاندی» شما را خواندیم و آنرا به متصدی صفحه دوستان سپردیم که در یکی از شماره های مجله، به ترتیب غیر رعایت نوبت بچاپ بپارند و شما همکار عزیز ما را خوشند دارد.

به امید همکاریهای آینده تان، خدا حافظ. رفیق ارجمند احمد فواد معلم صنف نهم متوسطه محمد ایوب!

نامه محتوی فکاهی «پول حمام» و «چند چیزی راجع به سینما» به اداره مواصلت کرد. ممنونیم. اما دوست عزیز گزیده ها و مطالبی را که

به ژوندون میفرستید، بسیار دقت بدارید که بدرد خوانندگان مجله ژوندون بخورد و مطلب ارسالی تان از تمامیت و کلیت برخوردار باشد. متأسفانه مطلب سینمایی شما و آجد آن دو اصل فوق نیست و از این رهگذر از چاپ می ماند.

فکاهی «پول حمام» که از جمله فکاهیات شیرین و نکته دار و طنزگون است، بیش از داشتن خنده، فکر سازنده و خوب دارد.... ولی یک چیز ندارد.. تازگی.

فکاهیات که به مجله ژوندون میفرستید، کوشش کنید که تکراری و شنیدگی نباشد.. فکاهی بی بفرستید که فقط اول بار باشد که ژوندون بچاپ میسپارد... با آنهم بخاطر شما همکار عزیز و ارجمند فکاهی ارسالی شما را به متصدی صفحه خنده میسپاریم که اگر لازم دید در یکی از شماره های مجله به چاپ بپارند.

دوست عزیز، هر گاه فکاهیات بر خنده و مملو از طنز- به شرط اینکه تا هنوز چاپ نشده باشد، بفرستید، به اسم و تخلص خود تان در صفحه مطلوب و خواستی شما به نشر می رسانیم. به این امید، آرزو مندیم همکاری خود را دنبال کنید و با فرستادن فکاهیات خنده انگیز دست اول، مجله محبوب خود را آذین ببندید و صفحه فکاهیاتش را خنده دارتر بسازید.

دوست مهربان خالد از لیسه حبیبیه! داستان کوتاه بی که فرستاده بودید، رسید. ولی از آنجاییکه داستان کوتاه غیر از یک گزارش خبری است از نشر بازماند... دوست مهربان، برای پرورش ذوق هنری و قریحه داستان نویسی تان میتوانستید از داستانهای بزرگان داستان نویسی توشه بگیرید و با حفظ آن نکات چیزی بهتری بنویسید که نواقص فعلی را نداشته باشد. در شماره های قبلی در همین زمینه مطالبی در این صفحه به دست نشر سپردیم که پرهیز از دو باره گویی، توجه تانرا به آن معطوف میکنیم و به انتظار نامه های بعدی شما - خدا حافظ.



مدیر مسئول: شیر محمد کاوه
 معاون: محمد زمان نیکرای
 امر چاپ: علی محمد عثمان زاده
 تلفون دفتر: ۲۶۸۴۹

مطبعه دولتی

(۱) نوشته این رفیق بی نام و نشان مابرای رعایت عفت قلم باز نویسی شده است. اداره



Handwritten text in the bottom left corner, likely a signature or title, though it is difficult to read due to the image quality.

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**